





مرکز مطالعات تطبیقی اسلام
و حقوق بشر دوستانه بین المللی

حمایت از محیط زیست در مناصات مسلمانان

از منظر اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه

دکتر عزیزاله فهیمی

دکتر علی مشهدی

اعضای هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه قم

سرشناسه	: مشهدی، علی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه / علی مشهدی، عزیزاله فهیمی؛ [برای] مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی. تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
مشخصات نشر	: ۲۱۸ ص.
مشخصات ظاهری	: شابک 978-600-114-684-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: حفاظت محیط زیست -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Environmental protection -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: حقوق بین الملل محیط زیست law, International Environmental
موضوع	: جنگ -- جنبه های زیست محیطی War -- Environmental aspects
موضوع	: جنگ -- جنبه های مذهبی -- اسلام War -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: حقوق بین الملل بشردوستانه Humanitarian law
موضوع	: حقوق بین الملل اسلامی International law (Islamic law)
شناسه افزوده	: فهیمی، عزیزاله، ۱۳۴۰ -
شناسه افزوده	: مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ح ۸ م / ۱۵۵ / ۲۳۰ BP
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷ / ۶۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۹۰۳۹۴



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه - پلاک ۱۳۴ - واحد ۲

تلفن: ۵ ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ ۶۶۴۹۰۵۸۴

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۹۲ تلفن: ۶۶۹۵۰۷۵۹ - ۶۶۷۵۵۹۱۰

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: WWW.Khorsandypub.com

حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه

از منظر اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه

دکتر عزیزاله فهیمی - دکتر علی مشهدی

چاپ اول: ۱۳۹۵ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-684-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۶۸۴-۸

قال الله تعالى عز وجل:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره روم، ۴۱).

فساد در خشکی و دریا به دلیل اعمالی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشانند، شاید (به سوی حق) بازگردند.

قال رسول الله (ص):

«...لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُغْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعاً وَلَا تَغْفِرُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مِمَّا يُؤْكَلُ كَحُمَةِ إِبِلٍ مَا لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهِ...» (وسائل الشیعه؛ ج ۱۵: ۵۹).

درخت خرما را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید و درخت میوه را قطع نکنید و مزارع را آتش نزنید و از کشتن حیوانات اهلی پرهیزید؛ مگر در صورتی که ناچارید از گوشت آن استفاده کنید.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۵		مقدمه
۱۷		دییاجه
۲۳		فصل اول: مفاهیم، مبانی و تاریخچه حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه
۲۵		مبحث اول - مفاهیم بنیادین
۲۵		گفتار اول - محیط زیست
۲۵		الف) معانی و برداشت های متعدد از محیط زیست
۲۶		ب) معنای لغوی
۲۶		۱. «محیط» و «زیست»
۲۶		۲. البینه
۲۶		ج) معنای اصطلاحی
۲۸		د) اسناد حقوقی
۲۹		هـ) مفهوم محیط زیست از منظر اسلامی
۳۰		۱. جنگل ها و مراتع
۳۱		۲. هوا (باد)
۳۲		۳. زمین
۳۳		۴. آب
۳۴		گفتار دوم - حقوق بشردوستانه
۳۷		گفتار سوم - حقوق بشر و حقوق بشردوستانه زیست محیطی
۳۷		الف) حقوق بشر زیست محیطی
۳۹		ب) حقوق بشردوستانه زیست محیطی
۳۹		۱. مفهوم حقوق بشردوستانه زیست محیطی
۴۰		۲. حقوق بشردوستانه زیست محیطی اسلامی
۴۱		مبحث دوم - مبانی ملاحظات زیست محیطی در مخاصمات مسلحانه
۴۲		گفتار اول - رویکرد انسان محور
۴۲		الف) ارزش انسان در برابر طبیعت
۴۳		ب) اومانیسم و سودانگاری

۴۴	گفتار دوم - رویکرد طبیعت‌محور
۴۴	الف) ارزش مستقل طبیعت در برابر انسان
۴۵	ب) صلح پایدار میان انسان و طبیعت
۴۷	گفتار سوم - رویکرد اسلامی (خدامحور)
۴۷	الف) محیط‌زیست در اندیشه اسلامی
۴۸	ب) اصول و مبانی بنیادین
۴۸	۱. طبیعت به عنوان نظام احسن
۴۹	۲. لزوم حفاظت از طبیعت
۴۹	۳. هدفمند بودن نظام طبیعت
۴۹	۴. تکلیف مداری مسلمانان در برابر محیط‌زیست
۵۰	۵. طبیعت به عنوان امانت
۵۰	۶. مقابله با فساد و تباهی طبیعت
۵۱	ج) مبانی معرفتی
۵۱	۱. طبیعت نشانه قدرت و عظمت الهی
۵۲	۲. قداست طبیعت و ممنوعیت آسیب
۵۲	۳. نگاه توحیدی به طبیعت و محیط‌زیست
۵۳	۴. ممنوعیت جنگ و پیام‌آور صلح
۵۳	۵. تسخیر طبیعت و خلیفه شایسته
۵۵	مبحث سوم - تاریخچه حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه
۵۶	گفتار اول - گذشته دور؛ از انسان ناتوان تا انسان ستیزه‌جو با طبیعت
۵۶	بند اول - انسان مقهور و ناتوان
۵۶	الف) ویژگی‌های عمومی این دوره
۵۷	ب) ویژگی‌های این دوره از منظر اسلامی
۵۸	بند دوم - انسان ستیزه‌جو
۵۸	الف) ویژگی‌های عمومی این دوره
۵۸	ب) ویژگی‌های این دوره از منظر اسلامی
۵۹	۱. نهی از کشتن بی‌گناهان
۵۹	۲. حفظ نسل
۶۰	گفتار دوم - گذشته نزدیک؛ از انسان فاتح تا عصر اکولوژی
۶۰	بند اول - انسان فاتح
۶۱	الف) از انقلاب صنعتی تا جنگ جهانی دوم

۶۱	ب) از جنگ جهانی دوم تا استکهلم
۶۲	بند دوم - عصر اکولوژی
۶۳	الف) از استکهلم تا ریو
۶۴	ب) از ریو تا کنون
۶۶	ج) وضعیت کشورهای اسلامی
۶۹	فصل دوم: منابع حمایت از محیط‌زیست در حقوق بشردوستانه و اسلام
۷۱	مبحث اول - منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه و محیط‌زیست
۷۲	گفتار اول - حقوق قراردادی
۷۲	بند اول - جایگاه و اهمیت حقوق قراردادی
۷۴	بند دوم - معرفی مهم‌ترین اسناد و تعهدات حقوق قراردادی
۷۵	۱. کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه ناظر بر قوانین و عرف‌های جنگ زمینی
۷۶	۲. کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد نحوه رفتار با اسرای جنگی
۷۶	۳. کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو
۷۷	۴. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷)
۸۱	۵. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷)
۸۲	۶. کنوانسیون انمود (۱۹۷۶)
۸۳	۷. کنوانسیون سلاح‌های متعارف (۱۹۸۰)
۸۳	۸. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)
۸۵	گفتار دوم - عرف
۸۶	گفتار سوم - اصول کلی حقوق
۸۷	گفتار چهارم - رویه قضایی
۸۹	گفتار پنجم - حقوق نرم
۹۰	مبحث دوم - منابع اسلامی حمایت محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه
۹۰	گفتار اول - قرآن
۹۰	بند اول - رویکرد حمایتی قرآن کریم
۹۱	۱. تأکید قرآن بر مطالعه و شناخت طبیعت
۹۲	۲. قرآن کریم طبیعت را از آیة‌های الهی برشمرده است
۹۲	۳. به هم پیوستگی و هماهنگی نظام طبیعت
۹۲	۴. تأثیرپذیری انسان از مظاهر طبیعی
۹۳	۵. طبیعت در تسخیر انسان

۶. زمین محل قرار و آرامش انسان (جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا)..... ۹۵
۷. قرآن، صلح و محیط‌زیست جهانی..... ۹۵
۸. آبادانی به جای جنگ و تخریب..... ۹۶
- بند دوم - مهم‌ترین آیات قرآن..... ۹۶
- الف) آیات مربوط به منع فساد در زمین..... ۹۷
۱. لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا..... ۹۷
۲. وَإِذَا تَوَلَّى..... ۹۷
۳. الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ..... ۹۸
۴. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ..... ۹۸
۵. وَلَٰكَا تَغْتَوَّا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ..... ۹۹
- ب) آیات مربوط به انفال و حفاظت از منابع طبیعی..... ۱۰۰
- گفتار دوم - سنت..... ۱۰۲
- بند اول - جایگاه و اهمیت محیط‌زیست در سنت..... ۱۰۲
- بند دوم - مهم‌ترین و شاخص‌ترین روایات..... ۱۰۳
- الف) پیامبر گرامی اسلام..... ۱۰۳
- ب) اهل بیت و معصومین (ع)..... ۱۰۶
- ج) روایات مهم پیرامون محیط‌زیست و مخاصمه..... ۱۰۹
۱. روایت ابی حمزه ثمالی..... ۱۱۰
۲. روایت سکونی..... ۱۱۰
۳. روایت حفص بن قیاس..... ۱۱۰
۴. روایت مسعده بن صدقه..... ۱۱۱
۵. روایت جمیل ابن دراج..... ۱۱۱
- گفتار سوم - اصول و قواعد فقهی..... ۱۱۲
- الف) قاعده لاضرر..... ۱۱۲
۱. لاضرر و حفظ محیط‌زیست در زمان صلح..... ۱۱۲
۲. لاضرر و حفظ محیط‌زیست در زمان جنگ..... ۱۱۳
- ب) قاعده لایقتل غیر مقاتل..... ۱۱۴
- ج) قاعده نفی اعتداء..... ۱۱۵
- د) قاعده دفاع و جهاد..... ۱۱۵
- ه) قاعده ضمان..... ۱۱۵
- ی) قاعده اتلاف..... ۱۱۶

گفتار چهارم - عقل.....	۱۱۷
گفتار پنجم - آثار نویسندگان اسلامی.....	۱۱۸
الف) آثار مرتبط با علوم طبیعی اسلامی.....	۱۱۸
ب) آثار عرفانی و الهیاتی (الهیات محیط زیست).....	۱۱۹
ج) آثار فقهی.....	۱۱۹
۱. از باب حرمت.....	۱۲۰
۲. از باب وجوب.....	۱۲۰
۳. از باب کراهت.....	۱۲۰
۴. از باب استحباب.....	۱۲۱
فصل سوم: تحلیل قواعد و نظام عمومی حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه..... ۱۲۳	
مبحث اول - حقوق ژنو: تحلیل زیست محیطی قواعد ناظر بر حمایت از غیرنظامیان و اشخاصی که سلاح بر زمین نهاده اند.....	۱۲۵
گفتار اول - غیرنظامیان.....	۱۲۵
بند اول - حقوق بین الملل بشردوستانه.....	۱۲۵
۱. عدم نگهداری غیرنظامیان در مناطق آلوده.....	۱۲۶
۲. عدم حمله به مناطق دارای جمعیت غیرنظامی.....	۱۲۶
۳. تفکیک میان منابع نظامی و جمعیت غیرنظامی.....	۱۲۷
۴. شرایط زیستی و بهداشتی غیرنظامیان بازداشت شده.....	۱۲۷
بند دوم - حقوق اسلام.....	۱۲۹
گفتار دوم - اسرای جنگی.....	۱۳۰
بند اول - حقوق بین الملل بشردوستانه.....	۱۳۱
۱. دسترسی به منابع آب و غذا در هنگام انتقال و پیاده روی اسیران.....	۱۳۱
۲. تأمین آب و هوای سالم و انتقال از مناطق آلوده.....	۱۳۲
۳. شرایط زیستی در اردوگاه.....	۱۳۳
۴. دسترسی به آب آشامیدنی سالم.....	۱۳۳
۵. پاکیزگی و بهداشت اردوگاه های اسرا.....	۱۳۴
۶. شرایط بهداشت محیط کارگاه های کار اسیران جنگی.....	۱۳۵
۷. دسترسی به هوای سالم و کافی.....	۱۳۵
۸. حق دسترسی به غذای سالم و کافی.....	۱۳۶
بند دوم - حقوق اسلام.....	۱۳۶

- گفتار سوم - مجروحان و بیماران جنگی ۱۳۷
- مبحث دوم - حقوق لاهه: تحلیل قواعد ناظر بر محدودیت ابزارها و روش‌های جنگ از منظر محیط‌زیست ۱۳۷
- گفتار اول - رابطه قواعد لاهه و حفاظت از محیط‌زیست ۱۳۸
- گفتار دوم - انواع و مصادیق محدودیت ابزارها و روش‌های جنگی ۱۳۹
- بند اول - تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست ۱۴۰
- الف) حقوق بشردوستانه موجود ۱۴۰
- ب) حقوق اسلام ۱۴۰
- بند دوم - سلاح شیمیایی، سمی، میکروبی و بیولوژیک ۱۴۱
- الف) حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۱۴۱
- ب) حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۴۲
۱. پیشینه بحث در اسلام ۱۴۲
۲. حکم فقهی استفاده از سم و سلاح‌های زهرآلود ۱۴۲
- بند سوم - سلاح هسته‌ای ۱۴۶
- الف) حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۱۴۶
- ب) حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۴۷
- بند چهارم - سلاح‌های آتش‌زا ۱۴۸
- الف) حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۱۴۸
- ب) حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۴۹
- فصل چهارم: تحلیل قواعد و نظام اختصاصی حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه** ۱۵۱
- مبحث اول - جنگل و پوشش گیاهی ۱۵۳
- گفتار اول - حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۱۵۳
- الف) قواعد عام ۱۵۴
- ب) قواعد خاص ۱۵۵
- گفتار دوم - حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۵۶
- الف) اهمیت جنگل و پوشش گیاهی در اسلام ۱۵۶
- ب) ممنوعیت قطع درختان در زمان صلح و جنگ ۱۵۷
- ج) برخی احکام فقهی ۱۵۹
- مبحث دوم - آب و منابع آبی ۱۶۰
- گفتار اول - حفاظت از آب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۱۶۱

۱۶۱	۱. آب به عنوان تاکتیک و سلاح جنگی
۱۶۱	۲. آب زمینه‌ساز بروز مخاصمه
۱۶۲	الف) قواعد عام
۱۶۴	ب) قواعد خاص
۱۶۴	۱. قواعد هلسینکی
۱۶۴	۱-۱. تغییر مسیر آبراهه‌ها
۱۶۵	۱-۲. آلوده نمودن آب
۱۶۵	۱-۳. ممنوعیت تخریب تأسیسات آبی
۱۶۵	۲. کنوانسیون استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی
۱۶۵	گفتار دوم - حفاظت از آب‌ها در حقوق بشردوستانه اسلامی
۱۶۶	الف) اهمیت حمایت از آب‌ها در منابع اسلامی در زمان جنگ و صلح
۱۶۷	ب) نهی از آلوده نمودن آب
۱۶۸	ج) حمایت از آب در زمان جنگ
۱۶۸	۱. استفاده از آب به عنوان تاکتیک جنگی
۱۶۹	۲. مسموم نمودن آب
۱۶۹	۳. بستن آب بر روی دشمن
۱۷۲	۴. بستن آب بر روی غیرنظامیان دشمن
۱۷۲	۵. حق بر آب اسرای جنگی
۱۷۳	۶. حفظ تأسیسات و منابع آبی
۱۷۳	مبحث سوم - حیوانات
۱۷۳	گفتار اول - حقوق بین‌الملل بشردوستانه
۱۷۴	الف) حیوانات به عنوان ابزارها و روش جنگ
۱۷۴	۱. اسب
۱۷۴	۲. فیل
۱۷۵	۳. شتر
۱۷۷	ب) حیوانات غیرجنگی
۱۷۷	گفتار دوم - حقوق بشردوستانه اسلامی
۱۷۸	الف) اهمیت توجه به حیوان و حقوق آن
۱۸۲	ب) حمایت عام از حیوانات (هم در زمان صلح و هم جنگ)
۱۸۲	ج) حمایت اختصاصی از حیوانات در زمان جنگ
۱۸۲	۱. منع آسیب به حیوانات غیرنظامی

۲. رفتار انسانی با حیوانات در جنگ ۱۸۳
۳. ممنوعیت پی کردن حیوانات (عقر) ۱۸۳
۴. ممنوعیت نشانه گیری حیوانات ۱۸۶
۵. اسیر کردن حیوانات ۱۸۸
۶. ممنوعیت کشتار بیهوده حیوانات ۱۸۸
- مبحث چهارم - خاک ۱۸۹
- گفتار اول - حقوق بین الملل بشردوستانه ۱۸۹
۱. آلودگی خاک و زمین به انواع مین ها و سلاح هایی سبک و سنگین ۱۸۹
۲. آلودگی خاک با انواع سلاح های میکروبی، شیمیایی، سمی و هسته ای ۱۹۰
۳. نابودی و تخریب اراضی و خاک های مرغوب کشاورزی و زراعی ۱۹۰
۴. تغییر شکل اراضی و خاک ها از طریق استفاده از آب و خاک و نوع سلاح و تاکتیک رزم ۱۹۱
۵. گسترش آلودگی خاک و ریزگردها در بلندمدت به ویژه در مناطق خشکی و بیابانی از طریق نابودی زمین ۱۹۱
- گفتار دوم - حفاظت از خاک از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۹۱
- مبحث پنجم - هوا ۱۹۶
- گفتار اول - حقوق بین الملل بشردوستانه ۱۹۶
- گفتار دوم - حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۹۷
- الف) اهمیت هوا و باد از منظر اسلام ۱۹۷
۱. آیات قرآن ۱۹۷
۲. روایات ۱۹۹
- ب) هوا و قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی ۲۰۰
- بر آیند ۲۰۳
- منابع و مآخذ ۲۰۷

مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مقررات ناظر بر رفتار نیروهای متخاصم در زمان جنگ است که حق طرفین درگیر را در بکارگیری شیوه‌ها و ابزار جنگی محدود ساخته و از افراد انسانی، اماکن غیر نظامی و محیط زیست در زمان جنگ حمایت می‌کند. اگر چه شکل‌گیری این حقوق در قالب اسناد بین‌المللی موجود امری جدید است و حاصل تلاش و پیگیری انسان‌های خیرخواه بوده است، لکن مبانی و پیشینه تاریخی آن به ادیان توحیدی بر می‌گردد. در این میان سهم اسلام در بنیادگذاری نهادها و قواعد بشردوستانه از صدر اول یعنی عصر نبوی برجسته و ممتاز است. با بروز مخاصمات بین‌المللی و داخلی متعدد از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در مناطق مختلف جهان، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به برقراری ارتباط و گفتگو با مجامع علمی اسلامی بویژه حوزه علمیه قم برای بهره‌گیری از ظرفیت عالمان اسلامی به منظور ترویج و نشر ارزش‌های مشترک بشردوستانه اهتمام ورزید. بر این پایه، دیدارها، جلسات گفتگو و تبادل نظر با اندیشمندان حوزه علمیه و مراجع معظم تقلید برگزار شد که مجموعه این تلاش‌ها به برگزاری همایش‌های بین‌المللی و ملی در این خصوص منجر گردید. برای استمرار این حرکت و به ثمر رساندن این تلاش‌ها، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه در قم و با حمایت نهادهای ذیربط جمهوری اسلامی ایران از جمله جمعیت هلال احمر و نیز کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأسیس گشته و در این راستا فعالیت دارد.

ترویج و نشر میراث غنی اسلامی در زمینه حمایت از اشخاص، اماکن، محیط زیست و اموال غیرنظامی در جنگ و محدودیت در بکارگیری سلاح‌ها، هدف و موضوع اصلی فعالیت این مرکز است. نشر این میراث گرانبها که در قالب آیات الهی قرآن کریم، احادیث نبوی و ائمه معصومین علیهم السلام، سیره عملی این بزرگواران و نیز منابع فقهی منعکس

است، امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته و پر اهمیت است؛ ابتدای این مجموعه عظیم، بر وحی الهی، مخاطب قرار دادن وجدان و ایمان انسان‌ها و اعطای صبغه معنوی و تکلیف دینی به رعایت حقوق بشردوستانه، بیانگر این اهمیت است.

در این چارچوب، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه، علاوه بر انتشار مجموعه مقالات همایش‌ها و نشست‌های علمی خود، یک دوره چندی جلدی از «بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه از "منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه" را با عناوینی چون اشخاص و گروه‌های مورد حمایت، حمایت از اسیران و بازداشت شدگان در مخاصمات مسلحانه، حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه و نیز عناوین دیگر را در دست انتشار دارد.

کتاب حاضر با عنوان «حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل» جلد اول این مجموعه جدید است که موضوع بحث را علاوه بر منابع حقوق بشردوستانه، در منابع دست اول اسلامی یعنی قرآن کریم و سنت (احادیث و سیره عملی معصومین علیهم السلام) تعقیب نموده؛ برای تبیین حدود و قلمرو قواعد بشردوستانه اسلامی در زمینه حفاظت و حمایت از محیط زیست در زمان جنگ، از منابع فقه اسلامی بهره جسته است.

مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی از محققان محترم و مولفان این اثر آقایان دکتر عزیزالله فهیمی و دکتر علی مشهدی اعضای هیات علمی دانشگاه قم تشکر نموده و از آقای دکتر غلامعلی قاسمی عضو هیات علمی دانشکده حقوق این دانشگاه برای انجام ارزیابی و نظارت علمی بر انتشار آن قدردانی می‌نماید. همچنین پیگیری و تلاش کارکنان مرکز مطالعات در امر آماده‌سازی و چاپ مورد تقدیر است و از مدیریت محترم انتشارات خرسندی نیز برای چاپ این کتاب قدردانی می‌شود.

دیباچه

۱. انسان امروز، یک محیط‌زیست بیشتر ندارد و این فضا نیز متعلق به همه است. این تنها امانت الهی می‌باید در هنگام جنگ و صلح مصون از تخریب و تباهی قرار گیرد. وجود کنوانسیون‌ها و شکل‌گیری قواعد متعدد در مورد جنگ‌ها نشانگر این نگرانی است که مخاصمات مسلحانه می‌باید حد و مرزی داشته باشد. در آموزه‌های دین مبین اسلام این موضوع از گذشته‌های دور مورد توجه بوده است. از جمله آثار ناگوار مخاصمات که در اسلام مورد توجه است، نابودی حرث و نسل است.

۲. از گذشته‌های دور تا به امروز جنگ‌ها علاوه بر انسان‌ها، همواره آثار زیانباری بر محیط‌زیست از خود بر جای گذاشته است. تخریب منابع طبیعی و آلودگی گسترده منابع آب و هوا و خاک از شاخص‌ترین این آثار هستند. به دیگر سخن، باید گفت آثار مخاصمه تنها ناظر به وضعیت‌های ناگوار انسانی نیست؛ بلکه آثار ناگوار جنگ بر محیط‌زیست انسانی و طبیعی نیز قابل تسری است.

۳. به همین سبب نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حقوق اسلام و حقوق کنونی از زمان شکل‌گیری تاکنون موضوع محیط‌زیست را به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد حمایت قرار داده است. این قواعد را می‌توان در چارچوب دو حوزه معروف قواعد ژنو و قواعد لاهه مورد ملاحظه قرار داد. علاوه بر این موضوع حمایت از محیط در اسلام و به‌ویژه وضعیت جنگ و مخاصمه نیز در منابع اسلامی به نحو گسترده‌ای مورد توجه واقع شده است.

۴. در تعالیم و احکام اسلامی، هم در چارچوب قواعد ناظر بر جنگ و هم قواعد ناظر بر حمایت از غیرنظامیان می‌توان قواعد و احکام و تعالیم متعددی را در زمینه

حفاظت از محیط زیست یافت. برای مثال در مورد روش های جنگ، محدودیت های متعددی وجود دارد از جمله اینکه نمی توان از منابع آبی به عنوان سلاح استفاده نمود، مزارع را آتش زد، درختان میوه را قطع نمود. در رفتار با اسرا و غیرنظامیان باید حداقل شرایط زیستی مناسب، از جمله آب و غذا را فراهم نمود.

۵. در این میان و با رویکرد زیست محیطی به مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام، مسئله اساسی این است که در حقوق اسلام و نیز در حقوق بشردوستانه موجود چگونه محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه مورد حمایت و حفاظت قرار می گیرد و قلمرو این قواعد چگونه صورت بندی می شود؟ بر این اساس در این نوشتار سعی شده است، قواعد ناظر به حفاظت از محیط زیست در وضعیت جنگ را از منظر دو نظام پیش گفته (حقوق اسلام و حقوق بشردوستانه) مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

۶. از لحاظ نظری پیشینه تاریخی بحث و تحقیق در این حوزه، باید گفت که توجه به محیط زیست و حقوق بشردوستانه به سال های بعد از جنگ جهانی دوم و مشخصاً سال های دهه ۱۹۷۰ برمی گردد. لیکن از لحاظ پژوهشی در میان مطالعات حوزه حقوق بشردوستانه و محیط زیست به ویژه رویکرد اسلامی، به جز معدود کتب حقوق محیط زیست و حقوق بشردوستانه از جمله کتاب آقای بختیاری اصل و منابعی که در فهرست منابع آورده شده است، اثر جدی و کاملی مشاهده نمی شود. این کتب نیز به گونه ای گذرا به این بحث پرداخته اند.

۷. در مطالعات حوزه حقوق بشردوستانه و محیط زیست، فارغ از رویکرد اسلامی، اثر آقای بختیاری اصل از انتشارات وزارت امور خارجه^۱، کار مناسبی است ولی با توجه به گذشت حدود بیست سال از چاپ، مباحث کتاب اندکی قدیمی می نماید و البته در این کتاب رویکرد اسلامی نیز بحث نشده است. کار پژوهشی نسبتاً جامع و موفق نیز به همت برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشردوستانه موجود در سال های اخیر انجام شده است که توسط آقایان سید علی حسینی آزاد و مهرداد محمدی دانشجویان دکتری حقوق بین الملل به زبان فارسی برگردانده شده است.^۲ بدیهی است

۱. بختیاری اصل، فربرز، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی، انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۳۷۶.

۲. حسینی آزاد، سید علی و مهرداد محمدی، حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل، انتشارات پژوهش های حقوقی شهردانش، چ اول، ۱۳۹۲.

این اثر وزین نیز علاوه بر ترجمه بودن، متمرکز بر حقوق بشردوستانه موجود است و به نظام حقوقی اسلام نپرداخته است. همچنین کتاب دیگری تحت عنوان «حمایت از محیط‌زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه»^۱ توسط مرکز اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی منتشر گردیده است. بخشی از این کتاب تنها محدود به تحقیق در منابع اسلامی حمایت از محیط‌زیست در حقوق بشردوستانه شده است و فارغ از تحلیل و تطبیق تفصیلی دو نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق اسلام است.

۸. در میان آثار مرتبط با حقوق بشردوستانه اسلامی نیز مقالات پراکنده‌ای وجود دارد که در فهرست مطالب به همه آنها مراجعه شده است. باین حال کتب مشخصی که به این امر پرداخته شده باشد یافت نگردید. تنها می‌توان از کتاب فقه الیه تألیف مرحوم آیت‌الله سید محمد شیرازی یاد نمود که در دو فصل یعنی فصل ۲۱ (اهلاک الحرث و النسل یا تخریب کشت و زرع و تولیدمثل) و فصل ۲۳ (التلوث نتیجة الحروب یا آلودگی ناشی از مخاصمات مسلحانه) به این امر پرداخته‌اند.

۹. بنابراین یکی از اهداف اصلی تقریر این کتاب آن است که به صورت جامع و تفصیلی نظام حاکم بر این دو حوزه تحلیل و بررسی گردد. به عبارت دیگر این اثر در واقع حلقه ارتباط سه حوزه «حقوق بشر دوستانه»، «حقوق محیط‌زیست» و «حقوق اسلام» است. از اهداف اساسی که این پژوهش به دنبال آن است می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) مطالعه روشمند نظام حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق اسلام؛

ب) مقایسه و ارزیابی قواعد دو نظام؛

ج) مطالعه و آسیب شناسی قواعد موجود؛

د) دستیابی به یک متن مدون آموزشی برای گروه‌های هدف.

۱۰. این بررسی بنیادی و نظری و توسعه‌ای درعین حال دارای ابعاد علمی و کاربردی نیز می‌باشد که می‌تواند برای دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر از لحاظ پژوهشی خلأ نظری در این زمینه را پرمی‌نماید، از نظر آموزشی در صورت انتشار می‌تواند به عنوان منبع فرعی و احیاناً اصلی آموزشی باشد.

۱. لطفی، عبدالرضا، نادر اخگری بناب و محمدرضا فقهی، حمایت از محیط زیست اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چ اول، ۱۳۸۹.

۱۱. ضرورت حفاظت محیط‌زیست در هنگام جنگ از این امر ناشی می‌شود که وضعیت تخریب و نابودی محیط‌زیست به مراتب شدیدتر از وضعیت‌های دیگر است. در هنگام مخاصمه تخریب محیط‌زیست شدت بیشتری به خود می‌گیرد که این امر به نوبه خود ناشی از وضعیت و فضای حاکم بر مخاصمات مسلحانه میان کشورها است. اهمیت این نکته با دقت در این مسئله آشکار می‌شود که تخریب محیط‌زیست در وضعیت عادی و غیرجنگی نیز وضعیت مناسبی ندارد.

۱۲. درواقع از لحاظ تاریخی می‌توانیم تخریب محیط‌زیست را در سه وضعیت مورد توجه و تأمل قرار دهیم که عبارت از وضعیت قبل از شکل‌گیری بحران محیط‌زیست، وضعیت معمول میان کشورها بعد از شکل‌گیری بحران و وضعیت مخاصمه و جنگ است. تا قبل از عصر اکولوژی محیط‌زیست و منابع طبیعی در وضعیت‌های معمولی چندان در معرض تخریب قرار نداشت. اما با توسعه صنعتی و آغاز بحران محیط‌زیست به‌ویژه بعد از نیمه دوم قرن بیستم شاهد افزایش تخریب محیط‌زیست هستیم.

۱۳. بیشترین قواعد حقوق محیط‌زیست در این مرحله متمرکز بر حفاظت از محیط‌زیست در چهارچوب وضعیت‌های جاری حاکم بر توسعه کشورها است. بنابراین در مرحله دوم شاهد شکل‌گیری بحران محیط‌زیست هستیم. بحرانی که نه در وضعیت جنگی، بلکه در وضعیت معمول حاکم در مناسبات میان کشورها اتفاق افتاده است. به عبارت دیگر محیط‌زیست برخلاف سایر مناسبات اقتصادی اجتماعی حتی در حالت عادی، وضعیت چندان مناسبی را از لحاظ حمایت و حفاظت برخوردار نیست. شکل‌گیری نظام بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست نیز برای حمایت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن در روابط و مناسبات معمول میان کشورهاست. بنابراین به راحتی می‌توان فهمید که چگونه وضعیت محیط‌زیست در هنگام مخاصمات مسلحانه در یک وضعیت بغرنج و حساس قرار می‌گیرد.

۱۴. سؤال اصلی این پژوهش بررسی این امر است که: قواعد ناظر بر نظام حقوق بشر دوستانه برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه به‌ویژه از منظر اسلام چگونه شکل گرفته و تحول یافته است؟ در این راستا سؤالات فرعی متعددی نیز مطرح است از جمله اینکه رویکرد منابع اسلامی به ضرورت حفظ محیط‌زیست در زمان جنگ کدام است؟ استثنائات این امر شامل چه مواردی می‌شود؟ در مقام مقایسه

چه تمایزی میان قواعد زمان جنگ و صلح وجود دارد؟ نظام حقوق اسلام از چه طریقی به حفظ محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه کمک می‌نماید؟

۱۵. فرضیه بنیادین این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی بر این مبنا استوار است که برای حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه قواعد نسبتاً جامع و مشخصی در حقوق اسلام و حقوق بشردوستانه می‌توان یافت. بخشی از این قواعد ناشی از منابع حقوق اسلام و بخشی دیگر در انطباق این منابع با مسائل روز حقوق بین‌الملل تفسیر می‌شوند.

۱۶. روش پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و منابع روز در دسترس است. از لحاظ روش‌شناختی، در تحلیل مسائل این دو حوزه، هم براساس روش جزئی (دگماتیسم حقوقی) که مبتنی بر توصیف نظام حقوقی است و هم روش سیستمیک که مبتنی بر نقد کفایت و سودمندی قواعد نظام حقوقی است، استفاده شده است.

۱۷. در این اثر سعی شده است ابتدا مفاهیم، مبانی، پیشینه، منابع و قواعد عمومی حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه بحث و تحلیل گردد. بعد از بررسی مقدمات در یک چهارچوب مشخص، ابتدا نظام عمومی حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و قواعد موجود، در دو محور جداگانه، یعنی حمایت از غیرنظامیان و اشخاص غیردرگیر در جنگ (حقوق ژنو) و محدودیت ابزارها و روش‌های جنگ (حقوق لاهه) بحث نموده‌ایم و آنگاه در فصل نهایی، نظام اختصاصی حمایت از محیط‌زیست را به صورت مشخص در زمینه آب، جنگل و پوشش گیاهی، حیوانات و حیات وحش، خاک و سایر حوزه‌های مهم زیست‌محیطی تحلیل نموده‌ایم.

۱۸. در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تألیف این کتاب یاری نمودند، از جمله مرکز مطالعات اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که با حمایت‌ها و پیگیری‌ها زمینه تألیف این کتاب را فراهم نمودند تشکر می‌نماییم. نویسندگان مراتب سپاس خود را از همکار فاضل جناب آقای دکتر غلامعلی قاسمی که ارائه دیدگاه‌ها و نظرات عالمانه و نقادانه خویش زمینه‌های ارتقا و بهبود علمی این کتاب را فراهم نمودند اعلام می‌نمایند. همچنین مؤلفان، از نظرات و انتقادات و پیشنهادات سازنده خوانندگان برای اصلاح و ارتقای اثر استقبال می‌نمایند. امید است که اثر حاضر بتواند تا حدودی رویکرد اسلام و

حقوق بشردوستانه موجود را در زمینه حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را تبیین نموده و بتواند زمینه‌ای برای توجه هرچه بیشتر جوامع اسلامی به اهمیت حمایت از محیط‌زیست باشد. انشاالله

علی مشهدی - عزیزاله فهیمی

تابستان ۱۳۹۵

فصل اول:

مفاهیم، مبانی و تاریخچه حمایت از محیط زیست در مناصات مسلحانه

در این فصل مفاهیم بنیادین و پیشینه و نیز مبانی حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه با تأکید بر رویکرد اسلامی بررسی شده است.

مبحث اول - مفاهیم بنیادین

پیش از همه باید مفاهیم بنیادین به اختصار تعریف و تبیین شوند. در این بحث ما حداقل با چهار مفهوم بنیادین شامل «محیط‌زیست»، «حقوق بشردوستانه»، «حقوق بشر زیست‌محیطی» و «حقوق بشردوستانه زیست‌محیطی» مواجه هستیم.

گفتار اول - محیط‌زیست

وقتی صحبت از «محیط‌زیست»^۱ می‌شود، ممکن است مجموعه‌ای از مفاهیم و اشباح فکری به ذهن متبادر گردد. آیا منظور همان محیط انسانی است؟ آیا طبیعت و حیات وحش مدنظر است؟ آیا مجموعه «بیوسفر»^۲ ملاک ما است؟ تمایز آن با مفاهیم دیگری چون اکولوژی، اکوسیستم و بوم‌شناسی چیست؟

الف) معانی و برداشت‌های متعدد از محیط‌زیست

به قول پرفسور پریور محیط‌زیست مفهومی «رنگارنگ»^۳ است (Priour: 2001, 1). طبیعت، اکولوژی، حیات‌وحش، چهارچوبه زندگی، فضای پیرامونی و اکوسیستم از زمره این موارد است. واقعیت آن است که این واژه به لحاظ مفهومی تعریف جامع و مانعی ندارد و تاحدودی اختلافی و نیز سهل و ممتنع است. به قول پرفسور ورونیک واژه محیط‌زیست در زمره آن دسته از مفاهیمی است که نمی‌توان آن را به‌دقت مشخص نمود. در یک تفسیر موسع این مفهوم دارای معانی متعددی^۴ بوده و می‌تواند هر موضوعی را دربرگیرد.

1. Environment

۲. الکساندر کیس موضوع حقوق محیط زیست را به مجموعه اصول وقواعدی تعریف نموده است که جهت حفاظت از «بیوسفر» در برابر تخریب و هرگونه اختلال ظهور نموده است.

3. Chameleon

4. Polysemic

ب) معنای لغوی

۱. «محیط» و «زیست»

از لحاظ لغوی مرکب از دو واژه «محیط» و «زیست» است. «محیط» واژه‌ای عربی بوده و از ریشه «حوط» است و به معنای احاطه‌کننده، آن چیزی که شیء دیگر را احاطه نموده است. اقیانوس، را در عربی از آن جهت که آب آن را احاطه نموده است «محیط» می‌گویند. «زیست» نیز واژه‌ای فارسی و مترادف زندگی و حیات است (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). بنابراین می‌توان گفت که منظور از آن، مجموعه عواملی است که زندگی و حیات را دربرگرفته است.

۲. البیئه

معادل عربی محیط‌زیست که در متون اسلامی رایج است نیز «البیئه» است و منظور از آن کلیه عوامل خارجی (طبیعی و مصنوعی) است که حیات کائنات را در بر گرفته است.^۱ برخی ریشه این کلمه را مأخوذ از (بوا) دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۹۹۷: المداخل بوا). مشتقات این عبارت در قرآن کریم بسیار استفاده شده است (نوح معابر، ۱۴۳۵هـ.ق: ۳۱۸). ریشه فعلی آن نیز در زبان فرانسه از دربرگرفتن و «احاطه کردن» است که از قرن دوازدهم میلادی در زبان فرانسه رواج یافته است. در یک برداشت بسیار وسیع محیط‌زیست دربرگیرنده کلیه عوامل ذهنی و عینی است که چهارچوبه حیات بشری و حیوانی و نباتی را احاطه نموده است.

ج) معنای اصطلاحی

به لحاظ اصطلاحی نیز محیط‌زیست، قرابت نزدیکی با مفهوم لغوی آن دارد. اصطلاحاً محیط‌زیست دربرگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسان‌ساختی می‌شود که افراد انسانی و حیوانات و یا گیاهان و گونه‌ها (جاندار و غیرجاندار) را احاطه نموده و یا کلیه عوامل ملموس و غیرملموس که «چارچوبه حیات» را تشکیل می‌دهند (Larrouse, 2004:249).

۱. در زبان انگلیسی Environment به کار می‌رود.

در یک تعریف گفته شده است که منظور از محیط‌زیست «مجموعه‌ای از شرایطی است که حول یک فرد یا جامعه را احاطه نموده است و محتوای آن شامل فاکتورهای فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی است» (Bruce, 2007: 147). لغتنامه فرانسوی روبر نیز محیط‌زیست را این‌گونه تعریف نموده است. «کلیه عوامل طبیعی^۱ (فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی) و فرهنگی^۲ (اجتماعی) که ارگانیزم‌های زنده به‌ویژه انسان در آن فعالیت می‌نمایند» (Larrouse, 2004: 249). این تعریف تنها شامل عناصر زنده محیط‌زیست است. محیط‌زیست در یک تعریف موسع شامل عناصر زنده و غیرزنده نیز می‌شود. بنابراین از این منظر محیط‌زیست عبارت است از آن دسته از عواملی که انسان، گیاه و حیوان و جماد (عناصر زنده و غیرزنده را احاطه کرده، آن را در خود فرو گرفته و با آنها در کنش متقابل قرار دارد. البته در برداشت از محیط‌زیست باید میان واژگان متعددی نظیر طبیعت، اکولوژی، چهارچوبه زندگی، فضای پیرامونی و اکوسیستم که بعضاً آنها را معادل محیط‌زیست قرار می‌دهند تمایز قائل شد. به این صورت که درواقع «اکولوژی»^۳ مفهومی اخص از محیط‌زیست است.^۴ طبیعت^۵ نزدیک‌ترین مفهوم به محیط‌زیست است، اما در معنای شایع خود منصرف از محیط‌زیست مصنوع و انسان‌ساخت است و تنها شامل عناصر و عوامل طبیعی می‌شود.

اکوسیستم^۶ مطابق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی به مجموعه موجودات زنده و غیرزنده یک محیط گویند که با هم ارتباط دارند. درواقع اکوسیستم به معنی مجموعه پویایی^۷ از گیاه حیوان و میکروارگانیزم‌ها^۸ (موجودات ذره‌بینی) و محیط پیرامون آنها است که به عنوان یک واحد کارکردی^۹ بر یکدیگر اثر می‌گذارند (مشهدی، ۱۳۸۹: ۵۷).

1. Natural

2. Cultural

3. Ecology

۴. اکولوژی حوزه علمی جدیدی بود که توسط ارنست هکل در ۱۸۸۶ بنیان نهاده شد. در این علم همان‌گونه که پیشتر داروین نیز به آن پرداخته است، صحبت از روابط موجودات با طبیعت مطرح است و رابطه انسان و طبیعت به هیچ روی مطرح نیست. در حقوق بین الملل محیط زیست آنگاه که صحبت از محیط زیست طبیعی می‌شود ادبیات این حوزه از واژه‌های مخصوص اکولوژیست‌ها بسیار غنی است.

5. Nature

6. Ecosystem

7. Dynamic complex

8. Micro-organism

9. Functional unit

د) اسناد حقوقی

در اسناد نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله مصوبه ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ شورای اروپا مقرر می‌دارد «محیط‌زیست شامل آب و هوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است». دیوان بین‌المللی دادگستری در بخشی از نظریه مشورتی خود در خصوص مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای^۱ آورده است «محیط‌زیست مفهومی انتزاعی نبوده، بلکه فضایی است که در آن موجودات انسانی زندگی می‌کنند و کیفیت زندگی و سلامتی‌شان از جمله برای نسل‌های آینده به آن فضا وابسته است (کوک دین، ۱۳۸۲: ۸۷).

بند ۱۰ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۳ لوگانو مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط‌زیست این واژه را این‌گونه تعریف نموده است که محیط‌زیست شامل «منابع طبیعی، آب و هوا، خاک، گیاهان و جانوران و روابط میان این عناصر و همچنین شامل منابع طبیعی و مناظر ویژه می‌شود»^۲.

رویکرد اسناد نیز به محیط‌زیست متفاوت است که می‌توان از دو رویکرد انسان‌محور و طبیعت‌محور یاد نمود. در برداشت طبیعت‌محور محیط‌زیست خود هدف بوده و شامل همه عناصر طبیعت از جمله آب، خاک، هوا، مواد معدنی، جنگل، گونه‌های گیاهی و جانوری، جهان ناآدمیان^۳ و حتی خود انسان می‌شود (Wilkinson, 2002: 41).

در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون بن، کنوانسیون رامسر و نظایر آن این رویکرد غلبه دارد. اما در تلقی انسان‌محور محیط‌زیست کلیه عواملی است که انسان را احاطه نموده است یا هر عاملی است که «چارچوبه زندگی» انسانی را دربرمی‌گیرد در این برداشت آنچه اهمیت دارد «محیط‌زیست انسان‌ساخت» بوده و در مرکز توجه و عنصر اصلی تعریف‌ها و برداشت‌ها از محیط‌زیست است.

1. International Court of Justice (ICJ) Advisory Opinion of July 1996 on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons.

2. Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the Environment. Lugano, 21.VI. 1993.

۳. انشتین گفته بود: «محیط زیست هر چیزی غیر از من است» The environment is everything that is not me برخی این سخن را مورد نقد قرار داده اند که خود انسان هم جزئی از همان محیط زیست است. انسان هم «محیط» و هم «محاط» در این فضاء است. همان زمان که انشتین محیط زیست را هر آن چیزی تلقی می نمود که خارج از وی قرار داشت، میکرو ارگانیسم‌های بسیاری در بدن وی فعال بودند. البته به نظر می رسد انشتین این سخن را برای درک عمیق و ساده مفهوم محیط زیست بیان نموده است و نه جدایی انسان از مفهوم و مصداق محیط زیست. (Wilkinson:2002, 41)

لغتنامه فرانسوی لاروس با این برداشت آورده است که «منظور از محیط زیست کلیه عوامل طبیعی یا انسان‌ساختی است که زندگی انسانی را دربر گرفته است»^۱ (Larrouse, 2004: 249). با این حال در یک تعریف جامع می‌توان گفت محیط زیست «عبارت از کلیه عوامل شیمیایی، بیولوژیکی، طبیعی و انسان‌ساخت است که زندگی انسانی، حیوانی و گیاهی و جمادات (عناصر جاندار و غیر جاندار) را احاطه نموده است» این تعریف شامل کلیه عناصر جاندار و غیر جاندار و تأثیر و تأثر آنها بر همدیگر می‌شود. عناصر جاندار شامل انسان^۲، گیاهان، جانوران (فون و فلور)^۳ و عناصر غیر جاندار شامل آب، خاک، هوا، زمین، کوهستان، صخره‌ها، اقیانوس‌ها و نظایر آن می‌گردد.

هـ) مفهوم محیط زیست از منظر اسلامی

در متون و منابع اسلامی محیط زیست معادل‌های متعدد و متنوعی را به خود اختصاص داده است. در آیات قرآن طبیعت به عنوان مخلوق خداوند بارها در قالب‌های گوناگون آورده شده است. بسیاری از واژه‌های قرآن درباره طبیعت و محیط زیست است مانند «ارض» ۱۴۵۱ بار، «سما» ۳۱۰ بار، «ماء» ۶۴ بار، «شمس» ۳۳ بار و کلماتی نظیر جبل، قمر، شجر، قمر، نمل، فجر، لیل، تین، بروج و نظایر آن اشاره به عناصر متعدد محیط زیست می‌نماید (شفعی مازندرانی، ۱۳۸۶: ۶).

۱. تلقی رایج این است که در برداشت‌های طبیعت محور، مفهوم محیط زیست، منصرف از انسان و فضا‌های ساخته دست بشر است. به این معنا که شامل فضا‌های انسانی (محیط زیست انسان‌ساخت) نمی‌شود. در حالی که به نظر می‌رسد تفکیک محیط زیست به محیط زیست انسانی و طبیعی ریشه در تفکر دکارتی در فلسفه‌های محیطی دارد. تلقی برداشت‌های طبیعت محور به «محیط زیست بدون انسان» یا تلقی برداشت‌های انسان محور به «انسان بدون محیط طبیعی» نخستین سنگ بنای تخریب محیط زیست و تحلیل‌های آنتروپوستریستی در حقوق بین الملل را نهاد. به گمان ما اندیشه طبیعت محوری (اکوستریسم) باید باز تعریف شود. در این اندیشه انسان در «آشتی با طبیعت» و «جزئی سازگار با آن است» (مشهدی: ۱۳۹۰، ۳۲).

۲. انسان امروزی با *Homo sapiens* (نام علمی گونه انسان) شاخص‌ترین و مهمترین عنصر غیر جاندار محیط زیست است که موضوع بسیاری از قوانین و مقررات محیط زیست می‌باشد. زیست شناسان برخی از تفاوت‌ها را نظیر هوش تکامل یافته بالا، توانایی در تجزیه و تحلیل، زبان سخن گفتن، درون گرایی و احساسات را وجه شاخص تمایز این گونه از گونه‌های دیگر دانسته اند.

۳. در اسناد بین المللی و قوانین ملی دسته بندی عناصر جاندار به گیاهان و جانوران (فون و فلور) *Flora and fauna* شایع است که شامل کلیه گیاهان و جانوران (زیا و گیا) در یک منطقه جغرافیایی یا دوره خاص است. فلور شامل کلیه گیاهان و فون نیز به کلیه جانورانی اطلاق میگردد که در کره زمین در دسته بندی انواع قرار دارند. در رویه های عملی و اسناد قانونی نظیر کنوانسیون سایتس، منشور جهانی طبیعت، اعلامیه استکهلم و دستور کار ۲۱ از این تقسیم بندی استفاده شده است. در ضامائم کنوانسیون ۱۹۷۳ سایتس از این نام‌ها استفاده نموده است.

آیت‌الله جوادی آملی در تعریف از محیط‌زیست آورده‌اند که «محیط زندگی آدمی و هر موجود زنده دیگر از فضای خانه گرفته تا فضای کوچه‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای سبز، توقفگاه‌ها جنگل‌ها، حاشیه نهرها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی خدماتی اداری، عبادی و ... محیط‌زیست به شمار می‌آیند (مفاتیح الحیوة، ۱۳۹۱: ۶۸۹). بسیاری از صد و چهارده سوره این کتاب بزرگ به نام پدیده‌های طبیعی نام‌گذاری شده‌اند، مثل: «رعد»، «نحل»، «نمل»، «عنکبوت»، «دخان»، «نجم»، «شمس»، «حید»، «لیل»، «فجر»، «قمر» و... خداوند تعالی در بسیاری از موارد به پدیده‌های طبیعی سوگند یاد می‌نماید، مثل:

«وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ» (تین: ۱).

سوگند به (کوه) تین و زیتون.

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا - وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاها» (شمس: ۱-۶).

سوگند به خورشید و تابندگی‌اش - سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد. در بسیاری از آیات قرآن مجید به تدبیر و تفکر در مظاهر طبیعی دعوت شده است، مثل:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت: ۲۰).

بگو در زمین سیر نمایید و بنگرید که خلقت چگونه شکل گرفته است. مهم‌ترین این عناصر عبارتند از جنگل‌ها، مراتع، هوا، خاک و آب که قرآن کریم آنها را مهم یاد می‌کند و در این باره به پیروان مسلمان خود دستورهایی داده که آنها را به اجمال بررسی می‌نماییم:

۱. جنگل‌ها و مراتع

قرآن کلمه جنگل را با عنوان «جنت» و «بوستان» یاد کرده است، مثل:

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا * لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا * وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا» (نبأ: ۱۴-۱۵).

از ابرهای باران را آب فراوانی نازل نمودیم تا از آن دانه و گیاه و بوستان‌های انبوه برویانیم.

کلمه مرتع نیز با عنوان «مرعی» و «ماء» ذکر شده است، مثل:

فصل اول: مفاهیم، مبانی و تاریخچه حمایت از محیط زیست ... ♦ ۳۱

«أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا * وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا * مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنعَامِكُمْ» (نازعات: ۳۱-۳۲).

از زمین آب و مرتع ایجاد نمود و کوه‌ها را استوار ساخت تا مورد بهره شما و چهارپایانتان قرار گیرد.

آیه بعد با عنوان «آب» از مرتع یاد می‌کند:

«ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا * فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا * وَفَاكَّهُهٗ وَابًّا» (عبس: ۲۶-۲۷-۳۱).

و زمین را شکافتیم و سپس در آن دانه... و میوه و مرتع رویاندیم.

۲. هوا (باد)

از آنجاکه باد، هوای متحرکی است که حالت وزش به خود می‌گیرد، (طوسی، بی‌تا: ۲۴۱/۱۰) هرجا از این دو یاد شود، بیش از یک چیز منظور نیست. این پدیده الهی فواید فراوانی در زندگی انسان دارد. حیات آدمی به اکسیژن حاصل از هواست. قرآن کریم در موارد فراوان از این پدیده طبیعی یاد می‌نماید، مثل:

«وَتَضَرِّفُ الرِّيحُ وَالسَّحَابُ الْمُسَخَّرُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۴).

در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که بین زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی برای اندیشمندان وجود دارد.

باد سفیر الهی شمرده شده است:

«وَهُوَ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ...» (اعراف: ۵۷).

او کسی است که بادها را بشارت‌دهنده، پیشاپیش رحمتش (باران) می‌فرستد...

باد عامل ایجاد موج و حرکت در دریاست:

«هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكُمْ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ»

(یونس: ۲۲).

او کسی است که شما را در دریا و خشکی سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی هستید و این کشتی‌ها با وزش بادی خوش آیند سرنشینان خود را حرکت می‌دهند.

باد عامل انتقال و اختلاط گیاهان شمرده شده است:

«...كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ..»

(کهف: ۴۵).

... مثل آبی که از آسمان فرستادیم که موجب اختلاط گیاهان و پراکندگی آنان شود...

بعضی آیات دیگر به نقش تلقیح و باروری باد بین گیاهان و پراکندگی آنان اشاره کرده‌اند.

همچنین بعید نیست که مراد از «سقف محفوظ» که در قرآن کریم از آن سخن گفته می‌شود، لایه ازن باشد.

«وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا» (انبیاء: ۳۲).

و برای آسمان سقفی محفوظ قرار دادیم.

که این لایه دو نقش ایفا می‌نماید: هم زمین را از شهاب‌سنگ‌های آسمانی دور می‌دارد و هم اشعه ماورای بنفش خورشید را از زمین پس می‌زند (حسینی شیرازی: ۱۹۶). و هم مانع تبخیر قطرات آب‌های متصاعد به هوا می‌شود و نیز از خروج اکسیژن مجد در هوا به خارج از جو زمین جلوگیری می‌کند.

۳. زمین

انسان‌ها به طور گسترده‌ای با زمین در ارتباط هستند و قرآن کریم ۵۴۱ بار از آن یاد کرده است و فواید فراوانی برای آن برشمرده است، مثل:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا» (زخرف: ۱۰).

او کسی است که زمین را گهواره (محل آرامش) شما قرار داد....

زمین با وجود حرکت‌های جداگانه، مثل گهواره موجب آرامش و سکناى انسان‌هاست، چنان‌که خداوند در برتری خود بر معبودهای دروغین، خلقت زمین را مثال می‌زند:

«أَمْنُ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا» (نمل: ۶۱).

آیا شریکانی که می‌پندارند بهتر است یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت؟ خداوند وقتی می‌خواهد به انسان مقام والایی بدهد، نقش جانشین خدا در زمین به انسان می‌دهد.

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰).

هنگامی که خدای تو به فرشتگان گفت که من در زمین جانشین قرار می‌دهم....

علامه طباطبایی در مورد تبعات جانشین بودن انسان در زمین برای خداوند می‌نویسد:

گرچه انسان می‌تواند خیر مطلق در زمین باشد، همان‌طور که خداوند فساد انسان در زمین را نفی نکرد، ولی خلقت انسان براساس مصلحت بالاتری بوده که خداوند بزرگ به آن خاطر انسان را خلق کرده است.

از این آیه شأن و منزلت انسان را می توان درک کرد.

مسئله فسادانگیزی مهم بوده، یعنی از آغاز پیش بینی می شده است. لذا باید در فکر اصلاح در زمین بود؛ چراکه انسان به عمران و آبادانی زمین مأمور شده است.

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱).

او کسی است که شما را از زمین پدید آورد و بر آبادانی زمین گماشت و در مقابل او را از فساد بر زمین منع نمود.

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶).

پس از اصلاح زمین در آن فساد نکند و او را با بیم و امید بخوانید که رحمت خدا بر نیکوکاران نزدیک است.

قرآن کریم به پاکیزگی زمین امر می کند که اگر پاکیزه باشد، محصول پاکیزه می دهد.

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف: ۵۸).

و زمین پاک (و آماده) گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید و آن (زمینی) که ناپاک (و نامناسب) است. (گیاهش) جز اندک و بی فایده بر نمی آید. این گونه، آیات (خود) را برای گروهش که شکر می گزارند، گونه گون بیان می کنیم.

۴. آب

حیات بر این کره خاکی از آب سرچشمه می گیرد:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء: ۳۰).

و همه موجودات زنده را از آب خلق کردیم.

آب دو خصوصیت دارد که هم پاک است و هم پاک کننده. قرآن کریم می فرماید:

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (فرقان: ۴۸).

ما از آسمان آبی طهور فرستادیم.

پاک بودن و پاک کننده از کلمه «طهور» استفاده شده است (طباطبایی، المیزان: ۲۲۷/۱۵).

خدایوند بزرگ آب را مایه پاکیزگی انسان ها قرار داده است:

«وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيَطَهَّرَكُمْ بِهِ» (انفال: ۱۱).

از آسمان آبی فرستادیم تا شما را پاکیزه نماید.

همه انسان‌هایی که قصد پاکیزه شدن و طاهر گردیدن دارند، سراغ آب می‌روند و موقع افتادن نگاه به آب، دعای مخصوص وارد شده که مؤمنان می‌خوانند.^۱

گفتار دوم - حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه در کنار مفاهیمی چون حقوق جنگ و حقوق مخاصمات مسلحانه ناظر بر مجموعه قواعد مربوط به جنگیدن و حمایت از اشخاص متعددی است که قواعد جنگ را محدود می‌نماید (Coursier, 1955: 223-227) در متون اسلامی بیشتر در قالب کتاب جهاد و در بحث کیفیت قتال می‌توانیم این حوزه را بیابیم.

نقطه عزیمت ما در حقوق بشردوستانه جدید از نوع روابطی است که میان تابعان وجود دارد یا می‌تواند وجود داشته باشد. براساس یک تقسیم‌بندی پایه در حقوق بین‌الملل، روابط میان کشورها را می‌توان در زمان جنگ و در زمان صلح بررسی نمود.^۲ حقوق بشردوستانه به عنوان حوزه‌ای از مطالعات حقوق بین‌الملل، مجموعه‌ای از قواعدی است که تکالیف افراد را در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی را مشخص می‌نماید.

درواقع حقوق بشردوستانه مجموعه‌ای از قواعد عرفی و قراردادی ناظر بر حمایت از آن است از افرادی است که در مخاصمه شرکت ننموده (غیرنظامیان) یا آن را ترک نموده‌اند و نیز محدود نمودن وسایل و روش‌های جنگ است. در این حوزه مطالعاتی معمولاً با سه اصطلاح رایج مواجه هستیم که شامل «حقوق جنگ»^۳، «حقوق مخاصمات مسلحانه»^۴ و «حقوق بشردوستانه»^۵ است.

برخی از حقوق‌دانان حقوق بشردوستانه را جزئی از حقوق جنگ دانسته (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۶) و برخی دیگر معادل آن می‌دانند. در حقوق اسلام نیز این حقوق بیشتر در کتب فقهی مربوط به جهاد و کیفیت آن آمده است. از لحاظ تاریخی حوزه حقوق بشردوستانه خود به دو گرایش «حقوق لاهه»^۶ و «حقوق ژنو»^۷ تقسیم‌بندی می‌شود

۱. «الحمد لله الذی جعل الماء طهوراً ولم یجعل نجساً»

۲. این تقسیم‌بندی در حوزه مطالعات حقوق محیط زیست نیز وجود دارد. بدین معنا که می‌توان از «حقوق محیط زیست در زمان صلح» و «حقوق محیط زیست در زمان جنگ» صحبت نمود.

3. Law of war

4. Law of armed conflict

5. Humanitarian law

6. Law of Geneva

7. Law of Hague

(Nahlik, 1978: 9-27). حقوق لاهه بیشتر ناظر به محدود نمودن ابزارها و روش‌های جنگ است که از لحاظ اسناد تاریخی و شکل‌گیری قواعد قدمت قدمتی بیشتری دارد (Bugnion, 2011: 901-922).

منظور از حقوق ژنو نیز آن دسته از قواعد عرفی و قراردادی ناظر بر حمایت از اشخاصی است که در مخاصمه شرکت ننموده‌اند یا سلاح در زمین گذاشته‌اند. هرچند میان این دو دسته از حقوق روابط بسیاری وجود دارد و نمی‌توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود، لیکن هنوز به عنوان دو حوزه متمایز حقوق مخاصمات مسلحانه به شمار می‌رود (Ibid).

علاوه بر این تقسیم‌بندی، تقسیم‌بندی مخاصمات به «مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، «مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی» و «وضعیت‌های داخلی» نیز رواج دارد. منظور از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اجمالاً به آن دسته از مخاصماتی اطلاق می‌شود که میان دو یا چند دولت باشد.

مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی^۱ نیز آن دسته از مخاصماتی را دربرمی‌گیرد که در داخل سرزمین یک دولت رخ می‌دهد، بدون اینکه دولت دیگر در عملیات نظامی شرکت نمایند (Vité, 2009; Mumtāz, 2001 and Bugnion, 2008: 179-190). حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قواعد عرفی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی است و حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه و غیربین‌المللی قواعد عرفی، ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی است.^۲

باید دقت نمود که ضروری است مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را از وضعیت‌های داخلی تفکیک نمود. در حقوق بشردوستانه برای آنکه یک مخاصمه مشمول تعریف مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی گردد، نیازمند «حد معینی از خشونت» هستیم. بنابراین آشوب‌ها و تنش‌های داخلی مانند تظاهرات، فعالیت جنایی خشن و آدم‌ربایی و نظایر آن مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی محسوب نشده و این قبیل اقدامات تابع حقوق داخلی است. امروزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و وضعیت‌های داخلی اهمیت بیشتری نسبت به گذشته یافته‌اند.

1. Non-international armed conflicts

۲. چنین تقسیم‌بندی را نیز می‌توان در حقوق بشردوستانه اسلامی یافت. به این صورت که جنگ با محاربان، مفسدان فی الارض و بغات را باید در زمره جنگ‌های داخلی و وجوب جهاد با کفار و مشرکان را در زمره جنگ‌های خارجی دانست. (برای بررسی بیشتر ر.ک: عظیمی شوشتری، ۱۳۹۳، ۲۳۷)

هدف اساسی حقوق بشردوستانه درواقع انسانی کردن جنگ و کاهش آلام، صدمات و خسارات ناشی از جنگ در عین تأمین کارآیی نظامی است. در این نوشتار علاوه بر توجه به تقسیم‌بندی مخاصمات به بین‌المللی و غیربین‌المللی تقسیم‌بندی سستی حقوق ژنو و لاهه برگزیده شده است.

مجموعه اسناد حقوق ژنو که دربرگیرنده بخش عمده‌ای از قواعد عرفی و قراردادی ناظر به حمایت از غیرنظامیان و اسرای جنگی است شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ شامل کنوانسیون حمایت از مجروحان و بیماران، کنوانسیون حمایت از مجروحان بیماران و غریقان در دریا، کنوانسیون نحوه رفتار با اسرای جنگی و کنوانسیون حمایت از غیرنظامیان می‌شود.

۲. دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه که پروتکل نخستین ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل دوم لازم در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است.

۳. سایر اسناد حقوق ژنو از قبیل کنوانسیون ۱۸۶۴ در مورد بهبود شرایط مجروحین نیروهای مسلح در میدان نبرد، پروتکل ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد مداخله کودکان در درگیری‌های مسلحانه، کنوانسیون ۱۹۲۹ در مورد رفتار با اسرای جنگی و پیش‌نویس ۱۹۵۶ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد قواعدی برای محدود کردن خطراتی که در زمان جنگ در جمعیت غیرنظامی وارد می‌شود و... اشاره نمود.

مجموعه اسناد حقوق لاهه نیز همچنان که اشاره نمودیم دربرگیرنده آن دسته از قواعد عرفی و قراردادی ناظر بر ابزارها و روش‌های جنگ و محدود نمودن آن است. مهم‌ترین شاخص‌ترین این اسناد شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه در مورد قوانین و عرف‌های جنگ زمینی؛

۲. کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه در زمینه بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹؛

۳. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه؛

۴. کنوانسیون ۱۹۷۲ در مورد ممنوعیت تولید و ذخیره سلاح‌ها باکتریولوژیک و سمی؛

۵. کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های متعارف خاص که می‌تواند صدمات و آثار کورکورانه داشته باشد؛

۶. کنوانسیون ۱۹۹۳ در مورد ممنوعیت تکمیل، تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودسازی آنها؛

۷. کنوانسیون ۱۹۹۷ در زمینه ممنوعیت ذخیره سازی، تولید و تجارت مین های ضدنفر؛
۸. سایر کنوانسیون های مربوط عدم گسترش سلاح هسته ای، پیمان های منطقه خلع سلاح.
در رهیافتی اسلامی برخی برآنند که مفهوم حقوق بشردوستانه در اسلام فراتر از رویکرد حقوق بشردوستانه می رود. به این معنا که حقوق بشردوستانه معمولاً از مرز متعارف حقوق قربانیان جنگ تجاوز نمی کند، ولی در اسلام به عنوان یک دین، جدای از حقوق اساسی و الزامات حیاتی افراد تحت حمایت خود، بر کرامت اخلاقی قربانیان جنگ نیز تأکید دارد (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۸۰). بنابراین از لحاظ مفهومی می توان گفت قلمرو حقوق بشردوستانه در اسلام فراتر از مفهومی است که در حقوق بشردوستانه معاصر از آن یاد می شود (جهت ملاحظه سایر تفاوت های مفهومی و اصولی ر.ک: یوسفی راد، ۱۳۹۲: ۱۹۴).

گفتار سوم - حقوق بشر و حقوق بشردوستانه زیست محیطی

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه زیست محیطی دو حوزه نوظهور در مطالعات حقوق به شمار می رود. روابط این دو حوزه نظیر روابط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است (قربانیا، ۱۳۸۷). به این معنا که هر دو حوزه هدفشان حفظ محیط زیست است با این تفاوت که یکی در زمان صلح و دیگری در هنگام مخاصمات مسلحانه اعمال می شود. هر دو حوزه مکمل یکدیگر بوده و اهداف انسانی و حمایتی را دنبال می نماید. البته به نظر می رسد حقوق بشر زیست محیطی را می توان هم در زمان صلح و هم در زمان مخاصمه شاهد بود.

الف) حقوق بشر زیست محیطی

«حقوق بشر زیست محیطی»^۱ آن دسته از حقوق بشری است که به مسئله حمایت از محیط زیست پیوند می خورد (Kiss, 1997: 85). و مجموعه ای از حقوقی را دربرمی گیرد که انسان ها از آن جهت که در محیط زیست زندگی می نمایند برای رشد مناسب و سلامتی خویش باید از آن بهره مند باشند (مشهدی، ۱۳۹۲: ۵۲).

برخی در تعریف حق های زیست محیطی گفته اند که «این حق ها می توانند به عنوان حق های محیط زیست تفسیر شوند. یعنی حق هایی که محیط زیست در مقایسه با حق های افراد بشر به محیط زیست سالم، داراست... و براساس یک تفسیر محدودتر، «حق های زیست محیطی»، به صورت بندی مجدد و گسترش حقوق و تکالیف بشر در زمینه حمایت از محیط زیست، اشاره دارد...» (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۶).

درواقع می توان گفت که حوزه حقوق بشر زیست محیطی رویکردی حقوق بشری به مسائل زیست محیطی داشته و به تحلیل نسبت میان مسائل دو حوزه نوظهور حقوق بین الملل و حقوق ملی یعنی حقوق بشر و حقوق محیط زیست می پردازد. به عبارت رساتر حقوق بشر زیست محیطی نگاهی حقوق بشری به مسائل زیست محیطی یا نگاهی زیست محیطی به مسائل حقوق بشری دارد.

با این نگاه، این دسته از حقوق را می توان در چندین حق بشری شناخته شده دیگر نیز می توان پیدا کرد. برای نمونه، حق سلامتی و تندرستی که در معاهدات و توصیه های بین المللی به رسمیت شناخته شده است محافظت در مقابل خطرات زیست محیطی که می تواند در درازمدت سلامتی انسان ها را تهدید کند، دربرمی گیرد. حق برخورداری از سطح یک معیار بالای سلامتی جسمی و روحی، حق آزادی و امنیت، حق برخورداری از سطح زندگی مناسب، حق برخورداری از شرایط کاری مناسب، حق داشتن خانه و حق داشتن غذا، همگی وابسته به محیط زیستی است که بتواند حیات بشر را تضمین کند» (پارسا، ۱۳۷۷: ۱۳۷). مجموعه حقوق بشر زیست محیطی ضمن داشتن حلقه های ارتباط با حقوق نسل اول، دوم و سوم به نوبه خود ماهیتی متکثر و چندوجهی دارد.

مهم ترین مصادیق این حق شامل حق بر جبران خسارات زیست محیطی، حق بر آب سالم، حق بر هوای پاک، حق بهره مندی از محیط آرام، حق منظر، مشارکت در تصمیم گیری های زیست محیطی، دسترسی به عدالت در محیط زیست، دسترسی به اطلاعات زیست محیطی و... می شود (مشهدی، ۱۳۹۲: ۲۶۷).

علاوه بر این باید به حلقه های ارتباط میان این حق و سایر حقوق بشر اشاره نمود. ازجمله حق حیات و محیط زیست، مالکیت و محیط زیست، حقوق و آزادی های کار و محیط زیست، آموزش و محیط زیست، بهداشت و محیط زیست، دسترسی به اطلاعات و محیط زیست، آزادی تشکیلات و محیط زیست، برابری و محیط زیست، حق بر توسعه و محیط زیست و نظایر آن اشاره نمود (برای بررسی بیشتر ر.ک: کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۱۲-۲۴۸).

نکته‌ای که در باید توجه نمود این است که حقوق بشر زیست محیطی به صورت عام هم ناظر بر زمان صلح و هم ناظر بر زمان درگیری‌های مسلحانه است. بخش عمده‌ای از حق‌های زیست محیطی در وضعیت مخاصمه ممکن است در معرض آسیب قرار گیرند. لذا همواره این امر مورد توجه نظام حقوق بشردوستانه در قالب قواعد عرفی و قراردادی قرار گرفته است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۸).

در منابع اسلامی نیز توجه به حقوق بشر زیست محیطی براساس اصل کرامت انسانی و ارزش انسانی و نیز اهمیت حیات و طبیعت توجیه می‌گردد. مهم‌ترین مصادیق حق‌های زیست محیطی که در خلال مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گرفته است شامل حق‌هایی نظیر، حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم به‌ویژه در مورد اسرا و مجروحان جنگ، حق بر غذای سالم، حق بر هوا، حق بر سلامتی و بهداشت می‌شود.

ب) حقوق بشردوستانه زیست محیطی

برای مطالعه قواعد حقوق محیط زیست می‌توان از یک منظر این قواعد را به دو دسته کلی تقسیم نمود. قواعدی که در زمان صلح مورد مطالعه قرار می‌گیرد یا حقوق محیط زیست در زمان صلح و قواعدی که در زمان جنگ و درگیری قابل بحث است. هرچند بخش عمده‌ای از قواعد حوزه حقوق محیط زیست ناظر به زمان صلح می‌باشند، اما باید توجه نمود که می‌توان بخشی از قواعد را در زمان جنگ مورد توجه و تأمل قرار داد.

۱. مفهوم حقوق بشردوستانه زیست محیطی

حقوق بشردوستانه زیست محیطی^۱ در واقع بخشی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که به موضوع حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. این حقوق در واقع به تحلیل قواعد ناظر به حفاظت از محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه می‌پردازد و هدف آن حمایت از شرایط زیست محیطی غیرنظامیان و اشخاصی است که در مخاصمه شرکت نداشته‌اند و همچنین قواعد ناظر بر محدود نمودن خسارات و آسیب‌های جدی به محیط زیست در استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی

است. بنابراین هدف محوری این قواعد «حمایت از محیط زیست» است که می تواند هم برای حفاظت انسان و هم فی نفسه هدفی طبیعت محور داشته باشد.^۱

۲. حقوق بشردوستانه زیست محیطی اسلامی

از منظر رویکرد اسلامی هنگامی که در حقوق جنگ یا در بحث از کیفیت قتال در بحث جهاد صحبت از قواعد ناظر بر حمایت از محیط زیست در جنگ ها می نماییم، درواقع «حقوق بشردوستانه زیست محیطی اسلامی»^۲ یا اسلام و حقوق بشردوستانه زیست محیطی^۳ مورد توجه ماست.

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز برخی از احکام و قواعد ناظر به بحث محیط زیست و حمایت از حقوق اشخاص در ارتباط با محیط زیست است که این حوزه را به تفصیل در مباحث آتی مورد بررسی قرار خواهیم داد. بنابراین به طور خلاصه می توان گفت هنگامی که صحبت از نسبت میان حقوق بشردوستانه و محیط زیست می شود منظور مجموعه قواعد و نظامات زیست محیطی حاکم بر زمان جنگ یا به عبارتی بر حفاظت از محیط زیست در زمان خاص جنگی است. قواعد ناظر به حفاظت از محیط زیست تقریباً از قواعد عمومی حاکم بر حقوق بشردوستانه تبعیت می نمایند.

۱. لازم به توضیح است که درباره مبنای فلسفی قواعد حقوقی حمایت از محیط زیست اختلاف دیدگاه وجود دارد. گروهی انسان محور و گروهی طبیعت محورند. در رویکرد انسان محور هدف قواعد حقوق محیط زیست حمایت از کیفیت «حیات انسانی» وضع شده است. در تعریف انسان محور حقوق محیط زیست بشر گویای این ایده است که محیط زیست و منابع طبیعی فقط بر منافع و انتفاع بشر متکی است و به خودی خود فاقد ارزش ذاتی است. در رویکرد طبیعت محور محیط زیست و طبیعت فی نفسه دارای ارزش است و ضروری است تا حفاظت گردد. در برداشت زیست مداری آورده شده است که «اگر انسان دارای حقی است این حق به لحاظی است که انسان عضوی از این اکوسیستم و زیست بوم است».

برای بررسی بیشتر رویکردها، دیدگاهها و دلایل طرفداران و مخالفان رک:

فهمی، عزیزالله و علی مشهدی، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست؛ از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی»، فصلنامه پژوهش های فلسفی- کلامی، دانشگاه قم، ش ۴۱، پاییز ۸۸، مشهدی، علی و اسماعیل کشاورز، «تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۱، صص ۷۰-۴۷.

(Gourde, 2010: 59)

2. Islamic legal provisions linked to protection of the environment

3. Islam and environmental humanitarian law

حقوق بشردوستانه زیست محیطی در حقوق اسلام نیز بخشی از مطالعات حقوق مناصمات یا حقوق بشردوستانه است که ناظر بر حمایت و حفاظت از محیط زیست در خلال قتال یا جهاد است و صحبت از تکالیف مسلمانان به حفظ محیط زیست در چنین وضعیت هایی می نماید.

مبحث دوم - مبانی ملاحظات زیست محیطی در مناصمات مسلحانه

در بحث مبانی به موضوع ماهیت، اهداف و چرایی حفاظت از محیط زیست در مناصمات مسلحانه خواهیم پرداخت و سعی خواهد گردید این امر در پرتو مهم ترین دیدگاه های نظری در زمینه ماهیت و اهداف قواعد زیست محیطی در نظام حقوقی تحلیل و بررسی گردند. همچنین رویکرد اسلامی به چرایی امر حفاظت محیط زیست در مناصمات مسلحانه نیز مبحث بسیار مهمی است که در درک مبانی این قواعد می تواند بسیار راهشگنا باشد.

پرسش بنیادینی مطرح است که مبنا و هدف قواعد ناظر به حفاظت و حمایت از محیط زیست در خلال مناصمات مسلحانه چیست؟ آیا هدف کاستن از شدت خسارات و آسیب به انسان است؟ آیا حفاظت از طبیعت فی نفسه مدنظر است؟ در این زمینه رویکردهای نظری متعددی وجود دارد که پاسخ آن را باید در رویکردهای ناظر بر فلسفه طبیعت و نسبت آن با انسان و منافع انسانی جست. توجه انسان به طبیعت از همان سال های نخستین حیات انسان مورد توجه بوده و بخشی از میراث فکری - فلسفی ما در واقع محصول فلسفه طبیعت است.

لذا باید دید از لحاظ اخلاقی چه روابطی بین انسان و طبیعت حاکم است آیا می توان یک دیدگاه اخلاقی خاص را در این زمینه پذیرفت و دیدگاه های مختلفی که در این زمینه وجود دارند درواقع چه بخشی را برای ما به ارمغان می آورند.^۱ معمولاً این مطالعات

۱. در سیر تحول فلسفی ما می توانیم در مورد نسبت انسان با طبیعت از روابط متعدد انسان صحبت کنیم. این رابطه را می توانیم در ۵ دسته ی مختلف دسته بندی کنیم که شامل رابطه ی انسان با انسان، رابطه ی انسان با خود، انسان باخدا، انسان با دولت و در نهایت رابطه ی انسان با طبیعت می شود. طبیعی است که اگر در برداشت نخستین حقوق را به علم حاکم بر روابط انسان بادیگری تقسیم کنیم، رابطه ی انسان با انسان را حقوق خصوصی تنظیم می کند و رابطه ی انسان با دولت یا دولت با دولت را حقوق عمومی تنظیم می کند و رابطه ی انسان با خدا در جوامع ذیل عنوان حقوق الهی قرار می گیرد و رابطه ی انسان با خود کمتر موضوع حقوقی است و بیشتر موضوع علم النفس بوده و مطالعات انسانی و شکل گیری رابطه ی انسان با طبیعت که موضوع حقوق محیط زیست قرار می گیرد.

قلمرویی در حوزه علوم انسانی شکل داده به نام فلسفه محیط‌زیست یا اخلاق محیط‌زیست که در آنجا دغدغه مهم تبیین نظام اخلاقی فلسفی و حقوقی روابطی است که انسان با عناصر طبیعت برقرار می‌کند. شاخص‌ترین رویکردهایی که می‌توانیم در این خصوص از آنها صحبت نماییم سه رویکرد انسان‌محور، طبیعت‌محور و خدامحور است که در ادامه به تحلیل آنها از منظر حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه خواهیم پرداخت.

گفتار اول - رویکرد انسان‌محور^۱

در این رویکرد هدف از حمایت از محیط‌زیست در خلال جنگ حمایت از منافع انسانی و کاستن از آثار جنگ بر انسان است. تقویت این رویکرد مبتنی بر چند بنیان فکری است.

الف) ارزش انسان در برابر طبیعت

در این رویکرد تنها این افراد انسانی است که ارزش دارند و تنها علایق یا اهداف انسانی هستند که موضوع داوری اخلاقی برای اهداف حمایت باید قرار گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مسئله محیط‌زیست و حفاظت از آن قوی است به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود «محیط‌زیست انسانی» از اولویت اساسی نیز برخوردار است. امری که آلن آن را «انسان‌محوری ابزاری» می‌نامد.^۲

1. Anthropocentrism

۲. در زمینه نقد دو دیدگاه فوق علاوه بر مواردی که اشاره رفت فلاسفه‌ای نظیر فاکس با ایده «همزاد پنداری»، آرنه ناس با طرح مفهوم «اکوسوفی» یا فلسفه بوم‌شناختی، جان انیل با نظریه «شهوت چشم»، هیوون با نظریه حیرت، مک کی با «نظریه بازی‌ها»، هاردین با مقاله جنجالی «تراژدی منابع عام»، دیوید پیرس با «نظریه اقتصاد سبز»، پاسمور با کتاب «مسئولیت انسانی در قبال طبیعت»، هوارت با «بررسی پدیدارشناختی ارزش»، نورتون با طرح رویکرد فرهنگی به «زیست‌شناسی حفاظت» و با طرح مثال دلارهای شنی، لئوپولد با طرح مفهوم «اخلاق زمین»، ریچارد ووال روتلی با طرح «شونیسیم انسانی» در نقد فلسفه غرب و «آخرین انسان»، آلبرت شوایتزر، و فلاسفه مدرن و پست مدرنی نظیر، مارکوزه در «رهایی از طبیعت» و انسان تک‌ساختی، یورگن هابر ماس در مکتب فرانکفورت و نقد نوین نظام سرمایه‌سالار و کسانی مانند هایدگر و اخیراً نیز کسانی مانند بیل مک گین با کتاب «پایان طبیعت»، آنا تول لیون با «پایان غرب» و جان بلامی فاستر و دیگران به زوایای مختلف مسئله ارزش‌ها در محیط زیست پرداخته‌اند. (مشهدی و فهیمی، ۱۳۸۸، ۲۰۱)

این رویکرد در حفاظت از محیط‌زیست به دنبال این است که صرفاً «انسان» بتواند در یک محیط سالم رشد کند و محیط او در برابر آلودگی‌ها، آفات، خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از جنگ حفظ گردد (مشهدی و فهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۱). به همین سبب است که بخش عمده‌ای از قواعد حقوق بشردوستانه به صورت غیرمستقیم از محیط‌زیست حمایت نموده‌اند. لذا قواعد ناظر بر محدودیت ابزارها و روش‌های جنگ در حقوق لاهه و حمایت از محیط‌زیست غیرنظامیان در چهارچوب تفکیک اموال نظامی از غیرنظامی در واقع واجد مبنایی انسان‌گرایانه است.

محیط‌زیست از آن جهت در جنگ حفاظت می‌شود که منافع انسانی در نهایت به خطر افتاده است؛ در غیر این صورت حمایت از محیط‌زیست بدون انسان و منافع وی در جنگ‌ها ارزش چندانی ندارد. درواقع براساس این رویکرد باید گفت که هدف قواعد حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه، درنهایت، کاهش آلام جنگ برای بشر و حفاظت از کرامت انسانی است.

ب) اومانیسیم و سودانگاری

زمینه‌های غلبه این نگاه نیز به سال‌های عصر روشنگری بازمی‌گردد. بعد از انقلاب صنعتی دولت‌ها توانستند با مدد فناوری‌های نوین راه‌های مهار طبیعت و غلبه بر آن را به گونه سریع و باورنکردنی کشف کنند. در این میان نوع اندیشه حاکم بر اروپای بعد از انقلاب صنعتی هم بی‌تأثیر نبود. انگاره‌های فلسفی و فکری مبتنی بر اصالت عقل البته عقل بورژوازی و اصالت وجود تحت تأثیر فلسفه دکارت و به‌ویژه آموزه‌های اصالت مصرف و اصالت سود زمینه‌ساز قرائت‌های انسان محور از امر محیط‌زیست شد.

سرعت انقلاب صنعتی در اروپا ضمن اینکه توانست طبیعت را مقهور خود کند در واقع به طبیعت برتری پیدا کند باعث شد که جمعیت انسان‌ها در مرکز شهرها متمرکز شود و مسائل زیست‌محیطی جدیدی به وجود آورد.

دولت‌ها این امکان را پیدا می‌کنند که با قدرت ماشین و تکنولوژی در محیط‌زیست پیرامون خود تصرف کنند و با مهار طبیعت و منابع طبیعی بسیار استفاده کنند و نتیجه این وضعیت و برهم خوردن توازن اکولوژیک بود.

سلطه انسان بر طبیعت در این دوره ناشی از یک‌سری روندهای فکری بود که از اروپا آغاز شد و در سایر مناطق رسوخ پیدا نمود. در این دیدگاه انسان ارزشی بنیادین

دارد و هدف از کنترل محیط‌زیست تأمین و حمایت از انسان و منافع انسانی است. در تقویت و گسترش این مفهوم رقیب در محیط‌زیست جریان‌های تاریخی و فلسفی غرب تأثیر بسیار عمیقی نهاده‌اند که در رأس آنها می‌توان به جریان‌های امانیستی و اگریستانسیالیستی و اندیشه‌های «سودانگاران»^۱ قرون گذشته و نفوذ آنها به مسائل محیط‌زیست اشاره نمود.

گفتار دوم - رویکرد طبیعت‌محور

در مقابل دیدگاه انسان‌محور، دیدگاه‌های طبیعت‌محور مطرح شدند. در دیدگاه‌های طبیعت‌محور، عناصر محیط‌زیست و طبیعت فی‌نفسه دارای ارزش بوده و باید مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند. درواقع در این رویکرد قواعد ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه فقط محدود به منافع انسانی نمی‌شود. بلکه به دنبال حمایت و حفاظت از محیط‌زیست فارغ از منافع انسانی است. این رویکرد ضمن تأکید بر ارزش مستقل طبیعت در برابر انسان به دنبال صلح پایدار در روابط میان انسان با طبیعت است.

الف) ارزش مستقل طبیعت در برابر انسان

در این نگاه طبیعت فی‌نفسه و فارغ از منافع انسانی دارای ارزش است. قواعد حقوق بشردوستانه درواقع به‌مثابه یک سپر حفاظتی به دنبال حمایت از محیط‌زیست در برابر مداخلات انسانی از طریق جنگ هستند. درواقع هدف این است که قلمرو عملکرد انسانی در تخریب محیط‌زیست در خلال مخاصمه محدود شود. بنابراین طبیعت دارای ارزش مستقل است. اگر در رویکرد انسان‌محور «طبیعت» عنصری وابسته و تبعی محسوب می‌شود که درنهایت به منافع انسانی گره می‌خورد در این رویکرد طبیعت و محیط‌زیست «ارزش ذاتی» دارد. در این رویکرد به هیچ وجه انسان، مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست. بلکه طبیعت، فی‌نفسه و به خودی خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن وامی‌دارد که هر دو حوزه محیط‌زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم.

طبیعت نه از آن جهت که منافع انسانی به خطر افتاده، آلودگی‌ها و مخاطرات گسترش یافته شایسته احترام و حفاظت است بلکه فارغ از همه اینها طبیعت به خودی خود شایسته احترام خواهد بود. هرچند این رویکرد در سالیان اخیر از سوی فلاسفه محیط‌زیست مورد تأکید قرار گرفته و سعی شده است این دیدگاه قانونی گردد، لیکن باید توجه داشت که از لحاظ مطالعه «تاریخ فلسفه محیط‌زیست»^۱ تئوری‌های مربوط به ارزش ذاتی طبیعت جنبه نوینی نداشته و می‌توان زمینه‌های آن را در اندیشه‌های یونان باستان و فلسفه اسلامی یافت (بوتکین، ۱۳۸۲: ۶۲۸).

این رویکرد بر این عقیده تأکید دارد که مطابق قواعدی جهان‌شمول و انسانی آدمی باید اخلاقاً به طبیعت احترام بگذارد. در مقابل در برداشتی ذهنی طبیعت دارای ارزشی مستقل از فعالیت‌های انسانی است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

(ب) صلح پایدار میان انسان و طبیعت

در این دیدگاه هدف قواعد حمایت از محیط‌زیست و جنگ تنها محدود به منافع انسانی نمی‌شود. بلکه علاوه بر انسان این قواعد به دنبال تضمین صلح پایدار میان گونه‌های انسانی، جانوری و طبیعت است. در این رویکرد طبیعت و محیط‌زیست «ارزش ذاتی» داشته و به هیچ وجه انسان، مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست بلکه طبیعت، فی‌نفسه و به‌خودی‌خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن وامی‌دارد که هر دو حوزه محیط‌زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم.

تخریب محیط‌زیست در هنگام مخاصمات مسلحانه نیز به نوبه خود منجر به آسیب ساختارهای سیاسی اقتصادی و اجتماعی جامعه شده و دولت‌ها و اشخاص را با چالش‌های شدیدی مواجه می‌نماید. هزینه‌هایی که برای جبران خسارات زیست‌محیطی در حین و پس از جنگ می‌شود دولت‌ها را از لحاظ مالی آسیب‌پذیر می‌نماید. بسیاری از گروه‌های مردمی که حیات و معاش آنها وابسته به منابع طبیعی و محیط‌زیست منطقه شد ناچار به مهاجرت خواهند بود.

این وضعیت به نوبه خود می‌تواند مسائل اجتماعی متعددی را چون فقر، بیکاری و مهاجرت اجباری به دنبال داشته باشد که همه این مسائل می‌تواند خود زمینه‌ساز بروز

درگیری و مخاصمه شود. بنابراین همان‌گونه که به درستی بیان شده است «مخاصمات مسلحانه» علاوه بر متأثر ساختن محیط‌زیست، موجب تضعیف ساختارهای حاکمیتی شکننده گشته و زمینه‌های ترلزول نهادهای دولتی و سازوکارهای هماهنگی سیاست‌ها می‌شوند ... با امعان نظر به اینکه منابع طبیعی چون آب‌وخاک درختان و جانوران ثروت افراد کم‌درآمد به شمار می‌روند، آسیب و تخریب آنها در زمان مخاصمات مسلحانه می‌تواند معاش ایشان را مختل نموده و مهاجرت اجباری را گسترش داده و حتی مخاصمات داخلی را موجب شود ...» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۷).

این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه صلح، محیط‌زیست و جنگ به یکدیگر وابسته‌اند. هر میزان جنگ کاهش یابد، محیط‌زیست بیشتر حفاظت خواهد شد و هر قدر محیط‌زیست کمتر در معرض تخریب قرار گیرد زمینه‌های بروز جنگ و مخاصمه نیز کاهش خواهد یافت و این رابطه به معنای وجود صلح در میان جوامع است. برعکس به هر میزان محیط‌زیست در معرض تباهی قرار گیرد، احتمال افزایش جنگ و درگیری می‌رود و به میزانی که حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمه توجه نگردد احتمال بروز تنش‌ها و زمینه‌های بروز جنگ افزایش خواهد یافت و این فرایند به معنای به خطر افتادن جان صلح میان جوامع و کشورها خواهد بود.

نسبت محیط‌زیست و جنگ نمایانگر یک سیکل ناقص است. به این معنا که هر قدر جنگ افزایش یابد تخریب محیط‌زیست نیز شدت خواهد یافت و هر میزان محیط‌زیست در معرض تخریب قرار گیرد احتمال بروز مخاصمه و درگیری میان گروه‌های انسانی نیز افزایش خواهد یافت. براساس گزارش‌های منتشرشده از دهه ۱۹۹۰ به این سو «منابع طبیعی دست‌کم آتش ۱۸ جنگ داخلی را شعله‌ور ساخته است، به‌طوری‌که الماس، چوب، نفت، مواد معدنی و کاکائو در مخاصمات داخلی کشورهایی چون جمهوری دموکراتیک کنگو، ساحل عاج، لیبیا، سیرالئون، آنگولا، سودان، اندونزی و کامبوج مورد بهره‌برداری قرار گرفته است» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۷).

این یک امر انکارناپذیر است که بسیاری از درگیری‌هایی که میان انسان‌ها در گذشته‌های دور شکل گرفته است ناشی از کمبود منابع زیستی مانند آب، مرتع و غذا بوده است. بسیاری از قبایل برای دسترسی به زمین‌های حاصلخیز، منابع غذایی و سکونتگاه‌های مناسب‌تر به قبایل دیگر حمله می‌نمودند. براساس گزارش یونپ «دست‌کم ۴۰٪ از کلیه مخاصمات بین‌الدولی ۶۰ ساله اخیر با منابع طبیعی در ارتباط بوده‌اند» (حسینی آزاد و

محمدی، ۱۳۹۳: ۳۴). امروزه در افریقا بسیاری از درگیری‌های مسلحانه ریشه‌های زیست‌محیطی دارند و باید زمینه‌های بروز آنها را در کمبود منابعی چون آب، غذا، نفت، منابع جنگی و... یافت.

بنابراین علاوه بر اینکه از محیط‌زیست به عنوان سلاح یا روش جنگی و نیز هدف نظامی استفاده می‌شود، علاوه بر این محیط‌زیست می‌تواند زمینه‌ساز بروز مخاصمه گردد. در قرن بیست و یکم از محیط‌زیست و منابع طبیعی به لحاظ ارزش مالی و مادی آنها به عنوان منبع تأمین مالی جنگ استفاده شده است. امروزه راه‌اندازی جنگ برای دولت و گروه‌های شبه‌نظامی نیازمند هزینه‌های گزافی است. این گروه‌ها و دولت‌ها ناچارند جهت تأمین مالی جنگ چاره‌ای بیندیشند.

فروش منابع طبیعی و زیست‌محیطی مانند نفت، درختان جنگلی، گونه‌های حیات وحش، آب، خاک، انواع معادن، ماهی و میراث‌های طبیعی از شاخص‌ترین موارد است. معمولاً طرفین درگیر با فروش این منابع ارزشمند آنها را جهت تهیه سلاح و تأمین نیروی نظامی و سایر هزینه‌هایی که به کار می‌برند. فروش نفت توسط داعش، عاج فیل و گونه‌های جانوری کمیاب توسط گروه‌های شبه‌نظامی در افریقا از مهم‌ترین مصادیق تأمین مالی جنگ از طریق فروش منابع طبیعی و زیست‌محیطی به شمار می‌رود.

گفتار سوم - رویکرد اسلامی (خدا محور)

در رویکرد اسلامی به نظر می‌رسد به هر دو زمینه حفاظت از محیط‌زیست یعنی حفاظت از انسان‌ها و کاستن از آلام جنگ و نیز حفاظت از طبیعت و عناصر آن توجه شده است. این امر به دلیل جایگاه و ارزش طبیعت و محیط‌زیست در آموزه‌های اسلامی است.

الف) محیط‌زیست در اندیشه اسلامی

در منابع اسلامی طبیعت نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی است؛ طبیعت دارای ارزش و قداست بوده و تخریب و نابودی و فساد آن ممنوع است؛ نگاه توحیدی به طبیعت آن را یک کل غیرقابل تجزیه و وابسته به اراده خالق می‌داند و درنهایت انسان که باید به عنوان خلیفه شایسته از طبیعتی که در اختیار وی قرار داده شده است حفاظت نماید.

در آموزه‌های اسلامی عناصر طبیعت نظیر آب، هوا، درختان، گیاهان و جانوران جایگاهی ویژه دارند. درواقع قبل از طرح مسائل مربوط به رابطه «انسان با محیط» به عنوان فلسفه‌ای جدید (اکوسوفی) در غرب و در مقابل فلسفه‌های سستی (فیلسوفی)، ادیان آسمانی از جمله اسلام به این رابطه نیز توجه نموده بودند.

اسلام، محیط‌زیست را واحدی غیرقابل تجزیه در نظر می‌گیرد و بین انسان و محیط‌زیست در جهان هستی، جدایی قائل نیست. این رویکرد ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد، یعنی جهان و هر آنچه که در اوست ماهیت «از اویی» (انا الله) و به «سوی اویی» (انا الیه راجعون) دارد (فتحی واجارگاه و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۱). طبیعت و محیط‌زیست در عین حال که در اختیار انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین قرار داده شده است، به عنوان نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده که این «خلیفه» را آن گونه که شایسته اوست نسبت به آنها متعهد می‌نماید (Boubakeur, 2001: 3-8). در آیات بسیاری از قرآن به این مسئله توجه گردیده است، از جمله در آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون خلقت انسان‌ها و تمامی موجودات عالم از جمله مظاهر محیط‌زیست بوده که براساس تدبیر و هدفی می‌باشد: «آیا می‌پندارید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید» (مؤمنون، ۱۱۵).

ذیلاً ضمن اشاره به اصول بنیادین رویکرد اسلامی مبانی معرفتی و انسان‌شناختی جایگاه طبیعت در اسلام را بحث خواهیم نمود.

ب) اصول و مبانی بنیادین

اصول ذیل را می‌توان به عنوان مبنای ارزشی و فلسفی - کلامی حمایت از محیط‌زیست در اسلام یاد نمود.

۱. طبیعت به عنوان نظام احسن

نظامی که خداوند تعالی خلق نموده است نظام احسن است و زیباترین مخلوق خدا هم انسان است «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴). انسان وظیفه دارد که این تابلوی نظیر را حفظ نماید و انسان خلیفه خدا در روی زمین است و رابطه انسان با طبیعت رابطه‌ای براساس محبت و جنبه خالق و مخلوقی دارد نه جنبه انتقام‌گیری و مقهوریت و طبیعت مادر انسان‌ها نامیده شده است (فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). بنابراین نابودی آن در خلال

مخاصمات و درگیری و اساساً به راه انداختن جنگ که منجر به نابودی و تخریب محیط‌زیست گردد برخلاف این نظام احسن است. از سوی دیگر یادآور چگونگی تأثیر مخاصمات بر تخریب طبیعت نظام احسنی است که خداوند خلق نموده است.

۲. لزوم حفاظت از طبیعت

حفظ تابلوی زیبای طبیعت بر انسانی که اشرف مخلوقات است واجب است بر این اساس خداوند بزرگ می‌گوید «فَلْيَعْبُدُوا اللَّهَ» (نساء، ۱۱۹) ایجاد بی‌نظمی در طبیعت را کار رهروان شیطان می‌داند. طبیعی است که به راه انداختن جنگ و ایجاد فساد در زمین و خونریزی برخلاف ضرورت حفاظت از طبیعت و محیط‌زیست است.

۳. هدفمند بودن نظام طبیعت

براساس آموزه‌های دین اسلام، سازمان‌دهی و هدایت جهانی براساس حکمتی است که این سازمان‌دهی و هدایت با خود خداوند است یعنی «احسن الخالقین» (مؤمنون، ۱۴) بهترین خلق‌کنندگان هم او است. اگر نظامی بهتر ممکن بود می‌آفرید. بنابراین با تأمل در هدف نظام آفرینش، تمامی اجزای آن براساس حکمت و هدف خاصی بنا نهاده شده است و دست‌اندازی انسان در طبیعت و نابودی آن می‌تواند در برابر چنین هدف باشد. خداوند حکیم تمام خلقت را موزون خلق نموده است و سلاح‌های کشتار جمعی توازن محیط‌زیست را برهم می‌زند و از نظر کلامی تصرف در توازن طبیعت صحیح نیست.

۴. تکلیف مداری مسلمانان در برابر محیط‌زیست

در ادیان الهی از جمله دین اسلام، انسان‌ها دارای تکالیف متعددی در برابر خود، دیگری، خداوند، جامعه و محیط‌زیست^۱ هستند (جوادی آملی، مفاتیح الحیوة، ۱۳۹۱). در

۱. سالیان دراز تحلیل رابطه انسان با انسان، انسان با خدا و انسان با دولت و اجتماع محدود بود. این تحلیل‌ها در حال حاضر نیز قسمت فربه اندیشه‌ها در حوزه مطالعات کلان علوم انسانی است. با این حال در حوزه مطالعات حقوق و اخلاق محیط زیست حوزه جدیدی شکل گرفته است که در آن به روابط میان «انسان و طبیعت» و نظام حقوقی آن توجه می‌گردد. این حوزه ذیل عنوان اکوسوفی در نقطه مقابل مطالعات سنتی اخلاق و فلسفه که معمولاً به رابطه بین «انسان‌ها با هم» می‌پردازند قرار دارد. (فیلسوفی) در این حوزه رابطه جدیدی شکل می‌گیرد، به نام «رابطه انسان با محیط زیست» و عناصر آن که در میان فلاسفه محیط زیست و اخلاق محیط زیست بعد از اهمیت یافتن مسائل زیست محیطی به مثابه یک «اندیشه» بحث‌ها و نظریه‌های فراوانی را به همراه داشته و حتی نمود عینی ای نیز در برخی از قوانین یافته است. برای بررسی بیشتر رک. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸، ۱۹۶)

این میان بخشی از تکالیف دینداران در رابطه با حفظ محیط‌زیست به این امر برمی‌گردد و کار دینداران نگهداری از محیط‌زیست است و انسان جاهل و غیرمعتقد است که به تخریب محیط‌زیست می‌پردازد. لذا براساس اصل رسالت خداوند پیامبران را فرستاد که انسان‌های جاهل را از جهل بیرون آورد «یزکیهیم و یعلهم الکتاب» (جمعه، ۲). از جمله می‌توان به تکلیف به آباد کردن زمین به عنوان کار و وظیفه انسان‌های متدین است «انشاءکم فی الارض و استعمرکم فیها» (هود، ۶۱). اشاره نمود.

۵. طبیعت به عنوان امانت

در رویکرد اسلامی، انسان امانت‌دار و دیعه الهی در زمین است نه اینکه با طبیعت سرکش و قاهر روبه‌رو باشد و باید امانت را به اهل آن بازگرداند «أَنْ تُؤَدُّوا الْأُمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸). انسان در بارگاه الهی کریم و خداجوست نه حیوان سیاسی و مسئولیت‌ناپذیر و انسان با ماشین فرق دارد، انسان حرکت رو به جلو دارد و قرآن و صفحه‌های آفرینش برای او برگ موعظه است «لینذر من کان حیاً» (یس، ۷).

براساس این نگاه انسان تسخیرکننده طبیعت است ولی نه تسخیر از نوع جهان‌گشای قدار بلکه تسخیری که با تخریب همراه نباشد فرمود: «أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ» (لقمان، ۲۰). بر همین اساس به حضرت داود تعلیم داد که سلاح دفاعی تهیه کند نه سلاح تهاجمی «و علمناه صنعة لبوس» (انبیاء، ۸۰).

نتیجه این مطلب آن است که تصرف در خلق، تصرف در ملک الهی است و تصرف بشر به صورت غیرعقلایی و غیرمأذون از خداوند نمی‌تواند باشد.

۶. مقابله با فساد و تباهی طبیعت

از جمله موضوعات مهمی که در منابع اسلامی به آن اشاره شده است، ضرورت مقابله با فساد و تباهی در زمین است. نمونه آشکار ایجاد فساد و تباهی راه انداختن جنگ و نابودی محیط‌زیست (حرث و نسل) است.

قرآن کریم اصول انسان‌شناختی خود را براساس (کرامت، جاودانگی، عبودیت و عدالت) بنا می‌نهد و اصول جهان‌شناختی خود را براساس (خالقیت خداوند، هدایت‌گری او، ظهور فساد آدمی بر عرضه طبیعت) استوار می‌کند و او را موظف به مقابله با جریان‌ات فسادانگیز در زمین می‌داند که «وَلَا تَغْتَوُوا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (شعراء، ۱۸۳). بر این اساس جنگ و خونریزی در طبیعت می‌تواند منجر به ایجاد فساد و تباهی در زمین گردد.

ج) مبانی معرفتی

مبانی معرفتی متعددی را می‌توان از میان منابع اسلامی برشمرد که محور همه آنها به اهمیت و جایگاه ویژه محیط‌زیست در اسلام هدایت می‌نماید. اهمیتی که می‌تواند به آسانی رابطه جنگ و مخاصمه را در ارتباط با محیط‌زیست برای ما تبیین نماید.

۱. طبیعت نشانه قدرت و عظمت الهی

در دین مبین اسلام محیط‌زیست به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت و عظمت حق تعالی به لزوم بهره‌مندی صحیح «انسان» از مواهب طبیعی تأکید گردیده است و انسان‌ها را در این مسیر به تفکر در آنها دعوت نموده است. وظیفه همه انسان‌ها حفاظت از این جهان زیبا و منسجم و به هم پیوسته و هدفدار با خلقت حکیمانه است و موجودات پلیدی چون شیطان که درصدد به هم زدن صحنه زیبای خلقت و آفرینش هستند را با عنوان «فَلْيَغْيِرْ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء، ۱۱۹) یاد می‌کند که از جمله صفات پیروان شیطان تغییر دادن آفرینش پاک الهی را نام می‌برد. در همین آیه که سخن از مکاید شیطانی است. شیطان چنین می‌گوید: «وَلَا ضَلَالَتُهُمْ وَلَا مَنِيَّتُهُمْ وَلَا مَرْتَبُهُمْ فَلْيَتَكَنَّ أَدَانُ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَبُهُمْ فَلْيَغْيِرْ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَخْذِ الشَّيْطَانُ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء ۱۱۹) و آن‌ها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم و به کارهای خرافی گوش چهارپایانی را بشکافند و آفرینش الهی را تغییر دهند (و فطرت الهی را به شرک بگرایند) و هر کس شیطان را به جای خدا برگزیند زیان آشکار کرده است. در تفسیر قرطبی تمام لام‌های مذکور را لام قسم دانسته است که دال بر قسم شیطان بر گمراهی انسان‌هاست (قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۳۸۹/۵).

نکته قابل توجه در آیه کریمه مذکور آن است که ایجاد تغییر در مظاهر خلقت الهی مثل شکافتن گوش حیوانات با انگیزه‌های خرافی، عمل شیطانی و مخالف خلقت الهی شمرده شده است در تفسیر نمونه یکی از عادات زشت اعراب جاهلی، بریدن یا شکافتن گوش حیوانات برمی‌شمارد که معنی آن عدم استفاده از چنین حیواناتی بود که به عنوان انحراف از مسیر فطری خلقت حیوانات شمرده می‌شود. کلمه «لامنینهم» را از ماده (منی بر وزن منبع) به معنی اندازه‌گیری و گاهی اندازه‌گیری خیالی ذکر نموده که کلمه منی هم به خاطر آن است که اندازه‌گیری نخستین موجودات زنده با آن آغاز می‌شود (مکارم، ۱۳۷۲: ۱۳۷/۴). به نظر فخررازی در تفسیر کبیر این تغییرات مربوط به تغییر حالات و احوالی است که ناشی از عمل انسان است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۲۳/۱۱).

۲. قداست طبیعت و ممنوعیت آسیب

از نگاه اسلامی حفاظت از محیط‌زیست همسان قرائت قرآن تلقی شده است. رسول خدا (ص) فرموده‌اند «من اماط عن طریق المسلمین ما یوذیهم کتب الله له اجر قرائة اربعمأة آیه، کل حرف بعشر حسنات» (بحار، ۱۳۷۵: ۵۰)؛ کسی که شیء مزاحمی را از سر راه مسلمانان بردارد خداوند تعالی به او اجر قرائت چهارصد آیه را می‌دهد که برای هر حرف از آن آیه ده حسنه خواهد نوشت.

استفاده صحیح از محیط‌زیست مطلوب شرایع الهی بوده است امام صادق(ع) فرموده‌اند: «ان الله عزوجل اذا انعم علی عبد نعمة احب ان یری علیه اثرها، قیل و کیف ذلک قال: ینظف ثوبه و یطیب ریحہ و یحسن داره و یکنس افیتة». یعنی خداوند دوست دارد نعمتی که به بنده داده است اثر آن را در او ببیند، پرسیدند چگونه؟ فرمود آنکه هر فردی جامه خود را نظیف خانه خود را خوشبو و مقابل خانه خود را تمیز نماید (بحار، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

۳. نگاه توحیدی به طبیعت و محیط‌زیست

اسلام، محیط‌زیست را واحدی غیرقابل تجزیه در نظر می‌گیرد و بین انسان و محیط‌زیست در جهان هستی، جدایی قائل نیست. این رویکرد ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد، یعنی جهان و هر آنچه که در اوست ماهیت «ازایی» (انا الله) و به «سوی اوایی» (انا الیه راجعون) دارد (فتحی و اجارگاه و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۱).

از دیدگاه اسلامی انسان به خاطر آنکه دانشی نسبت به موجودات عالم کشف کند و به انسان کامل یعنی آئینه تمام نمای اسماء و اوصاف الهی تبدیل شود و باید به طبیعت با احترام بنگرد. هدف الهی نیز از خلقت انسان، ساختن انسان کامل است و انسان جایگاه خاصی در جهان دارد و در کانون فضای کیهانی قرار دارد و در همان حال آگاه و نگهبان طبیعت است و اسماء همه موجودات را یافته و به عنوان خلیفه خداوند در زمین بر طبیعت حق سلطه و حکومت یافته است و این به معنی طغیان علیه آسمان نیست.

بشر برای طبیعت مجرای فیض و رحمت است به این طریق که از جهت مشارکت فعال در جهان معنوی به داخل جهان طبیعت نورافشانی می‌کند و به منزله دهانی است که طبیعت از آن طریق نفس می‌کشد و زندگی می‌کند. به خاطر ارتباط صمیمانه بین انسان و طبیعت به حالت درونی انسان در نظم خارجی بازتاب یافته است (سراج‌الدین، ۱۹۵۲: ۳۲۰). ایشان در صفحات بعد می‌نویسد که طبیعت بازتابی از روح آدمی است (همان: ۵۰).

۴. ممنوعیت جنگ و پیام‌آور صلح

جنگ و خونریزی و فساد بر روی زمین در تعالیم و مبانی معرفتی اسلام مردود است. در حقیقت اسلام اسلام دین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است و جنگ را بلایی خانمان‌سوز و تحمیلی می‌داند. پیامبر بزرگوار اسلام در آغاز تشکیل کشور اسلامی به کشورهای اطراف نامه نوشته و در آغاز آن این آیه قرآن را می‌نویسند که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد» (رضوانی، ۱۳۹۴: ۳).

بنابراین اسلام تأکید بر صلح جهانی و صلاح بین مردم دارد و توصیه بر زندگی جمعی مسالمت‌آمیز می‌نماید و حتی نسبت به کفار نیز با دسته‌بندی‌هایی که انجام می‌دهد، دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز دارد و وجود پیروان سایر ادیان را در کنار مسلمانان به سادگی ممکن می‌داند که کشتار و گرفتن حق زندگی انسان‌ها را از اتباع دیگر ادیان را جایز نمی‌داند.

در آخرالزمان نیز «طبق روایات فراوان، قیام مهدوی با رعب و نصرت الهی و با کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه است؛ بنابراین، حضرت مهدی (عج) به استمداد از سلاح‌های مخربی مانند سلاح هسته‌ای نیاز نخواهند داشت. در صورت تمسک آن حضرت به سلاح‌های نوین، بدیهی است چنین اقدام تقابلی‌ای، مستظهر به نصرت الهی و مؤید به مساعدت فرشتگان و فاقد هرگونه تخریب زیست‌محیطی یا فجایع انسانی باشد» (حجازی، ۱۳۸۷). بنابراین صلح در کنار حفظ محیط‌زیست می‌تواند مکمل هم دیگر باشد.

۵. تسخیر طبیعت و خلیفه شایسته

طبیعت و محیط‌زیست در عین حال که در اختیار انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین قرار داده شده است، به عنوان نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شد که این «خلیفه» را آن گونه که شایسته اوست نسبت به آنها متعهد می‌نماید (فهمی و مهدی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). در آیات بسیاری از قرآن به این مسئله توجه گردیده است. از جمله در آیه

۱۱۵ سوره مؤمنون خلقت انسان‌ها و تمامی موجودات عالم از جمله مظاهر محیط‌زیست بوده که براساس تدبیر و هدفی می‌باشد:

«آیا می‌پندارید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید» (مؤمنون، ۱۱۵). در آیات دیگری صریحاً به منع فساد دستور می‌دهد:

«در زمین پس از اصلاح، فساد و تباهی ننمایید» (اعراف، ۵۶).

از دیدگاه مرحوم طباطبائی «فساد هر نوع مصیبت و بلایی است که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را برهم زند و تفاوتی نمی‌کند که مستند به سوءاختیار آدمیان نظیر جنگ، ناامنی از قبیل حوادث طبیعی مانند زلزله، خشکسالی و قحطی ... باشد یا خیر» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹۵). بنابراین فساد در این آیه شامل هر نوع تصرف نابه‌جای انسان‌ها در طبیعت می‌گردد که از نظر قرآن کریم ممنوع و حرام است زیرا که استفاده از محیط‌زیست می‌باید هدفمند و ارزشمند باشد.

هرچند رابطه انسان با طبیعت رابطه تسخیری است. قرآن کریم می‌فرماید: «الْمَ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان، ۲۰). آیا ندیدی که خداوند آنچه در زمین و آسمان است را مسخر شما گردانید. تسخیر جایی است که فعل علایم با طبع است و فاعل مفروض برای آن کار خلق شده است و عامل بیرون آنچه را که مقتضای طبیعت او است، خردمندانه از او طلب می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

انسان امانتدار الهی و زمین و آسمان مسخر انسان است و تمام موجودات عالم تحت امر به اطاعت خداوند هستند «يَسْجُدُ لِلَّهِ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (جمعه، ۱). آنچه در زمین و آسمان است تسبیح‌گوی خداوند و چنانچه انسان‌ها برخلاف طبیعت حرکت کنند در مقابله با نظام کیهانی نابود می‌شود. «فَعَشِيَهُمْ مِنْ آلِئِمٍّ مَّا عَشِيَهُمْ» (طه، ۷۸) از دریا آنچه آنان را فروپوشاند فروپوشانده یعنی حرکت فرعون چون برخلاف جهت این مجموعه نظام کیهانی است سرانجامی جز غرق و نابودی ندارد. بنابراین موجودات عالم اعم از انسان و طبیعت هیچ‌کدام از خود استقلالی ندارند و در ملکیت تام الهی قرار دارند و تدبیر کل امور به دست خداوند است و انسان امانتداری بیش نیست و خود مملوک الهی است.

انسان چون مملوک است و مالک، شخص دیگری است تصرفات او در امور طبیعت می‌باید به اذن الهی و در چهارچوب اذن خداوند باشد که این چهارچوب نیز از طریق وحی ترسیم گردیده است.

اگر خداوند جهان را مسخر انسان گردانید به خاطر آن بود که انسان با استفاده از این امکانات به تزکیه و پاکسازی برسد. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی، ۱۴). به تحقیق رستگار شد آنکه تزکیه نمود. تفسیر المیزان مراد از تزکیه را پاک شدن از دلبستگی‌ها به دنیا و بریدن طمع جاودانگی در دنیا معنی کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۲۶۹/۱۵). برخی از مفسرین عامه تزکیه را عمل صالح معنی نموده‌اند و یا ایمان دانسته‌اند که انسان را از شرک پاک می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۱/۲۰).

استفاده انسان از این طبیعت مسخر نباید تخریب محیط‌زیست را به همراه داشته، بر این اساس خداوند به ذوالقرنین یاد داد که مقابل یاجوج و ماجوج سد دفاعی بسازند نه اینکه به تخریب طبیعت بپردازند. با اینکه همه راه‌ها برای او مهیا بود «وَأَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْ سَبِيلًا» (کهف، ۸۴) و از هر چیزی رشته‌ای به او دادیم و به داود نیز به جای ساختن سلاح تهاجمی زره بافی را یاد داد «وَعَزَّزْنَاهُ بِصَنْعَةٍ لَبَّوسَ لَكُمْ» (انبیاء، ۸۰). یعنی داود به جای سلاح تهاجمی و تخریبی از سلاح دفاعی استفاده کرد همان‌طور که ذوالقرنین چنین کرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

در نهایت اینکه بحران زیست‌محیطی عصر حاضر بدون بذل توجه خاص نسبت به بعد معنوی مسئله قابل حل نیست و کسی نمی‌تواند نقش دین را در تبیین وضعیتی که به بحران جاری منجر شده مورد انکار قرار دهد. بعد معنوی امر در مسئله حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه به مراتب اهمیت بیشتری می‌یابد. رجوع به مباحث تاریخ علم و فلسفه در غرب ریشه‌های تاریخی بحران محیط‌زیست را نشان می‌دهد که این انحراف ناشی از برداشت‌های غلط از تاریخ علم و فلسفه است.

مبحث سوم - تاریخچه حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه

تاریخ روابط انسانی همواره حکایت از انواع روابطی دارد که انسان با طبیعت داشته است. این روابط همواره به یک شکل نبوده است. از لحاظ سیر تاریخی ما می‌توانیم از ادوار متعدد صحبت نماییم. در دورانی انسان موجودی ناتوان بوده و همواره در برابر نیروهای طبیعی تسلیم بود و یا نمی‌توانست آسیب چندانی بر طبیعت وارد نماید. لیکن بعد از انقلاب صنعتی انسان به مدد علم و تکنولوژی توانست بر طبیعت غلبه نماید و با راه‌اندازی جنگ‌های متعدد علاوه بر آسیب‌های انسانی، خسارات جدی و جبران‌ناپذیری بر طبیعت نهد. ذیلاً این فرایند را در گذشته دور و نزدیک به اجمال بررسی خواهیم نمود.

گفتار اول - گذشته دور؛ از انسان ناتوان تا انسان ستیزه‌جو با طبیعت

از زمانی که انسان بر کره خاکی پای نهاد همواره به دنبال کنترل و چیرگی بر نیروهای طبیعت بوده است. لیکن از گذشته‌های دور تا قبل از مدرنیته و انقلاب صنعتی مهم‌ترین شاخصه این دوران مبتنی بر دو انگاره بود. نخست اینکه انسان‌ها ناتوان از کنترل بر طبیعت بودند و دوم اینکه آسیب‌های وارده بر طبیعت نیز ناچیز و اندک بود.

بند اول - انسان مقهور و ناتوان

این دوره انسان در برابر طبیعت آسیب‌پذیر است و نمی‌تواند آسیب چندان جدی بر محیط‌زیست در خلال مخاصمات وارد نماید و به طور معمول در صورت ورود آسیب امکان احیای طبیعت وجود دارد. در جنگ‌های صدر اسلام نیز علی‌رغم این مسئله در دستورات پیامبر گرامی اسلام به این مسئله توجه شده است.

الف) ویژگی‌های عمومی این دوره

این دوره از زمان پیدایش انسان بر روی کره زمین مصادف است و تا عصر ایجاد تمدن‌های بزرگ ادامه پیدا می‌کند. بزرگ‌ترین ویژگی این دوره این است که انسان مقهور طبیعت و ناتوان از چیرگی و آسیب بر آن است. در این دوره انسان‌ها به دلیل نداشتن تکنولوژی‌ها و ابزارهای پیشرفته معمولاً در برابر حوادث طبیعی و حتی در برابر جانوران آسیب‌پذیرند. دخالت‌های انسانی هم بسیار محدود است و طبیعت و محیط‌زیست کمتر آسیب می‌بیند و اگر هم احتمالاً انسان تغییراتی در محیط‌زیست انجام دهد از طریق چرخه عادی طبیعت ترمیم می‌شود. مفهوم «وحش» در این دوره شکل می‌گیرد و انسان‌ها از حوزه‌های اطراف شهرها وحشت داشتند و جنگل‌های اطراف شهرها سازواره‌ای وحشتناک تلقی می‌شد.

جنگ‌هایی که در دوران اولیه شکل می‌گیرد، نمی‌توانند آسیب چندان جدی و گسترده‌ای را بر محیط‌زیست وارد نمایند. علی‌رغم این مسئله همواره محیط‌زیست و حمایت از آن برای انسان‌ها در تعالیم انسانی، اخلاقی و دینی مورد توجه بوده و حتی تخریب محدود آن را نیز مجاز نمی‌دانستند. در نگاه‌های اسلامی همان‌گونه که در مباحث قبلی اشاره شد، طبیعت به عنوان نشانه‌ای از عظمت و قدرت الهی بود که انسان را پیرامون خالق آن به تفکر و تأمل وامی‌داشت.

در برخی از سنت‌های فلسفه محیطی^۱ و به گونه‌ای پراکنده نیز کوشیده شده تا ریشه‌های حمایت از طبیعت و اهمیت محیط‌زیست در زندگی انسانی را به دوران قدیم و حتی دوران آفرینش انسان پیوند دهند. برای نمونه بنوفو^۲ در «آشتی انسان با طبیعت»^۳ قائل به این رویکرد است. در نظر وی نابودی تمدن «مایا»^۴ در سال ۸۰۰ میلادی دلیلی زیست‌محیطی (پاکتراشی جنگل) داشته است (بنوفو، ۱۳۷۵: ۲ و ۱۴). بنابراین در دوران قدیم حمایت از محیط‌زیست بیشتر الهیاتی، اخلاقی، دینی و فلسفی بود و حفاظت و احترام به طبیعت از سوی انسان‌ها کمتر شکل «حقوق» به خود گرفته بود (Naim-Gesbert, 1999: 17-29 and Bocquet, 2009: 10-89).

ب) ویژگی‌های این دوره از منظر اسلامی

این دوران هرچند قلمرو خسارات حاصل از جنگ‌ها بر محیط‌زیست محدود و قابل مقایسه با ادوار پیش از آن نیست؛ لیکن رویکردهای عرفانی و اخلاقی و الهیاتی در برخورد با طبیعت در مرکز تعالیم ادیان بزرگ است. قبل از ظهور اسلام و در عهد جاهلیت، در جنگ‌هایی که میان قبایل درمی‌گرفت چندان محیط‌زیست مورد توجه نبود. با این ملاحظه پیامبر گرامی اسلام موضوع حمایت از محیط‌زیست را در فرایند جهاد به پیروانش گوشزد می‌نماید.

تا قبل از اسلام «در جنگ‌ها درختان، گیاهان و مزارع کشاورزی را مورد حمله قرار داده، به آتش می‌کشیدند. به گله‌های حیوانات هجوم می‌برده‌اند و اسب‌ها را پی می‌کردند. درحالی‌که پیامبر اعظم پیش از حرکت مسلمانان برای جهاد، خطبه خوانده و آنها را از همه امور مذکور و دیگر رفتارهای غیرانسانی و فطری؛ مانند آزار زنان و کودکان نهی می‌کردند...» (شاکراردکانی، ۱۳۹۳: ۲۱)؛ بنابراین در منابع اولیه اسلامی علی‌رغم گسترده نبودن مخصصات این امر مورد توجه بوده است.^۵

-
1. Environmental philosophy
 2. Bonnefous
 3. Reconciling man and nature
 4. Maya

۵. مصادیق این موارد را به تفصیل در فصول آتی بحث نموده‌ایم.

بند دوم - انسان ستیزه‌جو

این دوره با گذار از دوران قدیم و اولیه همزمان با کشف آتش و کشاورزی و ساخت ابزارهای اولیه برای چیرگی بر طبیعت و نیروهای طبیعی است.

الف) ویژگی‌های عمومی این دوره

با گذار از دوران اولیه کم‌کم ما وارد دوره‌ای می‌شویم که انسان‌ها با افزایش جمعیت و کشف آتش و ساخت ابزارهای ساده مثل نیزه و کشف دانه در به کنترل گرفتن طبیعت، جدال با طبیعت را شروع می‌کنند و انسان غارنشین و شاید یکجانشین سعی می‌نماید بر نیروهای طبیعت غلبه کند. البته گاهی پیروز است و گاهی شکست می‌خورد. بنابراین رابطه انسان و محیط‌زیست بر نوعی نزاع استوار است.

در این دوره انسان طبیعت را به عنوان یک منبع و یا کالا و یا یک دشمن تلقی می‌کند و نخستین تلاش‌ها هم درواقع برای ابزارسازی ویژگی این دوره است و انسان با طبیعت در حال رقابت (کشف آتش و کشاورزی) است. تعداد انسان‌ها محدود است و انسان در تلاش برای کنترل طبیعت است. سلاح‌های ابتدایی نظیر نیزه و شمشیر در این دوره شکل می‌گیرند. سلاح‌هایی که ناتوان از وارد آوردن آسیب جدی بر محیط‌زیست هستند.

طبیعی است که در این دوره معاهدات و اسناد مشخصی نیز که به موضوع حمایت بین‌المللی از محیط‌زیست پرداخته باشند در این دوران یافت نمی‌شوند. تنها در این دوران می‌توان در آراء برخی از فلاسفه و نیز ادیان به لزوم احترام به طبیعت اشاره نمود (ابراهیم‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۱۳).

ب) ویژگی‌های این دوره از منظر اسلامی

در این دوره جوامع اسلامی با دست یافتن به برخی از ابزارها و تکنولوژی‌ها توانستند به کشت و زرع بپردازند و روستاها و شهرهای اولیه را بنا نهند. در سایر ادیان احترام به برخی از اماکن و نیز ممنوعیت تعرض به محصولات کشاورزی و حیوانات مفید در میان ملل مسیحی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۲۴) احترام به حقوق حیوانات از قبیل حق نفقه حیوانات، حق حیات، بهدشت، تولید مثل و عدالت با حیوانات و ممنوعیت قطع درختان و نیز ممنوعیت آسیب به محیط‌زیست در خلال جنگ در میان مسلمانان از مهم‌ترین مصادیق قواعد ناظر به حفظ محیط‌زیست می‌باشند (ارسنجان، ۱۳۸۱).

در صدر اسلام با توجه به تکنولوژی آن زمان سلاح‌های غیرمتعارف به معنای امروزی وجود نداشت. جنگجویان معمولاً از سلاح‌های ساده و ابتدایی آن زمان نظیر سنگ، چوب، شمشیر، نیزه و نظایر آن استفاده می‌نمودند. روش‌های جنگ نیز معمولاً بسیار ساده بود. بااین حال برخی از روش‌های جنگ مانند استفاده از آتش یا نیروی آب می‌توانست آثار زیانباری همراه داشته باشد. با این وجود با توجه به اهداف جنگ در اسلام به نظر می‌رسد استفاده از این روش‌های جنگی ممنوع است.

با دقت در سیره پیامبر و معصومین، استفاده از روش‌های چون آتش زدن، سوزاندن نخل، قطع نمودن درختان میوه‌دار و سوزاندن کشت و زرع ممنوع اعلام شده است. از مهم‌ترین دلایل حرمت به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف و روش‌هایی که خسارات جبران‌ناپذیر بر جای می‌گذارد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. نهی از کشتن بی‌گناهان

استفاده سلاح‌ها و روش‌های غیرمتعارف منجر به آسیب به کسانی می‌شود که در جنگ شرکت ندارند. لذا شرعاً نباید کسانی که در مخاصمه طرفین درگیر نشی ندارند، مجازات شوند. براساس قاعده معروف «وزر» به‌کارگیری چنین سلاح‌ها و روش‌های جنگی نباید منجر به عقوبت کسانی گردد که بی‌گناه محسوب می‌شوند.

۲. حفظ نسل

استفاده از برخی سلاح‌های غیرمتعارف و نیز روش‌های جنگ خسارت‌بار می‌تواند منجر به نابودی نسل انسان گردد. این موضوع هم ناظر به نسل حاضر و هم نسل‌های آینده است. به همین سبب است که استفاده از سلاح هسته‌ای ممنوع اعلام شده است. این دوره بخش عمده‌ای از تاریخ رابطه انسان با محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند و از لحاظ ملاحظات اکولوژیکی برای ما اهمیت چندانی ندارد، زیرا دوره‌ای است که محیط‌زیست تغییرات عمده، عمیق و وسیعی را تجربه نمی‌کند اما دو دوره بعد اهمیت بسیار زیادی دارد.

گفتار دوم - گذشته نزدیک؛ از انسان فاتح تا عصر اکولوژی

گذشته نزدیک ناظر به سال‌هایی است که انسان‌ها به مدد تکنولوژی و علم که ارمغان دوران مدرن است، بر نیروهای طبیعی غلبه می‌نمایند. سلاح‌های ساخته دست بشر روزبه‌روز در حال پیشرفت است. به گونه‌ای که به هر میزان به قرون بیستم و بیست و یکم نزدیک می‌شویم، تخریب‌پذیری محیط‌زیست نیز از طریق ابزارها و تکنولوژی جدید بیشتر می‌گردد.

بند اول - انسان فاتح

کم‌کم شاهد این هستیم که با دستیابی بشر و دولت‌ها به علم و تکنولوژی‌های بیشتر و توسعه ابزارها، نیروهای طبیعی تحت کنترل بشر درمی‌آیند. این دوره مشخصاً با اختراع ماشین بخار و شروع انقلاب صنعتی در اروپا مصادف است؛ به گونه‌ای که با پیشرفت علم و فناوری، طبیعت را مقهور خود کرده و عصر انسان فاتح زمین است.

بعد از انقلاب صنعتی دولت‌ها توانستند با مدد فناوری‌های نوین راه‌های مهار طبیعت و غلبه بر آن به گونه سریع و باور نکردنی کشف کنند. همین امر یعنی سرعت انقلاب صنعتی در اروپا ضمن اینکه توانست طبیعت را مقهور خود کند در واقع به طبیعت برتری پیدا کند باعث شد که جمعیت انسان‌ها در مرکز شهرها متمرکز شود و مسائل زیست‌محیطی جدیدی به وجود آورد. جنگ‌های این دوره می‌توانستند خسارت جبران‌ناپذیری را علاوه بر انسان‌ها بر محیط‌زیست از خود بر جای گذارند.

دولت‌ها این امکان را پیدا می‌کنند که با قدرت ماشین و تکنولوژی در محیط‌زیست پیرامون خود تصرف کنند و با مهار طبیعت و منابع طبیعی از آن استفاده بیش از حد نمایند. نتیجه این و ضعیف بر هم خوردن توازن اکولوژیک بود. مهم‌ترین ویژگی این دوره این است که دولت‌ها می‌توانند با تکیه بر ابزار و تکنولوژی بر طبیعت تسلط پیدا کنند. به این صورت که در گذشته اگر انسان به محیط‌زیست ضرر می‌زد یا محدود بود یا اکوسیستم، آن را ترمیم می‌کرد، اما در این دوره آسیب‌های وارده به گونه‌ای است که جبران آن دشوار می‌نماید. این امر در واقع نشان‌دهنده برتری انسان بر طبیعت است که ابزار این دوره گسترش تکنولوژی‌های نوین است. بر همین مبنا جنگ‌هایی این دوره نیز بسیار گسترده‌تر و خسارات وارده بر محیط‌زیست وسیع‌تر و عمیق‌تر است.

الف) از انقلاب صنعتی تا جنگ جهانی دوم

این دوره، زمینه‌ساز شکل‌گیری قواعد حمایت از محیط‌زیست و برخی قواعد عرفی در قرن بیستم است. این دوره که با انقلاب صنعتی آغاز و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه دارد، شاهد دوره‌ای است که دولت‌ها به مدد تکنولوژی و دستاوردهای انقلاب صنعتی بر طبیعت تسلط یافتند.

انقلاب صنعتی برآیند سلطه دولت‌ها بر طبیعت و منابع طبیعی بود. روابط میان دولت‌ها و تابعان در این دوره به شدت عقل‌گرا، سودبنیان، علم‌گرا و مبتنی بر نفع متقابل بازیگران است. آموزه‌های فلسفی این دوره یعنی اصالت علم، اصالت عقل، اصالت سود و سپس اصالت فرد و اصالت مصرف به یاری دولت‌ها شتافتند و فرایند سلطه دولت بر منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست را تشدید نمودند. عموماً اکولوژیست‌ها سه مسئله افزایش جمعیت، الگوی مصرف و تکنولوژی و صنعت به عنوان موضوعات زمینه‌ساز بحران محیط‌زیست معرفی می‌نمایند که بعداً زمینه‌ساز شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به مثابه پاسخی به این بحران‌ها گردید (شاو، ۱۳۹۲: ۸).

معاهدات دوجانبه ماهیگیری میان برخی از کشورها به امضاء رسید که قواعدی را بر محدودیت بهره‌برداری از منابع وضع می‌نمود. در اواخر این دوران شاهد تصویب برخی از اسناد بین‌المللی مرتبط با حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی هستیم. از جمله می‌توان به کنوانسیون ۱۹۰۲ پاریس در خصوص پرندگان مفید در امر کشاورزی، کنوانسیون ۱۹۱۱ راجع به حفاظت از فک‌ها، کنوانسیون ۱۹۳۳ حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی افریقا، کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن در مورد حفاظت از طبیعت و حیات وحش در نیمکره غربی اشاره نمود. همچنین برخی از رویه‌های قضایی دیوان‌های داوری در اواخر این دوره را نیز می‌توان نام برد که زمینه‌ساز تکوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در سالیان بعد گردید. از جمله می‌توان به قضیه داوری فک‌های دریایی و قضیه کارخانه ترای (تریل اسملتر) در ۱۹۴۱ یاد نمود.

ب) از جنگ جهانی دوم تا استکهلم

وقایع دهشتناک جنگ‌های جهانی اول و دوم که علاوه بر تلفات انسانی، تخریب شدید و گسترده محیط‌زیست را به همراه داشت، زنگ خطر توجه جامعه بین‌المللی به حفظ محیط‌زیست را به صدا درآورد. در هر دو جنگ دولت‌های درگیر هم از محیط‌زیست به

عنوان سلاح استفاده نمودند و هم علیه محیط‌زیست برای رسیدن به اهداف نظامی اقدامات گسترده‌ای را انجام دادند.

از مشهورترین این وقایع می‌توان استفاده امریکا از علف کش موسوم به عامل نارنجی برای جنگل‌زدایی در جنگ ویتنام اشاره نمود. برخی از پژوهشگران این واقعه را به عنوان نقطه عطفی در توجه جامعه بین‌المللی به ضرورت حفاظت از محیط‌زیست در خلال جنگ دانسته‌اند (حسینی و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۵).

در این دوره دولت‌ها، گام به گام به سمت صنعتی شدن، شهری شدن، افزایش جمعیت رفته و سعی نمودند به جبران ویرانی‌های بر جای مانده از دو جنگ پرداختند. در این دوره است که مسئله محیط‌زیست اهمیت می‌یابد. سه عامل اساسی موجب بیداری دولت‌ها و توجه آنها به مسئله محیط‌زیست را فراهم نمود. نخست حوادث آلودگی به‌ویژه آلودگی دریایی نظیر حادثه غرق کشتی توری کانپون در ۱۹۶۷ بود. دومین مورد هشدار دانشمندان و سومین مورد نقش سازمان‌های بین‌المللی بود. در این دوره ما شاهد تأسیس سازمان ملل متحد هستیم. علاوه بر این برخی از بازیگران غیردولتی نیز در زمینه مقابله با آلودگی در این دوره نقش ایفا می‌نمایند. چند قضیه مهم در این دوره زمینه‌ساز قواعد زیست‌محیطی در سال‌های بعد گردیدند. ازجمله آنها می‌توان به قضیه کانال کورفو در ۱۹۴۹ (اختلاف آلبانی و انگلستان) و قضیه دریاچه لانو در ۱۹۵۶ (اختلاف اسپانیا و فرانسه) اشاره نمود. از شاخص‌ترین اسناد بین‌المللی این دوره در ارتباط با محیط‌زیست می‌توان به کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای سرزمینی و منطقه نظارت و معاهده ۱۹۶۳ در مورد منع آزمایش‌های هسته‌ای اشاره نمود.

بند دوم - عصر اکولوژی

پس از پایان جنگ جهانی دوم، با ملاحظه ویرانی‌ها و خسارات برجای مانده از آن که بخش عمده این خسارات مربوط به زیرساخت‌ها و منابع حیاتی می‌شد، دولت‌ها کم‌کم متوجه ضرورت حفظ محیط‌زیست شدند. نقطه عطف این فرایند را باید در سال‌های ۱۹۷۰ جست. در این دوره علاوه بر توجه پروتکل‌های الحاقی اول و دوم کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به بحث حفاظت و حمایت از محیط‌زیست به‌ویژه در مواد ۳۵ و ۵۵، کنوانسیون بسیار مهم انمود در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسید.

وضعیت‌های ناگوار پیش‌آماده در مورد محیط‌زیست کم‌کم انسان‌ها و به تبع دولت‌ها را معطوف به مسئله محیط‌زیست نمود. بنابراین در سال‌های دهه شصت و هفتاد قرن بیستم است که ما کم‌کم شاهد نضج عصری هستیم که محیط‌زیست و مسائل اکولوژیکی اهمیتی بنیادین می‌یابند.

در این دوره شاهد شکل‌گیری نهضت‌های فکری و فلسفی اجتماعی و اخلاقی هستیم. همچنین اسناد بین‌المللی متعددی در حال شکل‌گیری هستند.

کم‌کم توجه به ملاحظات زیست‌محیطی از سال ۱۹۷۰ به بعد عنوان گفتمان مطرح می‌شود در این دوره اکولوژیست‌ها دنبال این هستند که انسان فاتح را تبدیل به شهروند زیستی نموده و دولت‌ها را مکلف و متعهد به رعایت ملاحظات زیستی در فرایند توسعه نمایند درواقع این دوره، دوره‌ای است که انسان به دنبال آشتی با طبیعت است.

الف) از استکهلم تا ریو

این دوره عصر شکوفایی و تولد حقوق زیست است. اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد دربارهٔ انسان و محیط‌زیست^۱ (مشهور به اعلامیه استکهلم) نقطه عطف این گرایش حقوقی به شمار می‌رود. در این دوره شاهد برگزاری کنفرانس استکهلم هستیم. در ماده ۱ این اعلامیه حق بر محیط‌زیست مورد شناسایی قرار می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی گوناگون با مأموریت‌های زیست‌محیطی ازجمله برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴ تأسیس می‌گردند. در این دوره شاهد تصویب منشور جهانی طبیعت نیز هستیم. منشور افریقایی حقوق بشر در ۱۹۸۱ حق محیط‌زیست را به‌مثابه یک حق جمعی مورد شناسایی قرار می‌دهد.

در این دوره ما شاهد افزایش نگرانی‌های اکولوژیکی، تشکیل گروه‌های طرفدار محیط‌زیست نظیر صلح سبز^۲، برخی فجایع زیست‌محیطی نظیر حادثه توری کانیون و آموکو کادیز، حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل و انفجار کارخانه یونیون کارباید در بوپال هند، فاجعه نفتی اکسون والدر در آلاسکا و همچنین غرق کشتی دلاور رنگین‌کمان^۳ (دار بی شر، ۱۳۶۹: ۱۴۱) در ۱۹۸۵ هستیم.

1. Stockholm Declaration on the Human Environment adopted by the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm, Sweden-16 June 1997).

2. Greenpeace France

۳. ماجرا مربوط است به غرق کشتی موسوم به دلاور رنگین‌کمان Rainbow Warrior متعلق به هواداران محیط‌زیست (صلح سبز) در بندر اوکلند در دهم ژوئیه ۱۹۸۵ که در اعتراض به آزمایش‌های هسته‌ای ←

ما در این دوره شاهد شکل‌گیری مفهوم شهروند زیستی یا دولت‌هایی که باید مسئولیت‌ها تکالیف و حقوق توأمان انسان‌ها و دولت‌ها به عنوان گروه‌ها یا شهروندانی که در زمین زندگی می‌کنند را یادآوری می‌کند و نام آن مسئولیت اکولوژیکی دولت‌ها است. کم‌کم دانشمندان اخلاق و فلاسفه و حقوق‌دانان بر ضرورت توجه به رابطه انسان با طبیعت توجه می‌نمایند و درواقع بزرگ‌ترین ارمان محیط‌زیست بعد از سال ۱۹۷۰ برای انسان و محیط‌زیست این است که درواقع می‌خواهند انسان‌ها را به آثار و عواقب زیان‌بار مداخله بی‌حد و حصر انسان بر طبیعت آگاه کنند (اصل آگاهی اکولوژیکی).

در این دوره شاهد تدوین و تصویب برخی از اسناد مهم حقوق محیط‌زیست هستیم که ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- کنوانسیون بن ۱۹۷۹ در خصوص حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی؛

- کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها؛

- کنوانسیون ۱۹۸۵ ژنو در مورد حفاظت از لایه ازن؛

- پروتکل مونترال ۱۹۸۷ مربوط به مواد کاهنده لایه ازن؛

- کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در مورد حمل‌ونقل فرامرزی فضولات خطرناک و تخلیه آنها.

ب) از ریو تا کنون

اعلامیه ریو از اسناد تصویبی کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه^۱ بود. این اعلامیه دومین متن بنیادین و مشهور در زمینه حمایت از محیط‌زیست است که با دغدغه توسعه پایدار و براساس گزارش ۱۹۸۷ خانم برونلند تقریر گردید. در این اعلامیه بر «پیوستگی و تجزیه‌ناپذیری توسعه اقتصادی و حفاظت محیط‌زیست در چهارچوب اصل توسعه پایدار و غیرقابل قبول بودن انفکاک این دو به رسمیت شناخته شد» (حییی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). بعد از ریو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شاهد تحول چشم‌گیری است. اسناد بخشی فراوانی در حوزه‌های گوناگون محیط‌زیست به تصویب رسیدند. ورود مسائل محیط‌زیست در سطح ملی، موضوع مهم تغییرات آب‌وهوایی و

→ فرانسه در اقیانوس آرام اتفاق افتاد. این حادثه منجر به کشته شدن یکی از سرنشینان آن به دست مأموران مخفی اداره کل امنیت خارجی فرانسه گردید و انتقادات بسیاری را بر دولت پر دردسر فرانسوا میتران از سوی رسانه‌های گروهی، طرفداران محیط زیست و افکار عمومی وارد نمود.

1. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED).

سورخ شدن لایه ازن، ابعاد جدید تغییرات ژنتیکی و رشد روبه قضایی بین‌المللی و نیز حوادث اکولوژیکی متعدد،^۱ مهم‌ترین ویژگی این دوران است.

از منظر حقوق بشردوستانه و محیط‌زیست، با وقوع جنگ خلیج‌فارس و جنگ تحمیلی در دهه نود و گسترش و اهمیت یافتن مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در هزاره سوم زمینه توجه به ابعاد جدید این مسئله مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت. شاخص‌ترین موضوع را می‌توان به نظام حقوقی جبران خسارات زیست‌محیطی در خلال مخاصمات مسلحانه اشاره نمود. در این رابطه وقایع جنگ نفت در خلیج‌فارس و حمله عراق به کویت منجر به تشکیل کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد شد.

در این جنگ «آلودگی شدید حاصل از تخریب بیش از ۶۰۰ چاه نفت کویت توسط نیروهای ارتش عراق و متعاقباً اعلام پنج میلیون دلار خسارت زیست‌محیطی، نیاز به تقویت سازوکارهای حمایت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه را نمایان‌تر ساخت. به گونه‌ای که برخی خواستار تدوین کنوانسیون پنجم ژنو با تمرکز بر موضوع محیط‌زیست شدند» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۴).

در دهه ۹۰ و هزاره سوم با توجه به اهمیت یافتن موضوع محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه این موضوع مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی مختلف از جمله سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و برخی سازمان‌های منطقه‌ای قرار گرفت. در سطح سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های متعددی تا به امروز از سوی مجمع عمومی یا شورای امنیت در زمینه محیط‌زیست و حفاظت از آن در خلال مخاصمات مسلحانه صادر شده است. علاوه بر آن کمیسیون حقوق بین‌الملل در تلاش است تا قواعد ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را در یک سند مشخص و منسجم تدوین و توسعه دهد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۴ در این زمینه اصول راهنما و منتشر نمود که ناظر بر قواعد قابل اعمال موجود در زمینه حفاظت از محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانه است. هدف اساسی از تدوین اصول توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درواقع

۱. از جمله می‌توان به مواردی چون انفجار کارخانه AZF در تولوز فرانسه در سال ۲۰۰۱، انفجار کارخانه پتروشیمی چین در ۲۰۰۵، حوادث هسته‌ای مایل آیلند آمریکا در ۱۹۷۹، چرنوبیل اوکراین در ۱۹۸۹، فوکوشیمای ژاپن در ۲۰۱۱، حوادث آلودگی نفتی مانند توری کانیون ۱۹۶۷، آموکو کادیز ۱۹۷۸، اکزون والدرز ۱۹۸۹، اریکا ۱۹۹۹، پرستیژ ۲۰۰۲ و خلیج مکزیک ۲۰۱۰ اشاره نمود.

این است که این اصول «راهنمایی جهت تدوین در دستورالعمل‌های نظامی و قوانین داخلی شوند تا بدین ترتیب سطح آگاهی از مقررات موجود ارتقا یافته و خسارت به محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه کاهش یابد» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۶).

ج) وضعیت کشورهای اسلامی

بعد از انقلاب صنعتی، نسبت کشورهای اسلامی با محیط‌زیست از دو جهت تغییر پیدا نمود. یکی امواج مدرنیته است که کم‌کم کشورهای اسلامی را نیز متأثر می‌نماید. انقلاب صنعتی و تکنولوژیکی نخست (اختراع ماشین بخار) و دوم (نفت) و سوم (رایانه و اطلاعات) به مرور به کشورهای اسلامی نیز وارد می‌گردد. طبیعی است فرایند و نسبیتی که در بحث از انقلاب صنعتی و تأثیر مخرب آن بر محیط‌زیست صحبت شد، در جوامع اسلامی شکل می‌گیرد.

دومین جهت آن به انتقال اثرات ناشی از تخریب محیط‌زیست و به‌ویژه جنگ‌های جهانی و نیز عامل استعمار است که محیط‌زیست کشورهای اسلامی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم منابع طبیعی کشورهای اسلامی توسط کشورهای استعمارگر غارت می‌شود.

در جنگ نفت و جنگ تحمیلی، محیط‌زیست خاورمیانه به‌ویژه محیط‌زیست خلیج فارس آسیب جدی می‌بیند. همچنین تخریب محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه داخلی به‌ویژه در وضعیت عراق و سوریه ادامه دارد^۱ (مختاری، ۱۳۹۴: ۱۴۵). لشکرکشی آمریکا به عراق و افغانستان آسیب‌های زیست‌محیطی متعددی را به دلیل اقدامات نظامی به دنبال دارد (حکمتی و مشهدی، ۱۳۹۲). برای مثال در حمله آمریکا به کشور اسلامی عراق در سال ۲۰۰۳ م. موج ناامنی و آوارگی این کشور را فراگرفت و آثار سوء و زیان‌باری بر محیط‌زیست نهاد و زندگی توأم با رنج و دشواری در این کشور سبب شد که موضوع حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در این کشور مورد توجه قرار گیرد (زکی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

۱. براساس گزارش مؤسسه پکس در جنگ داخلی عراق و سویه بخش‌های پهناوری از محیط‌زیست عراق نابود شده و مواد سمی به کار رفته در مهمات جنگی و ویرانه‌های ساختمان‌ها و همین‌طور انبوه زباله به عمق خاک نفوذ کرده و آب‌های زیرزمینی این کشور را به شدت آلوده ساخته است. «(نبود مدیریت زباله در مناطق شهری جنگ زده مانع زدودن مواد سمی است که می‌تواند تأثیر جدی بلندمدت داشته باشد)... با گذر نیروهای داعش از مسیرهای غیرمعمول در مانورها و تحرکات نظامی، تار و مار کردن کشاورزان و تعطیلی کشاورزی در مناطق مختلف، ویران کردن شهرها و پالایشگاه‌ها و صنایع شیمیایی و... آب و خاک و هوا، هرچه آلوده‌تر و منابع طبیعی هرچه ویران‌تر می‌شود. (ر.ک: مختاری، ۱۳۹۴، ۱۳۴-۱۳۷)

تغییرات فراوانی در مناظر طبیعی عراق ایجاد شد (مرداب‌ها و شبه‌صحرا) که به علت ایجاد حفره‌های بزرگ، نقشه‌های توپوگرافی قدیمی دیگر قابل کاربرد نبود. ساخت پادگان‌ها و گذرگاه‌های نظامی در باتلاق‌ها، در خشک شدن آن نقش داشت. میلیون‌ها نخل به سبب بمباران و قطع عمومی از بین رفت. روستاهای زیادی ویران شد و با بمباران سکوها‌ی نفتی، با ورود دو میلیون بشکه نفت در دریا، محیط‌زیست خلیج فارس نیز ضرر زیادی را متحمل شد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

در این میان البته حفظ محیط‌زیست در شرایط جدید از درون منابع اسلامی توسط نویسندگان متعدد، فقها و حقوقدانان و اندیشمندان اسلامی بازتولید می‌گردد.^۱ کتب متعدد و مختلفی پیرامون اسلام و محیط‌زیست نگاشته شده و مورد توجه جوامع اسلامی قرار می‌گیرد.

احکام محیط‌زیست و تکالیف مسلمانان در برخورد با محیط‌زیست مجدداً از سوی علمای اسلامی بیان می‌گردد. باین وجود هنوز در شرایط جدید نیازمند توجه ویژه کشورهای اسلامی به حفاظت از محیط‌زیست در عصر مدرنیته هستیم (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۶۷). در این میان تجربه‌های ناگوار مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی در جوامع اسلامی، نیاز به توسعه قواعد در این زمینه را بیش از پیش ساخته است.

۱. برخی از آثار مشهور این دوران را می‌توان به کتاب اسلام و محیط زیست آیت اله جوادی آملی، الهیات محیط زیست سید مصطفی محقق داماد، دین و نظم طبیعت سید حسین نصر و فقه البیئه آیت اله سید محمد شیرازی اشاره نمود. اثر اخیر به تفصیل به موضوعات مهمی پرداخته است که بخشی از آن فقه مخاصمات مسلحانه و محیط زیست است. ایشان در این کتاب سعی در تدوین و بیان سهم فقه و دین اسلام در حفظ محیط زیست دارد و در ذیل عناوین: محیط زیست و تاثیر آن بر انسان، اسلام و محیط‌زیست، ضرر رساندن به دیگران، دلایل کتاب، ادله سنت، محیط زیست طبیعی، انواع آلودگی، آلودگی بحرانی جهانی، آلودگی هوا، روش‌های مبارزه با آلودگی، بوهای بد و آلودگی، آلودگی آب‌ها، تاثیر نفت در ایجاد آلودگی، مواد زائد صنعتی، راه‌های پیشگیری و مبارزه، کشتی‌ها، جیوه، آلودگی آب باران، پیشگیری از ایجاد آلودگی، آلودگی خاک، آلودگی صوتی، آلودگی نوری، آلودگی دریاها، مبارزه با آلودگی نفتی، جنایت زیست محیطی در خلیج فارس، آلودگی محیط زیست عامل انقراض حیوانات، تفریح سالم قربانی آلودگی محیط زیست، سیستم‌های زیست محیطی، باران سیاه، آلودگی غذایی، مواد شیمیایی نگهدارنده، تاثیر منفی غبار اتمی بر مواد غذایی، بازگشت به دامن طبیعت، آثار منفی تشعشعات اتمی، آلودگی دارویی، حشره کش‌ها، ضررهای آفت کش‌های شیمیایی، تنوع نابودکننده‌ها، طبیعت عامل تعادل در محیط زیست، بیماری‌های جانوران و گیاهان، باران‌های اسیدی، لایه ی اوزن، پسماند‌های صنعتی، موارد اسراف، نابود کردن کشت و نسل، شکار بی رویه، آلودگی فضای بسته، برهم زدن توازن، جنگ عامل آلودگی، گرایش به صلح امنیت و آرامش، آلودگی معنوی و... به تفصیل از محیط زیست و فقه آن بحث نموده است. (ر.ک: رضوانی، ۱۳۹۴، ۸ و شیرازی، ۱۴۲۰)

فصل دوم:

منابع حمایت از محیط زیست در حقوق بشردوستانه و اسلام

با توجه به اهمیت و گستردگی منابع در نظام حقوق بشردوستانه، آن را در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار داده‌ایم. با این وصف در این فصل ابتدا به بررسی و شناسایی و مطالعه منابع نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهیم پرداخت (مبحث اول) و آنگاه به بررسی منابع حقوق حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه در حقوق اسلام خواهیم پرداخت (مبحث دوم).

مبحث اول - منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه و محیط‌زیست

در نظام حقوق بشردوستانه موجود می‌توان از قواعد مستقیم و غیرمستقیمی یاد نمود که در خلال منابع این رشته قابل شناسایی هستند. باین‌حال، باید گفت منابعی که در آنها قواعدی به صورت مستقیم از محیط‌زیست در خلال جنگ حفاظت نموده باشد در مجموعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسیار محدود و ناکافی هستند.

در سطح قراردادی تنها می‌توان از کنوانسیون ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست (کنوانسیون انمود)^۱ یاد نمود که به صورت صریح و مستقیم «محیط‌زیست» موضوع قواعد آن است. باین‌حال آن دسته از قواعدی که به صورت غیرمستقیم از محیط‌زیست حمایت نموده باشد متعدد و مکفی می‌باشند.

دلیل آن این است که قبل از شکل‌گیری بحران محیط‌زیست در دهه ۷۰ که به عصر اکولوژی معروف است، قاعده‌سازی در این حوزه چندان مورد توجه دولت‌ها نبوده است. در برخی از موارد برای ریشه‌یابی چنین مسئله‌ای گفته شده است که بسیاری از اسناد در این زمینه قدیمی بوده و ناظر بر دوران قبل از عصر اکولوژی است. در میان مقررات الزام‌آور حقوق بین‌الملل هیچ سند جامع و مشخصی را بعد از دهه هشتاد نمی‌توان یافت. تنها تلاش‌هایی که در زمینه صورت گرفته است در حوزه حقوق نرم و برخی اعلامیه‌ها و قطعنامه‌هایی که در چهارچوب نهادهای سازمان ملل متحد صادر شده‌اند می‌توان یافت.

1. The Convention on the Prohibition of the Use of Environmental Modification Techniques for Military or Any Other Hostile Purposes (ENMOD Convention) was adopted by the United Nations in 1976.

گفتار اول - حقوق قراردادی

در نظام حقوق بشردوستانه موجود، از زمان شکل‌گیری قواعد لاهه و سپس حقوق ژنو می‌توان از معاهدات متعددی یاد نمود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه است.

بند اول - جایگاه و اهمیت حقوق قراردادی

معاهده‌ای که به صورت جامع موضوع حمایت از محیط‌زیست را در هنگام مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار داده باشد وجود ندارد. گفتیم که تنها می‌توان به صورت مشخص از کنوانسیون انمود یاد نمود که تنها ناظر بر تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه است.

شاید دلیل این مسئله این است که هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که حمایت مطلق و بی‌قیدوشرط از محیط‌زیست بر دولت‌ها تحمیل نماید. برخی عدم توجه مستقیم به این مسئله را این‌گونه بیان نموده‌اند که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و سایر قواعد حقوق لاهه در دوره‌ای به تصویب رسیده است که محیط‌زیست چندان اهمیتی نداشت. به عبارت دیگر «اغلب اسناد مهم در این زمینه (حقوق بشردوستانه) قبل از بروز موج نگرانی‌های گسترده در رابطه با فجایع زیست‌محیطی و جنگ‌هایی چون ویتنام و خلیج فارس تنظیم گردیده‌اند» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۳۴).

بااین حال به صورت غیرمستقیم، حقوق قراردادی متعددی در این زمینه وجود دارد. ازجمله شاخص‌ترین آنها می‌توان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول و دوم الحاقی به آنها اشاره نمود. در برخی از مواد این کنوانسیون‌ها به صورت غیرمستقیم و گاهی نیز به صورت مستقیم محیط‌زیست مورد حمایت قرار گرفته است. برای مثال در مواد ۱۲ و ۱۵ کنوانسیون اول ژنو منظور تأمین شرایط زیستی مناسب برای مجروحان و بیماران مسئله اصلی این مواد است. یا در مواد ۵۴، ۵۵، ۳۵ پروتکل الحاقی اول موضوع حفاظت از محیط‌زیست مورد توجه واقع شده است. مهم‌ترین کنوانسیون‌های که در این زمینه به تصویب رسیده‌اند شامل موارد ذیل می‌شوند:

۱. کنوانسیون ۱۸۶۴ در مورد بهبود شرایط مجروحین نیروهای مسلح در میدان نبرد؛

۲. کنوانسیون ۱۹۲۹ در مورد رفتار با اسرای جنگی؛

۳. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از بیماران و مجروحان؛

فصل دوم: منابع حمایت از محیط‌زیست در حقوق بشردوستانه و اسلام ♦ ۷۳

۴. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از مجروحان بیماران و غریقان در دریا؛
 ۵. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در نحوه رفتار با اسرای جنگی؛
 ۶. پیش‌نویس ۱۹۵۶ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد قواعدی برای محدود کردن خطراتی که در زمان جنگ در جمعیت غیرنظامی وارد می‌شود؛
 ۷. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان؛
 ۸. پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی؛
 ۹. پروتکل دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی؛
 ۱۰. پروتکل ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد مداخله کودکان در درگیری‌های مسلحانه.
- همچنین اسناد حقوقی لاهه نیز در زمینه محدودیت ابزارها و روش‌های جنگ به صورت غیرمستقیم در زمینه حفاظت از محیط‌زیست قواعد عرفی و قراردادی متعددی را بیان داشته‌اند. موضوع کنوانسیون‌های مربوط به تحدید تسلیحات ناظر بر محدود نمودن خسارت وارده بر اشخاص و اموال غیرنظامی است و تنها می‌توان در چهارچوب قواعد ناظر بر این مباحث حفاظت از محیط‌زیست را مطرح نمود.
۱. کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه در مورد قوانین و عرف‌های جنگ زمینی؛
 ۲. کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه در زمینه بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹؛
 ۳. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه؛
 ۴. معاهده ۱۹۶۳ منع آزمایش‌های هسته‌ای؛
 ۵. کنوانسیون ۱۹۶۸ عدم اشاعه سلاح هسته‌ای؛
 ۶. کنوانسیون ۱۹۷۲ در مورد ممنوعیت تولید و ذخیره سلاح‌ها باکتریولوژیک و سمی؛
 ۷. کنوانسیون ۱۹۷۷ انمود در مورد ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست؛
 ۸. کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های متعارف خاص که می‌تواند صدمات و آثار کورکورانه داشته باشد؛
 ۹. کنوانسیون ۱۹۹۳ در مورد ممنوعیت تکمیل، تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودسازی آنها؛
 ۱۰. پیمان ۱۹۹۶ منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای؛

۱۱. کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا در زمینه ممنوعیت ذخیره‌سازی، تولید و تجارت مین‌های ضدنفر؛

۱۲. اساسنامه ۱۹۹۸ دیوان کیفری بین‌المللی؛

۱۳. پروتکل ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد مداخله کودکان در مخاصمات مسلحانه؛

۱۴. کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو برای حمایت از میراث فرهنگی ناملموس.

علاوه بر آن می‌توان از برخی از منابع حقوق قراردادی به صورت پراکنده یاد نمود که در سال‌های اخیر ظاهر گردیدند. در برخی از کنوانسیون‌های زیست‌محیطی و نیز از کنوانسیون‌های مرتبط با محیط‌زیست که در سال‌های بعد از دهه ۹۰ شکل گرفتند، موضوع حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در زمینه استفاده از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتیرانی در ماده ۲۹ خود مشخصاً این موضوع را مورد توجه قرار داده است. براساس این ماده آبراه‌های بین‌المللی مشمول اصول و قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی می‌شوند.

علی‌رغم وضعیت موجود به نظر می‌رسد حقوق قراردادی در زمینه نیازمند تحولی جدی در آینده است. برخی در این خصوص پیشنهاد تدوین کنوانسیون پنجم ژنو با موضوع محیط‌زیست را دادند (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۵). البته در سال‌های اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در تلاش بوده تا سند جامعی را در این زمینه به تدوین نماید. در پایان باید توجه نمود که برخی از اسناد و تعهدات ناظر بر حقوق قراردادی هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ قابل اعمال بوده و برخی دیگر تنها ناظر بر زمان جنگ هستند. به عبارت رساتر ما با دو دسته متون و اسناد متفاوت مواجه هستیم. در ادامه سعی شده است به اختصار محتوای مهم‌ترین معاهدات ناظر بر حمایت از محیط‌زیست را در قالب دو دسته فوق بررسی و معرفی خواهیم نماییم.

بند دوم - معرفی مهم‌ترین اسناد و تعهدات حقوق قراردادی

در این بند شاخص‌ترین اسناد حقوق قراردادی را به اختصار معرفی خواهیم نمود. لازم به ذکر است که برخی از این اسناد به صورت مستقیم، تعهداتی را در زمینه حمایت از محیط‌زیست مطرح و تعهدات مندرج در برخی دیگر به صورت غیرمستقیم از

محیط‌زیست حمایت می‌نمایند. همچنین برخی مخصوص زمان جنگ و برخی دیگر هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ قابلیت اجرا دارند.^۱

۱. کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه ناظر بر قوانین و عرف‌های جنگ زمینی

کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه در مورد قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، مقرر شده مستقیمی در زمینه حمایت از محیط‌زیست ندارد. دوران تصویب چنین مقرراتی، شاهد وضعیتی در جهان است که هنوز بحران محیط‌زیست شکل نگرفته است. بااین حال به نظر می‌رسد محتوای قواعد این کنوانسیون به گونه‌ای غیرمستقیم از طریق تحدید تسلیحات و روش‌های جنگ دامنه و میزان خسارات وارده بر محیط‌زیست انسانی و طبیعی را کاهش خواهد داد. به گفته برخی از کارشناسان در این دوران که قواعد چندان واضح و روشنی در زمینه حمایت از محیط‌زیست وجود ندارد، تفسیر محتوای برخی از قواعد ناظر بر محدودیت ابزارها و روش‌های جنگی می‌توانست به حمایت از محیط‌زیست منجر گردد (حسینی آزاد

۱. به نظر می‌رسد برخی از معاهدات زیست‌محیطی هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ قابلیت اجرا دارند. طرفین درگیر اعم از مداخلات مسلحانه بین‌المللی و مداخلات مسلحانه و غیر بین‌المللی متعهد و مکلف به رعایت آن در وضعیت‌های صلح و جنگ هستند. البته در زمینه اعمال و اجرای معاهدات زیست‌محیطی ناظر بر وضعیت‌های عادی و غیر جنگی اختلاف دیدگاه وجود دارد. حداقل می‌توان از ۳ دیدگاه متفاوت صحبت نمود. براساس دیدگاه نخست نمی‌توان حقوق محیط زیست زمان صلح را در زمان جنگ اجرا نمود. چرا که اساساً حقوق زمان صلح ناظر به وضعیتی معمولی است، در حالی که در زمان جنگ ما نیازمند قواعد و نظام حقوقی ویژه هستیم. اساساً وضعیت جنگی وضعیت استثنایی و اضطراری است که معمولاً در آن حقوق زمان صلح به وضعیت تعلیق در می‌آید، یا لاقط بخش عمده‌ای از حقوق زمان صلح قابلیت اجرای خود را از دست می‌دهد. براساس این دیدگاه وضعیت‌های اضطراری قانون زمان صلح را تخصیص می‌زنند. اشاره صریح برخی از معاهدات زیست‌محیطی در زمینه عدم اجرای تعهدات نسبت به وضعیت‌های جنگی از جمله کشتی‌های جنگی مقوم این دیدگاه است.

دز مقابل در دیدگاه دوم در مقام اجرای تعهدات زیست‌محیطی، اصل بر اینست که تفاوتی میان وضعیت صلح و جنگ وجود ندارد، مگر آنچه را که طرفین اختصاصاً و استثنائاً آن را ناظر بر وضعیت جنگی قرار داده باشند. به عبارت دیگر وضعیت جنگی رها از حکومت قانون نیست و ایجاد اختیار و آزادی مطلق نمی‌کند. بنابراین حقوق زمان صلح به عنوان حقوق عام (لکس جنرالیس) در مقابل حقوق زمان جنگ به عنوان حقوق خاص (لکس اسپشیل) قرار می‌گیرد.

در نهایت دیدگاه سوم قائل به تفصیل است. به این معنا که با توجه به تفاوت فضای حاکم بر وضعیت‌های اضطراری نظیر جنگ و فضای زمان صلح برخی از قواعد حقوق محیط زیست ناظر بر وضعیت صلح (به معنای نبود جنگ) و برخی دیگر از قواعد نظام حقوق محیط زیست متمرکز بر وضعیت جنگی است. برای مثال کنوانسیون انمود در این دسته قرار می‌گیرد. راقم سطور بیشتر قائل بر نظر دوم است. برای ملاحظه برخی دلایل در این زمینه رک: حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳، ۱۱۰.

و محمدی، ۱۳۹۳: ۴۶). ماده ۲۹ کنوانسیون بازیینی شده لاهه ۱۹۰۷ با پیش بینی این مسئله که شورشیان در اتخاذ روش های صدمه زدن به دشمن از آزادی برخوردار نمی باشند و نیز شرط مارتنس به گونه ای غیرمستقیم از محیط زیست حمایت نموده است.

۲. کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد نحوه رفتار با اسرای جنگی

همان گونه که از عنوان کنوانسیون مشخص است، نحوه رفتار با اسرای جنگی موضوع محوری آن را تشکیل می دهد. ارتباط محتوای این کنوانسیون با محیط زیست در تعیین شرایط مناسب زیستی برای اسرای جنگی است. در مواد مختلف مربوط به نحوه نقل و انتقال، نگهداری اسرا در اردوگاه ها و تأسیسات آنها به برخی از ابعاد این موضوع توجه شده و تعهداتی را بر عهده دول عضو نهاد است.

از جمله شاخص ترین آنها می توان به لزوم انتقال اسیر دستگیر شده از مناطق غیربهداشتی یا دارای آب و هوای نامناسب و خطرناک (ماده ۹)، اسکان اسرای جنگی در ساختمان ها و تأسیسات دارای فضا و هوای مناسب (ماده ۱۰)، ضرورت تأمین آب آشامیدنی و غذای سالم (ماده ۱۱)، ضرورت برخورداری اسرای جنگی از آب، هوای آزاد (ماده ۱۳) و نظایر آن اشاره نمود. تفصیل این موارد را در بحث شرایط زیست محیطی اسرای جنگی مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم.

۳. کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو

هیچ کدام از کنوانسیون های چهارگانه ژنو مقررات مستقیم و صریحی در مورد حمایت از محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه ندارند. تنها می توان به آن دسته از مقرراتی اشاره نمود که به صورت غیرمستقیم منجر به حفظ محیط زیست می گردند. از جمله شاخص ترین این موارد می توان به رعایت حق های زیست محیطی مجروحان، بیماران، غریقان و اسرا پرداخت.

در مواد ۱۲ و ۱۵ کنوانسیون اول ژنو تعیین شرایط زیستی مناسب برای مجروحان و بیماران مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این مواد مجروحان و بیماران نباید تعمداً در معرض بیماری های واگیردار و عفونی قرار گیرند. این به این معنا است که باید شرایط بهداشتی و زیست محیطی مناسبی برای بیماران و مجروحین جنگ فراهم گردد.

در کنوانسیون سوم در مورد نحوه رفتار با اسرای جنگی نیز مقررات مفصلی در مورد تضمین و تأمین حق‌های زیست‌محیطی اسرای جنگی بیان گردیده است. از جمله شاخص‌ترین آنها می‌توان به دسترسی اسرای جنگی به آب آشامیدنی سالم و غذا به میزان کافی در هنگام نقل و انتقال (ماده ۲۰)، ممنوعیت بازداشت اسرای جنگی در نواحی غیرسالم و دارای آب‌وهوای نامناسب (ماده ۲۲)، شرایط زیست‌محیطی محل سکونت اسرای جنگی از لحاظ آب‌وهوا، رطوبت، گرما، سرما و بهداشت (ماده ۲۵)، حق دسترسی به آب آشامیدنی کافی (ماده ۲۶) و دسترسی به هوای آزاد (ماده ۲۸) اشاره نمود. در بحث مربوط به اسرای جنگی این موارد را به تفصیل بحث خواهیم نمود.

۴. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷)

شاخص‌ترین سند حقوق بشردوستانه بین‌المللی که به موضوع محیط‌زیست پرداخته است را باید پروتکل اول الحاقی یافت. زمینه‌های اولیه تصویب این پروتکل به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. سال‌هایی که در اثرگذار از جنگ‌های جهانی، شاهد برخی از مخاصماتی هستیم که در آنها جمعیت‌های غیرنظامی آسیب‌های جدی دیده‌اند. علاوه بر آن با پیشرفت علوم نظامی، سلاح‌ها و روش‌های مورد استفاده در جنگ‌ها، پیشرفت نموده به گونه‌ای که محیط‌زیست از طریق جنگ‌افزارها در معرض تخریب قرار می‌گیرد. با این ملاحظه تدوین‌کنندگان پروتکل اول الحاقی موضوع حفاظت از محیط‌زیست را به صورت جدی و در قالب قواعد ناظر بر حمایت از اموال غیرنظامی و نیز استفاده از تاکتیک‌هایی جنگی مورد توجه قرار داده‌اند؛ برای نمونه در بند ۳ ماده ۳۵ مشخصاً در مورد ممنوعیت به‌کارگیری شیوه‌ها و وسایل جنگی است که منجر به خسارات شدید گسترده و درازمدت به محیط‌زیست طبیعی می‌شود. به موجب این بند «به کار بردن روش‌ها و ابزارهای جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارت شدید، گسترده و درازمدت به محیط‌زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نه تنها موضوع بند ۳ ناظر بر قطعیت آسیب است، بلکه در مورد وضعیت‌هایی که احتمال وقوع خسارت شدید و گسترده و درازمدت‌تر محیط‌زیست می‌رسد نیز ناظر خواهد بود. امری که بعداً در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، در قالب اصل اقدامات احتیاطی شناسایی گردید.

ماده ۴۸ به گونه‌ای غیرمستقیم از محیط‌زیست حمایت می‌نماید. در ماده ۴۸ قاعده بنیادین تفکیک میان اموال و اشخاص غیرنظامی با اموال و اشخاص نظامی بیان گردیده است. به موجب این ماده «به منظور تضمین احترام و حمایت نسبت به اموال و اشخاص غیرنظامی، طرف‌های درگیر باید همواره میان جمعیت غیرنظامی و نظامیان و نیز میان اموال و اهداف نظامی با اموال و اهداف غیر نظامی تفکیک قائل شده از همین جهت ضروری است عملیات خود را تنها متوجه اهداف نظامی نمایند».

بنابراین می‌توان براساس قاعده مذکور در ماده ۴۸ گفت که محیط‌زیست اموال و اشخاص غیرنظامی نماید هدف حمله واقع گردد (راجرز و مالرب، ۱۳۸۷: ۵۸). در این خصوص در بحث اصل تفکیک و حمایت از محیط‌زیست بیشتر بحث گردیده است. ماده ۵۴ بیشتر ناظر به حمایت از اموال غیرنظامی است. بدیهی است که اموال غیرنظامی، می‌تواند شامل اموالی گردد که جنبه زیست‌محیطی داشته یا از لحاظ منابع زیستی برای حیات جمعیت غیرنظامی لازم و ضروری هستند. بنابراین باید گفت در ماده ۵۴ سعی شده است محیط‌زیست جمعیت غیرنظامی در قالب «اموال غیرنظامی» مورد حمایت قرار گیرد.

بند ۲ ماده ۵۴ در این خصوص مقرر داشته است «حمله، تخریب، انتقال و غیره قابل استفاده نمودن اموالی که برای بقای سکنه غیرنظامی ضروری است، نظیر مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی و دامی، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و کارگاه‌های آب‌رسانی به خصوص به این منظور که ارزش آنها برای تغذیه جمعیت غیرنظامی یا طرف مخالف، سلب شود، با هر انگیزه‌ای که باشد خواه به جهت اینکه غیرنظامیان از گرسنگی از پا درآیند، مجبور به نقل مکان شوند یا هر انگیزه دیگر ممنوع است». با دقت در ماده ۵۴ می‌توان ابعاد زیست‌محیطی برخی از اموال جمعیت غیرنظامی را مشخص نمود. از جمله:

- حق دسترسی به غذا؛

- مواد غذایی و محصولات کشاورزی و نیز اراضی کشاورزی؛

- تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی (حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم).

همچنین در بند چهارم این ماده مقرر گردید است که اموال غیرنظامی نباید هدف اقدامات تلافی‌جویانه طرفین قرار گیرند.

ماده ۵۵ ناظر بر حمایت از محیط‌زیست طبیعی در هنگام درگیری است. این بحث در فصل سوم پروتکل ناظر بر حمایت از اموال غیرنظامی گنجانده شده است. بنابراین در این ماده سعی شده است از محیط‌زیست در قالب حمایت از اموال غیرنظامی محافظت گردد. درحالی‌که تمرکز ماده ۳۵ در روش‌ها و ابزارهای جنگ بود. البته در بند ۱ ماده ۵۵ حفاظت از محیط‌زیست طبیعی شامل ممنوعیت استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی نیز شده است. به موجب بند ۱ این ماده «در هنگام مخاصمه باید مراقبت گردد تا از محیط‌زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، طولانی و شدید، حفاظت به عمل آید.

این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین خسارتی به محیط‌زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه به سلامتی یا نقایص حکم لطمه بزند». این ماده به صورت جامع و کامل ابعاد مختلف مسئله محیط‌زیست را در مخاصمه مورد توجه قرار داده است. از جمله:

- هدایت عملیات نظامی باید مراقبت کافی برای درآمان ماندن محیط‌زیست عمل آید (راجرز، ۱۳۸۷: ۸۸).
- ممنوعیت وارد آوردن خسارات گسترده درازمدت و شدید به محیط‌زیست در خلال مخاصمه؛
- ممنوعیت استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی برای وارد آوردن خسارت به محیط‌زیست طبیعی؛
- ممنوعیت بارآوردن خسارات احتمالی گسترده، شدید و طولانی مدت؛
- ممنوعیت به خطر انداختن سلامت و حیات جمعیت غیرنظامی از طریق آسیب شدید به محیط‌زیست.

درنهایت نظیر ماده ۳۵ در بند دوم این ماده پیش‌بینی شده است که نمی‌توان از حمله به محیط‌زیست به عنوان اقدامات تلافی‌جویانه استفاده نمود.

موضوع ماده ۵۶ ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک است. مبنای این ممنوعیت نیز امکان ورود آسیب جدی به سکنه غیرنظامی است. برخی از تأسیسات نظیر نیروگاه‌ها، سد‌ها، آب‌بندها و نظایر آن حاوی نیروهای خطرناکی هستند که حمله به آنها در خلال مخاصمات مسلحانه می‌تواند آسیب‌های جدی و طولانی‌مدت در محیط‌زیست انسانی و طبیعی بر جای بگذارد. علاوه بر آن حمله به این تأسیسات می‌تواند آثار و خسارات درگیری را به اشخاص، اموال و گروه‌های غیرنظامی تسری دهد.

بدیهی است تخریب یک سد یا آب‌بند می‌تواند منجر به ورود خسارات گسترده به محیط‌زیست منطقه و اموال و اشخاص واقع در قلمرو آن گردد. بر این اساس و به موجب ماده ۵۶ «اماکن و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، مانند سدها، آب‌بندها، نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، حتی اگر اهداف نظامی باشند، در صورتی که امکان داشته باشد که حمله به آنها موجب رهاشدن نیروهای خطرناک و به دنبال آن صدمات شدید بر غیرنظامیان شود، نباید هدف حمله قرار گیرند. سایر اهداف نظامی که در کارگاه‌ها یا تأسیسات یا در مجاورت آنها واقع شده است، در صورتی که حمله به آنها موجب رهاشدن نیروهای خطرناک از این کارگاه‌ها و تأسیسات و به دنبال آن صدمات شدید برای سکنه غیرنظامی شود، نباید هدف حمله قرار گیرند».

تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک را در صورتی می‌توان مورد حمله قرار داد که واجد شرایط اهداف نظامی باشند (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۴۰). با این حال به نظر می‌رسد به دلیل خسارات شدیدی که می‌تواند حمله به تأسیساتی حاوی نیروهای خطرناک در محیط‌زیست طبیعی و انسانی بر جای گذارد و منجر به ورود خسارات به غیرنظامیان گردد، بنابراین با علم کشورها به چنین وضعیتی، اقدام به چنین امری می‌تواند نقض فاحش پروتکل الحاقی تلقی گردد (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این امر تنها ناظر به اهداف غیرنظامی نبوده بلکه قلمرو ممنوعیت را به اهداف نظامی نیز تسری می‌دهد. البته این ممنوعیت مطلق نبوده و در موارد استثنایی که بیان شده است، امکان حمله وجود خواهد داشت. از قبیل:

۱. در مورد سد یا آب‌بندی که برای مصارفی غیر از کارکرد عادی آن و در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲. در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، در صورتی که نیروگاه مزبور نیروی برق را تنها در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی تولید نماید.
۳. در مورد سایر هدف‌های نظامی واقع در این قبیل تأسیسات و اماکن یا در مجاورت آنها، فقط در صورتی که از آنها برای پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی استفاده شود.
۴. در صورتی که حمله به این تأسیسات تنها راه عملی پایان دادن به این قبیل پشتیبانی باشد.

در ماده ۵۷ نیز بر ضرورت اتخاذ رویکرد احتیاطی در هدایت عملیات نظامی اشاره می‌نماید تا آسیب و خسارت کمتری به اشخاص اموال غیرنظامی وارد گردد. بنابراین براساس این ماده می‌توان این‌گونه گفت که رویکرد احتیاطی می‌تواند منجر به ورود آسیب کمتر به محیط‌زیست مرتبط با اشخاص و اموال غیرنظامی گردد. همچنین با ملاحظه بند ۲ (ب) این ماده باید گفت که هر گونه آسیب زیست‌محیطی باید با هدف نظامی به دست آمده متناسب باشد (راجرز مالرب، ۱۳۸۷: ۵۸).

۵. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷)

موضوع پروتکل دوم الحاقی حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است. برخلاف پروتکل اول، این پروتکل مقررات ناچیز و اندکی را حفاظت از محیط‌زیست اختصاص داده است.

برای مثال قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول در پروتکل الحاقی دوم ملاحظه نمی‌شود. البته مفاد این قاعده توسط کمیته سوم کنفرانس دیپلماتیک در سال ۱۹۷۴ پذیرفته شد، ولی درنهایت در سال ۱۹۷۷ رد گردید. البته دلیل این تغییر عقیده روشن نبوده ولی می‌تواند در پیوند با فرایند ساده‌سازی در آخرین مرحله مذاکرات به منظور تضمین تصویب پروتکل الحاقی در آن باشد (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

امروزه با توجه به اهمیت یافتن این دسته از مخاصمات، حفاظت و حمایت از محیط‌زیست در خلال درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز اهمیت دوچندانی یافته است. هرچند در مورد ارزش و اعتبار مفاد پروتکل دوم الحاقی نسبت به پروتکل اول اجماع چندانی وجود ندارد و از لحاظ عرفی بودن قواعد مطروحه در آن بحث‌های فراوانی وجود دارد با این حال به دلیل گسترش و ماهیت و ویژگی‌های این قبیل درگیری‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار گرفته است.

پروتکل دوم الحاقی نیز در مواد متعددی به صورت غیرمستقیم موضوع حمایت از محیط‌زیست را مورد توجه قرار داده است از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱. ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک (ماده ۱۵)؛
۲. ممنوعیت به خطر انداختن شرایط زیستی جمعیت غیرنظامی مانند مواد غذایی؛
۳. حیوانات اهلی و تأسیسات آب آشامیدنی سالم (ماده ۱۴)؛
۴. حمایت از میراث معنوی و فرهنگی مردم (ماده ۱۶).

۶. کنوانسیون انمود (۱۹۷۶)

کنوانسیون ۱۹۷۶ سازمان ملل متحد در مورد ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه، تنها کنوانسیون خاص زیست‌محیطی است که موضوع محوری آن ناظر بر «ممنوعیت استفاده از محیط‌زیست به عنوان سلاح» است. با پیشرفت علوم نظامی در خلال و پس از جنگ جهانی دوم همچنین در حال حاضر بسیاری از کارشناسان دفاعی و نظامی دریافته‌اند که می‌توان از عناصر محیط‌زیست، در خلال جنگ به عنوان سلاح استفاده نمود. برخی از این عناصر مانند آب و خاک و هوا در صورت تغییر عمدی می‌توانند آثار بسیار خطرناکی از خود بر جای گذارند.

زمینه‌های اولیه تدوین چنین کنوانسیونی نیز به استفاده ارتش آمریکا از «عامل نارنجی» در خلال جنگ ویتنام برمی‌گردد. امروزه و در آینده می‌توان با پیشرفت‌های تکنولوژیکی که در علوم مختلف فنی و نظامی حاصل می‌شود، در فرایندهای طبیعی جهت دستیابی به اهداف خاص تعمداً دستکاری نمود.

در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی در رسانه‌های عمومی در مورد «پروژه هارپ» که منجر به دستکاری مغناطیس زمین می‌شود در خصوص استفاده آمریکا از این سلاح، منتشر شده است. ایجاد زلزله، سونامی، سیل، دستکاری در گونه‌های زیستی، جریان‌های دریایی، تغییر در الگوهای آب‌وهوایی در سطح کلان می‌تواند از مصادیق این قبیل اقدامات به شمار رود.

اقداماتی که می‌توان آنها را در قالب «سلاح‌های مدرن زیستی» قرار داد، برخی از کارشناسان استفاده از محیط‌زیست به عنوان سلاح را تحت عنوان «جنگ‌افزار ژئوفیزیکی» لقب داده‌اند (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۳۸). واضح است که استفاده جزئی و کلان از محیط‌زیست به عنوان سلاح، می‌تواند منجر به ایجاد خسارات گسترده در محیط‌زیست انسانی و طبیعی شود.

با این ملاحظه کنوانسیون انمود در سال ۱۹۷۶ با تلاش سازمان ملل متحد به تصویب رسید. براساس ماده ۱ این کنوانسیون دولت‌ها متعهد گردیدند که از آن دسته از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست که منجر به ایجاد آثار گسترده، طولانی‌مدت یا شدید گردیده و منجر به آسیب و خسارت به هریک از دول عضو گردد، اجتناب ورزند.

۷. کنوانسیون سلاح‌های متعارف (۱۹۸۰)

استفاده از برخی از سلاح‌ها می‌تواند خسارات گسترده و شدید بر محیط‌زیست از خود بر جای گذارند. این امر مورد توجه قواعد ناظر بر محدودیت استفاده از سلاح‌ها و ابزارهای جنگی در مخاصمات مسلحانه قرار گرفته است. کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های متعارف خاص که می‌تواند صدمات زاید یا آثار کورکورانه داشته باشند، این موضوع را مورد توجه قرار داده است. در مقدمه این کنوانسیون آمده است «به‌کارگیری روش‌ها و ادوات جنگی به منظور آسیب گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط‌زیست ممنوع است».

این کنوانسیون به نوبه خود دارای ۵ پروتکل است که بنا به مورد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به محیط‌زیست اشاره گردیده است. پروتکل اول ناظر به قطعات پنهان و یافت‌نشده، پروتکل دوم راجع به سلاح‌های ضدمین، پروتکل سوم راجع به سلاح‌های آتش‌زا، پروتکل چهارم راجع به سلاح‌های لی‌زری و کورکننده و در نهایت پروتکل پنجم ناظر بر بقایای مواد منفجر در جنگ است که در بخش حقوق لاهه به تفصیل آنها مورد بحث قرار داده‌ایم.

درنهایت نکته بسیار مهمی که باید آن اشاره نماییم تسری قواعد این کنوانسیون به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است. براساس اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۱ در ماده ۱ این کنوانسیون صورت گرفت، دامنه اعمال این کنوانسیون به وضعیت‌های مذکور در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ تسری پیدا نمود (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۴۰).

۸. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)

جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست در اساسنامه دیوان دچار افت و خیز فراوانی بود (برای ملاحظه و مقایسه مسائل مربوط به پیش‌نویس و متن اساسنامه در این زمینه ر.ک: عبدالهی، ۱۳۸۱). در بخشی از ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تخریب شدید، گسترده و بلندمدت محیط‌زیست را ممنوع اعلام شده است. علاوه بر صراحت این ماده، تخریب و وارد آوردن خسارت به محیط‌زیست، می‌تواند تنها رکن مادی جنایات بین‌المللی مطرحه در اساسنامه دیوان باشد.

برای مثال جنایت جنگی می تواند در موارد ذیل ارتباط مستقیم با تخریب شدید و گسترده محیط زیست و سایر خسارات زیست محیطی برقرار نماید.

۱. حملات عمدی به سوی اهداف غیر نظامی یا اهدافی که دارای کاربرد نظامی نیستند (ماده ۸ بند ب (۲) این قبیل اقدامات می تواند منجر به تخریب محیط زیست واقع در اهداف غیر نظامی گردد. برای مثال می توان به آسیب شدید مزارع کشاورزی، جنگل ها، منابع آبی و سایر عناصر زیست محیطی واقع در مناطق غیر نظامی اشاره نمود.

۲. تخریب و تصرف اموال در سطح گسترده که به صورت غیر قانونی و مغرضانه انجام گیرد و نتوان آن را به دلیل ضرورت نظامی توجیه نمود (ماده ۸ بند الف (۴)، بخشی از تخریب و تصرف اموال که خارج از ضرورت نظامی صورت پذیرفته است نیز می تواند منجر به تخریب و آسیب به محیط زیست گردد. به عبارت دیگر باید گفت که تخریب عناصر محیط زیست می تواند از مصادیق این امر باشد.

۳. وارد آوردن تلفات و صدمات به افراد غیر نظامی یا تهدید اهداف غیر نظامی (ماده ۸ بند ب (۴).

۴. استفاده از سلاح های سمی (ماده ۸ بند ب (۱۷): همچنان که در بحث سلاح های سمی به تفصیل به آن اشاره خواهیم نمود، کاربرد چنین سلاح هایی در مخاصمات مسلحانه می تواند منجر به تخریب محیط زیست انسانی و طبیعی گردد.

۵. غارت یک شهر یا مکان خاص، اگرچه بر اثر حمله به اشغال درآمده باشد. (ماده ۸ بند ب (۱۶): بدیهی است غارت می تواند معنای زیست محیطی نیز به خود بگیرد، به ویژه هنگامی که عمل غارت نسبت به منابع طبیعی و سایر عناصر زیست محیطی صورت پذیرد. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه اقدامات مسلحانه در قلمرو کنگو در سال ۲۰۰۵ به این بحث پرداخته است. کنگو مدعی بود که اوگاندا به عنوان دولت اشغالگر تعهداتش را براساس حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی مبنی بر «مانعت از چپاول، غارت و سوءاستفاده از منابع طبیعی کنگو عمل ننموده، و در نتیجه مرتکب نقض تعهد به مراقبه کافی براساس حقوق بین الملل گردیده است» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۷۸).

۶. تحمیل گرسنگی اجباری بر غیرنظامیان به عنوان حربه نظامی، از طریق محروم ساختن این افراد از لوازم حیاتی که برای بقای آنها ضروری است. همچنین ایجاد موانع عمدی در ارسال محموله های حیاتی که در کنوانسیون های ژنو ضروری نامیده شده اند. (ماده

۸ بند ب (۲۵): همچنان‌که قبلاً نیز بحث کردیم براساس بند ۲ ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو حمله، تخریب، انتقال و غیره قابل استفاده نمودن اموالی که برای بقای سکنه غیرنظامی ضروری است، نظیر مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی و دامی، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و کارگاه‌های آب‌رسانی به خصوص به این منظور که ارزش آنها برای تغذیه جمعیت غیرنظامی یا طرف مخالف، سلب شود، با هر انگیزه‌ای که باشد خواه به جهت اینکه غیرنظامیان از گرسنگی از پا درآیند، مجبور به نقل مکان شوند یا هر انگیزه دیگر ممنوع است». همچنان‌که ملاحظه می‌شود بخش عمده‌ای از مصادیق لوازم حیاتی برای بقای جمعیت غیرنظامی شامل عناصر پایه محیط‌زیست مانند آب، هوا و غذای سالم می‌گردد.

گفتار دوم - عرف

عرف شاخص‌ترین و مهم‌ترین منبع حقوق بشردوستانه به شمار می‌رود. باین‌حال در مورد عرفی شدن تمامی قواعد ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی بحث‌های متعددی وجود دارد. با آنکه بخش عمده‌ای از قواعد حقوق بشردوستانه ریشه عرفی دارند، لیکن در مورد عرفی شدن ضرورت حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه تردیدهای جدی و فراوانی در روابط میان دولت‌ها وجود دارد. هنوز رویه یکنواخت و واحدی درباره تمام قواعد ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در خلال جنگ وجود نداشته و هنوز اعتقاد به الزام‌آوری که درواقع عنصر معنوی عرف بین‌المللی را تشکیل می‌دهد تنها در خصوص تعداد اندکی از قواعد ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانه صادق است.

در حقوق اسلام اندکی وضعیت بهتر است، به این معنا که در میان دولت‌کشورهای اسلامی در طول جنگ با توجه به ممنوعیت و شکل‌گیری قاعده «منع تخریب محیط‌زیست» و با توجه به تکرار فراوان این قاعده در جنگ‌ها به نوعی پذیرفته شده است که تخریب محیط‌زیست در زمان جنگ برخلاف کتاب و سنت بوده و تا حدود بسیار زیادی به این قاعده و قانون پای‌بند هستند.

در حقوق موجود حاکم بر حمایت از محیط‌زیست باید به این نکته توجه نمود که برخی از قواعد عرفی ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در زمان صلح، در زمان جنگ نیز

قابل اعمال هستند. قاعده عرفی «ممنوعیت استفاده خسارت بار از سرزمین»، «ممنوعیت آسیب و ورود خسارت ناروا» و «اصل پرداخت توسط آلوده ساز» را می توان در این زمینه نام برد. قاعده عرفی «ممنوعیت استفاده خسارت بار از سرزمین» ابتدا در قضیه کانال کورفو شکل گرفت و با تکرار این وضعیت و قاعده عرفی مطروحه در آن در قضیه «تریل اسملتر»، «دریاچه لانو»، قضیه «سد گات» و قضایای مشابه دیگر جنبه عرفی آن به موضوعات زیست محیطی نیز تسری پیدا کرد.

شکل گیری قواعد عرفی زیست محیطی معمولاً در رویه دولت ها شکل می گیرد. در حقوق محیط زیست چنین قواعدی از طریق اسناد بین المللی زیست محیطی مورد شناسایی قرار می گیرند. کنوانسیون ها، اعلامیه ها، قطعنامه ها و رویه قضایی بین المللی و نیز رویه عملی دولت ها نقش بسیار مهمی در شکل گیری عرف های زیست محیطی خواهند داشت (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۵۴).

برای نمونه در مورد عرفی شدن مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول «کشورهای متعددی در اظهاریه های خود به دیوان بین المللی دادگستری در جریان رسیدگی به پرونده سلاح های هسته ای خاطرنشان ساخته اند که از نظر آنها و قواعد مندرج در بند ۳ ماده ۳۵ و بند ۱ ماده ۵۵ پروتکل الحاقی اول قاعده عرفی به شمار می رود. بر همین منوال، به نظر می رسد سایر کشورها نیز این قواعد را عرفی تلقی می کردند» (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۵۶).

در این زمینه می توان به نقشی که بیانیه استکهلم و بیانیه ریو در بیان و شناسایی قاعده عرفی ممنوعیت ورود آسیب به محیط زیست واقع در قلمرو سرزمینی خارج صلاحیت ملی (ماده ۲۱ استکهلم و ماده ۱۲ اعلامیه ریو) داشتند، اشاره نمود.

در سال های اخیر کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز سعی نموده است اقدام به جمع آوری و شرح قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه برآید که نتیجه آن ۱۶۱ قاعده در چند جلد است که در سال ۲۰۰۵ ارائه گردیده است از میان این قواعد چندین قاعده (قواعد ۴۲ تا ۴۵) مشخصاً ناظر به حمایت از محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه است (هنکرتز، ۱۳۸۷ و حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۶۳).

گفتار سوم - اصول کلی حقوق

به زعم اغلب حقوقدانان «بسیاری از قواعد عرفی یا معاهده ای حقوق بشردوستانه بر اصول کلی حقوقی مبتنی است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۳۳). از مهم ترین اصول می توان

به اصل وفای به عهد، اصل حسن نیت، اصل عدالت و نصفت، اصل منع سوءاستفاده از حق، اصل جبران کامل خسارت، اصل استاپل، اصل احترام به حقوق مکتسبه و نظایر آن اشاره نمود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۸۲). این اصول که امروزه در حقوق بشردوستانه منشأ شکل‌گیری و توسعه قواعد ملحوظ شده‌اند، در موضوعات مبتلا به این حوزه عمومیت کافی پیدا نموده‌اند و در زمینه حفاظت از محیط‌زیست نیز می‌توانند کاربرد داشته باشند.

علاوه بر اصول کلی، باید از برخی اصول خاص حوزه حقوق محیط‌زیست یاد نمود که در زمان مخاصمه مسلحانه و نیز در زمان صلح کاربرد دارند. ازجمله شاخص‌ترین آنها می‌توان به اصل اطلاع‌رسانی، اصل جبران خسارات زیست‌محیطی، اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز و اصل احتیاطی اشاره نمود. اصل جبران خسارات زیست‌محیطی و اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز در زمره آن دسته از اصولی است که فارغ از اراده دولت‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش این قواعد بر روابط آنها حاکم است.

بنابراین می‌توان گفت که برای مثال اصل جبران خسارات زیست‌محیطی ایجاب می‌نماید که دولت مسئول از عهده خسارات زیست‌محیطی ناشی از جنگ برآید. در بسیاری از موارد که مسئولیت بین‌المللی دولت در خلال مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا بین‌المللی مطرح می‌گردد، معمولاً به این قبیل اصول در خلال رویه قضایی و کنوانسیون‌های بین‌المللی به صورت کلی اشاره می‌شود. همچنین اصول کلی حقوق بشردوستانه نظیر تفکیک، ضرورت نظامی، تناسب، محدودیت ابزارها و روش‌های جنگ، شرط مارتنس و رعایت اصول انسان‌دوستانه در خلال مخاصمات مسلحانه درواقع ریشه در اصول بنیادین اخلاقی و عقلانی قرار دارند. برخی از این اصول بیانگر تئوری عمومی حقوق بشردوستانه بوده و بخش عمده‌ای از آنها در اسناد حقوق بشردوستانه ازجمله قواعد حقوق لاهه و ژنو منعکس گردیده‌اند.

گفتار چهارم - رویه قضایی

آرای صادره از محاکم قضایی داخلی و بین‌المللی به‌ویژه در زمینه دعاوی زیست‌محیطی مطروحه به دنبال مخاصمات مسلحانه، منبع مهمی در شناسایی، تکمیل و توسعه قواعد حقوق بشردوستانه در زمینه حمایت از محیط‌زیست به شمار می‌رود. آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی، کمیسیون غرامات سازمان

ملل متحد، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و نظایر آن از مهم‌ترین مصادیق آن به شمار می‌روند. همچنین یکی از مهم‌ترین مباحث مطروحه در دعوای یوگسلاوی علیه ناتو نزد دیوان بین‌المللی دادگستری و نیز دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق ابعاد زیست‌محیطی استفاده از سلاح اورانیومی در مخاصمه بوده است.

بسیاری از پرونده‌هایی که نزد کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد بعد از جنگ نفت مطرح گردید، دعوای زیست‌محیطی یا دعوای دارای ابعاد زیست‌محیطی بودند. بنابراین نباید از نقش این منبع مهم در شناسایی، شکل‌گیری و توسعه قواعد ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه غافل بود. در این میان نظریه مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه مشروعیت تهدید یا توسل به استفاده از سلاح هسته‌ای در بحث حمایت از محیط‌زیست بسیار مورد توجه حقوق‌دانان بین‌المللی بوده است. در این قضیه دیوان بین‌المللی دادگستری بر ضرورت اعمال و رعایت قواعد حقوق بشردوستانه در تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای تأکید نموده است. با این توجیه که سلاح هسته‌ای می‌تواند آثار بسیار زیانباری بر محیط‌زیست و سلامت انسانی از خود بر جای گذارد.

قضیه دعوای یوگسلاوی علیه اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، یوگسلاوی مدعی بود که اعضای ناتو با شرکت در عملیات بمباران، خسارات زیست‌محیطی گسترده‌ای را بر اموال و اشخاص این سرزمین وارد نموده‌اند.

رای دیوان در قضیه اقدامات مسلحانه در قلمرو کنگو (۲۰۰۵) از شاخص‌ترین آراء دیوان به شمار می‌رود که مشخصاً موضوع سوءاستفاده از منابع طبیعی و لزوم جبران خسارات وارده بر این منابع در خلال مخاصمات مسلحانه را مورد تأیید قرار داده است. این قضیه مربوط به دعوای جمهوری دمکراتیک کنگو علیه اوگاندا است. کنگو مدعی بود که اوگاندا به عنوان دولت اشغالگر در منطقه ایتوری تعهداتش را براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی مبنی بر «ممانعت از چپاول، غارت و سوءاستفاده از منابع طبیعی کنگو عمل ننموده، و در نتیجه مرتکب نقض تعهد به مراقبه کافی براساس حقوق بین‌الملل گردیده است» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۷۸). دیوان در این قضیه اوگاندا را نسبت به خسارات وارده مسئول شناخت و اوگاندا را ملزم به جبران خسارات وارده در محیط‌زیست و منابع طبیعی کنگو نمود.

گفتار پنجم - حقوق نرم

حقوق قوام‌نیافته یا حقوق نرم، هرچند به لحاظ حقوقی در برهه زمانی خاصی الزام‌آور نمی‌باشد، با این حال توانسته است در زمینه حفاظت از محیط‌زیست به‌ویژه در شکل‌گیری حقوق سخت نقش مهمی را ایفا نماید. اسناد مرتبط با حقوق نرم در زمینه حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از لحاظ شمار بسیارند. اعلامیه‌ها، برنامه‌های اقدام، دستورالعمل‌ها، قطعنامه‌ها، استانداردها، اصول راهنما، آراء و نظریات حقوقی بخش عمده‌ای از این اسناد را به خود اختصاص داده‌اند.

نقش مهم حقوق قوام‌نیافته، زمینه‌سازی برای توسعه و ایجاد قواعد الزام‌آور در این حوزه است. همچنین می‌توان از آن دسته از اسناد غیرالزام‌آور یاد نمود که به بیان قواعد عرفی ناظر به حفاظت از محیط‌زیست پرداخته‌اند.

برای نمونه اصل ۲۱ استکهلم و ۲ ريو قاعده‌ای را در یک سند غیرالزام‌آور بیان می‌نماید - استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین - که اساساً در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ناظر بر مخاصمات مسلحانه، قاعده عرفی به شمار می‌رود. شاخص‌ترین دسته‌های این اسناد می‌توان در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های ذیل یافت:

۱. اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد دربارهٔ انسان و محیط‌زیست، ۱۹۷۲ (مشهور به اعلامیه استکهلم)؛
۲. بیانیه کنفرانس ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد دربارهٔ محیط‌زیست و توسعه معروف به اعلامیه ريو؛
۳. بیانیه اجلاس جهانی ۲۰۰۲ توسعه پایدار افریقای جنوبی معروف به بیانیه ژوهانسبورگ؛^۱
۴. اصول راهنمای سن رمو ناظر بر مقررات مربوط به جنگ دریایی.^۲

۱. در این میان شاخص‌ترین بحثی که در این سند در ارتباط با حقوق بشر دوستانه و محیط زیست وجود دارد در بند ۱۹ بیانیه است که بر توجه به منازعات مسلحانه، اشغال نظامی و تروریسم به عنوان اولویت اساسی در تعهدات دولت‌ها تأکید نموده است «...ما یک بار دیگر بر تعهد خود در مورد توجه ویژه و اولویت بخشی به مبارزه علیه شرایط جهانی که تهدیداتی جدی برای توسعه پایدار مردم ما پدید آورده، تأکید می‌کنیم. این شرایط مواردی چون گرسنگی شدید، سوء تغذیه، اشغال خارجی، منازعات مسلحانه، مشکل قاچاق مواد مخدر، جرایم سازماندهی شده، فساد، بلایای طبیعی، قاچاق سلاح‌های غیرمجاز، قاچاق افراد، تروریسم، عدم تحمل و دامن زدن به اختلافات نژادی- قومی-مذهبی و سایر دشمنی‌ها، نفرت از بیگانگان و دولت‌های اجنبی و بیماری‌های بومی، مزمن، مسری به خصوص ویروس HIV ناقل بیماری ایدز، مالاریا و سل هستند» (بند ۱۹ بیانیه ژوهانسبورگ) نقل از مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران، سازمان حفاظت محیط زیست ج ۲، صص ۱۳-۶.

۲. اصول راهنمای سن رمو از طرفین درگیر می‌خواهد تا « موافقت نمایند که هیچ عملیات خصمانه ای در محیط‌های دریایی حاوی اکو سیستم‌های کمیاب و شکننده یا سکونتگاه گونه‌های کمیاب و در معرض تهدید یا مخاطره یا دیگر اشکال حیات دریایی انجام ندهند» (بند ۱۱) (حسینی آزاد فرمحمدی، ۱۳۹۳، ۷۲)

مبحث دوم - منابع اسلامی حمایت محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه

منابع اسلامی حمایت از محیط‌زیست در جنگ را باید در منابع مشهور ادله فقهی در اسلام یافت. با رجوع به منابع مشهور، یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌توان منابع متعددی ناظر به حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را معرفی نمود. برخی از دستورات و احکام ریشه در منابع اصیل اسلامی دارند مانند منع قطع درختان و از بین بردن درختان میوه‌دار به جز موارد اضطرار، منع سوزاندن نخل‌ها و بوستان‌ها، منع سوزاندن و از بین بردن مزرعه‌ها و کشتزارها، منع پرتاب و انتشار زهر در مناطق دشمن، منع کشتار پیرمردان و زنان و کودکان، اسیران و غیرنظامیان و منع بی‌حرمتی به اجساد و مثله کردن آنها و

بنابراین بیشتر منابع فقهی مربوط به محیط‌زیست، عبارتند از قرآن، سنت، اجماع و عقل که تمام فرق اسلامی این منابع را قبول دارند و البته بعضی از مذاهب اسلامی مواردی افزون بر اینها معتقدند. بنابراین، ادله فوق که اجتهادی هستند (مظفر: ۲۳۴)، که تحت عنوان ادله چهارگانه شناخته می‌شوند. در صورت فقدان این ادله باید سراغ موارد راهگشا برای برطرف کردن شک رفت که به آنها اصول عملیه و به حکم صادر از این اصول، حکم فقهاتی می‌گویند. در ادامه سعی شده است، این منابع و کاربرد آنها در حفظ محیط‌زیست در جنگ به اختصار بررسی شود.

گفتار اول - قرآن

رویکرد قرآن کریم تأکید بر حفاظت و حمایت از محیط‌زیست و توجه و تأمل انسان مسلمان چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ است. در این زمینه از آیات متعددی می‌توان یاد نمود. در ادامه ضمن بیان رویکرد حمایتی قرآن کریم به برخی از مصادیق آن اشاره خواهیم نمود.

بند اول - رویکرد حمایتی قرآن کریم

در قرآن کریم، خداوند بزرگ، خود را مظهر جمال دانسته و سراسر گیتی را به زیبایی ستوده است؛^۱ انسان را اشرف مخلوقات معرفی می‌نماید؛^۲ خداوند تعالی از آفرینش انسان

۱. الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ. (سجده: ۲۲)

۲. وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ. (تغابن: ۶۴)

به خود تبریک می‌گوید؛^۱ نظام خلقت را نظامی هماهنگ معرفی کرده و به دقت در آن، دعوت نموده است؛^۲ از تکریم بنی آدم و سیر او در طبیعت و روزی دادن به او از طبیات سخن می‌گوید؛^۳ خداوند بزرگ، موجودات عالم را دارای شعور و در حال تسبیح ذات الهی معرفی می‌نماید؛^۴ موجودات عالم را به منزله نشانه‌های شناخت وجود خداوند بزرگ معرفی نموده است.^۵ درنهایت به بیان احکام تکلیفی و وضعی در بحث محیط‌زیست می‌پردازد:

نخست آنکه بر حفظ توازن در پدیده‌های زیست‌محیطی تأکید شده است؛ چون خداوند هر چیز را به اندازه خلق نموده است؛^۶ دیگر آنکه فسادانگیزی روی زمین حرام دانسته شده است.^۷ قرآن کریم تخریب نسل و زراعت را کار افراد ظالم می‌داند و از آن نهی می‌کند.^۸ گرچه نهی حکم تکلیفی است، نتیجه آن حکمی وضعی است و ضمان کسانی را در پی دارد که با ستمگری به نابودی مزارع و آحاد بشر می‌پردازند که می‌باید از عهده چنین خسارتی برآیند. جنگ و مخاصمه می‌تواند به معنای تخریب و نابودی حرث و نسل تلقی گردد. در ادامه سعی خواهیم کرد مهم‌ترین آیات مرتبط را بررسی نماییم.

۱. تأکید قرآن بر مطالعه و شناخت طبیعت

در آیات الهی، تأکیدات فراوانی در شناخت پدیده‌های طبیعی به چشم می‌خورد. خداوند به بعضی مظاهر طبیعی سوگند خورده است: «وَالَّذِينَ وَالِالَّذِينَ» (تین، ۱) و قرآن دعوت به سیر در زمین و پندگیری از آفرینش نموده است (عنکبوت، ۲۰). خداوند متعال در کلامی حیرت‌انگیز خلقت انسان‌ها و آسمان و زمین را مقایسه نموده و خداوند متعال خطاب به تمامی انسان‌ها می‌فرماید: «لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسان‌ها مهم‌تر است، ولی

۱. قَتَّارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. (مؤمنون: ۲۳)

۲. مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ. (ملک: ۶۷)

۳. لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ. (اسراء: ۱۷)

۴. آیات الرحمن (۵۵)، حدید (۵۷)، حشر (۵۹)، صف (۶۱) و غیره.

۵. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. (آل عمران: ۱۹)

۶. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ. (حجر: ۲۱)

۷. لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا.... (اعراف: ۵۶)

۸. إِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. (بقره: ۲۰۵)

بیشتر مردم نمی‌دانند» (غافر، ۵۷). و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا؟ آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل‌تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟!» (نازعات، ۲۷). (رضوانی کاشانی، ۱۳۹۴: ۶).

۲. قرآن کریم طبیعت را از آیه‌های الهی برشمرده است.

در این کتاب عظیم، ۷۵۰ آیه در مورد خداشناسی از طریق طبیعت، ذکر شده است. به طور مثال می‌فرماید: «در خلقت شب و روز نشانه‌هایی است برای کسانی که می‌شنوند» (یونس، ۶۷).

امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «فکر کن که خداوند در هر برگ‌ی رشته‌هایی مانند رگ‌های بدن از هر طرف کشیده و فواید و مصالحی در آنها قرار داده است، اگر انسان بخواهد یکی از این برگ‌ها را بسازد، در صورتی که وسایل و اسباب کار هم فراهم باشد، با اعمال زحمت‌ها و صرف وقت زیاد از عهده ساختن یک برگ بر نمی‌آید» (مفضل بن عمر، ۱۳۷۲: ۱۴۴).

۳. به هم پیوستگی و هماهنگی نظام طبیعت

دنیای مخلوق، دنیای پیوستگی و هماهنگی است. به طور مثال قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند برای هر چیز مقدار و اندازه‌هایی قرار داده است» (طلاق، ۳). یا در جای دیگر می‌فرماید: «ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم» (قمر، ۴۹).

۴. تأثیرپذیری انسان از مظاهر طبیعی

طبیعت، آثار گوناگونی بر وضعیت جسمی، اخلاق و منش افراد دارد، البته نوع تأثیر در حدی نیست که از انسان سلب اختیار نماید. به طور مثال: قرآن کریم گیاهان را شادی‌آفرین و آنها را مایه سرور انسان‌ها می‌داند (نمل، ۶۰).

– امام کاظم (ع) در این باره می‌فرماید: «نگاه به گیاهان خرم و سرسبز چشم را جلا می‌دهد و بر روشنایی آن می‌افزاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵).

– امام رضا (ع) فرموده‌اند که: «بوی خوش، غسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز باعث از بین بردن برخی از بیماری‌های روانی و روحی می‌گردد» (مجلسی، همان، ج ۷۶).

- امام صادق (ع) می‌فرمایند: «نگاه به گل‌های رنگارنگ، شکوفه‌های زیبا و درختان سرسبز و خرم، چنان لذتی به آدمی می‌بخشد که هیچ لذتی را با آن برابر نمی‌توان کرد (مجلسی، همان، ج ۳).

۵. طبیعت در تسخیر انسان

خداوند همه چیز را در طبیعت برای انسان خلق کرده است و چنین اراده نموده که مواهب طبیعی در اختیار انسان باشد. بنابراین رابطه انسان با طبیعت رابطه تسخیری است. انسان امانتدار الهی و زمین و آسمان مسخر انسان است و تمام موجودات عالم تحت امر به اطاعت خداوند هستند «يَسْبِغُ لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (جمعه ۱). آنچه در زمین و آسمان است تسبیح‌گوی خدایند. و چنانچه انسان‌ها برخلاف طبیعت حرکت کنند در مقابله با نظام کیهانی نابود می‌شود.

- قرآن کریم در جایی می‌فرماید: خداوند خورشید و ماه را مسخر ساخت (ابراهیم، ۳۳). و در جای دیگر می‌گوید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان، ۲۰). «آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرد که در مسیر منافع و سود شما حرکت کنند».

- قرآن کریم انسان را خلیفه و جانشین الهی معرفی می‌نماید، چراکه مالک روز جزا را، خداوند می‌داند (مؤمن، ۱۶).

- ولی سکونت انسان در زمین، موقت است و قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «شما تا روزگار مشخصی در زمین هستید و حق بهره‌برداری دارید» (بقره، ۳۶).

بر این اساس، انسان مؤمن در استفاده از طبیعت باید سه برنامه مشخص را پیشینه خود سازد که عبارتند از: ورع در به دست آوردن، ادب در به کار بردن، هدف در مصرف نمودن.

قرآن کریم زمین و آسمان را در تسخیر انسان‌ها یاد می‌کند. تسخیر بدان معناست که قبل از آن قابل سکونت و استفاده مناسب نبوده است.

«وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»^۱

برای شما تسخیر نمود آنچه که آسمان‌ها و زمین است.

مراد از «لکم» در این آیه اباحه همه چیز در آسمان و زمین برای همه انسان‌ها است. بنابراین، محدوده جغرافیایی کشوری خاص را ملک خاص نمی‌توان انگاشت که هم حق استفاده و هم حق نابودی آن را داشته باشند.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»^۱

پروردگار تو کسی است که آنچه در زمین است را برای شما آفرید.

«وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ...»^۲

و برای شما مسخر گردانید کشتی‌ها را.

«وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ...»^۳

و برای شما مسخر گردانید نهرها را.

«سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ...»^۴

و برای شما مسخر گردانید دریا را.

«وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...»^۵

و برای شما مسخر گردانید خورشید و ماه را.

درباره معنای لام در «لکم»، این آیات، می‌توان گفت که لام یا برای اختصاص است، یعنی مختص شما گردانید و یا برای ملکیت است، یعنی به تملک شما درآورد.

صاحب تفسیر مجمع البیان در توضیح لام در آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»، لام را «لاجله» برشمرده، یعنی برای شما و همین معنا در تفسیر نمونه نیز در نظر گرفته شده است.^۶

گرچه ابن هشام در مغنی در مثل آیه «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، لام را برای ملکیت شمرده است (ابن هشام: ۲۰۸) و در مثال (الجنة للمؤمنين)، لام را برای اختصاص ذکر کرده^۷ و مرحوم علامه طباطبایی لام در «خلق لکم» را برای تصرف ذکر نموده است، صاحب مجمع البیان به صورت صریح در آیه «...مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً لَّكُمْ...». لام را چنین

۱. سوره بقره: آیه ۲۹.

۲. سوره ابراهیم: آیه ۳۲.

۳. سوره ابراهیم: آیه ۳۳.

۴. سوره جاثیه: آیه ۱۲.

۵. سوره ابراهیم: آیه ۳۲.

۶. ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۷۱.

۷. سوره بقره: آیه ۲۲.



معنا کرده است: «ای عطاء لکم و ملکاً لکم» (مجمع البیان: ۶۰ و تفسیر نمونه، ج ۱: ۱۶۳). از مجموع این اقوال می توان گفت لام چه برای ملکیت باشد یا اختصاص، مالیت را می توان از آن استفاده کرد که تخریب آن، تخریب مال موجب ضمان را به دنبال دارد.

۶. زمین محل قرار و آرامش انسان (جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَاراً)

خداوند در آیه دیگر زمین را محل قرار یافتن انسان ها معرفی می نماید:

«أَمْنٌ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَاراً...»^۱

بنابراین طبیعی است که مخاصمه و جنگ می تواند در برابر چنین آرامشی باشد به ویژه اگر این جنگ و مخاصمه منجر به نابودی شرایط زیست محیطی و حیاتی بشر شود. آیات دیگری از قرآن کریم در این باره وجود دارد:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهَاداً وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۲

همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد و برای شما در زمین راه ها و بزرگراه هایی قرار داد تا به وسیله آنها به سوی مقاصد خود راه یافته و هدایت شوید.

۷. قرآن، صلح و محیط زیست جهانی

قرآن کریم همه انسان ها را به حیات و زندگی ماندگار دعوت می نماید و آن پذیرش اسلام است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴). ای مؤمنان زمانی که خدا و رسول شما را برای آنچه که به شما حیات می بخشد فرا می خوانند اجابت نمایید برخی از مفسرین احیا را علوم دین معرفی کرده اند چون علم حیات است همان طور که جهل، موت است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۲۱۰) و از سویی رسالت رسول گرامی اسلام را جهانی می داند. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷) ما تو را نفرستادیم مگر به عنوان رحمتی برای جهانیان. فخر رازی براساس این آیه پیامبر (ص) را از فرشتگان افضل می داند چون فرشتگان هم جزء عالمین هستند که پیامبر (ص) برای آنان هم رحمت است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲/۱۹۴). بنای این ارسال وجود فطرت در انسان ها و اتحاد همه جانبه آنان است. «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (رم، ۳۰).

۱. سوره نمل: آیه ۱۶.

۲. سوره زخرف: آیه ۱۰.

تفسیر المیزان این فطرت را واحد می‌داند که اگر واحد نبود امکان تشکل جامعه واحد ممکن نبود (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۷۹/۱۶). فطرت الهی که خداوند مردمان را بر آن فطرت برانگیخته است.

قرآن کریم اطمینان بخشی را در تبعیت از طریق انبیاء و تمام امت‌های دیندار را امت واحده می‌داند «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (مؤمنون، ۵۲). ای پیامبران امت‌های شما امت واحد هستید و محور تمامی شرایع بر امانتداری و صداقت گفتار انبیای عظام می‌گردد. برخی از مفسرین از این آیه استفاده کرده‌اند که واجب است امت اسلامی بر انجام عمل صالح اتفاق نمایند همان‌طور که بر توحید اتفاق نظر دارند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۸۱/۳۳).

۸. آبادانی به جای جنگ و تخریب

قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱). او شما را از زمین آفرید و آبادسازی آن را از شما می‌طلبد. پیام آیات آن است که خلقت زمین هدفمند است و تمامی امکانات و استعدادها را خداوند بزرگ برای رشد و کمال انسان‌ها در اختیار او قرار داده است و این متدینین هستند که در درجه نخست مخاطب این وظیفه یعنی آبادانی زمین هستند. در تفسیر کبیر می‌گوید، انسان از نطفه به وجود می‌آید و نطفه از خون و خون از تغذیه و غذا از گوشت حیوانات و گوشت حیوانات از گیاه و پیدایش گیاه از زمین است، به همین خاطر خداوند فرموده است ما شما را از زمین برانگیختیم (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۶۷/۱۸). همان‌طور که آبادکنندگان مساجد کسانی جز مؤمنین بر خدا و روز قیامت نیستند (توبه، ۱۸) برخلاف دیدگاه کسانی که می‌گویند آموزه‌های دینی مخرب محیط‌زیست هستند (نصر، ۱۳۸۶: ۱۲)، قرآن کریم مخربین عرصه‌های زندگی را افرادی بی‌ایمان می‌داند که به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و وظیفه اولیه خود را به فراموشی می‌سپارند (نساء، ۱۱۹). توجه قرآن کریم به رابطه امانتدارانه با طبیعت است و دستور می‌دهد که انسان از بخشش‌های الهی بهره‌مند گردد «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه، ۱۰).

بند دوم - مهم‌ترین آیات قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی ناظر بر حفظ محیط‌زیست است که به برخی از مهم‌ترین آنها با مراجعه به تفاسیر اشاره خواهیم نمود.

الف) آیات مربوط به منع فساد در زمین

خداوند در آیات متعددی مؤمنان را از فساد در زمین و جنگ و خونریزی باز داشته است.

۱. لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...

ایجاد فساد روی زمین را به هر میزان حرام دانسته است. علامه طباطبایی مراد از فساد در روی زمین را اعم از بلایای طبیعی مثل زلزله و بلایای مربوط به سوءاختیار آدمیان مثل جنگ و ناامنی می‌داند که مورد نهی واقع شده است (تفسیر المیزان، ج ۱۶: ۱۹۶). اصلاح را به معنای سروسامان دادن و نیکو کردن برشمرده‌اند (فرهنگ عمید، ج ۱: ۱۸۰) از این آیه می‌فهمیم که هر کار به فساد انجامد، مثل تخریب و ویرانگری حرام است. از این رو که فساد در زمین حرام است، در مقابل آن طرح اصلاح‌گری نیز بنابر مفهوم آیه لازم است.

۲. وَإِذَا تَوَلَّى

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ
الْفُسَادَ»^۳

و چون برگردد (آیا ریاستی یابد) کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.

یکی از آیات بسیار مهمی که خداوند فساد در زمین را ممنوع اعلام نموده است آیه ۲۵ سوره بقره است. مطابق این آیه «هنگامی که روی برمی‌گردانند و از نزد تو خارج می‌شوند، برای فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چارپایان را نابود می‌سازند با آنکه می‌دانند خدا فساد را دوست نمی‌دارد». در این آیه به صراحت از زراعت و چهارپایان و نسل‌های حیوانی و انسانی یاد شده است. بسیاری از فقها در بحث از احکام محیط‌زیست و ممنوعیت آسیب به این آیه شریفه تمسک جسته‌اند (برای نمونه ر.ک: شیرازی، ۱۴۲۰: ۲۴؛ نقل از یوسف‌وند، ۱۳۹۲: ۳۲۴).

۱. اعراف: ۵۶

۲. بقره ۲۰۵

۳. سوره بقره، آیه ۲۰۵.

حرث در این عبارت زمین کشاورزی معنا می‌شود و جایی دیگر درباره زنان نیز همین عبارت آمده است. مراد از نسل نیز فرزندان انسان و فرزندان دیگر موجودات زنده نیز تعبیر شده است. هلاکت هم به معنای نابود کردن و از بین بردن است. این آیه بر عدم رضای خداوند از فساد و حرمت افساد دلالت دارد نه جواز آنکه یکی از مصادیق آن از بین بردن موجودات و جانوران است.

۳. الذین یفسدون فی الارض^۱

چنان‌که عمران زمین لازم است، قرآن تخریب آن را نهی می‌فرماید. قرآن کریم از فساد نهی می‌نماید و می‌گوید از عادات اقوام نابکار این بوده که: «الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَآ يَصْلِحُونَ»^۲ آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. بعضی از پژوهشگران به استناد به این آیه «تخریب و آلوده‌ساختن منابع و عناصر زیست‌محیطی، درواقع تجاوز به حق حیات و داشتن محیط‌زیست سالم بوده و خود از مصادیق اسراف محسوب می‌شود که خداوند از آن نهی فرموده است» (محقق داماد، ۱۳۹۳) دانسته‌اند.

۴. ظهر الفساد فی البر و البحر^۳

آیه ۴۱ سوره روم را باید از شاخص‌ترین آیات مربوط به تخریب محیط‌زیست دانست. خداوند در این آیه می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ نَعَضَ الذِّبْيِ عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشاند شاید (به سوی حق) بازگردند.

برخی از نویسندگان در تحلیل این آیه آن را به استعمال سلاح‌های مخرب توسط انسان تسری داده‌اند (عبدالعزیز ملیجی، ۲۰۱۱: ۱۵۶). برخی گفته‌اند که ظاهر آیه، چنان‌که

۱. شعراء، ۱۵۲.

۲. سوره شعراء، آیه ۱۵۲.

۳. روم ۴۱

در تبیان و المیزان گفته، می‌رساند که مراد از بر مطلق خشکی و از بحر دریاست و ظهور فساد در آن دو عبارت است از ناامنی‌ها، قحطی‌ها، طوفان‌ها، زلزله‌ها، سیل‌ها، قتل، غارت‌ها و امثال اینها. اعم از طبیعی و غیرطبیعی و... از مسلمیات قرآن است که همه اینها مربوط به اعمال آدمی است لذا فرموده «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ». و بسیاری از مفسران بحر را در آیه فوق بمعنی شهر یا آبادی‌های کنار دریا گرفته‌اند (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۶۳).

بعضی از پژوهشگران به همین طریق گفته‌اند که «ظاهر الفاظ این آیه عام بوده و مخصوص به یک زمان و یا یک مکان و یا یک واقعه خاص نیست و منظور از «بر و بحر» همه کره زمین است و مراد از فساد در زمین، تمامی اشکال فساد است که نظام زندگی بشر را تهدید نموده و آن را در هم می‌ریزد، خواه مستند به سوءتدبیر بعضی از انسان‌ها باشد مانند جنگ‌ها و برداشت‌های ناصحیح از منابع، و خواه مستند به آن نباشد مثل زلزله و سیل و حوادث طبیعی و تمام این فسادها که در زمین و در عالم پدید می‌آید، محیط‌زیست سالم را از بین می‌برد» (محقق داماد، ۱۳۹۳).

برخی دیگر «فساد» مذکور در آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» را به بی‌حاصلی و خشکی بیابان‌ها و قحطی دریا «به معنای قحطی در شهرهای مشرف بر نهرها و رودخانه‌ها» تفسیر کرده است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۵۳). در معجم الفاظ القرآن الکریم پس از ذکر ماده «فساد» و مشتقات قرآنی آن، آمده است: بی‌حاصلی بیابان‌ها و رواج قحطی در دریا، فساد مادی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۸) برخی از فقهای معاصر نیز این آیه را از مصادیق آشکار تخریب و نابودی محیط‌زیست از طریق مداخلات انسانی در طبیعت دانسته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰: ۴۴).

۵. وَلَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (شعراء، ۱۸۳) در زمین فساد نکنید. این آیه دستور به جلوگیری از فساد در زمین دارد که نتیجه آن ضعف مراکز فرهنگی و سپس بروز آن در مردم است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۳۱۲).

در تفسیر کبیر آمده که منظور از غتا فی الارض یعنی به شدت روی زمین فساد و تباهی کردن مثل راهزنی و غارت و از بین بردن مزارع و درختان (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۲۸/۲۴).

برای نفی این ظلم می فرماید اگر مقابله خوبان با بدان در کار نباشد آنان مساجد و عبادتگاه ها را از بین می برند (حج، ۴۰). و اگر خداوند شریکان را به دست داود کم نمی کرد زمین به فساد کشیده می شد (بقره، ۲۵۱).

ب) آیات مربوط به انفال و حفاظت از منابع طبیعی

انفال شامل دریاها، صحراها، معادن، ماهی ها، اموال اخذ شده از پادشاهان، اموال به دست آمده در جنگ و ارث بلاوارث... می شود (وسائل الشیعه، ج ۶، باب ۱ از ابواب انفال، ح ۱۹). زمین هایی که بدون جنگ نصیب مسلمانان می گردد، چه آنها را رها کرده و رفته باشد و یا آنکه مسلمانان برای دست یافتن به آنها جنگیده باشند، از انفال شمرده می شود. بنابر فرموده امام صادق (ع) اگر اراضی مذکور بدون جنگ به دست مسلمانان آمده باشد، از آن رسول خدا (ص) و امام بعد از اوست و اگر با جنگ حاصل شده باشد، خمس آن متعلق به پیامبر و امام متعلق است و بقیه بین رزمندگان تقسیم می شود. از جمله انفال، اراضی موات است که از مسائل اتفاقی و اجماعی است که از آن زمامدار اسلامی است و اخبار فراوانی این تعلق را می سازد (منتظری، انفال: ۳۳۴). آنچه در روایات آمده، موارد زیر را انفال می شمارد:

- غنایم جنگی؛

- اموال بی صاحب که شامل زمین های رها کرده و معطل هم می شود؛

- زمین های موات؛

- کوه ها، دشت ها و درختان؛

- سواحل دریاها؛

- اموال مصادره شده از سلاطین کفار اعم از زمین های شخصی و مرکب ها و اموال منقول آنها؛

- غنایمی که لشکریان اسلام بدون اذن امام (ع) به دست آورده اند؛

- معادن؛

- میراث من لا وارث له (وسائل الشیعه، ج ۶، باب ۱ از ابواب انفال: ح ۴).

بی تردید، انفال تا زمانی که پیامبر و امام (ع) هستند در اختیار آنهاست «یَسْتَلُونَكِ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» اما فقیهان درباره زمان غیبت نظریات گوناگون دارند. بعضی معتقدند که آنها را برای مردم همان شهر مصرف کنند، برخی معتقدند که آنها را

فقرا و مساکین باید توزیع کرد و برخی به نگهداری و دفن اموال تا زمان ظهور امام (ع) نظر داده‌اند. این نظریات بر آن اساس بوده که امکان تأسیس حکومت و نیاز آن به مالیات و عوارض نبوده است و شامل امروز نمی‌شود (متظری، انفال: ۳۴۷).
به نظر می‌رسد که مصادیق انفال گسترده‌تر از عناصر محیط‌زیست باشد. مصادیق انفال عبارتند از:

- زمین‌های موات یا رهاشده؛

- معادن؛

- دریاها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی؛

- کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی و مراتعی که حریم نیست؛

- ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک؛

و اموال عمومی که از دست غاصبان مسترد می‌شود.

بدیهی است که مواردی مثل اموال مجهول‌المالک، ارث بی‌وارث و اموال عمومی مستردشده از دست غاصبان جزء انفال به شمار می‌رود، ولی جزء مواهب طبیعی در محیط‌زیست نیستند. از قرآن^۱ و روایات^۲ استفاده می‌شود که انفال مال پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است.

امام خمینی (ره) منظور از مالکیت پیامبر (ص) و ائمه (ع) را مالکیت تصرف در انفال می‌داند اقتضای ولایت در تصرف را آن می‌داند که پیامبر (ص) و امام (ع) حق داشته باشند مقداری از انفال را در صورت مصلحت برای خود بردارند. چنین ولایتی در زمان غیبت برای فقیه ثابت است.^۳

۱. (يَسْتَلُوْكَ عَنِ الْاَنْفَالِ قُلُ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ وَ الرَّسُوْلِ). (الانفال: ۱)

۲. «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حفص البختری عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: الانفال... لرسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و هو للامام من بعده یضعه حیث یشاء». وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۶۴، کتاب الخمس، باب اول از ابواب الانفال، ح ۱.

۳. «والظاهر أنّ الانفال أيضاً لم تکن ملکا لرسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) والائمة (علیهم السلام) بل لهم ملک التصرف و بیانه یشهر مما تقدم... فجميع ما ورد فی الاخبار "من أنّ الانفال لرسول الله و لنا بعده" یراد منه أنهم اولیاء التصرف... و مقتضى ولايته أنّ له أخذ بعض الانفال لنفسه لو اقتضت المصلحة و علی ذلك یكون الفقیه فی عصر الغیبة ولیا للامر و لجميع ما كان الامام (علیه السلام) ولیاً له و منه الخمس من غیر فرق بین سهم الامام و سهم السادة بل له الولاية علی الانفال والقیء والتفصیل فی محله». کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۹۵.

امام خمینی (ره) که پیشتر نظرشان بر اباحه استفاده عمومی از انفال بوده و هیچ قیدی را نمی‌پذیرفته‌اند (روح‌الله خمینی: ۳۶۹)، پس از تصدی ولایت امر مسلمین نظرشان چنین تغییر کرده است:

انفال که بر شیعیان تحلیل شده... آیا امروز هم شیعیان می‌توانند بی‌هیچ مانعی با ماشین‌های کدایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را باعث حفظ و سلامت محیط‌زیست است، نابود کنند و جان انسان را به خطر اندازند و هیچ‌کس هم حق نداشته باشد مانع آنها شود.^۱ (روح‌الله خمینی: ۳۴).

گفتار دوم - سنت

همان‌گونه که می‌دانیم سنت در فقه امامیه به معنای قول و فعل و تقریر یا همان گفتار، رفتار و امضای معصوم (ع) است که شامل پیامبر و اهل بیت (ع) می‌شود. با رجوع به این منبع مهم می‌توانیم رویکرد حفاظت و حمایت از محیط‌زیست را در قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم و اهل بیت بیابیم (تاریمرادی و فخعلی، ۱۳۸۵: ۴۶). با این وصف می‌توان گفت پس از قرآن کریم سنت مهم‌ترین منبع در حفظ محیط‌زیست محسوب می‌شود.

بند اول - جایگاه و اهمیت محیط‌زیست در سنت

از منظر سنت احادیث و روایات فراوانی بر اهمیت محیط‌زیست سالم تأکید نموده‌اند. برای نمونه گوارایی زندگی به سه عامل هوای پاک و آب فراوان و گوارا و زمین حاصل‌خیز بستگی دارد؛^۲ بقای ریشه درختان و زراعت به تقوای انسان‌هاست؛^۳ استفاده دیگران از درخت و زراعتی که کاشته می‌شود، صدقه جاریه تا روز قیامت برای کسی به شمار می‌رود که آن را کاشته است؛^۴ دعوت به بهداشت محیط‌زیست، موجب قوام خانواده‌ها و فزونی محبت همسران تلقی شده است.^۵

۱. نامه معروف امام خمینی «رحمه الله» به مرحوم آیت الله محمدحسن قدیری
 ۲. عن الصادق (علیه السلام): «الا تطيب السكنى الا بثلاث، الهواء الطيب والماء الغزير العذب والارض الخواره». تحف العقول، ۳۲۰.
 ۳. علی (علیه السلام): «لا يهلك على التقوى نسخ الاصل ولا يظلماً عليها زرع قوم». نهج البلاغه، خ ۱۶.
 ۴. النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «لا يغرس مسلم غرساً ولا يزرع زرعاً فیا کل منه انسان ولا دابة ولا شیء الا كانت له صدقة الی يوم القيامة». مستدرک الوسائل، ۴۶۰/۱۳.
 ۵. النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «اغسلوا ثيابکم و خذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و تنظفوا فان بنی اسرائیل لم یکنوا یفعلون ذلک فزنت نسائهم». نهج الفصاحه، ح ۳۷۷.

از جمله چیزهایی که موجب فزونی عمر محسوب شده، ترک اذیت دیگران و پرهیز از قطع درختان سرسبز است؛^۱ دعوت به محافظت از زمین از دو جنبه تأکید شده که هم مادر انسان‌ها و هم مخبر دارای شعور از اعمال آنها معرفی شده؛^۲ انسان‌ها مقابل حقوق آدمیان و ساختمان‌ها و چهارپایان مسئول تلقی گردیده‌اند؛^۳

بنابراین طبیعی است که این منبع می‌تواند به عنوان یک مرجع غنی رویکرد عمومی حمایت از محیط‌زیست در زمان صلح و جنگ را برای ما به تصویر بکشد. در ذیل به برخی از مهم‌ترین روایات رسید از پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت (ع) در زمینه حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه خواهیم پرداخت.

بند دوم - مهم‌ترین و شاخص‌ترین روایات

روایات متعددی در زمینه حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات به دست ما رسیده است ذیلاً ضمن اشاره به روایات برجای مانده از پیامبر گرامی اسلام و معصومین به مهم‌ترین و شاخص‌ترین روایات مورد استناد در بحث حمایت از محیط‌زیست در بندی جداگانه اشاره خواهیم نمود

الف) پیامبر گرامی اسلام

روایات فراوانی در دست است که پیامبر اکرم به بیان اهمیت توجه به پدیده‌های طبیعی پرداخته، بر ممنوعیت تخریب آنها اشاره نموده و به‌ویژه می‌توان برخی اقوال و افعال را ناظر به وضعیت جنگی دانست.

برای نمونه نبی اکرم (ص) که در هر غزوه و سریه به فرماندهان و سربازان گوشزد می‌نمودند: «إِنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَةٍ - أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ - ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَّةً ثُمَّ يَقُولُ - اغْزُ بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ - قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ - لَا تَغْدِرُوا وَلَا تَغْلُوا وَلَا تُمْتَلُوا - وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيداً وَلَا تُبَبِّلُوا فِي شَاهِقٍ - وَلَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُغْرِقُوا بِالْمَاءِ - وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعاً - لِأَنَّكُمْ

۱. علی (علیه السلام): «و مما يزيد في العمر ترك الاذى و ان يُحترز عن قطع الاشجار الرطبة». بحار، ۳۱۹/۷۶.

۲. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): «تحفظوا من الارض فانها أمكم و انه ليس من احد عامل عليها خيراً او شراً الا و هي مخبرة به». نهج الفصاحة، ح ۱۱۳۰.

۳. علی (علیه السلام): «انقول الله في عباده و بلاده فانكم مسئولون حتى عن البقاع و البهائم». نهج البلاغه، خ ۱۶۶.

لَا تَذَرُونَ لَكُمْ تَحْتَا جُؤْنَ إِلَیْهِ - وَلَا تَغْفِرُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مِمَّا «۵» یُؤْکَلُ لَحْمُهُ - إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ أَکْلِهِ - ...» (وسائل الشیعه؛ ج ۱۵: ۵۹).

«رسول خدا وقتی که فرماندهای را برای جنگ قرار می داد، به او سفارش به تقوای الهی می نمود. سپس رو به اصحاب می کرد که جهاد را با نام خدا شروع کنید. با کسانی که کفر ورزیده اند مقاتله کنید ولی از خدعه و غلو و مثله کردن پرهیزید. از کشتن کودکان و افرادی که به کوه ها گریخته اند و مبارزه نمی کنند، اجتناب نمایید. از سوزاندن و در آب غرق نمودن درختان نخل و قطع درختان میوه دار و آتش زدن زراعت دشمن خودداری نمایید، زیرا ممکن است خودتان به محصولات آن نیازمند شوید. از پی کردن چارپایان حلال گوشت دوری نمایید؛ مگر آن قسمتی که نیاز دارید از گوشت آنها بهره مند شوید».

علی (ع) از نبی اکرم (ص) نقل می کند که فرمودند: «قال أمير المؤمنين (ع) نهی رسول الله (ص) أن یلقى السم فی بلاد المشرکین» (الوافی، ج ۱۵: ۹۷). رسول خدا (ص) از سوزاندن و به آب بستن و قطع درختان و به آتش کشیدن محصولات کشاورزی نهی نموده اند؛^۱ همچنین رسول الله (ص) فرمودند:

لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُغْرِقُوا بِالْمَاءِ وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً ثَمَرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعاً.^۲

درخت نخل را آتش نزنید و آن را در آب غرق نکنید و درخت میوه را قطع نکنید و مزارع را به آتش نکشید.

از سایر روایات مهم و مرتبط رسیده می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- پیامبر (ص):

تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٌ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مَخْبِرَةٌ بِهِ.^۳

زمین را خوب نگاه دارید که گویی مادر شماست و هرکس بر روی زمین عمل خیر یا شری انجام دهد، زمین از آن عمل خبر می دهد.

۱. امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): لا تحرقوا النخل ولا تغرقوه بالماء ولا تقطعوا شجرة ثمره ولا تحرقوا زرعاً لأنکم لا تدرؤن لعلکم تحتاجون الیه». کافی،

ج ۲، ص ۲۹.

۲. بحار، ۱۷۷/۹، وسائل، ۴۳/۱۱.

۳. نهج الفصاحه، ۶۶۳، ح ۱۱۳۰.

- پیامبر اکرم (ص):

وَخَلَقَ لَهُ الشَّجَرَ فَكَلَّفَ غَرَسَهَا وَ سَقَّيَهَا وَ الْقِيَامَ عَلَيْهَا.^۱

خداوند درخت را برای انسان آفرید پس او را مکلف گرداند که درخت کاشته، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد.^۲

- رسول خدا (ص) از ریختن سم در بلاد مشرکان نهی می‌فرمود؛^۳

- رسول خدا (ص) از بول نمودن در آب راکد نهی فرموده‌اند؛^۴

- رسول خدا (ص) از غسل نمودن فرد جنب در آب راکد نهی نموده‌اند؛^۵

- قال رسول الله (ص):

مَنْ غَرَسَ شَجَرًا نَدِيًّا أَوْ حَفَرَ وادِيًّا بَدِيًّا لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَ أَحْيَى أَرْضًا مَيِّتَةً فَهِيَ لَهُ قِضَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (ص).^۶

هرکس درختی بکارد یا زمینی حفر کند که دیگری بر او پیشی نگرفته باشد و زمین بایری را آباد سازد، برای او خواهد بود، این حکمی است از خدا و رسول خدا (ص).

- رسول خدا (ص) فرمودند:

«اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی بود، اگر می‌توانست برنخیزد تا اینکه آن را غرس نماید، چنین نماید».^۷

۱. الحياه، ۳۴۷/۵.

۲. بحار، ۸۶/۳.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، بزرگانی مثل محقق حلی در شرایع، ج ۱، ص ۲۸۳، صاحب جواهر، ج ۲۱، ص ۶۷ از این روایت برداشت حرمت (حکم تکلیفی) نموده‌اند.

۴. «لا یبولن احدکم فی الماء الدائم». مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۷۱.

۵. «لا یغتسل احدکم فی الماء الدائم و هو جنب». ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، نشر سیدالشهداء قم، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۵۵۱.

۶. تهذیب، ۳۷۸/۶؛ کافی، ۲۸۰/۵، ح ۶؛ وسائل، ۴۱۳/۲۵ و جواهر، احیاء موات، ۸/۳۸.

۷. «ان قامت الساعة و فی ایدیکم فسیله فاستطاع ان لا یقوم حتی یغرسها فلیغرسها». میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۴۱.

- رسول خدا (ص) در روایتی فرمودند:

«هرگاه مسلمانی دانه‌ای بکارد یا نهالی بنشانند و از آن پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی بخورد برای او صدقه محسوب می‌گردد».^۱

درختان میوه‌دار در نگاه دینی به احترام نگریسته و از قطع و سوزاندن آن نهی شده است و در صورت بریدن درخت، دستور داده شده که به جای آن درختی کاشته شود. رسول خدا (ص) در مورد احترام گیاهان و سبزیجات می‌فرمایند:

«چون گیاه خوشبوی ریحان به شما عرضه شد باید آن را ببوید و بر چشم نهد زیرا آن از گیاهان بهشتی است و چون به یکی از شما عرضه شد آن را رد نکنند».^۲

- پیامبر اکرم به علی (ع) فرمود برو به مردم از قول خدا بگو که:

«خداوند لعنت کرده است کسی را که درخت سدر را قطع کند».^۳

(ب) اهل بیت و معصومین(ع)

روایات فراوانی احکام تکلیفی و وضعی مربوط به محیط‌زیست را بیان نموده‌اند که به بعضی از آنها که اشاره می‌شود و می‌تواند منبع الهام‌بخش مهمی برای حمایت از محیط‌زیست در زمان جنگ باشد.

- امیرالمؤمنان (ع) در زمان حکومت خود از سرازیر شدن ناودان‌ها به سوی گذرگاه مردم جلوگیری می‌فرمود؛^۴

- روایاتی وجوب و مقدار فاصله چاه آب آشامیدنی و چاه فاضلاب را تعیین نموده‌اند؛^۵
- روایاتی منزهات بئر (چگونگی تطهیر آب چاه پس از افتادن نجاست در آن) را بیان می‌نمایند؛^۶

۱. «ان رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) نهی عن قطع الشجر المثمر واحراقه». وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۷، ح ۱.

۲. همان، ج ۱، باب ۱۱۳.

۳. محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۹۵.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، باب ۱۱، ص ۱۱۹.

۵. «والبئر اذا كان الى جانبها كيف فان كانت الارض صلبة فينبغي ان يكون خمسة اذرع و ان كانت رخوة فسبعة اذرع». تهذيب الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۰.

۶. الروضة البهية، ج ۱، ص ۸ و ۲۵۷ و من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷.

- امر به احیای اراضی موات شده است؛^۱

- امام علی (ع) فرموده‌اند:

إِنْعَمُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ.^۲

درباره بندگان و بلاد و شهرها از خداوند بترسید، همه شما مسئولید حتی درباره ساختمان و زمین‌ها و چارپایان.

- از امام علی (ع):

مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.^۳

کسی که آب و خاک در اختیار داشته باشد و با وجود آن فقیر و تهی دست گردد از رحمت الهی دور است.

- از امام علی (ع):

وَلَيْكِنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَجَ بَغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ.^۴

باید اهتمام تو به آباد کردن زمین، بیش از همت گماردن تو به جمع درآمد و خراج باشد. زیرا که خراج جز به آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بنخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌سازد.

- از امام صادق (ع):

أَنْتَبِهْكَ عَلَى الرِّيحِ وَ مَا فِيهَا، أَلَسْتَ تَرَى زُكُودَهَا إِذَا رَكَدَتْ كَيْفَ يَخْذُلُ الْكَرْبُ الْغَذَى يَكَادُ يَأْتِي عَلَى النَّفْسِ وَ يَمْرُضُ الْأَصْحَاءَ وَ يَنْهَكُ الْمَرْضَى وَ يَفْسِدُ الثَّمَارَ وَ يَعْقِنُ الثَّبُورَ، وَ يَعْقِبُ الْوَبَاءَ فِي الْأَبْدَانِ وَ الْأَفْتَةُ فِي الْأَعْلَاتِ فَفِي هَذَا بَيَانٌ أَنَّ هُتُوبَ الرِّيحِ مِنْ تَدْبِيرِ الْحَكِيمِ فِي صَلَاحِ الْخَلْقِ.^۵

۱. «احی بلدک المیت». من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۵۲۴.

۳. بحار، ۱۹/۱۴.

۴. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۵۳، بند ۷۹، ص ۵۷۸.

۵. بحار، ۶/۵۷ و ۷.

تو را از رموز باد آگاه می سازم تا بدانی در آن چه حکمت ها و مصالح و فوایدی نهفته است. آیا نمی بینی که اگر باد از حرکت بایستد چگونه بلاها و گرفتاری ها پدید می آیند، بلاهایی که جان انسان ها را نشانه می گیرد و بیماران را ضعیف تر می سازد و میوه ها را فاسد و سبزی ها را متعفن می کند. همچنین بازایستادن باد از حرکت وبا را به جان انسان ها می اندازد و آفت در غلات و محصولات کشاورزی می افتد. همه اینها گویای این مطلب است که وزش و زمزمه باد، تدبیر آفریدگار حکیم برای اصلاح امور آفریدگان است.

- از امام صادق (ع):

اِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا وَاللهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا اَحَلَّ وَ اطْيَبَ مِنْهُ.^۱

در کار کشاورزی و باغداری بکوشید و درخت بکارید. به خدا سوگند؛ در کارهای مردمان هیچ کاری حلال تر و پاکیزه تر از این نیست که محیط زیست و شهر و دیار خویش را سرسبز و پرطراوت سازند.

- از امام صادق (ع):

فَإِنَّ الْمَنَافِعَ... كَثِيرَةً، عَظِيمَةً قَدَرُهَا، جَلِيلَةً مَوْقِعُهَا، هَذَا مَعَ مَا فِي الْكِبَاتِ مِنَ الْتَلَكُّذِ بِحُسْنِ مَنَظَرِهِ وَ نَضَارَتِهَا أَكْثَى لَا يَعْلَمُهَا شَيْءٌ مِنْ مَنَاطِرِ الْعَالَمِ وَ مَلَاهِيهِ.^۲

گیاهان، برای آدمیان منفعت های فراوانی دارند و در پیشگاهشان از ارزشی والا و جایگاهی بلند برخوردارند، افزون بر اینکه چشم انداز گیاهان سبز و خرم، به اندازه ای زیبا و لذت آفرین است که هیچ لذت و عیشی با آن برابری نمی کند.

- از علی (ع) که فرموده اند:

«رسول خدا (ص) هرگاه برایش میوه جدید می آوردند آن را پذیرفته و بر چشم می نهاد و می فرمود خداوند همان طور که آغاز فرارسیدن این میوه را در عافیت نشان دادی پایان آن را نیز در عافیت به ما نشان بده».^۳

۱. بحار، ۳۰/۲۳.

۲. بحار، ۱۲۹/۳، توحید مفضل / وسائل، ۵۹/۱۳.

۳. همان، ح ۲.

- علی (علیه السلام) فرموده‌اند:

«هرکس آب و خاک داشته باشد و فقیر گردد خداوند او را از رحمتش دور گرداند».^۱

- ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) نقل نموده است که:

«هرکس درخت «طلح» یا «سدر» را آب دهد گویا مؤمن تشنه‌ای را آب داده است».^۲

- امام باقر (علیه السلام) فرموده‌اند:

«در تورات نوشته است، هرکس زمین یا آبی را بفروشد و با بهای آن زمین یا آبی خریداری نکند بهای آن زمین تباه شده است».^۳

- امام صادق (ع) از حضرت رسول (ص) نقل نمودند که ایشان هر موقع لشکری را برای جنگ اعزام می‌نمود می‌فرمود:

«درخت نخل را آتش نزنید، زیرا شما نمی‌دانید شاید در آینده به آن محتاج شوید و چهارپایان حلال‌گوشت را نکشید مگر به گوشت آنها نیازمند شوید».^۴

- راوی از امام رضا (ع) در مورد قطع درخت سدر می‌پرسد و حضرت می‌فرماید:

«من با بریدن درخت سدر، درخت انگوری جای آن کاشتم».^۵

ج) روایات مهم پیرامون محیط‌زیست و مخاصمه

علاوه بر احادیث و روایات، در رفتار و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) به موارد متعددی برمی‌خوریم که ناظر بر حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمه و جنگ است. از جمله مهم‌ترین منابع در دسترس تاریخ و یا همان «سیر» ناظر بر جنگ‌هایی است که پیامبر یا امامان معصوم در آنها مشارکت داشته و دستورات مشخصی را به سربازان

۱. همان، ج ۱۲، مقدمات تجارت، ح ۱۳.

۲. «من سقی طلحةً او سدرهً فکانما سقی مومناً من ظمأ». همان.

۳. «قال مکتوب فی التواره من باع ارضاً او ماءً ولم یضع ثمنه فی ارض و ماء ذهب ثمنه». همان، ح ۸.

۴. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۶۷ و ۶۶.

۵. «سألت ابوالحسن عن قطع السدر فقال: سألتی رجل من اصحابک عنه فکتبت الیه قد قطع ابوالحسن سدرأ و غرس مکانه عنبا». وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۷، ح ۲.

می‌داده و یا خود به نحوی عمل می‌نموده است که محیط‌زیست از آسیب مصون بماند. ذیلاً ضمن اشاره به برخی از مهم‌ترین روایات تفصیل آنها نیز بنا به مورد در بحث‌های بعدی اشاره نموده‌ایم.

۱. روایت ابی حمزه ثمالی

این روایت در بحث قتال در مورد ممنوعیت قطع درخت مورد استناد قرار می‌گیرد. متن روایت به این قرار است: «... عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ أَطُّهُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَرَادَ أَنْ يَمُوتَ سَرِيَةً فَاجْلَسَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغُلُّوا وَ لَا تُمَثِّلُوا وَ لَا تَغْدِرُوا وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخاً قَانِياً وَ لَا صَبِيّاً وَ لَا امْرَأَةً وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷).

«امام صادق (ع) فرموده‌اند: عادت رسول خدا (ص) آن بود که وقتی لشکری را برای جنگ اعزام می‌نمودند، آنان را متوقف نموده و می‌فرمود: با نام خدا و در راه خدا و برای خدا و دین رسول خدا (ص) جهاد نمایید ولی از مبالغه در دین و از قطعه قطعه نمودن بدن دشمن اجتناب نمایید. از کشتن پیران و کودکان و زنان خودداری کنید و از قطع درختان مگر در حال اضطرار، دوری نمایید.»

۲. روایت سکونی

این روایت معروف در مورد ممنوعیت استفاده از سم در جنگ است و در متون مربوط به ممنوعیت استفاده از سلاح‌های سمی مبنای احکام مربوط قرار گرفته است. بر مبنای این روایت «... عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الثَّوْقَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸). هرچند بعداً خواهیم دید که برخی از فقها به دلیل ضعف سند روایت سکونی قول کراهت را برگزیده‌اند.

۳. روایت حفص بن قیاس

این روایت در زمینه ابزارها و روش‌های جنگ یا حقوق لاهه کاربرد داشته و نشان‌دهنده مسئله ضرورت نظامی و ارتباط آن با حفظ محیط‌زیست است. براساس این روایت

«...عَلَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِي عَنْ خُفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ أَهْلِ الْحَرْبِ هَلْ يُجُوزُ أَنْ يَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْمَاءُ وَتُحْرَقَ بِالنَّارِ أَوْ تُرْمَى بِالْمَجَانِيْقِ حَتَّى يَقْتُلُوا وَفِيهِمُ النِّسَاءُ وَالصِّبْيَانُ وَالشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالْأَسَارَى مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالتَّجَارُ فَقَالَ: يَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ وَكَأَيُّمَسْكَ عَنْهُمْ لِهَوْلَاءِ وَكَأَيُّ دِيَةِ عَلَيْهِمُ لِلْمُسْلِمِينَ وَكَأَيُّ كَفَّارَةٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸).

«راوی از امام صادق (ع) می‌پرسد آیا درجنگ با دشمن جایز است که از آب و آتش علیه آنان استفاده شود و با منجنیق کوبیده شود، درحالی‌که منجر به کشته شدن زنان و کودکان و سالخوردگان و برخی مسلمانان که به اسارت دشمن درآمده‌اند یا برخی از افراد و کسبه و تجار (غیرنظامیان) گردد. امام فرمودند، مانعی ندارد و دیه‌ای برای کشته‌شدگان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان تعلق نخواهد گرفت». در بحث از حقوق بشردوستانه موجود نیز مورد اشاره قرار گرفت که اصل ضرورت نظامی استثنائات متعددی را بر ممنوعیت تخریب محیط‌زیست وارد می‌نماید.

۴. روایت مسعدة بن صدقه

این روایت معروف‌ترین و پرکاربردترین روایت در بحث حفظ و حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه است. مطابق این روایت «...عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ الْبَيْ (ص) كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَةٍ أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَّةً ثُمَّ يَقُولُ اغْزُ بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَكَأَيُّ تَغْدِرُوا وَكَأَيُّ تَغْلُوا وَتُمُتُّلُوا وَكَأَيُّ تَقْتُلُوا وَلِيدًا وَكَأَيُّ مُتَبَيِّلًا فِي شَاهِقٍ وَكَأَيُّ تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَكَأَيُّ تُغْرِقُوا بِالْمَاءِ وَكَأَيُّ تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَكَأَيُّ تُحْرِقُوا زَرْعًا لِأَنْكَمَ لَأَ تَذَرُونَ لَعَلَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ وَكَأَيُّ تَغْفِرُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مِمَّا يُوْكَلُ لَحْمُهُ إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهِ وَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹). همان‌گونه‌که ملاحظه می‌شود ممنوعیت آتش زدن درخت نخل، غرقاب کردن، قطع اشجار مثمر، آتش زدن اراضی کشاورزی و ممنوعیت پی کردن حیوانات مورد اشاره قرار گرفته است.

۵. روایت جمیل ابن دراج

این روایت شبیه به روایت ابی حمزه ثمالی است. محور این روایت در بحث محیط‌زیست ممنوعیت قطع اشجار در زمان جنگ است. متن این روایت چنین است. «...عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِنَا

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوُثَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ وَجَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ كَلَاهُمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً دَعَا بِأَمِيرِهَا فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِهِ وَأَجْلَسَ أَصْحَابَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَا تَغْدِرُوا وَلَا تَغْلُوا وَلَا تُمَثِّلُوا وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹)

همان گونه که ملاحظه می شود قطع درخت به صورت مطلق ممنوع نشده و در صورت ضرورت قطع آن ایرادی نخواهد داشت.

گفتار سوم - اصول و قواعد فقهی

اصول و قواعد فقهی متعددی را می توان بر ضرورت حفظ محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام برشمرد. شاخص ترین آنها قاعده لاضرر، قاعده لایقتل غیر مقاتل، منع اسراف و قاعد اعتدا و ضرورت است (برای ملاحظه سایر اصول و قواعد فقهی ر.ک: مبلغی، ۱۴۳۱: ۱۷۸-۱۵۳ و مصطفوی، ۱۳۹۲). ذیلاً برخی از ابعاد این قواعد را بررسی و تحلیل خواهیم نمود.

الف) قاعده لاضرر

ضرر می تواند به عناصر زیست محیطی یا ناشی از آن باشد. بنابراین قاعده لاضرر به عنوان یک قاعده مهم و عمومی در حوزه حقوق محیط زیست کاربرد بسیاری دارد. این قاعده در مورد خسارات زیست محیطی حاصل از مخاصمه نیز راهگشا است و زمینه ای را فراهم می نماید تا از محیط زیست به نحو مطلوبی در شرایط جنگی حمایت نمود که به برخی از ابعاد آن ذیلاً اشاره خواهیم نمود:

۱. لاضرر و حفظ محیط زیست در زمان صلح

در قاعده لاضرر، از آنجاکه ضرر به صورت مطلق نفی شده، شامل ضرر به فرد یا جمع و ضرر بر انسان، محیط زیست و غیره می شود. در مورد مفاد لاضرر اقوال مختلفی بیان شده است.

مرحوم شیخ انصاری معتقد است که لاضرر حکم ضرری را نفی می کند، یعنی (به غیر احکامی که به خاطر مصالحی ضرر را موجه می داند مثل حکم به خمس و زکات و جهاد) اگر حکم شرعی موجب ضرر شود، از چنین حکمی چشم پوشی می شود (شیخ مرتضی انصاری: ۴۳۱).

طبق این دیدگاه مرحوم شیخ، اگر حکم صادر شده ضرری باشد، لاضرر جلو آن را می‌گیرد. اما اگر جایی عدم صدور حکم در موردی موجب ضرر شود، قاعده «لاضرر» دیگر حکمفرما نیست.

بعضی از فقها نیز مفاد لاضرر را ضرر غیرمتدارک می‌دانند (ملا احمد نراقی: ۵۱). طبق این نظریه نیز می‌باید ضرری ایجاد شده باشد و به دلیل جبران آن و غیرمتدارک بودن آن، مجرای اعمال اصل است وگرنه تا ضرری ایجاد نشود، قاعده لاضرر در آنجا، کارایی نخواهد داشت.

اما بعضی مفاد لاضرر را نفی ضرر و ضرار دانسته‌اند، نه نفی حکم ضرری، یعنی شارع ضرر و ضرار را امضاء نکرده است (چه مربوط به وجود حکم ضرری باشد و یا ضرری که ناشی از عدم یک حکم باشد) (مکارم شیرازی: ۶۸). بنابر نتیجه این نظریه، هر فعل ضرری در عالم تکلیف که به دیگران ضرر می‌رساند، حرام است و در عالم وضع نیز هر معامله ضرری مثل بیع غبنی محکوم به بطلان است (مکارم شیرازی: همان).

برای استناد به قاعده لاضرر نیز به ادله اربعه استناد شده است که به اضرار در وضعیت جنگی نیز مرتبط می‌شود. در تطبیق این قاعده با محیط‌زیست نیز بنابراین اگر قائل به نظریه سوم باشیم و بگوییم لاضرر شامل احکام عدمی هم می‌شود، باید گفت:

اولاً: هرگونه عملی که موجب تخریب یا آلودگی محیط‌زیست شود، از مصادیق ضرر است. در نتیجه، عمل حرام و حکم وضعی مربوط به این زمینه فساد و بطلان و اعمال مخرب هم موجب ضمان خواهد بود.

ثانیاً: عدم تصویب مقررات لازم در این زمینه موجب ضرر و تکلیفاً کوتاهی و حرام شمرده می‌شود و ضمان آور خواهد بود.

۲. لاضرر و حفظ محیط‌زیست در زمان جنگ

ممنوعیت ضرر رساندن به دیگری ایجاب می‌نماید که در وضعیت جنگی نیز این مسئله به‌ویژه در زمینه اموال و اشخاص غیرنظامی مورد توجه قرار گیرد. درواقع آسیب رساندن به اموال اشخاص غیرنظامی در خلال منازعه، ضرر بلاتدارک محسوب و منجر به ضمان خواهد شد.

رسول خدا (ص) در روایت معروفی نقل نموده‌اند که: «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» در اسلام ضرر و ضرار وجود ندارد. در اینجا کلمه ضرار از باب مفاعله است و به معنای

ضرر دوطرفه است (حسینی شیرازی: ۱۶۷). در کتاب شریف کافی شخصی از امام حسن عسکری (ع) می‌پرسند که اگر آب جویی از مسیر آسیابی بگذرد و با تغییر مسیر آب، آسیابانی ضرر نماید آیا چنین عملی جایز است؟ امام (ع) فرمودند: خیر (کافی، ج ۵: ۲۹۳). وقتی زیانی اینچنین مدنظر شارع بوده است بدیهی است که زیان‌های بزرگی چون عملیات جنگی در مخاصمات که رزق و روزی هزاران نفر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، می‌تواند اضرار بزرگی باشد، که طبق قاعده فوق جایز نخواهد بود؛ چون خود مصداق ضرری بارز است.

تخریب شدید و گسترده محیط‌زیست که منجر به ورود خسارت گسترده به شرایط حیاتی غیرنظامیان و اشخاصی که در مخاصمه شرکت ننموده‌اند گردد، جایز نیست و الا باعث نقض این قاعده خواهد بود.

علاوه بر قاعده‌ی لاضرر به قواعد دیگری نیز در این زمینه استناد شده است، مثل قاعده‌ی اتلاف که از موجبات ضمان قهری در فقه شیعه است. مضمون این قاعده ضمان‌آور بودن هرگونه تخریب و آلوده نمودن محیط‌زیست است که اتلاف محسوب می‌شود. قاعده‌ی ید و قواعد دیگر هم در این مقوله می‌توان استناد نمود. تفصیل قاعده اتلاف و ید در مباحث بعدی، خواهد آمد.

ب) قاعده لایقتل غیر مقاتل

این قاعده یکی از مشهورترین قواعد فقهی حاکم بر حقوق بشردوستانه اسلامی است. به‌طورکلی این قاعده تنها اجازه پیکار با کسانی را می‌دهد که در جنگ شرکت نموده و مشمول عنوان «مقاتل» قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر براساس این قاعده «قتال تنها با کسانی جایز است و با کسانی می‌توان جنگید، که رزمنده محسوب شوند» (فیروزی، ۱۳۹۲: ۳۵۵).

ممکن است پرسیده شود که چگونه رعایت چنین قاعده‌ای در هنگام جنگ می‌تواند منجر به حفظ محیط‌زیست گردد؟ در پاسخ باید گفت که این قاعده می‌تواند بخش غیرنظامی را مورد حمایت قرار دهد، چراکه این اشخاص و اموال غیرنظامی مصون از مقاتله هستند. این به آن معنا است که محیط‌زیست غیرنظامی از آسیب و خسارت مصون است. این قاعده در حقوق بشردوستانه یادآوری اصل تفکیک اشخاص و اموال نظامی از اشخاص و اموال غیرنظامی است.

ج) قاعده نفی اعتداء

مبنای قاعده نفی اعتداء ماده ۱۹۰ سوره مبارکه بقره است. مطابق این آیه «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید. به‌درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد». این آیه به جنگ با کسانی امر می‌کند که جنگجو هستند. همچنین عبارت «وَلَا تَعْتَدُوا» به این معناست که با کسانی که با شما سرِ جنگ ندارند، جنگ نکنید.

این آیه به مسلمانان فرمان می‌دهد که تنها با جنگجویان بجنگند و نه با زنان؛ و نهی «لَا تَعْتَدُوا» به این معناست که از جنگ با کسانی که اهل جنگ می‌باشند، پا را فراتر نگذارید (جمعی از محققان، ۱۴۲۸: ۳۵). معنای اولیه این قاعده این است که مسلمانان نباید در جنگ از مقررات و احکام جهاد سرپیچی نموده و از حدود شرعی مقرر تجاوز نمایند (برای بررسی بیشتر این قاعده ر.ک: فیروزی، همان: ۳۶۸-۳۶۶). از لحاظ زیست‌محیطی، تخریب و از بین بردن غیرضروری محیط‌زیست، آتش زدن جنگل و مراتع و کشتزارها، کشتن غیرضروری حیوانات، می‌تواند به معنای نقض چنین قاعده‌ای باشد.

د) قاعده دفاع و جهاد

از منظر اسلام تنها اجازه دفاع در مقابل هجوم داده شده است. در اقدام به قلع نیز استفاده از هر نوع وسیله‌ای مجاز نیست. لذا محدودیت‌های متعددی بر نحو حمله و استفاده از طبیعت مانند آتش زدن و القای سم و نظایر آن وارد شده است. در جهاد نیز که هدف آن مقدس است، استفاده از هر وسیله‌ای را برای جهاد مجاز نمی‌داند. روایات متعددی در این زمینه وجود دارد که به تفصیل در بحث‌های بعدی به آن اشاره خواهیم نمود.

هـ) قاعده ضمان

هرچند این قاعده، در کتب فقهی به عنوان قاعده عمومی بیان شده و مسئولیت اشخاص را نسبت به خسارات و آسیب‌های وارده بیان می‌کند. چنین قاعده‌ای در مورد خسارات زیست‌محیطی غیرمجاز ناشی از جنگ نیز از جاری است. برای مثال از جمله مبانی فقهی که در منع استفاده از سلاح‌های کشتار جنگی مطرح می‌شود، بحث ضمان است. براساس این قاعده هرگونه تصرف غیرمجاز در جان یا مال دیگران موجب ضمان است. قطعاً گرفتن جان یا تخریب اموال گروهی از انسان‌های بی‌گناهی که در جنگ حضور ندارند،

مخالف انصاف و عدالت بوده و براساس این قاعده دولت‌ها و اشخاص نسبت به خسارات وارده غیر مجاز در حین جنگ ضامن هستند.

ی) قاعده اتلاف

مبنای این قاعده نیز شبیه به قاعده پیشین است. براساس این قاعده هرکس مال دیگری را تلف نماید ضامن است. «من اتلف مال غیره فهو ضامن» که ما آن را تحت عنوان قاعده اتلاف می‌شناسیم. بخش عمده‌ای از اموال اشخاص از اموال زیست‌محیطی محسوب می‌شوند اتلاف چنین اموالی موجب ضمان خواهد بود. بنابراین اتلاف اموال ناشی از جنگ نیز می‌تواند مبنای ضمان باشد.

بعضی از فقیهان تمسک به قاعده اتلاف را قاعده عقلایی و بدیهی برشمرده‌اند. بنابراین تمایزی از این لحاظ در وضعیت جنگی و غیرجنگی وجود ندارد. برای نمونه مرحوم نراقی در عناوین می‌گوید اثبات اینکه اتلاف موجب ضمان است نیازی به بیان ادله ندارد (میرفتاح: ۴۳۴). صاحب جواهر در این خصوص می‌گوید اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد (جواهر الکلام: ۴۶). البته در خصوص مبنای این اصل در میان فقیهان بسته به اینکه این نظریه عین کلام شارع است یا برگرفته از عقل، اختلاف نظر وجود دارد. مرحوم خویی این قاعده را متن روایت نمی‌داند. بلکه آن را یک «قاعده اصطیادی» تلقی می‌نماید (خویی، مصباح الفقه، ج ۱: ۵۲۵). از عبارت علامه حلی نیز که بیان می‌دارد «لقوله من اتلف ضمن» می‌توان برداشت نمود که این نظریه «منصوص» است و با عبارت لقوله آن را مستند به معصوم می‌نماید (علامه حلی، نهایه الاحکام، ج ۱: ۳۸۴). از تقریرات مرحوم محقق داماد نیز چنین برمی‌آید که ایشان این قاعده را منصوص می‌داند (آملی، تقریرات درس محقق داماد: ۴۳۲). در مقابل صاحب جواهر آن را قاعده مشهور در زبان فقها می‌نامد «الحديث المشتهر على السنة الفقها» و بنابراین منصوص بودن آن را رد می‌نماید (جواهر الکلام، ج ۳۱: ۹۱ و ج ۳۶: ۱۵۷).

در هر صورت قاعده اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست‌محیطی و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هرکس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است. از جمله در مواردی که محیط زیست مال متعلق به مردم باشد (مشترکات عمومی و انفال). با توجه به اینکه در اتلاف، قصد، شرط نیست. بر

این اساس می‌توان به مبنای مطلوب و ساده‌تری برای عاملین خسارت به محیط‌زیست دست یافت (فهیمی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

مهم‌ترین مستند قاعده ائتلاف روایاتی است که متضمن مسئولیت شخصی است که غیرمستقیم موجب بروز خسارت گردیده است. ابی‌الصلاح از امام صادق (ع) نقل می‌نماید که: «کل من اضر بشی بطریق المسلمین فهو له ضامن» هرکس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند ضامن است (میرفتاح، همان: ۴۴۵).

گفتار چهارم - عقل

دلیل عقل در استنباط احکام شرعی به عنوان یک منبع همواره مورد توجه و رجوع فقیهان بوده است. قاعده ملازمه در این خصوص شیوع بیشتری دارد و بر اساس آن حکم عقلی و شرعی با همدیگر ملازمه دارند.^۱

لذا در بحث ما نیز عقل منبع بسیار مهمی در تعیین برخی از مسائل فقهی مرتبط با حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه است. بسیاری از احکامی که در زمینه محیط‌زیست در قالب وجوب و کراهت و استحباب و حرمت آمده است مبتنی بر دلیل عقلی نیز است. به‌ویژه این عامل هنگامی راهگشا است که در مورد برخی از سلاح‌ها و روش‌های جدید نبرد نص صریحی وجود ندارد. بسیاری از اقدامات که منجر به تخریب محیط‌زیست در جنگ می‌شود عقلاً قبیح شمرده شده است. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ممنوعیت آسیب به محیط‌زیست غیرنظامیان؛
 ۲. ممنوعیت آسیب و ضرر به خود از طریق تخریب محیط‌زیست؛
 ۳. حرمت القای سم؛
 ۴. قبیح بودن ظلم و فساد و تعدی (کشتن حیوانات، کودکان و زنان و ...).
- این منبع از منظر مقاصد الشریعه هم قابل تحلیل است (علیدوست، ۱۳۹۳: ۶۳). عقل هرگونه ظلم بی‌عدالتی و البته فساد را قبیح می‌داند. «... از نظر عقلی هرگونه اقدام انسانی که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط‌زیست بینجامد و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاکت انسان شود، قبیح است. در مقابل، تلاش آدمی به منظور حفظ و صیانت

۱. کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع، و کلّ ما حکم به الشرع حکم به العقل.

محیط‌زیست و احیای آن، که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن بینجامد، موجب حفظ نظام، بقای انسان و مصداق عمل نیکو است. رکن اساسی این دلیل، مسئله حفظ نظام و بقای نوع آدمی است که از جمله قضایای مشهور به شمار می‌آید و آرای همه عقلا بر آن استقرار یافته و شارع نیز در مقام خالق عقل، با آن موافق است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح محیط‌زیست و حرمت تخریب آن است (جعفری، ۱۴۱۹: ۱۵۴ و عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۸۲). لذا به همین سبب آسیب به غیرنظامیان و تجاوز از حدود مقرر در آداب جنگ از جمله تخریب محیط‌زیست ممنوع می‌باشد.

گفتار پنجم - آثار نویسندگان اسلامی

بحث محیط‌زیست پیشینه‌ای غنی در فقه اسلامی دارد. خوشبختانه آثار فراوانی در این زمینه از دانشمندان اسلامی به جا مانده که مربوط به قرن‌های آغازین پیدایش مکتب تعالی‌بخش اسلام است. این آثار را می‌تواند در سه دسته مختلف قرار داد. بخشی از این آثار مربوط به علوم طبیعی، بخشی دیگر عرفانی و الهیاتی و برخی دیگر احکام و فقه محیط‌زیست را درمی‌گیرند. هر سه دسته این منابع می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تبیین بحث حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام کاربرد داشته باشند که به برخی از آنها اشاره می‌نمایم.

الف) آثار مرتبط با علوم طبیعی اسلامی

این آثار متنوع و متعدد هستند و از قرون اولیه اسلامی تاکنون می‌توان موارد بسیاری از آن را یافت. برخی از این نوشتارها به آثار ناگوار تخریب طبیعت و نابودی آن از طریق جنگ نیز اشاره دارند. برای مثال می‌توان به آثار و کتب ذیل اشاره نمود.

۱. الابل اثر ابوزید بن عبدالله بن حربن همام کلابی (متوفای ۲۰۱ ق)؛^۱
۲. الشمس والقمر و نیز خلق الفرس اثر نصرین شمیل بن خوشه تمیمی مازنی (متوفای ۲۰۴ ق) اهل بصره و ساکن مرو؛^۲
۳. النسب الخیل اثر هشام بن سائب بن بشر کلبی (متوفای ۲۰۴ ق).^۳

۱. ر.ک: فصل نامه فرهنگ جهاد، ش ۱۳، سال ۴، پائیز ۱۳۷۷، حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد سازندگی.
 ۲. محمدبن اسحاق (ابن ندیم)، الفهرست.
 ۳. ناصری، نامه دانشوران، ج ۵، ص ۱۴۱.

همچنین صدها اثر نفیس دیگر در این زمینه وجود دارد که به نوعی در زوایای پدیده‌های طبیعی کاوش کرده‌اند و فواید و برکات آنها را برشمرده‌اند.^۱

ب) آثار عرفانی و الهیاتی (الهیات محیط‌زیست)

برخی از آثار با تأمل و تدبر و تفکر در طبیعت به عنوان نشانه عظمت و قدرت و حکمت الهی به محیط‌زیست پرداخته‌اند. به‌ویژه در دوران معاصر پس از مطرح شدن بحران محیط‌زیست به این مسئله از منظر الهیات و عرفان اسلامی نگریسته و تخریب محیط‌زیست در خلال جنگ را از مصادیق فسادانگیزی انسان بر زمین، نشانه‌های ظهور، بحران معنا و هویت انسان مدرن و نظایر آن در چهارچوب تعالیم انسان‌ساز بشریت بحث نموده‌اند. برای نمونه در این زمینه می‌توان به کتاب اسلام و محیط‌زیست آیت‌الله جوادی آملی و کتاب دین و نظم طبیعت سید حسین نصر اشاره نمود.

ج) آثار فقهی

در آثار فقهی معمولاً از منظر مسائل و احکام بحث حمایت از محیط‌زیست در مناصمات مطرح است. شاخص‌ترین این مباحث را می‌توانیم در کتب قدما، در احادیث

۱. برخی از مهمترین کتب و آثار را در ذیل اشاره می‌نماییم:
 الف) کتاب الوحوش و کتاب الحشرات، اثر ابوهشام بن ابراهیم کرمانی (م ۲۱۶ق) (ر.ک: الاعلام، ج ۱، ص ۱۰۹).
 ب) کتاب الطیر و کتاب الخیل و کتاب الابل، اثر ابونصر، احمد بن حاتم باهلی (م ۲۳۱ق) (ر.ک: منبع الف).
 ج) کتاب الخیل و کتاب الذباب، اثر ابوعبدالله، محمد بن زیاد کوفی معروف به (ابن العربی) (م ۲۳۱ق) (ر.ک: تاریخ بغداد نوشته احمد بن علی (خطیب بغدادی)، ج ۵، ص ۲۸۲).
 د) کتاب الابل و کتاب المطر و کتاب النبات والشجر و کتاب التمر و کتاب المیاه و کتاب الوحوش و کتاب نعت الغنم، اثر ابوزید، سعید بن اوس خزرجی بصری (م ۲۱۵ق) (ر.ک: تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۷۷).
 هـ) کتاب العقارب و کتاب الابل و اسماء الخیل و کتاب الفهرس و کتاب الخیل، اثر ابوعبیده، محمد بن مثنی تمیمی (م ۳۱۰ق) (ر.ک: الکامل، ابن اثیر، ج ۶، ص ۳۹۰).
 و) کتاب مسالک الابصار فی اخبار سلوک الامصار، اثر احمد بن یحیی بن محمد کرمانی عمری (م ۷۴۹ق) (ر.ک: حضارة العرب، اسعد اصغر، نقل از فصل نامه فرهنگ جهاد، ش ۱۳).
 ز) کتاب الايام واللیالی و کتاب الابل و کتاب الارضین والجبال والادویه، اثر یعقوب اسحاق السکیت (م ۲۴۴ق) (ر.ک: کشف الظنون، مصطفی بن عبدالله، ج ۶، ص ۵۳۶).
 ح) کتاب الریاحین و کتاب فی الحيوانات، اثر ابواحمد، عبدالعزیز بن یحیی الجلودی البصری (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۲۴۳).

و نوشتارهای فقهی در باب «جهاد العدو» احکام آن را یافت (طرابلسی، ۱۴۰۶: باب جهاد العدو) برای نمونه می‌توانیم در کتب فقهی بحث‌های مبسوط و مستوفایی پیرامون آتش زدن، ارسال الماء، القاء السم، پی کردن حیوانات در جنگ بیابیم. برخی از آثار فقهی نیز این موضوع را خلال بحث‌های اشخاص و اموال مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه بحث نموده‌اند (لطفی، اخگری بناب و فقهی، ۱۳۹۱).

برخی از آثار فقهی معاصر نیز به صورت مجزا به این بحث اشاره نموده‌اند. ازجمله شاخص‌ترین آنها می‌توانیم به اثر فقه محیط‌زیست آیت‌الله سید محمد شیرازی اشاره نماییم که در بحثی جداگانه تحت عنوان «التلوث نتیجه الحروب» به بحث حفاظت از محیط‌زیست در خلال جنگ از منظر فقهی پرداخته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰: ۴۹). در رویکردهای فقهی به محیط‌زیست و جنگ، اسلام نسبت به محیط‌زیست احکامی دارد که برخی وجوبی و برخی حرمت یا کراهت یا استحباب یا وجوب را می‌رسانند. این موارد در خصوص وضعیت مخاصمات و محیط‌زیست مورد بحث فقهای اسلامی قرار گرفته است.

۱. از باب حرمت

قرآن کریم افساد در زمین را حرام می‌داند «لاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها، ذلکم خیر لکم ان کتمتم مومنین» (اعراف، ۸۵) از افساد در زمین بعد از اصلاح آن بهره‌زید که برای شما بهتر است اگر بدانید. در بحث‌های مربوط به القای سم و قطع درختان به در مباحث بعدی به شرح بیشتر این موارد پرداخته‌ایم.

۲. از باب وجوب

قرآن کریم امر به مسافرت در زمین و توجه به گونه‌های خلقت در مواهب طبیعی می‌نماید. «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق» (عنکبوت، ۲۰)؛ بگو در زمین سیر نمایید و چگونگی خلقت را نظاره نمایید. از جمله احکام واجب حفظ توازن و سلامت آن است.

۳. از باب کراهت

برخی از اقدامات علیه محیط‌زیست و تخریب آن در هنگام مخاصمه، چنانچه برخی فقهای عظام به آن اشاره نموده‌اند، مکروه است. برای مثال، برخی ریختن سم در آب آشامیدنی را در جنگ مکروه دانسته‌اند. در این خصوص در مباحث قبلی به تفصیل سخن گفتیم.

۴. از باب استحباب

برخی اعمال در جهاد جنبه استحباب دارد. برای مثال مستحب است که آغاز جنگ پس از اقامه نماز ظهر و عصر صورت گیرد. برخی اعمال استحبابی در حوزه محیط‌زیست در زمان صلح در زمان جنگ نیز همان حکم را دارند. مانند آب و غذا دادن به حیوانات و آب دادن درختان و

فصل سوم:

تحلیل قواعد و نظام عمومی حمایت از محیط زیست

در مخلفات مسلحانه

در این فصل در دو مبحث جداگانه ابتدا سعی خواهیم کرد مسائل ناظر بر قواعد حمایت از غیرنظامیان و اشخاصی که در مخاصمه شرکت ننموده‌اند (حقوق ژنو) را از منظر زیست‌محیطی بررسی نموده و سپس قواعد ناظر بر ممنوعیت و محدودیت ابزارها و روش‌های جنگی را از منظر محیط‌زیست تحلیل خواهیم نمود (حقوق لاهه).

مبحث اول - حقوق ژنو: تحلیل زیست‌محیطی قواعد ناظر بر حمایت از غیرنظامیان و اشخاصی که سلاح بر زمین نهاده‌اند

در این فصل سعی خواهیم نمود مسائل زیست‌محیطی مرتبط با غیرنظامیان، اسرا، مجروحان و آن دسته از اشخاصی که در مخاصمه شرکت نداشته یا سلاح بر زمین گذاشته‌اند را بحث و بررسی نماییم.

گفتار اول - غیرنظامیان

در مورد غیرنظامیان، برخی از قواعد حقوق بشردوستانه ناظر بر شرایط زیست‌محیطی آن دسته از اشخاصی است که در مخاصمه شرکت نداشتند. همچنان‌که این قبیل افراد در شرایط غیرجنگی از حق برخورداری از محیط‌زیست سالم بهره‌مندند، این وضعیت در حالت مخاصمه به مراتب دارای اهمیت بیشتری است. در این گفتار سعی خواهیم کرد مهم‌ترین این قواعد را از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اسلام تحلیل و ارزیابی نماییم.

بند اول - حقوق بین‌الملل بشردوستانه

بخش عمده‌ای از قواعد حقوق بشردوستانه اختصاص به حمایت از غیرنظامیان دارد. باین‌وجود این سؤال اساسی مطرح است که ارتباط این قواعد حمایتی با حفاظت از محیط‌زیست چگونه برقرار می‌گردد. در پاسخ به این پرسش باید به ارتباط دوگانه ذیل اشاره نمود. یکی اینکه با حمایت از غیرنظامیان به طریق غیرمستقیم محیط‌زیست غیرنظامی نیز مصون از حمله و آسیب خواهد ماند و دوم اینکه شرایط زیست‌محیطی

غیرنظامیان و تعهد دولت‌های درگیر به رعایت و حمایت از محیط زیست و شرایط زیستی آنها مطرح است. در ادامه به برخی از این ابعاد اشاره می‌نماییم.

۱. عدم نگهداری غیرنظامیان در مناطق آلوده

در صورت نیاز به نگهداری غیرنظامیان دشمن براساس این قاعده حقوق بشردوستانه نمی‌توان این قبیل افراد را در شرایط محیطی آلوده یا اماکن اردوگاه‌هایی که از لحاظ آب و هوا دارای وضعیت نامناسب بوده به گونه‌ای که منجر به خطر انداختن سلامتی غیرنظامیان بازداشت خواهد شد، نگه داشت.

همچنان‌که در مورد اسرای جنگی بیان شده وضعیت نگهداری غیرنظامیان دشمن نیز باید از لحاظ دسترسی به آب و هوای سالم و غذا فراهم باشد (براساس ماده ۱۷ کنوانسیون توکیو، کنوانسیون ۱۷ جولای ۱۹۲۹ در مورد رفتار با اسرای جنگی نسبت به بازداشت‌شدگان غیرنظامی دشمن نیز قابل اعمال است). در همین راستا ماده ۱۶ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۳۴ توکیو در مورد شرایط حمایت از غیرنظامیان تبعه دشمن که در سرزمین متعلق به طرف متخاصم یا اشغال شده حاضرند، مقرر داشته است، اردوگاه‌های بازداشت غیرنظامیان دشمن را نباید در مناطق آلوده یا جایی که آب و هوا برای سلامتی آنها خطرناک است، فرستاد.

۲. عدم حمله به مناطق دارای جمعیت غیرنظامی

یکی از مهم‌ترین خطراتی که در خلال درگیری‌های مسلحانه، جمعیت غیرنظامی را تهدید می‌نماید امکان ورود خسارات گسترده به محیط زیست است. این قبیل خسارات می‌توانند حتی حیات و سلامت جمعیت غیرنظامی را به مخاطره اندازند. از بین رفتن منابع آب شیرین، آلودگی شدید هوای منطقه، تخریب سدها و آب‌بندها، تخریب مزارع کشاورزی، انبار غلات و مواد غذایی و گسترش آلودگی‌های خاک می‌تواند از مهم‌ترین مصادیق تخریب محیط زیست منطقه درگیری باشد.

قواعد حقوق بشردوستانه برای پیشگیری از وقوع چنین آسیب‌ها و خساراتی سعی نموده است طرف‌های درگیر را مکلف به رعایت برخی تعهدات نمایند. از جمله می‌توان به عدم حمله به جمعیت غیرنظامی، احتیاط در حمله و در نظر گرفتن وصیت نظامی و تناسب، هشدار به جمعیت غیرنظامی جهت یافتن سرپناه مناسب، رعایت اصل تفکیک، عدم حمله

به تأسیسات خاوی نیروهای خطرناک و ممنوعیت استفاده از برخی سلاح‌ها مانند سلاح‌های شیمیایی، آتش‌زا، هسته‌ای، باکتریولوژیک، رادیواکتیو و نظایر آن اشاره نمود.^۱ باید دقت نمود که در بیان بسیاری از این تعهدات نمی‌توان به صراحت گزاره‌های زیست‌محیطی را یافت، لیکن باید توجه نمود که رابطه مستقیمی میان محدود نمودن جنگ و حفظ محیط‌زیست وجود دارد. به عبارت رساتر نتیجه نهایی قاعده نامحدود نبودن طرف‌های درگیر در گزینش روش‌های جنگ و آسیب به یکدیگر، حمایت و حفاظت هرچه بیشتر از محیط‌زیست است.

۳. تفکیک میان منابع نظامی و جمعیت غیرنظامی

هرچند در حمله به اشخاص و اموال نظامی نیز تخریب محیط‌زیست وجود دارد اما باید دقت نمود که رعایت اصل تفکیک منجر به حفاظت محیط‌زیست مناطقی خواهد شد که در آنها جمعیت غیرنظامی حضور داشته یا از منابع، اشخاص و اموال نظامی به دورند. ماده ۱ پیش‌نویس قواعد ۱۹۵۶ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در زمینه محدود نمودن خطرات که در زمان جنگ جمعیت غیرنظامی وارد می‌شود مقرر نموده است: «دولت‌ها الزاماً باید عملیات خود را به نابودسازی منابع نظامی محدود نمایند...». همچنین براساس ماده ۶ «حمله علیه جمعیت غیرنظامی چه با هدف آسیب رساندن به آنها یا به هر دلیل دیگر ممنوع است. این ممنوعیت هم نسبت به حمله به افراد و هم نسبت به گروه‌ها اعمال می‌شود. در نتیجه، حمله به اقامتگاه‌ها، تأسیسات یا وسایل حمل‌ونقل که جمعیت غیرنظامی استفاده از آن دارد و توسط جمعیت غیرنظامی اشغال شده، ممنوع است...».

۴. شرایط زیستی و بهداشتی غیرنظامیان بازداشت‌شده

مقررات مشابه اسرای جنگی در مورد شرایط زیست‌محیطی و بهداشتی غیرنظامیان بازداشت در چهارچوب کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو برای حمایت از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه موجود دارد. هرچند به عنوان قاعده عمومی، دولت‌های متخاصم نمی‌توانند غیرنظامیان را بازداشت نمایند. لیکن در موارد استثنایی و در چهارچوب ماده

۱. این قواعد را در بحث ابعاد زیست‌محیطی محدودیت روشهای و ابزارهای جنگ (حقوق لاهه) به تفصیل بحث نموده ایم.

۷۹ این امکان پیش‌بینی شده است.^۱ از جمله مهم‌ترین مواردی که برای تأمین شرایط بهداشتی و زیستی مناسب در کنوانسیون چهارم ژنو پیش‌بینی شده است می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. از لحاظ محل اسکان باید تمامی استانداردهای بهداشتی و سلامت مورد توجه قرار گیرد. براساس بخشی از ماده ۸۵ «... اشخاص مورد حمایت از ابتدای بازداشت در بناها و اماکنی سکونت داده شوند که متضمن همه‌گونه تضمینات بهداشتی و سلامت بوده و حفاظت در مقابل سرما و اثرات جنگی را به طور مؤثر تأمین نمایند».
۲. از لحاظ آب‌وهوایی ضروری است تا این اشخاص از مناطق غیرسالم مناطقی که از لحاظ آب‌وهوایی و مزاجی مناسب است انتقال یابند. مطابق بخش از ماده ۸۵ «... اشخاص مورد حمایت در تمامی مواردی که به صورت موقت در مناطق غیرسالم یا در مناطقی که آب‌وهوای آن برای سلامت مضر باشد، باید در نزدیک‌ترین زمان ممکن به بازداشتگاهی که بیم خطر نمی‌رود انتقال یابند».
۳. محیط مکان نگهداری غیرنظامیان باید از لحاظ استانداردهای بهداشتی مناسب باشد. از جمله به موجب ماده ۸۵ این اماکن نباید مرطوب باشند، اندازه کافی گرم و روشن بوده، محل‌های خواب و استراحت وسیع و تهویه مناسب داشته باشد.
۴. از لحاظ بهداشت محیط ضروریست تمام بازداشت‌شدگان مقدار کافی آب و صابون برای حوایج روزانه از جمله شست‌وشوی لباس و بدن در اختیار داشته باشند. همچنین براساس ماده ۸۵ تمامی بازداشت‌شدگان حمام و دوش در اختیار خواهند داشت و باید به آنها فرصت کافی برای استحمام و سایر امور نظافتی داده شود.
۵. از لحاظ غذایی باید، از لحاظ میزان و کیفیت غذای سالم و کافی در اختیار بازداشت، قرار گیرد. موضوع در ماده ۸۹ پیش‌بینی شده است که «چیره روزانه بازداشت‌شدگان از لحاظ میزان و کیفیت و تنوع باید اندازه کافی باشد تا سلامت آنان حفظ و از عوارض کم غذایی پیشگیری گردد».
۶. موضوع بسیار مهم دیگری که در ماده ۸۹ بر آن تأکید شده است، دسترسی به آب آشامیدنی کافی برای اشخاص بازداشت شده است.

۱. به موجب ماده ۷۹ دولت‌ها نمی‌توانند اشخاص مورد حمایت را بازداشت‌کنند مگر مطابق مفاد مواد ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۶۸ و ۷۸.

۷. بازداشت شدگان از لحاظ دسترسی به هوای آزاد حق خواهند داشت هر روز ورزش نموده و حداقل ۲ ساعت در هوای آزاد باشند (ماده ۱۲۵ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه).

۸. در هنگام انتقال بازداشت شدگان نیز باید شرایط بهداشتی و زیست محیطی رعایت گردد. براساس ماده ۱۲۷ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه دولت ها مکلفند در حین انتقال بازداشت شدگان آب آشامیدنی و غذا به میزان کافی و سالم و نیز لباس و مراقبت های پزشکی را فراهم نمایند.

بند دوم - حقوق اسلام

از موضوعات بسیار مهم حقوق بشردوستانه اسلامی، حمایت از غیرنظامیان است. در این زمینه نیز آثار و منابع خوبی منتشر شده است. اما از منظر زیست محیطی این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طبیعی است که جنگ می تواند شرایط زیستی غیرنظامیان را در وضعیت نامناسب و حتی وخیمی قرار دهد. براساس قواعد عمومی حقوق بشردوستانه در اسلام نظیر قاعده «نهی اعتدا» و قاعده «لایقتل غیر مقاتل» هرگونه آسیب به جمعیت غیرنظامی از جمله آسیب های زیست محیطی جایز نیست. این امر در حقوق بشردوستانه بیشتر در قالب اصل تفکیک خود را نمایان می سازد. یکی از مهم ترین دلایل حرمت سلاح هسته ای همین امر است که قلمرو خسارات زیست محیطی وارده را به غیرنظامیان گسترش می دهد.

در منابع اسلامی حمایت از غیرنظامیان و شرایط و عناصر زیست محیطی آنان همواره مورد توجه بوده است. رسول خدا (ص) هنگام ارسال سپاه برای جنگ، فرمانده جنگ و یاران او را می طلبید و می فرمود:

«سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی مله رسول الله، لاتغلو و لا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شیخاً و لا صبیاً و لا امراه و لا تقطعوا شجراً الا ان تضطروا الیها» (حر عاملی، باب ۱۵: ح ۲).

با نام خدا و طبق آیین رسول خدا حرکت کنید و هرگز به گمراه کردن مردم و قطعه قطعه کردن آنان نپردازید و نیز خدعه نوزید و پیران و کودکان و زنان را نکشید و تا حالت اضطراب پیش نیامده به قطع درختان مبادرت نوزید.

علامه حلی نیز در تحریر الاحکام می افزاید قطع درختان دشمن مکروه است و نیز کشتن حیوانات خصم در میدان جنگ و کشتن کودکان و زنان کفار خارج از میدان درگیری جایز نیست، بلکه باید آنان را با ترساندن به فرار واداشت (تحریر الاحکام الشریعه، ج ۱: ۱۳۵).

یکی از شارحین کتاب شریف لمعه می گوید «رسول خدا (ص) از کشتن زنان و کودکان در دارالحرب منع می نمود... به طریق اولی کشتن آنان در دارالاسلام جایز نیست و حتی اگر زنان و کودکان مبادرت به جنگ با مسلمانان نمایند باید از جنگیدن با آنان اجتناب نمود» (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۶: ۱۶۸).

شهید ثانی نیز در شرح لمعه می فرماید:

«... ولا يجوز قتل الصبيان و المجانين و النساء و ان عادوا الا مع الضرورة بان ترسوا بهم و توقف الفتح على قتلهم و كذا لا يجوز قتل الشيخ الفانی الا ان يعاون برأى او قتال و لا الختلى المشكل لانه بحكم الامر في ذلك...».

کشتن کودکان و دیوانگان و زنان ولو در جنگ به دشمن کمک کرده باشند جایز نیست. مگر آنکه ضرورت ایجاب نماید. ضرورت هم از این بابت که از آنان به عنوان سپر انسانی علیه کفار استفاده نمایند و یا پیروزی بر دشمن منوط به کشتن آنان باشد و نیز کشتن پیرمردان جایز نیست مگر آنکه نقش مؤثری در کمک به دشمن داشته باشند و نیز کشتن افراد ختای مشکل جایز نیست؛ چون آنان در حکم زنان هستند که کشتن آنان جایز نیست.

گفتار دوم - اسرای جنگی

در وضعیت جنگی و مخاصمه دسترسی انسان ها به محیط زیست سالم اهمیت دوچندانی دارد. اسارت نظامیان و غیرنظامیان و آوارگی بخش عظیمی از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه در بسیاری از موارد آنها را از حداقل شرایط زیست محیطی محروم می نماید.

بدیهی است که این امر ناشی از وضعیت هرج و مرجی است که در طی مخاصمه ظاهر می گردد و انسان ها را از دسترسی به آب، هوا، فضای سبز، غذای سالم که در وضعیت های معمولی در دسترس است، محروم می نماید. در این میان اسرای جنگی وضعیت ویژه ای خواهند داشت.

بند اول - حقوق بین الملل بشردوستانه

اسرای جنگی به عنوان نظامیانی که سلاح بر زمین گذاشته اند، معمولاً در اختیار و تحت نظارت طرفین درگیر قرار می گیرند. بسیاری از دولت های درگیر جنگ ناچارند، نیروهای به اسارت گرفته شده را در اماکنی که تحت عنوان اردوگاه به صورت موقت یا دائمی نگهداری نمایند.

تجربه جنگ های گذشته نشان داده است که به خطر انداختن شرایط بهداشتی و عدم تأمین وضعیت مطلوب زیست محیطی برای اسرا می تواند حیات و سلامتی آنها را خطر اندازد. گزارش های متعددی حاکی از آن است که در جریان جنگ جهانی دوم انتشار عامل وبا، تیفوس و برخی بیماری های عفونی بر اثر آلودگی آب آشامیدنی یا هوا و فضای نامناسب اردوگاه های نگهداری اسرای جنگی و غیرنظامیان بوده است.

در بسیاری از جنگ های گذشته اسرای جنگی و غیرنظامیان عمداً در محیط های آلوده نگاهداشته می شوند تا به نوعی در معرض نابودی قرار گیرند. در بسیاری از موارد نیز طرف های درگیر توجه زیادی به تأمین شرایط بهداشتی و زیست محیطی مناسب برای اسرای جنگی یا غیرنظامیان به دلایل مختلف از قبیل هزینه ها، عدم انگیزه مناسب و امکانات ناکافی، نداشتند.

بعد از شکل گیری نظام حقوق بشردوستانه و توجه دولت ها به وضعیت اسرای جنگی، تعهدات عرفی و قراردادی متعددی در زمینه رعایت حقوق اسیران جنگی شکل گرفت. با دقت در محتوای این اسناد می توان بخشی از این تعهدات را ناظر به وضعیت بهداشتی نگهداری اسرای جنگی دانست. لذا براساس بخشی از قواعد عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه، اسیران جنگی باید از لحاظ شرایط زیست محیطی در وضعیت مناسب نگهداری شوند و به آب و غذای کافی و مناسب دسترسی داشته باشند. در اینجا سعی خواهیم کرد به تفصیل به این قواعد اشاره نماییم.

۱. دسترسی به منابع آب و غذا در هنگام انتقال و پیاده روی اسیران

براساس یک قاعده قدیمی، نباید اسیر را برای تخلیه و انتقال از منطقه جنگی به صورت غیرضروری در معرض خطر قرار داد. براساس ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۲۹ ناظر بر رفتار با اسرای جنگی «تخلیه اسیران با پای پیاده باید در شرایط عادی و به گونه ای باشد که در روز بیش از ۲۰ کیلومتر راه پیمایی نکنند، مگر در مواقع ضروری، برای دستیابی به

منابع آب و غذا که نیازمند طی مسافت بیشتری باشد». بنابراین به نظر می‌رسد جهت تأمین شرایط زیستی مناسب از جمله آب و غذا برای اسیران می‌توان استثنائاً مسافت بیشتری را طی نمود.

همچنین براساس ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد نحوه رفتار با اسرای جنگی، قاعده مشابهی بیان شده است. براساس این ماده تخلیه اسیران جنگی باید با رعایت اصول انسانیت و در شرایطی نظیر شرایط و نحوه انتقال قوای دولت بازداشت‌کننده صورت پذیرد و دولت بازداشت‌کننده مکلف است برای اسرای جنگی که تخلیه می‌شوند، آب آشامیدنی و غذا به مقدار کافی تأمین نماید.

ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو برای وضعیت انتقال اسیران جنگی مقررات مشابهی را جهت تضمین شرایط زیستی و بهداشتی مناسب پیش‌بینی نموده است. مهم‌ترین محورهای مورد تأکید این کنوانسیون ملاحظه وضعیت آب و هوا، سلامت اسرا، تأمین آب آشامیدنی، غذای سالم و کافی است. مطابق این ماده «... انتقال اسرای جنگی همواره با اصول انسانی و با وضعی صورت خواهد گرفت که بدتر از وضع انتقال سربازان دولت بازداشت‌کننده نباشد. همواره باید وضعیت عمومی آب‌وهوایی در نظر گرفته شود و در هیچ فرضی شرایط انتقال نباید برای سلامت اسیران جنگی مضر باشد. دولت‌ها مکلفند برای اسرای جنگی در هنگام انتقال، آب آشامیدنی، غذای کافی جهت حفظ سلامتی آنان و همچنین لباس و مراقبت‌های پزشکی را فراهم نمایند...».

۲. تأمین آب و هوای سالم و انتقال از مناطق آلوده

براساس یک قاعده قدیمی اسیران را می‌توان در شهر، دریا و یا هر مکان دیگری نگه داشت و از لحاظ قلمرو جغرافیایی اسرا را مکلف نمود و از قلمرو مشخص شده فراتر نروند. با این حال باید دقت نمود که نمی‌توان آنها را در مناطقی غیربهداشتی یا دارای آب و هوای آلوده نگاه داشت. مطابق بخشی از ماده ۹، کنوانسیون ۱۹۲۹ ناظر به رفتار با اسرای جنگی «اسیرانی که در مناطقی دستگیر شده‌اند که غیربهداشتی بوده یا آب‌وهوای آن برای فردی که از آب‌وهوای عادی می‌آید، خطرناک است باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به آب‌وهوای مساعدتر فرستاده شود». به عبارت دیگر نمی‌توان اسرای جنگی را در مناطق غیربهداشتی یا دارای آب‌وهوای آلوده یا غیرمساعد نگه داشت، هرچند در این مناطق دستگیر شده باشند.

فصل سوم: تحلیل قواعد و نظام عمومی حمایت از محیط زیست ... ♦ ۱۳۳

قاعده مشابهی را کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد رفتار با اسرا مقرر نموده است. براساس ماده ۲۲ اسرای جنگی که در نواحی غیرسالم یا در نواحی که آب و هوای آن برای آنان مضر باشد بازداشت شده باشند باید هرچه زودتر به مکان دیگری که آب و هوای آن مناسب تر باشد انتقال یابند.

۳. شرایط زیستی در اردوگاه

یکی از مواردی که می تواند اسیران جنگی در معرض تهدید قرار دهد وضعیت های نامناسب زیست محیطی در اردوگاه ها و محل نگهداری اسیران است. از جمله می توان به شرایط نامناسب ساختمان ها و تأسیسات نگهداری اسیران جنگی از لحاظ شرایط آب و هوایی، روشنایی، تاریکی، رطوبت و... اشاره نمود.

در همین راستا ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۲۹ ناظر به رفتار اسرای جنگی مقرر داشته است که «اسرای جنگی را باید در ساختمان ها یا خانه هایی اسکان داد که همه تضمینات ممکن برای سلامتی و راحتی آنها فراهم باشد». همچنین براساس بخشی از این ماده ساختمان های اردوگاه باید از هرگونه رطوبت به دور بوده و به نحو مناسب دیگر روشن شود. علاوه بر آن در خصوص اماکن استراحت و خوابگاه های اسرا نیز مقرر گردیده است که از لحاظ فضایی مساحت آن باید به گونه ای باشد که وسایل خواب و راحتی برای اسیران فراهم باشد.

همچنین براساس ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد محل نگهداری اسیران تأکید نموده است اسرای جنگی را نباید بر روی زمین محکم و سخت نگه داشت و ضروریست تمام جوانب بهداشتی و سلامتی این لحاظ رعایت گردد. همچنین براساس ماده ۲۰ نباید محل نگهداری اسرا مضر سلامتی آنان باشد.

۴. دسترسی به آب آشامیدنی سالم

اسیران جنگی را نباید از دسترسی به آب آشامیدنی سالم و غیرآلوده محروم نمود. بدیهی است آلودگی منابع آب می تواند شرایط زیست محیطی و بهداشتی اردوگاه را در معرض تهدید جدی قرار دهد. انتقال بسیاری از بیماری ها می تواند از طریق منابع آبی آلوده و غیرمطمئن صورت گیرد. بر این اساس و برای نمونه ماده ۱۱، کنوانسیون ۱۹۲۹ مقرر نموده است که ضروری است آب آشامیدنی سالم به اسیران جنگی داده شود.

مطابق بخشی از ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد رفتار با اسرا، اسیران جنگی باید، آب آشامیدنی کافی در اختیار داشته باشند و دولت ذی ربط مکلف به تهیه آن برای اسرا خواهد بود.

۵. پاکیزگی و بهداشت اردوگاه‌های اسرا

از موارد مهم شرایط زیست محیطی اردوگاه‌ها پاکیزگی و بهداشت آنهاست. بدیهی است رابطه مستقیمی میان شرایط آب و هوایی و نیز پاکیزگی اردوگاه با انواع بیماری‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر فراهم نمودن محیط پاکیزه و بهداشتی برای اسیران زمینه ساز بروز بیماری‌های مسری در اردوگاه خواهد بود. لذا طرفین درگیر مکلفند در اردوگاه‌هایی که اقدام به نگهداری اسرا می نمایند، شرایط محیطی پاکیزه و بهداشتی را برای آنها فراهم نمایند. از جمله شاخص ترین موارد می تواند دسترسی به آب به مقدار کافی برای نظیف و نیز استفاده از هوای آزاد باشد. ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۲۹ در خصوص رفتار با اسرای جنگی، مقرر داشته است «... طرف‌های درگیر مکلفند تمام تدابیر لازم برای سلامتی اسرا را اتخاذ نمایند تا از پاکیزگی و بهداشت اردوگاه‌ها و پیشگیری از بیماری‌های مسری اطمینان یابند.

اسرای جنگی شب یا روز از تسهیلاتی برخوردار خواهند بود که به صورت بهداشتی خود را پاکیزه نگه دارند. علاوه برآن بدون دغدغه از امکان بهره‌مندی از حمام با آب کافی نیز بهره‌مند می‌باشند. علاوه بر این اسرا باید از وسایل لازم برای شرکت در تمرین‌های ورزشی و استفاده از وقت خود و هوای آزاد برخوردار شوند».

در همین راستا و جهت تضمین شرایط بهداشت محیطی اسیران، ماده ۱۵ این کنوانسیون مقرر داشته است که اسرای جنگی باید حداقل ماهی یک بار تحت معاینه پزشکی قرار گیرند. بدیهی است هدف از این معاینه‌ها، بررسی وضعیت عمومی سلامتی و پاکیزگی و شناسایی بیماری‌های مسری و عفونی، به‌ویژه سل و سایر بیماری‌ها است.

ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو نیز تأکید دارد که محل‌هایی که در آن اسرا نگهداری می‌شوند باید کاملاً غیرمرطوب بوده و به حد کافی گرم شود و نور داشته باشد.

از لحاظ نظافت و بهداشت، محیط بازداشتگاه اسرای جنگی، کنوانسیون ۱۹۴۹ مقررات دقیق‌تری را پیش‌بینی نموده است. براساس ماده ۲۹ دولت‌ها مکلفند کلیه اقدامات بهداشتی لازم را به منظور تأمین نظافت و سلامت بازداشتگاه‌ها و جلوگیری از بیماری‌های

فصل سوم: تحلیل قواعد و نظام عمومی حمایت از محیط زیست ... ♦ ۱۳۵

واگیردار به عمل آورند. همچنین اسرای جنگی باید دارای تأسیسات و نظافت و بهداشت به میزان کافی باشند. مطابق بخشی از این ماده «به غیر از حمام‌ها و دوش‌هایی که در بازداشتگاه پیش‌بینی می‌گردد، برای اسرای جنگی آب و صابون به مقدار کافی به منظور نظاف بدنی روزانه و شست‌وشوی لباس زیر، جهت آنان تهیه خواهد شد».

۶. شرایط بهداشت محیط کارگاه‌های کار اسیران جنگی

در صورتی که اسیران جنگی در کارگاه‌هایی به کار گماشته شوند، شرایط بهداشت محیط این قبیل کارگاه‌ها باید رعایت گردد. به این معنا که کارگاه‌ها نباید در شرایط آلوده و خطرناک باشند. تعهدات دولت‌ها در این زمینه به صورت عمومی در برخی از مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار مقرر گردیده است. در مجموعه اسناد حقوق بشردوستانه در مورد شرایط کار اسیران جنگی قواعد مشابهی را می‌توان یافت. در همین راستا ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۲۹ عنوان یک قاعده عمومی بیان داشته است که «به کار گماردن اسرای جنگی در شرایط ناسالم و خطرناک ممنوع است». همچنین براساس ماده ۳۳ این کنوانسیون شرایط کارگاه‌های کار باید مشابه با شرایط اردوگاه‌های اسرای جنگ باشد. از جمله موارد مهمی که در ماده ۳۳ بر آن تأکید شده است شرایط بهداشتی و غذا است.

ماده ۵۱ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد اسرای جنگی در مورد شرایط محیط و کاهش مقرر نموده است که اسرای جنگی ضروری است و شرایط کار مناسب مخصوصاً از جهت غذا، پوشاک، محل سکونت و لوازم کار بهره‌مند باشند. همچنین ضروری است در به کار گماشتن اسرا وضعیت آب‌وهوایی منطقه نیز ملاحظه گردد.

۷. دسترسی به هوای سالم و کافی

در مجموعه حق‌های زیست‌محیطی، حق دسترسی به هوای پاک امروزه یکی از مؤلفه‌های مهم در مجموعه حقوق بشر زیست‌محیطی محسوب می‌گردد. در مجموعه قواعد حقوق بشردوستانه نیز با دقت در اسناد می‌توان رعایت این حق را از سوی دولت‌ها در خصوص شرایط نگهداری اسرای جنگی و غیرنظامیان و بیماران و مجروحان مشاهده نمود. از جمله می‌توان موارد ذیل اشاره داشت:

۱. ضرورت ارسال اسرای دستگیرشده در مناطق دارای آب‌وهوای غیربهداشتی یا خطرناک و مناطق دارای آب‌وهوای مساعد در کوتاه‌ترین زمان ممکن (ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۲۹ و مواد ۲۲ و ۴۶ کنوانسیون ۱۹۴۹)؛
۲. ضرورت برخورداری اسرای جنگی از هوای آزاد (ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۲۹ و ماده ۳۸ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد رفتار با اسرا)؛
۳. ممنوعیت نگهداری غیرنظامیان در مناطق دارای آب‌وهوای آلوده یا مضر به سلامتی آنان (ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۳۴ توکیو)؛
۴. رعایت حداقل حجم هوا در محل نگهداری و سکونت اسرای جنگی (ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو)؛
۵. توجه به وضع آب‌وهوا در هنگام به‌کارگیری و اشتغال اسیران جنگی (ماده ۵۱ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو)؛
۶. تهیه لباس مناسب با آب‌وهوای منطقه (ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو).

۸. حق دسترسی به غذای سالم و کافی

این حق را باید از جمله مهم‌ترین حقوق اسرای جنگی محسوب نمود که دولت‌ها مکلف به تأمین آن هستند. سلامت غذایی اسرا به معنای تأمین شرایط زیستی مناسب برای آنها است. در ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در این خصوص تأکید شده است که «جیره روزانه ضروری است از لحاظ میزان و کیفیت و تنوع کافی باشد. به نحوی که اسرای جنگی را در حالت سلامت کامل نگه دارد و از تقلیل وزن آنها و عوارض کم غذایی جلوگیری کند». همچنین براساس ماده ۳۰ این کنوانسیون هر بازداشتگاه باید دارای یک رژیم غذایی مناسب باشد. دسترسی به این حق در زمان انتقال اسرا نیز باید تضمین گردد (ماده ۲۰ کنوانسیون).

بند دوم - حقوق اسلام

در حقوق اسلام در مورد ارتباط بحث محیط‌زیست و اسارت، این مسئله را باید در بحث نحوه رفتار با اسرای جنگی یافت. در روایات متعددی بر خوش‌رفتاری و رفتار انسانی با اسیر جنگی توصیه شده است. بخشی از این رفتارهای انسانی ناظر به تأمین شرایط زیستی مناسب برای اسرای جنگی است. برای مثال در مورد حق بر غذای اسیران

جنگی امام علی (ع) می فرمود: غذا دادن و نیکی نمودن به اسیر در اسلام واجب است و کشتن او ناجوانمردی محسوب می شود و بعد به آیه شریفه «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» استشهد می نمودند (الهامی، ۱۳۷۸: ۲۲).

گفتار سوم - مجروحان و بیماران جنگی

در مجموعه قواعد عرفی و قراردادی ناظر به حمایت از مجروحان و بیماران، از جمله کنوانسیون اول و دوم ژنو به صراحت در مورد تأمین شرایط زیست محیطی مناسب برای مجروحان و بیماران اشاره خاصی نشده است. باین حال مواد ۱۲ مشترک کنوانسیون اول و دوم به صورت غیرمستقیم به این موضوع پرداخته است. به موجب بخشی از این ماده مجروحان و بیماران نباید تعمداً در معرض بیماری های واگیردار یا عفونی قرار گیرند. همچنین اجرای آزمایش های بیولوژیکی در مورد این افراد ممنوع است. بدیهی است با به خطر انداختن حداقل شرایط زیستی و بهداشتی مجروحان و بیماران، تعهد مذکور در ماده ۱۲ مشترک به راحتی در معرض نقض قرار می گیرد. آب و غذای آلوده می تواند منشأ بروز بسیاری از بیماری های عفونی و سرایت آن به سایر افراد گردد.

البته باید توجه نمود که تأکید کنوانسیون بر تعمدی نبودن این قبیل اقدامات است. لیکن رها نمودن مجروحان و بیماران به حال خود و بدون کمک پزشکی نیز ممنوع اعلام شده است. علاوه بر این باید توجه داشت که این تعهد در مورد مجروحین و بیماران نسبت به اسرای جنگی و غیرنظامیان دارای اهمیت بیشتری است. چراکه این قبیل افراد از لحاظ جسمی آسیب پذیرتر بوده و نیازمند حمایت و توجه بیشتری خواهند بود.

مبحث دوم - حقوق لاهه: تحلیل قواعد ناظر بر محدودیت ابزارها و روش های جنگ از منظر محیط زیست

هدف قواعد لاهه بیشتر محدود نمودن ابزارها و روش های جنگ است. در این مبحث ابتدا به رابطه میان حمایت از محیط زیست و قواعد لاهه خواهیم پرداخت و سپس مهم ترین قواعد ناظر بر محدودیت روش ها و ابزارهای جنگی را در ارتباط با محیط زیست بحث و بررسی خواهیم نمود.

گفتار اول - رابطه قواعد لاهه و حفاظت از محیط‌زیست

هرچند بخش عمده‌ای از قواعد حقوق لاهه متمرکز بر محدودیت تسلیحات و روش‌های ممنوع جنگ است و در بسیاری از موارد قاعده مستقیمی را در زمینه حفظ محیط‌زیست بیان نمی‌دارد، با این وجود باید توجه داشت که از منظر زیست‌محیطی، رابطه مستقیمی میان محدودیت‌های حاکم بر ابزارها و روش‌های جنگ با کاهش تخریب محیط‌زیست وجود دارد. به این معنا که هر میزان جنگ و مخاصمه محدود گردد این به معنای تخریب کمتر محیط‌زیست است. در حقیقت بسیاری از قواعد حقوق لاهه به صورت غیرمستقیم از محیط‌زیست حفاظت می‌نمایند.

بنابراین ممنوعیت سلاح‌های غیرمتعارف در حقوق بشردوستانه علی‌رغم عدم ذکر ابعاد زیست‌محیطی استفاده از آنها در جنگ در اسناد مرتبط با حقوق لاهه، به طور غیرمستقیم زمینه‌ساز حمایت از محیط‌زیست هستند. به عبارت دیگر در صورت عدم ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها، علاوه بر غیرنظامیان محیط‌زیست نیز در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت. برای مثال گفته شده است که «در نبرد کوزوو در سال ۱۹۹۹ مناطق صنعتی بسیاری بمباران شدند که در نتیجه این بمباران‌ها مواد شیمیایی سمی نقاط درگیری را دستخوش آلودگی سوخت» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۶).

قواعد حقوق لاهه بر این مبنا استوار است که طرفین درگیر در استفاده از تسلیحات و روش‌های جنگ نامحدود نیستند. به این معنا که طرفین نمی‌توانند از هرگونه سلاح یا روش جنگی علیه یکدیگر استفاده نمایند.

در این میان قواعد حقوق بشردوستانه به سمت ممنوعیت آن دسته از سلاح‌ها و روش‌های جنگی رفته است که آثار و عواقب آن تنها محدود به صحنه نبرد نمی‌شود، بلکه احتمال گسترش آن به غیرنظامیان و اشخاص و گروه‌ها و دولت‌های بی‌طرف می‌رود. همچنین از برخی روش‌ها و سلاح‌های جنگی مانند سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای می‌توانند آثاری دیرپا و ناگوار از خود بر انسان و محیط‌زیست به جای گذارند به گونه‌ای که جبران آن ناممکن یا دشوار می‌شود.

از لحاظ قواعد حاکم بر حقوق جنگ تنها می‌توان تا آنجا از سلاح‌ها و روش‌های جنگ استفاده نمود که ماشین جنگی طرف مقابل متوقف گردد. به همین سبب رعایت تناسب و ضرورت نظامی از قواعد اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه است. بر این اساس باید گفت

که برخی از سلاح و روش‌های جنگ می‌توانند آثار خطرناک و ناگواری بر محیط‌زیست انسانی و طبیعی از خود بر جای گذارند.

در مجموعه قواعد حقوق لاهه برخلاف حقوق ژنو اشاره مستقیم ناچیزی به حفاظت و حمایت از محیط‌زیست شده است. با این وجود باید گفت که هدف قواعد لاهه همسو با حفاظت از محیط‌زیست است. این معنا که هر چقدر روش‌ها و ابزارهای جنگ محدود گردند، این امر به معنای حفاظت بیشتر محیط‌زیست و تخریب کمتر آن خواهد بود. در ماده ۴۰ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد محدودیت طرفین در اتخاذ روش‌های جنگ تأکید گردیده است که صدور فرمان و نیروهای نظامی مبنی بر اینکه هیچ‌کس نباید زنده بماند یا تهدید دشمن با چنین فرمانی و هدایت مداخلات بر این مبنا ممنوع می‌باشد. بنابراین قواعد حقوق لاهه در تلاش است، تا نامحدود بودن روش‌های جنگ را محدود نماید. حقوق لاهه در واقع «محدود نمودن نامحدودهای» ممکن در مداخله است.

لذا برای محدود نمودن آثار زیانبار مداخله، از جمله خسارت‌های زیست‌محیطی طرفین دعوی نباید کورکورانه عمل نمایند، بلکه ضروری است تا اقدامات خصمانه علیه هدف و یا اهداف مشخصی انجام گیرد. در حال حاضر «اصل محدودیت» که هسته اصلی حقوق لاهه را تشکیل می‌دهد، جزئی از اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌گردد.

البته باید توجه نمود که قواعد حقوق لاهه به معنای عدم تأمین کارایی نظامی نیست. چه‌بسا استفاده از طبیعت و عناصر آن مانند جنگل، کوه، صخره، آب، رودخانه و نظایر آن منجر به جلوگیری از هدر رفتن نیرو و یا حتی سادگی عملیات می‌گردد. لذا باید توجه نمود که هدف بنیادین قواعد لاهه جلوگیری از آسیب‌ها، رنج‌ها و آلام غیرضروری و خارج از ضرورت نظامی در عین تأمین کارایی نظامی است.

گفتار دوم - انواع و مصادیق محدودیت ابزارها و روش‌های جنگی

در این گفتار ابتدا از محدودیت ناظر بر روش‌ها و تاکتیک‌های رزم، ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست بحث نموده و سپس محدودیت‌های ناظر بر انواع سلاح‌ها را از قبیل سلاح هسته‌ای، سلاح میکروبی، سلاح شیمیایی و سلاح‌های مدرن زیستی بحث خواهیم نمود.

بند اول - تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست

الف) حقوق بشردوستانه موجود

استفاده از محیط‌زیست به عنوان سلاح یا تاکتیک و روش جنگی از گذشته‌های دور تا به امروز رواج داشته است. بمب عقرب، سم، بهره‌گیری از حیوانات وحشی از شاخص‌ترین موارد آن سلاح‌های طبیعی است. مهم‌ترین بحث‌ها در حقوق بشردوستانه را نیز می‌توان در این قالب یافت.

اما در حقوق بشردوستانه موجود، کنوانسیون انمود به عنوان مهم‌ترین سند در این زمینه استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست به عنوان سلاح را ممنوع اعلام نموده است.

از منظر حقوق عرفی «رویه کشورها به طور گسترده انهدام کلی محیط‌زیست را به عنوان نوعی سلاح منع می‌کند» (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۵۹). البته هنوز در مورد عرفی بودن محتوای قواعد مذکور بر کنوانسیون انمود نمی‌توان به صورت قاطع اظهارنظر نمود به‌ویژه با ملاحظه «دستورالعمل‌های نظامی کشورهای اسرائیل، کره جنوبی و نیوزیلند ظاهراً حکایت از آن دارند که معاهده مزبور تنها برای کشورهای عضو الزام‌آور است» (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

تمایز اساسی میان معیارهای کنوانسیون انمود با ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول در زمینه تعریف خسارات گسترده، شدید و طولانی مدت وجود دارد. با وجود آنکه در پروتکل الحاقی اول معیار دقیق و مشخصی برای موارد مذکور ذکر نشده است با این حال کنوانسیون انمود دربردارنده معیار دقیق‌تری است. در کنفرانس دوم بازنگری طرف‌های عضو کنوانسیون انمود عبارت طولانی مدت به مدت چند ماه یا تقریباً یک فصل تعبیر شده است (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۶۴). در آینده نیز به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های اساسی حقوق بشردوستانه و محیط‌زیست، استفاده از محیط‌زیست به عنوان سلاح باشد.

ب) حقوق اسلام

به‌طورکلی از منظر قواعد اسلامی حقوق بشردوستانه، تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست با توجه به آسیب‌ها و خساراتی که به حرث و نسل وارد می‌نماید و منجر به ورود ضرر و خسارت به اشخاصی که غیر از طرفین درگیر می‌گردد ممنوع اعلام شده است. همچنان که اشاره کردیم در آیین اسلام آتش زدن نخل‌ها، قطع درختان، نابودی

کشتزارها، و استفاده از آب ممنوع بوده و برخی از فقها نیز تسلیط و گشودن آب بر دشمن را ممنوع اعلام نمودند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۵). بنابراین استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح اگر منجر به آسیب شدید و غیرقابل جبران باشد با قواعد بینادین حقوق بشردوستانه اسلامی نیز سازگاری ندارد.

بند دوم - سلاح شیمیایی، سمی، میکروبی و بیولوژیک

الف) حقوق بین الملل بشردوستانه

در حقوق بشردوستانه موجود قواعد و اسناد و کنوانسیون های متعددی استفاده از سلاح های شیمیایی، سمی، میکروبی و بیولوژیک را ممنوع نموده است. پروتکل ۱۹۲۵ راجع به ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده سمی و سایر روش های باکتریولوژیک در جنگ جزء معروف ترین این اسناد است. هرچند این پروتکل برخلاف کنوانسیون ۱۹۷۲ فقط استفاده از چنین سلاح هایی را ممنوع اعلام نموده بود و سازوکار نظارتی مشخصی نداشت، ولی در آن برهه زمانی پروتکل مناسبی محسوب می گردید. به صراحت کاربرد چنین سلاح هایی را در مخاصمات مسلحانه ممنوع اعلام کرد. طبق این پروتکل که در سال ۱۹۲۸ لازم الاجرا شد، کاربرد هرگونه اسلحه ای که متضمن گازهای خفان آور، سمی یا مشابه آنها و نیز کلیه مایعات، مواد و شیوه های مشابه آن است، ممنوع می باشد و دو طرف درگیر در مخاصمات مسلحانه، برای پیشبرد اهداف و برنامه های نظامی خود مجاز نیستند چنین سلاح هایی را به کار ببرند، بعدها مقررات پروتکل ۱۹۲۵، با انعقاد کنوانسیون ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت، به دست آوردن و نگهداری سلاح های بیولوژیک و سمی در سال ۱۹۷۲ و کنوانسیون ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت و کاربرد سلاح های شیمیایی در سال ۱۹۹۳ تکمیل شد و توسعه یافت. امروز اسناد مربوط به ممنوعیت کاربرد سلاح های شیمیایی، میکروبی و انفجاری از مهم ترین مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه به شمار می آیند (هدایتی، ۱۳۸۴: ۳).

کنوانسیون سال ۱۹۷۲ سلاح های باکتریولوژیک و سمی نیز با گسترش و توسعه قواعد ممنوعیت این قبیل سلاح ها، تولید، توسعه و انباشت مواد سمی و البته استفاده از آنها در مخاصمات را ممنوع می نماید. از منظر زیست محیطی نیز این سلاح ها می توانند آثار تخریبی گسترده ای بر طبیعت از خود بر جای گذارند.

در مورد سلاح‌های شیمیایی نیز کنوانسیون معروف ۱۹۹۳ سلاح‌های شیمیایی (لازم‌الاجرا به سال ۱۹۹۷) استفاده از چنین سلاح‌هایی را در هر وضعیتی ممنوع اعلام می‌نماید.

ب) حقوق بشردوستانه اسلامی

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و به‌ویژه علمی چون زیست‌شناسی، شیمی، جانورشناسی و نظایر آن شاهد به‌کارگیری سلاح‌های مدرن زیستی هستیم. سلاح شیمیایی و میکروبی از شاخص‌ترین این قبیل سلاح‌ها به شمار می‌رود.

۱. پیشینه بحث در اسلام

سلاح‌های شیمیایی، میکروبی، بیولوژیکی و روش‌های جنگی که امروزه ممکن است استفاده گردد در گذشته شایع نبوده و لذا در جنگ‌های پیامبر و نیز معصومین هیچ‌کدام از روش‌های موصوف استفاده ننموده‌اند. تنها بحثی که در روایات قابل ذکر است استفاده از سم در جنگ است که در بحث «القای سم» در کتب فقهی معمولاً بحث می‌گردد. حضرت علی (ع) از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می‌نمایند که ایشان هر گونه استفاده از سم در سرزمین دشمن نهی نمودن (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸).

۲. حکم فقهی استفاده از سم و سلاح‌های زهرآلود

از لحاظ فقهی نیز غالب فقهای عظام، استفاده از سم را علیه طرف مقابل ممنوع اعلام نمودند (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ باین حال در جزئیات اختلافاتی مشاهده می‌شود. در یک نگاه موشکافانه می‌تواند رویکرد فقه اسلامی به ریختن سم و استفاده از چنین سلاحی در نبرد را در چهار قول ذیل خلاصه نمود:

قول اول - حرمت القاء سم به صورت مطلق؛

قول دوم - حرمت القای سم مگر اینکه گشایش کشور دشمن منوط به ریختن سم

باشد؛

قول سوم - حرمت مگر ضرورت ایجاب نماید؛

قول چهارم - کراهت.

در ادامه برخی از رویکردهای فقهی فوق و ادله هر کدام را بحث خواهیم نمود.

فصل سوم: تحلیل قواعد و نظام عمومی حمایت از محیط‌زیست ... ♦ ۱۴۳

صاحب جواهر قائل به حرمت است و در بیان مبنای این حرمت احتمال داده است که این قبیل روش‌های جنگی منجر به کشتار کسانی شود که قتل و کشتن آنها مجاز نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۸). بنابراین بیشتر نظر بر تسری عواقب و آثار استفاده از سم بر غیرنظامیان است.

بعضی از فقها نظیر خلیل المالکی در بحث جهات پیرامون استفاده از نیزه‌های زهرآلود حکم به حرام بودن استفاده از این سلاح نموده‌اند. چراکه نیزه‌های زهرآلود منجر به ایجاد جراحت و آسیب پیش از حد ضروری به دشمن می‌شود. بر این اساس استفاده از نیزه‌های سمی ممنوع اعلام شده است (حمیدالله، ۱۳۸۶: ۲۳۵). روایات متعددی در ممنوعیت ریختن سم در آب آشامیدنی دشمن در زمان جنگ وارد شده است. برخی از نصوص دلالت بر تحریم این عمل و برخی دلالت بر کراهت آن می‌نماید.

برخی روایات که در این خصوص وارد شده است شامل موارد مشروحه ذیل می‌شود.

۱. علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل نموده است که «نهی رسول الله ان یلقى السم فی بلاد المشرکین» (وسایل الشیعه، ج ۱۵: ۶۲)^۱ رسول خدا از ریختن سم در سرزمین‌های مشرکین (آب آشامیدنی آنان) منع نموده‌اند.

۲. شارح کتاب المختصر النافع از قول علامه حلی بیان نموده است که «ریختن سم در آب دشمن حرام است» (المختصر من شرح النافع، همان: ۱۶۰). برخی نیز چنین عملی را مکروه دانسته‌اند و بعد اضافه نموده است که قول بر حرمت چنین عملی از سوی شیخ طوسی و ابن ادریس بیان شده است (نهایه الاحکام: ۲۹۳، مبسوط: ۲۱۰). قول بر کراهت نیز در کتاب مبسوط شیخ طوسی آمده است.

مرحوم فاضل آبی هم در المذهب قول بر حرمت و کراهت را بیان نموده است. ایشان قول به حرمت را به نهایه و المقنع علامه حلی و ابن ادریس نسبت داده است (المذهب، ج ۲: ۳۱۱ و نهایه، کتاب الجهاد: ۲۹۳). فاضل آبی مستند این قول را روایت سکونی از امام صادق (ع) می‌داند که از امام علی (ع) نقل نموده‌اند که:

«ان النبی (ص) نهی ان یرمی السم فی البلاد المشرکین»

رسول خدا (ص) از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی نموده است.

۱. سلسله روایت عبارتند از: محمد بن یعقوب عن علی ابن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله (ع) عن علی (ع) است.

و سپس با ضعیف دانستن روایت به خاطر وجود سکونی در سلسله روایت، نهی را حمل بر کراهت نموده است. اما قول به کراهت را به مبسوط شیخ طوسی و مختلف علامه حلی و ابوعلی فارسی استناد داده است و مضمون روایت حفص ابن غیاث را دال بر این مطلب دانسته است. روایت حفص از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت القای سم را در بلاد مشرکین مکروه می‌دانند.

برخی فقها نیز ریختن سم در بلاد کفر را منوط به جایی دانسته‌اند که جز از طریق ریختن سم امکان غلبه بر دشمن وجود نداشته باشد (حلی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۲۴۴). بنابراین در این نگاه در صورتی که ضرورت ایجاد نماید و تنها راه غلبه بر دشمن القای سم باشد، قول بر جواز استفاده از آن داده شده است. قید دیگری که نجم‌الدین حلی زده، آن است که ریختن سم زمانی جایز است که مسلمانی در شهر کفار زندگی نکند، ولی اگر مسلمانی در آنجا باشد به دلیل تسری آثار و عواقب سم، ریختن سم جائز نیست و چنانچه به خاطر ضرورت فتح شهر سمی ریخته شود و مسلمانی هم کشته شود در مورد پرداخت دیه او دو قول وجود دارد.

قول اول پرداخت دیه را واجب می‌داند. مرحوم طوسی نیز دو قول دارد که قول اول پرداخت دیه را واجب می‌داند ولی قول دوم او مبنی بر عدم لزوم پرداخت دیه است. مستند عدم وجوب پرداخت دیه روایت و مستند پرداخت دیه آیه کریمه «و ما نهاکم عنه فانتهوا» شمرده شده است (سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۸: ۷۲). اما بیان صاحب ریاض المسائل در این باره این است که اگر چه قول بر حرمت القای سم در محاربه با مشرکان نقل شده است ولی ریشه این قول به روایت سکونی می‌رسد که سند آن ضعیف است.

اگرچه شیخ طوسی در کتاب النهایه قول به وجوب را پذیرفته است ولی در کتاب مبسوط از آن عدول نموده و قول به کراهت را پذیرفته است (محقق حلی، شرایع، ج ۲: ۲۸۲).

اما محقق حلی در شرایع قول به کراهت را پذیرفته است مگر آنکه فتح بلاد مشرکین منوط به استفاده از سم باشد که در آن صورت این عمل جنبه وجوب می‌یابد (محقق حلی: همان).

صاحب کشف الرموز نیز قول به کراهت را پذیرفته است (فاضل آبی، ج ۱: ۴۲۳). و نظر کنز الفوائد نیز همین است (عمیدالدین ابن محمد، ۱۴۱۶: ۳۳۲). صاحب مرآة العقول

فصل سوم: تحلیل قواعد و نظام عمومی حمایت از محیط زیست ... ♦ ۱۴۵

نیز قول به عدم جواز در استفاده از سم در جنگ با مشرکین را پذیرفته است. صاحب مسالک هم بعد از طرح قول به حرمت و ضعیف شمردن آن قول به اکراه را قابل قبول می داند (مرآة العقول، ج ۱۸: ۳۵۴، مسالک، ج ۳: ۲۵).

صاحب معالم نیز شرط استفاده از سم را منوط بودن فتح به القای سم دانسته است. ولی استفاده از آتش و ارسال آب و قطع درخت را جز در حال ضرورت مکروه دانسته است (شمس الدین ۱۴۲۴: ۲۸۹).

شهید ثانی در این مورد می گوید:

«و کذا یکره القاء السم علی الاقوی الا ان یودی الی قتل نفس محترمه فیحرم؛ ان امکن بدونه، او یتوقف علیه الفتح فیجب و رجح المصنف فی الدروس تحریم القائه مطلقاً لنهی النبی (ص)».

ریختن سم در آب دشمن مکروه است. اما اگر این عمل موجب قتل نفس از محترم شود حرام خواهد بود. مانند کشته شدن مسلمانی که در بلد کفر زندگی می کند. چنانچه فتح سرزمین آنان بدون ریختن سم ممکن باشد، آنگاه ریختن سم حرام خواهد بود. اما شهید اول در دروس مطلقاً قول به تحریم را پذیرفته است. یعنی حتی اگر فتح سرزمین دشمن منوط به ریختن سم باشد، استفاده از سم به هیچ وجه جایز نیست (شهید ثانی، لمعه، ج ۱۰: ۳۹۲). مرحوم فیض نیز قول به کراهت را پذیرفته است (کاشانی، ۱۴۱۸: ۱۷۶).

در کتاب معجم فقه جواهر، قول به حرمت را به تبعیت از النهایه و سرایر و نافع و تبصره و ارشاد و جامع المقاصد پذیرفته است، درحالی که اکثر این کتاب ها قید زده اند که فقط در حال اضطرار جواز استفاده داده می شود. البته غیر از خبر سکونی نیز سندی برای آن نیافته است.

وی قول به کراهت را ضعیف شمرده است و قائلین به آن را صاحبان کتاب های قواعد، تحریر، تذکره، لمعه، مبسوط و مختلف دانسته است (معجم فقه جواهر، ج ۲: ۲۲۸).

خلاصه بحث رویکرد فقه اسلامی به ریختن سم و استفاده از چنین سلاحی در نبرد این است که باید بگوییم، در این مورد چهار قول وجود دارد:

- ✓ قول اول - حرمت القای سم به صورت مطلق؛
- ✓ قول دوم - حرمت القای سم مگر اینکه گشایش کشور دشمن منوط به ریختن سم باشد؛
- ✓ قول سوم - حرمت مگر ضرورت ایجاب نماید؛
- ✓ قول چهارم - کراهت.

قول برگزیده نیز به نظر می‌رسد با توجه به ضعف روایت سکونی که عمده دلیل قائلین به حرمت است، کراهت خواهد بود. ولی با توجه به مقتضیات عصر ما، پذیرش قول به حرمت ارجح خواهد بود. رویکردی که همسویی بیشتری با قواعد روز حقوق بشردوستانه دارد. همچنین اگر این رویکرد اکراهی باب شود مورد سوءاستفاده دشمن علیه مسلمانان خواهد بود و تنها مورد جواز آن نیز در شرایط کاملاً استثنایی و برای متوقف کردن دشمن خواهد بود که البته از منظر اسلامی حساب شهروندان عادی و غیرمسلح با نظامیان دشمن جدا است.

بند سوم - سلاح هسته‌ای

الف) حقوق بین‌الملل بشردوستانه

قواعد ناظر بر ممنوعیت کاربرد سلاح هسته‌ای و نسبت قواعد آن با حقوق بشردوستانه بسیار گسترده و بحث‌های متنوعی را در حوزه «حقوق هسته‌ای» به خود اختصاص می‌دهد. یکی از مهم‌ترین آثار و تبعات زیان‌بار کاربرد چنین سلاحی تخریب گسترده، شدید و طولانی‌مدت محیط‌زیست خواهد بود که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع اعلام گردیده است.

شاخص‌ترین سند در این زمینه معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای یا همان ان.پی.تی. ۱۹۶۸ و نیز معاهده ۱۹۶۳ منع آزمایش سلاح هسته‌ای است. همچنین باید در این میان به نظر مشورتی دیوان در ۱۹۹۶ در مورد تهدید به استفاده و کاربرد سلاح هسته‌ای اشاره نماییم. پیمان منع جامع آزمایش اتمی ۱۹۹۶ که کلیه آزمایشات اتمی و دیگر انفجارات هسته‌ای را ممنوع اعلام نمود نیز سند بسیار مهمی در این زمینه محسوب می‌شود.^۱ سلاح هسته‌ای با توجه به آثار شدید و جبران‌ناپذیر و وسیعی که بر محیط‌زیست از خود بر جای می‌گذارد به عنوان یک امر ممنوع در نظام حقوق بشردوستانه پذیرفته است.

۱. علاوه بر این باید از برخی پیمان‌های خلع سلاح هسته‌ای منطقه‌ای نظیر پیمان تلاتلکو و ۱۹۶۷ در حوزه آمریکای لاتین و کارائیب، پیمان راورتونگا ۱۹۸۵ در منطقه اقیانوس آرام جنوبی، معاهده بانکوک ۱۹۹۵ در منطقه آسیای جنوب شرقی، معاهده پلین دابا ۱۹۹۶ در منطقه آفریقا، معاهده سمی پالاتیسک ۲۰۰۶ در حوزه آسیای مرکزی، معاهده جنوبگان ۱۹۵۹ در منطقه قطبی اشاره نمود.

ب) حقوق بشر دوستانه اسلامی

تمامی دلایلی که در مورد ممنوعیت به کارگیری سلاح های غیر متعارف از منظر فقه اسلامی در مباحث قبلی اشاره نمودیم در مورد سلاح هسته ای نیز صادق است (لطفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۶-۱۱۶). در منابع اسلامی سلاح هسته ای نظیر بسیاری از سلاح های امروزی، به دلیل اینکه در گذشته وجود نداشته، هیچ نص صریحی در این زمینه نیز در متون وجود ندارد. با از نگاه اسلامی سلاح هسته ای به دلیل ایجاد آسیب و خسارات شدید و گسترده به غیر نظامیان و محیط زیست و اهلاك حرث و نسل ممنوع است.

قواعد فقهی متعددی نیز در فقه اسلامی وجود دارد که براساس آنها استفاده و کاربرد سلاح هسته ای ممنوع است. از جمله شاخص ترین آنها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. حرمت نسل کشی: کاربرد سلاح هسته ای به دلیل آثار شدیدی که به دنبال دارد منجر به نابودی نسل های انسانی شده و این اقدام شرعاً حرام است (لطفی: همان).
۲. منع تعدی: استفاده از این سلاح منجر به تجاوز و تعدی از حدود و آداب مخاصمه در اسلام است که خود موجب ضمان است.

۳. قاعده لاضرر: استفاده از سلاح هسته ای آسیب و ضرر جبران ناپذیری را به محیط زیست و انسان ها وارد نموده و این عمل (اضرار) ممنوع اعلام شده است.

علاوه بر اینها قواعدی چون قاعده وزر، قاعده اثم و سیره نظامی پیامبر گرامی اسلام دلالت بر حرمت استفاده از سلاح هسته ای دارد (رضایی راد، ۱۳۹۲: ۴).

مقام معظم رهبری نیز قائل به حرمت تولید و استفاده از سلاح هسته ای شده اند. این فتوا به نظر فقیهان مورد اجماع مراجع تقلید بوده و از ضروریات دین و مطابق با نص قرآن و سایر منابع استنباطی چون عقل است (یوسف وند، ۱۳۹۳: ۱۸۱؛ علیدوست، ۱۳۹۳: ۱۶). سلاح هسته ای به علت ایجاد آلودگی رادیواکتیو گسترده و شدید باعث ایجاد خسارات و اضرار غیر قابل جبران می شود و لذا از این جهت نیز موجب ضمان خواهد بود (برای بررسی بیشتر ادله فقهی در این مورد رک: یوسف وند، منبع پیشین). در توضیح فرمایش مقام معظم رهبری که فرمودند، ما با تولید و کاربرد سلاح هسته ای مخالف هستیم، جوانب مختلف فقهی، اخلاقی و فلسفی اسلام در نظر گرفته شده است.

از منظر اسلامی رحمت الهی بر غضب الهی مقدم است. آنچه در این نگاه مدنظر است صلح و امنیت است و نه قتل و غارت. خداوند تعالی آهن را مقهور داود نبی نمود (و علمناه الحديد) ولی داود آن را در جهت صلح یعنی ساختن زره دفاعی و نه سلاح

تهاجمی به کار برد. خداوند مس گذاخته را در اختیار سلیمان قرار داد و او به عنوان سلاح دفاعی از آن بهره برد تا بتواند با آن سدی در برابر یاجوج و مأجوج بسازد نه اینکه به عنوان سلاح تهاجمی از آن بهره ببرد. بر این اساس دستیابی و استفاده از سلاح هسته‌ای نفی می‌شود.

از منظر فقهی نیز چون کاربرد سلاح هسته‌ای منجر به نابودی حرث و نسل خواهد شد، تولید آن هم جایز نیست ولی تسلط بر تکنولوژی هسته‌ای و استفاده از آثار صلح‌آمیز آن اجتناب‌ناپذیر است. خداوند تعالی به دلیل حفظ و حرمت جلوگیری از نابودی حرث و نسل، حیات را حق همگانی می‌داند که شامل حیات انسان و حیوان می‌شود و نابود کردن انبوه انسان‌های بی‌گناه و حیوان بی‌زبان با کاربرد چنین سلاح‌هایی جایز نیست.

بند چهارم - سلاح‌های آتش‌زا

الف) حقوق بین‌الملل بشردوستانه

در قواعد حقوق بشردوستانه پروتکل سوم الحاقی به کنوانسیون سلاح‌های متعارف زیان‌بار به موضوع استفاده از سلاح‌های آتش‌زا پرداخته است. سلاح‌های آتش‌زا می‌توانند اثرات مخرب بسیاری را به‌ویژه در مناطق جنگلی یا مناطق دارای پوشش گیاهی آسیب‌پذیر از خود بر جای گذارند. پروتکل ۱۹۸۰ سلاح‌های آتش‌زا به عنوان مهم‌ترین سند حوزه حقوق بشردوستانه، در ماده ۲ (۴) مشخصاً به موضوع حمایت از جنگل‌ها و پوشش گیاهی در خلال مخاصمات مسلحانه پرداخته است. براساس این ماده علیه جنگل یا پوشش گیاهی نمی‌توان از سلاح آتش‌زا استفاده نمود. البته پس از بیان این قاعده استثنائات آن را نیز در ادامه بیان نموده است که شامل موارد ذیل می‌گردد:

۱. جنگل یا پوشش گیاهی برای مخفی نگه داشتن اهداف نظامی یا استتار سربازان استفاده شود؛

۲. منطقه خود در حکم هدف نظامی باشد.

بنابراین باید گفت که استفاده از سلاح‌های آتش‌زا در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطلقاً ممنوع نشده است. در بحث از نظام‌های اختصاصی در این خصوص بیشتر بحث خواهیم نمود.

(ب) حقوق بشردوستانه اسلامی

استفاده از سلاح‌های آتش‌زا در آموزه‌های اسلامی نیز ممنوع اعلام شده است. در گذشته معمولاً از آتش به عنوان سلاح مستقل یا ترکیبی استفاده می‌شد. گاهی سربازان با آتش زدن خانه‌ها و مزارع در میان دشمن رعب و وحشت ایجاد نموده و گاهی در برخی سلاح‌ها نظیر منجنیق از گلوله‌های آتشین برای شکست دشمن استفاده می‌نمودند.

استفاده از این سلاح و روش جنگی منجر به آسیب و خسارات جدی با اموال و اشخاص غیرنظامی می‌شد که شاخص‌ترین این آسیب‌ها، آسیب به محیط‌زیست منطقه از جمله از بین رفتن مزارع، درختان، سکونتگاه‌ها و بعضاً احشام می‌گردید. در سیره پیامبر گرامی اسلام و نیز معصومین استفاده از سلاح آتشین ممنوع اعلام شده است.

در روایت معروفی آمده است که «نخل‌ها را نسوزانید و آنها را در آب غرق نکنید، درختان میوه‌دار را قطع نکنید و کشت و زرع را نسوزانید». از پیامبر اکرم روایت است که ایشان عذاب دادن از طریق آتش زدن را ممنوع اعلام نموده است. عبدالله بن مسعود آورده است که پیامبر فرمودند «با آتش عذاب نکنید چراکه جز خداوند کسی از طریق آتش عذاب نمی‌کند».

در روایتی از امام صادق (ع) در مورد سوزاندن درختان و امثال آن سؤال شده است که:

«سألت ابا عبد الله (ع) عن مدینه من مدائن الحرب، هل يجوز ان يرسل علیهما الماء او تحرق بالنار او ترمی بالمنجنیق حتی یقتلوا منهم النساء و الصبیان و الشیخ الکبیر و الاساری من المسلمین و التجار؟ فقال یفعل ذلک بهم و لا مسک عنهم لهولاء و لادیه علیهم للمسلمین و لا کفاره».

از امام صادق (ع) پرسیدم که در گشایش شهری از شهرهای کفار در حین جنگ آیا جایز است از حربه رها کردن آب به سوی آنان یا آتش زدن یا گلوله باران نمودن یا منجنیق که منجر به کشته شدن برخی از زنان و کودکان و سالخورده‌گان و برخی اسرای مسلمان نزد کفار و برخی تجار گردد استفاده نمود؟ امام صادق (ع) فرمودند که آری جایز است و اگر برخی از مسلمانان در ضمن عملیات کشته شوند، دیه و کفاره به آنان پرداخت نمی‌گردد (وسائل الشیعه، ج ۱۵: ۶۲).

برخی از فقها استفاده از آتش را در جنگ مکروه دانسته و برخی دیگر حرام اعلام نموده‌اند مگر اینکه فتح جنگ منوط به آن باشد که در این صورت ایرادی نخواهد داشت (وجدانی فخر، ۱۴۲۶، ج ۵: ۴۴). البته برخی از فقها نیز نظر بر نهی این اقدام به صورت مطلق دارند و دلیل آن را روایت مربوط به نهی مطلق پیامبر گرامی اسلام از استفاده از چنین روشی و ضعف سند روایت سکونی می‌دانند (همان).

فصل چهارم:

تحلیل قواعد و نظام اختصاصی حمایت از محیط زیست

در مخلفات مسلحانه

منظور از نظام اختصاصی بررسی آن دسته از قواعد حقوق بشردوستانه است که ناظر به حمایت از بخشی از عنصر یا قلمرو خاصی از محیطزیست است. برای نمونه برخی از این قواعد ناظر به حمایت از منابع آبی، رودخانه، جنگل، پوشش گیاهی، خاک، حیوانات و نظایر آن است. در این فصل سعی خواهیم نمود، به صورت اختصاصی به مطالعه آنها از منظر قواعد حقوق اسلام و حقوق بشردوستانه پردازیم.

مبحث اول - جنگل و پوشش گیاهی

گفتار اول - حقوق بین الملل بشردوستانه

حفاظت از جنگل‌ها در خلال مخاصمات مسلحانه از چند جهت حایز اهمیت است. نخست ارزش جنگل در خلال مخاصمات مسلحانه است. به این معنا که جنگل‌ها به علت موقعیت مناسب پوششی خود همواره مورد توجه نیروهای متخاصم و فرماندهان جنگی بوده‌اند و به همین دلیل حفاظت از این منبع با ارزش در خلال مخاصمات مسلحانه، از اهمیت خاصی برخوردار است.

به این صورت که جنگل می‌تواند در بسیاری از موارد کارایی نظامی را افزایش دهد. از جنگل و پوشش گیاهی می‌توان جهت استتار سربازان و زره‌پوش‌ها بهره برد. در جنگ ویتنام «ویت کنگ‌ها»^۱ از جنگل برای استتار و رزم علیه نیروهای امریکایی استفاده می‌نمودند (لطفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

دوم اینکه جنگل‌ها در جوامع انسانی و طبیعی دارای ارزش اکولوژیکی ارزشمندی بوده و به‌علاوه نقشی که محیطزیست از جمله منابع جنگلی و آب‌ها در ادامه حیات و توسعه انسان‌ها ایفا می‌کنند باعث شده است که از زمان قانون‌مند شدن قواعد جنگ همواره جایی برای مباحث زیست‌محیطی باز باشد (میردیده، ۱۳۹۴: ۸۷). سوم اینکه جنگل‌ها در خلال مخاصمات در معرض آسیب‌های جدی قرار دارند. در جنگ ایران و عراق در منطقه تنومه تنها در یک عملیات چهارده هزار نخل قطع گردید.

۱. Việt Cộng (مخفف ویتنام کنگ سان به معنای کمونیست‌های ویتنام و معروف به جبهه آزادی بخش ملی ویتنام که علیه آمریکا از ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۷ می‌جنگیدند).

اثرات مخرب استفاده از انواع سلاح‌ها، به‌ویژه سلاح‌های سنگین می‌تواند حتی به قیمت نابودی یک جنگل نیز باشد. با این توضیح می‌توان گفت که حفاظت از جنگل‌ها و پوشش گیاهی را در چهارچوب حقوق بشردوستانه می‌توان در دو دسته قواعد عام و خاص بررسی نمود. منظور از قواعد عام، اصول، قواعد و تعهدات مذکور در اسناد حقوق بشردوستانه است که به صورت عام ناظر به حفاظت از تمامی حوزه‌های حقوق بشردوستانه است و دسته دوم قواعد اختصاصی که به صورت مشخص به حفاظت از جنگل‌ها در خلال مخاصمات می‌پردازد.

الف) قواعد عام

تمامی قواعد و نظام عرفی و قراردادی ناظر بر حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمات در خصوص حمایت از جنگل نیز صادق است. از جمله می‌توان به ماده ۳۵ پروتکل اول ۱۹۷۷ کنوانسیون ژنو اشاره نمود که استفاده از هرگونه ابزار جنگی که موجب ورود خسارت گسترده و شدید و پایدار به محیط‌زیست می‌شود ممنوع اعلام نموده است (آزادبخت، ۱۳۹۲: ۲۰۸-۲۰۶). این مقرره درحال حاضر به عرف بین‌المللی مبدل شده است و برای همه کشورها الزامی است (میردیده، همان). پروتکل اول ژنو و همچنین کنوانسیون انمود^۱ مبین برخی قواعد عرفی حوزه حقوق بشردوستانه است که آسیب به جنگل‌ها و پوشش گیاهی را نظیر سایر عناصر محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه ممنوع می‌نماید.^۲

به موجب ماده ۴۸ پروتکل اول ژنو اساساً محیط‌زیست و عناصر آن نباید هدف حمله واقع گردد. همچنین در ماده ۵۵ در مورد فرماندهان نظامی قاعده مهمی دارد که به موجب آن در هدایت یک عملیات نظامی باید مراقبت کافی برای در امان ماندن محیط‌زیست به عمل آید.

مسئله دیگری که در رابطه با ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه مطرح است، ایراد کمترین رنج و آسیب به عناصر طبیعت است. این مفهوم را می‌توان از بند ۲ و ۳ ماده ۵۷

1. Convention on the Prohibition of Military or any Hostile Use of Environmental Modification Techniques adopted by Resolution 31/72 of the United Nations General Assembly on 10 December 1976.

۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه کنوانسیون انمود رک :

<http://www.icrc.org/ihl/INTRO/460> (27.11.2016).

پروتکل اول ژنو استنباط نمود. به موجب این ماده در خلال درگیری باید به گونه‌ای عمل نمود که کمترین آسیب زیست محیطی وارد آید (میردیده، ۱۳۹۴: ۸۸).

همچنین براساس ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول «استفاده از روش‌ها و وسایل جنگی با قصد ایراد خسارات گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی یا انتظار چنین خساراتی ممنوع است».

ب) قواعد خاص

در مجموعه نظام حقوق بشردوستانه، قواعد اختصاصی اندک و ناچیزی در زمینه حمایت از جنگل و پوشش گیاهی وجود دارد و باید از کاربرد همان قواعد عام ناظر بر حفاظت از محیط زیست در این زمینه بهره برد. در میان قواعد اختصاصی ناظر بر جنگل و پوشش گیاهی هیچ سندی به اندازه پروتکل ۳ کنوانسیون مربوط به برخی سلاح‌های متعارف^۱ به صورت مستقیم به این موضوع نپرداخته است. طبعاً بزرگ‌ترین آسیبی که به جنگل‌ها در مناطق گرم و خشک می‌تواند وارد شود، از ناحیه سلاح‌های آتشین است (میردیده، ۱۳۹۴: ۹۰).

ماده ۲ (۴) این پروتکل بیان می‌دارد: «هدف حمله قرار دادن جنگل‌ها و انواع دیگر پوشش‌های گیاهی با سلاح آتش‌زا ممنوع است جز در مواردی که عناصر طبیعی مزبور جهت پوشش دادن، پنهان کردن یا استتار رزمندگان یا سایر اهداف نظامی مورد استفاده قرار گیرند یا خود هدف نظامی باشند» (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۴۶-۲۴۷). مطابق این پروتکل استفاده از سلاح‌های متعارف علیه جنگل‌ها یا هر نوع پوشش گیاهی دیگر ممنوع است. البته ممنوعیت استفاده از این دسته سلاح‌ها مطلق نیست. این قاعده عمومی نظیر سایر قواعد حقوق بشردوستانه و محیط زیست دربردارنده دو استثنا است که در این سه حالت به صورت محدود می‌توان از این سلاح‌ها استفاده نمود.

استثنای نخست ناظر بر استفاده از پوشش گیاهی و جنگل به عنوان تاکتیک جنگی است. بسیاری از فرماندهان برای افزایش کارایی نظامی و پیشگیری از اتلاف نیرو، معمولاً از پوشش گیاهی بهره می‌برند. هرگاه جنگل یا هر پوشش گیاهی به عنوان ابزار جهت استتار یا مخفی نگه داشتن اهداف نظامی به کار رود، یا از جنگل و پوشش گیاهی

1. Convention on Certain Conventional Weapons (CCW) concluded by United Nations at Geneva on 10 October 1980.

برای استتار رزمندگان استفاده گردد اجازه استفاده محدود و در جهت اهداف مشخص شده نظامی داده شده است.

استثنای دوم در جایی است که جنگل و پوشش گیاهی خود در حکم هدف نظامی باشد. گاهی دستیابی به جنگل یا منطقه خاص پوشیده از گیاه و درخت خود از منظر نظامی در حکم هدف نظامی است. لذا هرگاه منطقه جنگلی خود در حکم هدف نظامی باشد. به عبارت دیگر نیروهای متخاصم نمی‌توانند تنها به هدف مسدود کردن راه دشمن یا برای تخریب منابع غذایی آنها از سلاح‌های آتش‌زا استفاده نمایند.

این استثنائات نشان می‌دهد که جنگل و پوشش گیاهی مطلقاً از آسیب‌های ناشی از سلاح‌های آتش‌زا مصون نیست. این مسئله از آن جهت قابل انتقاد است که معمولاً در مخاصماتی که در فضاهای جنگلی صورت می‌پذیرد، جنگل به عنوان هدف نظامی یا ابزار نظامی استفاده می‌گردد. استثنائات ذکرشده در واقع اصل عمومی ممنوعیت نابودی جنگل‌ها را تهی از مفهوم می‌نماید (میردیده، ۱۳۹۴: ۹۰).

موضوع دیگر کنوانسیون انمود در مورد ممنوعیت استفاده نظامی یا هر نوع استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییر محیط‌زیست است که اثرات بلندمدت استفاده از سلاح‌های خاصی چون سلاح‌های شیمیایی بر منابع گیاهی و آبی را مورد توجه قرار داده است. در پی بمباران جنگل‌های ویتنام توسط آمریکا در خلال این جنگ، آمریکا از ماده‌ای خطرناک به نام عامل نارنجی استفاده نمود که در آن زمان باعث فروریختن برگ‌های درختان شد اما با گذشت زمان علاوه بر اثراتی که بر نسل بشری بر جای گذاشت، تغییرات پایدار و خسارات جبران‌ناپذیری بر منابع جنگلی نیز وارد ساخت (میردیده، ۱۳۹۴: ۹۱). در چهارچوب ماده نخست کنوانسیون انمود دولت‌های عضو مکلفند که هیچ‌گونه استفاده نظامی یا خصمانه از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست که دارای اثرات گسترده، طولانی‌مدت و شدید باشد انجام ندهند.

گفتار دوم - حقوق بشر دوستانه اسلامی

الف) اهمیت جنگل و پوشش گیاهی در اسلام

از مظاهر مهم محیط‌زیست، وجود مراتع و گیاهان سرسبز است، قرآن کریم رویش آنها را از آیات الهی شمرده است.

«آنگاه زمین را شکافتیم، شکافتنی، پس در آن دانه رویانیدیم... و میوه و مرتع برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان قرار دادیم».^۱

کلمه «اب» در لغت به معنی مرتع آمده است و مفسران نیز همین معنی را برداشت نموده‌اند.^۲ مرتع محل تغذیه انسان و حیوانات و از آیات الهی است و می‌باید استفاده صحیح از آنها به عمل آید.

نظر به اهمیت کاشت درخت از امام موسی کاظم (ع) خبری حکایت شده است که حضرت درخت سدری را قطع نمود، ولی بلافاصله درخت انگوری به جای آن کاشت. در اهمیت سرسبز نگه داشتن فضای سبز و احترام به آن امام صادق (ع) فرموده‌اند: «... ازرعوا و اغرسوا فلا والله ما عمل الناس عملاً أحل ولا طيب منه والله ليزرعن الزرع و لیغرسن الغرس بعد خروج الدجال» زراعت نمایید و درخت بکارید که عملی حلال‌تر و پاک‌تر از آن نیست، حتی اگر بعد از خروج دجال نیز باید زراعت و درختکاری نمایید.

شاید شأن صدور این روایت به خاطر آن است که در شرایط مشکل هم باید از درختکاری دست نکشید. در همین راستا امام سجاد (ع) می‌فرمایند: «خير الاعمال الحرث مزرعه يأكل منه البر والبحر والفاجر فاما البر فما اكل من شئ اسغفرلك و اما الفاجر اكل منه لعن و يأكل منه الطير و البهائم...» بهترین اعمال کاشتن زمین است که از محصول آن افراد خوب و بد می‌خورند. آن فرد خوب حتی از محصول شما بخورد برای شما استغفار می‌نماید و اگر فرد فاجر از آن محصول بخورد آن محصول او را لعن می‌کند و از محصول شما پرندگان و درندگان هم بهره‌مند می‌شوند (تکمله وسائل، ج ۲: ۲۸۹).

ب) ممنوعیت قطع درختان در زمان صلح و جنگ

محیط‌زیست زنده به درختان و گیاهان است. بر این اساس در روایات فراوانی از قطع درختان منع شده است. رسول خدا (ص) در روایتی فرمود: «لا تقطعوا شجراً الا ان تضطروا اليها» حضرت در توصیه‌هایی که به سپاهیان خود می‌نمودند، می‌فرمودند که هنگام جنگ با سپاه مقابل از قطع کردن درختان آنان اجتناب نمایند، مگر اینکه در حال اضطرار مجبور به قطع درختان گردند.

۱. (ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا... وَفَاكِهِةً وَآبَاً مَتَاعاً لَكُمْ وَلاَ تَبْعَامِكُمْ). (عبس: ۳۱ - ۲۷)

۲. مفردات راغب، ص ۵۹.

علت این فرمان هم آن بوده است که بالاخره جنگ یا منجر به صلح یا منجر به فتح اراضی دشمن می‌گردد که در هر دو حال منفعت حاصل از فضای سبز به خود مسلمانان می‌رسد. درواقع تخریب و نابودی فضای سبز در جنگ‌ها به سود هیچ کدام از طرفین مخاصمه نیست.

در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْرِىَ الْفَاسِقِينَ» (حشر، ۵). هر درخت خرمایی را که بریدید، یا بر پایه‌ها و ریشه‌های خود برجای گذاشتید، به فرمان خدا و اجازه او بوده است (و گناهی متوجه شما مسلمانان نمی‌باشد. خدا این کار را کرده است) تا بیرون‌روندگان (از دستورات الهی و منحرفان از شرایع آسمانی) را خوار و رسوا گرداند.

شان نزول این آیه نیز در مورد جنگ مسلمانان با اهل طایف وارد شده است که آنها در قطع نمودن درختانشان اعتراض کردند که خدای تعالی در حمایت از پیامبرش می‌فرماید اگر درختی هم قطع شد بنابر فرمان الهی بوده است که معلوم می‌شود در حال اضطرار صورت گرفته است. لیکن اصل اولیه بر منع قطع درختان در حال مخاصمه است؛ کما اینکه رسول خدا (ص) فرمودند: «ان رسول الله نهى عن قطع الشجر المثمر او احراقه» رسول خدا (ص) از قطع درختان و سوزاندن آنها نهی نموده است (مستدرک، ج ۱۱: ۱۲۷).

احادیث و روایات نیز بر منع و عدم جواز قطع درخت در جنگ تأکید دارند. امام صادق (ع) فرمودند: «لا تقطعوا الثمار فیصب الله علیکم العذاب صباً» (وسائل الشیعة، ج ۱۹: ۳۹). امام صادق (ع) از حضرت رسول نقل نمودند که ایشان هر موقع لشکری را برای جنگ اعزام می‌نمود می‌فرمود:

«درخت نخل را آتش نزنید، زیرا شما نمی‌دانید شاید در آینده به آن محتاج شوید و چهارپایان حلال گوشت را نکشید مگر به گوشت آنها نیازمند شوید».^۱

درختان میوه‌دار در نگاه دینی به احترام نگریسته و از قطع و سوزاندن آن نهی شده است در صورت بریدن درخت دستور داده شده که به جای آن درختی کاشته شود.

بنابر روایات فراوانی، بریدن و سوزاندن و به آب بستن درختان و گیاه نهی شده و برای کننده آن عذاب الهی در نظر گرفته شده است. برای مثال، امام صادق (ع) فرموده است:

«لا تقطعوا الثمار فیبعث الله علیکم العذاب صبا»^۱

درختان میوه‌دار را قطع نکنید که خداوند عذاب خود را بر شما فرو می‌فرستد.

آیا این روایت بر حرمت قطع درخت دلالت نمی‌کند؟ رسول خدا (ص) نیز بنابر روایتی فرموده است:

«لا تحرقوا النخل ولا تغرقوه بالماء ولا تقطعوا شجرة مثمرة ولا تحرقوا زرعاً لعلکم تحتاجون إلیه»^۲

درختان نخل را نسوزانید و آنها را در آب غرق نکنید و درختان میوه‌دار را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید؛ چون ممکن است روزی به آنها نیازمند شوید.^۳

این روایات صراحت در حرمت دارند، مگر اینکه روایات دیگری با آنها تعارض یابند. البته به نظر می‌رسد در این روایت «ظاهراً خصوص درخت مدنظر نیست و هر نوع گیاه و سبزه‌ای را دربرمی‌گیرد یک معنای شجر، در لغت، مطلق نبات است. (همچنین با توجه به نهی از ریختن سم در آب و ... که در روایات دیگر آمده، حفظ محیط‌زیست در نبرد تداعی می‌شود (جمعی از محققان، ۱۴۲۸: ۱۰۰).

ج) برخی احکام فقهی

در مورد ممنوعیت قطع درختان و از بین بردن پوشش گیاهی در اسلام، احکام فقهی زمان جنگ شباهت بسیاری به احکام زمان صلح دارد. در سیره پیامبر اکرم (ص) آمده است که ایشان سربازان را از قطع درخت در زمان جنگ منع می‌نمود. از نابودی مزارع و کشتزارها برحذر می‌داشت.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا

امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل نموده‌اند که ایشان وقتی می‌خواستند گروهی را برای جنگ اعزام نمایند، آنان را در کنار خود می‌نشانند آنان فرموده: «با نام خدا و برای رضای خدا و بر طبق روش رسول خدا حرکت کنید ... پیرمرد فرتوت و کودک و زن را مکشید و هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اینکه مجبور به قطع آن شوید» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۵: ۵۸).

شهید ثانی در مورد قطع درختان در جنگ ضمن اشاره به مکروه بودن قطع درختان در جنگ در صورتی که ضرورت جنگی ایجاب نماید قائل به جواز قطع آن است. «و يجوز المحاربة بطريق الفتح كهدم الحصون و المنجنيق و قطع الشجر حيث يتوقف عليه و إن كره قطع الشجر و قد قطع النبي صلى الله عليه و آله أشجار الطائف، و حرق على بنى النضير، و خرب ديارهم و كذا يكره إرسال الماء عليهم، و منعه عنهم، و إرسال النار، و إلقاء السم على الأقوى إلا أن يؤدي إلى قتل نفس محترمة فيحرم، إن أمكن بدونه، أو يتوقف عليه الفتح فيجب و رجح المصنف في الدروس تحريم إلقائه مطلقاً، لنهى النبي صلى الله عليه و آله...» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۹۳).

در جنگ علیه دشمن جایز است از تخریب اماکن به کمک منجنیق و قطع درختان اگرچه مکروه است ولی اگر ضروری باشد بلامانع است. زیرا رسول خدا (ص) در فتح طایف دستور به قطع درختان آنان داد و درختان بنی النضیر را به آتش کشید و نیز خانه‌های آنان را تخریب نمود. همچنین رها نمودن آب (ایجاد سیل) علیه دشمن و یا قطع آب آنان مکروه است. همین طور ریختن سم در سرزمین آنان یا پرتاب کردن آتش بنابر اقوی مکروه است. چنانچه نفس محترمه‌ای در آن دیار باشد و بشود از سایر طرق استفاده نمود، استفاده از این طریق حرام است.

بلکه اگر فتح سرزمین آنان متوقف بر استفاده از این طریق باشد استفاده از این وسایل و روش‌ها جایز خواهد بود. شهید اول در کتاب دروس ریختن سم در سرزمین آنان را به طور مطلق حرام دانسته است، یعنی ولو فتح سرزمین آنان منوط به القای سم باشد باز چنین عملی حرام است.

مبحث دوم - آب و منابع آبی

قواعد ناچیز و اندکی برای حمایت از آب‌ها در خلال مخاصمات مسلحانه در مجموعه قواعد عرفی و قراردادی حقوق بشردوستانه وجود دارد. در اینجا سعی خواهیم کرد برخی

از قواعد عمومی حقوق بشردوستانه و نیز قواعد یا تعهداتی که ناظر بر حمایت از آب است را بررسی نماییم (گفتار اول). همچنین در ادامه به رویکرد حقوق اسلام به این بحث نیز اشاره خواهیم نمود (گفتار دوم).

گفتار اول - حفاظت از آب در حقوق بین الملل بشردوستانه

معمولاً از منابع آبی در خلال جنگ به عنوان تاکتیک یا سلاح استفاده می شود. همچنین منابع آبی می تواند زمینه ساز بروز مخاصمات و درگیری گردند. منابع آب می توانند از لحاظ مالی تأمین کننده هزینه های مخاصمه باشند. بنابراین بسته به اینکه منابع آبی در خلال جنگ چگونه خود را نشان می دهند از لحاظ حقوقی تابع قواعد متمایزی هستند. صور و فروض ذیل را می توان در این زمینه برشمرد.

۱. آب به عنوان تاکتیک و سلاح جنگی

از گذشته های دور که انسان ها به نیروی مخرب آب، پی بردند، همواره از این عنصر حیاتی در جنگ ها به عنوان تاکتیک بهره برده اند. گزارش های تاریخی متعددی در این زمینه وجود دارد (کاپونترا، ۱۳۹۲: ۴۱۵). این تاکتیک ها و روش های رزم که به جنگ آب مشهورند می توانند اشکال متعددی به خود بگیرند که شایع ترین آنها شامل تخریب تأسیسات آبی، انحراف مسیر آب، آلوده نمودن آب و جاری نمودن آب به سوی اهدافی مشخص می شود.

۲. آب زمینه ساز بروز مخاصمه

بسیاری از مخاصماتی که در گذشته امروز و آینده اتفاق افتاده یا شاهد آن خواهیم بود، بر سر منابع آب است. این مسئله به ویژه در سرزمین های خشک یا سرزمین هایی که دارای مشکلات مربوط به آب و منابع آب هستند، بیشتر خود را نشان داده است. در افریقا و آسیا کمبود منابع آبی زمینه ساز بروز مخاصمات متعددی گردیدند. برخی از اختلافات میان کشورها اساساً بر سر منابع آب است. منابعی که بیشتر جنبه و اهمیت ژئوپلیتیکی نیز دارند.

الف) قواعد عام

در نظام حقوق بشردوستانه قواعد عرفی و قراردادی متعددی را می‌توان برای حفاظت از منابع آبی برشمرد. هرچند قواعد صریح و مستقیم اندکی در این زمینه وجود دارد. اما قواعد عام ناظر به محدودیت ابزارها و روش‌های جنگ و نیز حمایت از اموال و اشخاص غیرنظامی می‌توانند به نوعی قلمرو عملکرد دولت‌ها در بهره‌برداری از نیروی آب به‌عنوان سلاح را محدود نمایند. از شاخص‌ترین قواعد عام می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱. می‌دانیم که براساس قواعد لاهه، طرفین درگیر در استفاده از سلاح و روش‌های جنگ نامحدود نیستند. نامحدود نبودن طرفین به دلیل آثار زیان‌بار و مخربی است که برخی سلاح‌ها و روش‌های جنگ می‌توانند از خود بر جای گذارند و قلمرو جنگ را به غیر از طرف‌های درگیر و غیرنظامیان گسترش داده و منجر به ایجاد درد و رنج شدید گردند. براساس این قاعده که به اصل محدودیت معروف است، در صورتی که استفاده از منابع آبی که گاهی اوقات می‌توانند نظیر انهدام سد و تغییر مسیر رودخانه آثار خطرناک و زیان‌بار از خود بر جای گذارند و منجر به نقض اصل تفکیک شده و به اشخاص و اموال غیرنظامی آسیب جدی وارد نمایند، انجام چنین اقداماتی ممنوع خواهد بود. مطابق بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو طرف‌های درگیر در انتخاب روش‌ها و وسایل جنگی در مخاصمه مسلحانه نامحدود نیستند.

۲. از قواعد بسیار مهم حقوق بشردوستانه، تفکیک میان اشخاص به اموال نظامی از اشخاص و اموال نظامی است. این اصل نیز متخصصین را در به‌کارگیری برخی اصلاح، روش‌های جنگی محدود می‌نماید. بنابراین اگر استفاده از منابع آبی به عنوان تاکتیک جنگ منجر به نقض آشکار این اصل گردد، به گونه‌ای که منجر به گسترش آثار و خسارات جنگ از طریق آب به سوی غیرنظامیان و اموال غیرنظامی گردد ممنوع می‌باشد. بند ۳ ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی روشی را فاقد تفکیک دانسته است که منجر به سطح بالا است خسارت به غیرنظامیان و اشخاصی اموال آنان گردد.

۳. امروزه دسترسی به آب آشامیدنی سالم به عنوان حق بشری نه تنها در زمان صلح از تعهدات مثبت دولت‌ها محسوب می‌شود، بلکه این حق در زمان مخاصمات مسلحانه اهمیت به مراتب بیشتری می‌یابد. به دلیل آسیب‌هایی که در خلال جنگ ممکن است

به منابع حیاتی و زیرساخت‌هایی کشور وارد گردد، در خصوص منابع آب شیرین همواره در معرض تهدید و تهدید قرار دارند. کمبود منابع آب می‌تواند آسیب و درد و رنج غیرضروری را به جمعیت غیرنظامی وارد آورد که این امر برخلاف قاعده عمومی ممنوعیت حمله به اشخاص و جمعیت غیرنظامی در حقوق بشردوستانه است. ۴. همچنان‌که در بحث اسرای جنگی و غیرنظامیان اشاره شد، در مجموعه اسناد حقوق بشردوستانه قواعد عرفی و قراردادی متعددی وجود دارد که دولت‌ها را مکلف نموده است شرایط زیستی مناسب را برای اسرای جنگی و غیرنظامیان در بند فراهم نمایند. از جمله شاخص‌ترین این شرایط حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم و کافی برای اسرای جنگی است. در خصوص می‌توان به مواد ۱۲۵ و ۸۹ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه اشاره نمود.

۵. مسموم نمودن آب که یکی از روش‌های شایع در مخاصمه است، ممنوع است. حتی برخی این‌گونه گفتند که براساس یک قاعده عرفی قدیمی مسموم نمودن آب، حتی با استفاده از علایم هشداردهنده در زمان جنگ ممنوع است (راجرز و مالرب، ۱۳۸۷: ۸۶). این به این معنا است که طرفین نمی‌توانند عمداً منابع آبی را مسموم نمایند و به دلیل اینکه جمعیت غیرنظامی ممکن است ناخواسته از این اقدام نیروهای نظامی آسیب ببیند و نیز آثار مسموم نمودن آب در اموال غیرنظامی و اکوسیستم ظاهر گردد، نمی‌توان حتی با نصب علائم هشدار دهنده آن را مسموم نمود.

۶. از قواعد بسیار مهم حقوق بشردوستانه که می‌تواند نقش بسیار مهمی در حفاظت از آن است از منابع آبی که ممکن است حاوی نیروهای خطرناک باشند، ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک است. برخی از تأسیسات آبی نظیر سدها و آب‌بندها در صورت تخریب می‌تواند نیروهای خطرناک از خود آزاد نمایند. با توجه به اصل به تناسب، محدودیت و ضرورت نظامی قواعد حقوق بشردوستانه به سمت ممنوعیت حمله به چنین تأسیساتی رفته است.

مطابق ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو «تأسیسات دارای نیروهای خطرناک، نظیر سدها، آب‌بندها، نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، حتی اگر اینها اهداف نظامی باشند، در صورتی که امکان داشته باشد که حمله به آنها موجب رهاشدن نیروهای خطرناک و متعاقباً صدمات شدید بر سکنه غیرنظامی شود، نباید

هدف حمله قرار گیرد...». مبنای چنین ممنوعیتی در حقوق بشردوستانه آسیب جدی است که ممکن است سکنه غیرنظامی وارد گردد.

۷. در نهایت موضوع بسیار مهمی که طرفین درگیر در استفاده از منابع آبی به عنوان سلاح یا تاکتیک جنگی توجه داشته باشند، رعایت دو اصل مهم تناسب و ضرورت نظامی در درگیری است که امروزه هم در حقوق عرفی و هم حقوق قراردادی بشردوستانه بر رعایت آن تأکید شده است.

تناسب به این معنا می‌تواند باشد که در استفاده از آب به عنوان سلاح باید میان اهداف جنگ و روش مورد استفاده تناسب وجود داشته باشد. منابع آب نمی‌توانند برای تخریب شدید و گسترده محیط‌زیست به کار روند. براساس ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه زنو محیط‌زیست نباید هدف حمله واقع شود. همچنین مطابق ماده ۵۵ همین پروتکل در هدایت عملیات نظامی باید مراقبت کافی برای در امان ماندن محیط‌زیست به عمل آید.

ب) قواعد خاص

علاوه بر قواعد عمومی حقوق بشر دوستانه که به آنها اشاره رفت، تلاش‌های متعددی صورت گرفته است تا به صورت خاص موضوع حمایت از منابع آبی در خلال مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گیرد. از جمله شاخص‌ترین تلاش‌ها می‌توان به قواعد هلسینکی و کنوانسیون ۱۹۹۷ استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتیرانی اشاره نمود.

۱. قواعد هلسینکی

در محتوای قواعد هلسینکی این امر مورد توجه بوده است. از جمله می‌توان به موضوع تغییر مسیر آبراهه‌ها، ممنوعیت تخریب تأسیسات آبی و تعهد دولت اشغالگر به تأمین منابع آبی اشاره نمود.

۱-۱. تغییر مسیر آبراهه‌ها

مطابق بخشی از قواعد هلسینکی تغییر مسیر آبراهه‌ها در صورتی که موجب آسیب نامتناسب غیرنظامیان و یا خسارت معین محیط‌زیست گردد، باید ممنوع شود (کاپونترا، ۱۳۹۲: ۴۱۷).

۱-۲. آلوده نمودن آب

از آنجاکه آب منبع حیاتی برای تداوم زندگی و سلامتی غیرنظامیان به شمار می‌رود، قواعد هلسینکی، تأکید نموده است که «آب به عنوان لازمه سلامت بقای غیرنظامیان نباید به مواد سمی آلوده شود و یا به طریق دیگری برای مصرف انسان نامناسب گردد» (کاپونترا، ۱۳۹۲: ۴۱۷).

۱-۳. ممنوعیت تخریب تأسیسات آبی

ممنوعیت تخریب تأسیسات آبی از دو جهت مورد توجه قواعد هلسینکی است. نخست از جهت حداقل شرایط بقای جمعیت غیرنظامی و نیز شهروندان است. مطابق ماده ۲ این سند تأسیسات آب‌رسانی که برای حفظ حداقل شرایط و بقای شهروندان ضرورت دارند، نباید تخریب و یا قطع شوند. دوم از لحاظ آثار خطرناک تخریب چنین تأسیساتی است. مطابق ماده ۵ «تخریب تأسیسات آبی حاوی عوامل خطرآفرین مانند سدها یا آب‌بندها باید ممنوع گردد» (کاپونترا، ۱۳۹۲: ۴۱۷).

۲. کنوانسیون استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی

کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در خصوص استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتیرانی به صورت مشخص در ماده ۲۹ موضوع مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی، را در خصوص آبراهه‌های بین‌المللی نیز مورد توجه قرار داده است. براساس ماده ۲۹ «آبراهه‌های بین‌المللی مشمول اصول و قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی می‌شود».

گفتار دوم - حفاظت از آب‌ها در حقوق بشردوستانه اسلامی

از منظر اسلامی آب به عنوان عنصری اساسی محسوب می‌شود که خلفت تمامی موجودات از آن است. احکام و قواعد و منابع متعددی نیز در مورد حمایت از محیط‌زیست در زمان صلح و جنگ وجود دارد که ذیلاً برخی از ابعاد آن را بحث خواهیم نمود.

(الف) اهمیت حمایت از آب‌ها در منابع اسلامی در زمان جنگ و صلح

آب به عنوان عنصری اساسی در قرآن کریم، خلقت تمام موجودات زنده را از آب می‌داند.^۱ همچنین رسول خدا (ص) نیز خلقت تمام موجودات را از آب می‌داند.^۲ سید قطب مفسر معروف مصری در تفسیر «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» می‌گوید این حقیقت بزرگی است که قرآن کریم به این سادگی بیان نموده است که خلقت کل اشیا از آب است یعنی آب عنصر اساسی ترکیبات موجود زنده است (سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، ج ۴: ۲۳۷۶).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر همین آیه می‌نویسد: آب کاملاً در هستی موجودات زنده مداخلیت دارد چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ».^۳ بعد اضافه می‌کند که مسئله ارتباط حیات با آب معجزه ماندگار قرآن است (سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸: ۸۱).
همین بس که بدون آب در زندگی، دیگر چیزی نبود. بنابر روایتی امام صادق (ع) طعم آب را طعم زندگی معرفی فرموده است (بحارالانوار، ج ۶۳: ۴۴۷).
- رسول خدا (ص) بنابر روایتی می‌فرماید:

«سید شراب الدنيا والآخرة الماء» (همان: ۴۵۱).

آب سرور نوشیدنی‌های دنیا و آخرت معرفی شده است.

- امام صادق (ع) بنابر روایتی می‌فرماید:

«أربع يضئن الوجه... والنظر إلى الماء الجاري والنظر إلى الخضرة» (همان، ج ۷۳: ۹۴).

از جمله چیزهایی که موجب جلای چشم انسان می‌شود... و نگاه به آب جاری و مناظر سبز است.

۱. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». (انبیاء: ۳۰)

۲. «كل شيء خلق من الماء». محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۲۰۸.

۳. سوره نور: آیه ۴۵.

ب) نهی از آلوده نمودن آب

در روایات و منابع متعددی آلوده نمودن آب منع شده است. امام علی (ع) از آلوده کردن آب چنین نهی می فرماید:

«الماء له سكان فلا تؤذوهم ببول ولا غائط» (مستدرک الوسائل: ۲۷۱).

ساکنانی در آب مستقر هستند، آنها را با ریختن بول و غایط آزار ندهید.

نهی فوق شامل نهی از آلوده کردن همه آب هاست که از آن حکم به کراهت استخراج می شود.

- رسول خدا (ص) حتی از آلوده کردن آب رودخانه ها هم نهی نموده است:

«لا یبولن أحدکم فی الماء الدائم» (ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۲: ۱۸۷).

هرگز کسی در آب ایستاده ادرار نکند.

حتی پیامبر اکرم (ص) از غسل جنابت در آب ایستاده نیز نهی فرموده است.

«لا یغتسل أحدکم فی الماء الدائم و هو جنب» (همان، ج ۵: ۵۵۱).

هرگز کسی که جنب است در آب ایستاده غسل نکند.

آلوده نمودن آب مصرفی اشخاص و شهروندان در واقع تجاوز به حقوق عمومی و ظلم است. همان گونه که رسول خدا (ص) فرمودند: «البول فی الماء القائم من الجفا» (بحار الانوار، ج ۸۰: ۱۸۸). در بسیاری از روایات آلوده نمودن آب اطراف چاه ها و رودها و زیر درختان میوه دار نهی شده است. برای مثال علی (ع) فرموده اند: «لا یبولن فی ماء جار» از ادرار نمودن در آب جاری خودداری نمایید (وسائل الشیعه، ج ۱: ۳۵۳). مورد دیگر در بحث اسراف آب است. برای نمونه در بحث اسراف آب حتی بیرون ریختن آب آشامیدنی مازاد مصرف نهی شده است.

امام صادق (ع) از مصادیق اسراف فرموده اند: «حَتَّى صَبَّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ» اسراف حتی شامل بیرون ریختن مازاد آب نوشیدنی هم می شود (بحار الانوار، ج ۷۱: ۳۴۶). حتی توصیه شده موقع وضو گرفتن نیز از زیاده روی در مصرف آب جلوگیری شود. (وسائل

الشیعه، ج ۱: ۳۴۱). رسول خدا کسانی را که در مصرف آب غسل زیاده روی می نمایند را عملی خارج از سنت خود می دانند (من لایحضر الفقیه، ج ۱: ۳۴).
از احکام مهم درباره استفاده از منابع آب به دلیل گریز از آلودگی، رعایت حریم هاست. گاهی چاه آب با چاه فاضلاب در نزدیک هم قرار می گیرند و دستور واجب داریم که میان این دو چاه، زمین نرم دست کم هفت ذراع و زمین سخت دست کم پنج ذراع باید فاصله باشد تا از آب آشامیدنی بتوان استفاده کرد (شرح لمعه، کتاب طهارت).
به همین دلیل، امروزه برای حفر چاه آب، مقررات ویژه ای وضع می نمایند، از جمله کم ترین فاصله چاه آب و فاضل آب را از باب احتیاط پانزده متر تعیین می کنند.
بنابر حکم فقهی تطهیر آب آلوده شده که تحت عنوان «منزوحات بثر» در متون فقهی مطرح شده، اگر چیز آلوده کننده ای در آب چاه بیفتد، با نگاه به میزان آلوده کنندگی آن باید مقدار مشخصی آب از چاه کشید تا آن آب مصرف کردنی شود. برای مثال، اگر در آب چاه شراب ریخته شود، باید تمام آب چاه کشیده شود، اگر از چهارپایان در آب چاه سقوط نماید و بمیرد، پس از خروج نجاست باید یک کر آب از چاه کشیده شود و اگر در آب چاه مدفوع ریخته شود، باید هفتاد دلو آب از چاه کشیده شود.

ج) حمایت از آب در زمان جنگ

موضوع حمایت از آب در زمان جنگ در منابع اسلامی، مباحث متعددی را به خود اختصاص داده است که به اجمال می توان به استفاده آب به عنوان تاکتیک جنگی (ارسال الماء)، بستن آب بر روی دشمن و طرف مقابل، بستن آب بر روی غیرنظامیان دشمن، حق بر آب برای اسرای جنگی، مسموم نمودن آب و مواردی از این دست اشاره نمود.

۱. استفاده از آب به عنوان تاکتیک جنگی

استفاده از آب به عنوان تاکتیک جنگی ذیل عنوان ارسال الماء در کتب فقهی مربوط به کیفیت جهاد و قتال بحث شده است. در مورد استفاده از این روش در جنگ دیدگاه یکسانی وجود ندارد. براساس قاعده ضرورت جنگی برخی استفاه از این روش را تجویز نموده اند (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۲، سید یزدی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۶۹).

«...و يجوز المحاربة بكل ما يرجی به الفتح، كهدم الحصون، و رمی المجانیق و التحریق بالنار، و قطع الأشجار، و إرسال الماء و منعه عنهم، و نحو ذلك، مع الضرورة و

توقف الفتح علیه، و عدمها، و این کره بعضها بدونها. و لا یضمن ما یتلف بذلک المسلمین الذین بینهم...» (سید یزدی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۶۹).

شهید ثانی قائل بر کراهت چنین اقدامی است.

«و... کذا یکره إرسال الماء علیهم» (شهید ثانی، محشی کلانتر، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۹۲).

دلیل این حکم نیز این گونه بیان شده است که استفاده از چنین روش نبرد، منجر به ایجاد خرابی وسیع و از بین رفتن نفوس انسانی و به عبارتی غیرنظامیان می شود (همان: ۳۹۲). همچنین در روایت منقول از مسعده بن صدقه نیز غرق نمودن اراضی با آب نیز ممنوع اعلام شده است (وسائل الشیعه، باب ۱۵: حدیث ۳).

«... روی مسعده بن صدقه عنه علیه السلام أيضاً «أن النبی صلی الله علیه و آله کان إذا بعث أمیراً له علی سرية أمره بتقوی الله تعالی فی خاصة نفسه ثم فی أصحابه عامة، ثم قال له: اغزوا بسم الله و فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله، و لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا، و لا تقتلوا ولیداً و لا متبتلاً فی شاهر، و لا تحرقوا النخل، و لا تغرقوه بالماء، و لا تقطعوا شجرة مثمرة، و لا تحرقوا زرعاً، لأنکم لا تدرن، لعلکم تحتاجون إلیه، و لا تعقروا من البهائم مما یؤکل لحمه إلا ما لا بد لکم من أکله...» برخی از فقها به این جهت این اقدام در جنگ را جایز ندانسته اند (نجفی، صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۶۴).

۲. مسموم نمودن آب

حکم مسموم نمودن آب در بحث القاء سم مورد اشاره قرار گرفت. لذا کراهت و حرمتی که فقیهان پیرامون استفاده از سم مورد اشاره قرار داده اند در اینجا نیز جاری است (ر.ک: به بحث القای سم در همین مجموعه). به طور خلاصه براساس روایات اسلامی باید گفت که اصل بر عدم جواز چنین عملی است. فقط در حالت ضرورت به طوری که فتح شهرهای دشمن جز از این طریق حاصل نگردد، آنهم به صورت محدود جایز شمرده شده است (الوافی، ج ۱۵: ۹۷). اما بنابر حکم ثانوی امروزه باید گفت که مفسد چنین اقدامی بیشتر از مصالح آن است و به نظر می رسد چنین عملی مطلقاً جایز نباشد.

۳. بستن آب بر روی دشمن

براساس قواعد حقوق بشردوستانه موجود، محدود نمودن دسترسی رزمندگان طرف مقابل به آب، به عنوان تاکتیک جنگی ممنوع نشده است. این عدم ممنوعیت به این معنا

است که قواعد حقوق بشردوستانه به معنای ائتلاف نیرو و عدم کارایی نظامی نیست. همچنین اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه چنین امری را تجویز می نماید. به نظر می رسد براساس حقوق جنگ در اسلام نیز محدود نمودن دسترسی سربازان دشمن به آب به عنوان تاکتیک جنگی ممنوع نباشد. برخی از فقها نیز این نظر را پذیرفته اند ولی بستن آب و به تشنگی کشاندن سربازان دشمن را تا اینکه به این علت تلف شوند جایز ندانسته اند (نجفی، صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۶۵).

«و یجوز محاربه العدو بالحصار و منع السایلة دخولاً و خروجاً و بالمناجیق و التفنک و القنابر و الأطواب و البارود و رمی الحیات القاتلة و العقارب و غیرها من الحیوانات و هدم الحصون و البیوت و قطع الأشجار و القذف بالنار و إرسال الماء لینصرفوا به و منعه علیهم لیموتوا عطشاً و کلما یرجى به الفتح بلاخلاف أجده فیہ، للأصل و إطلاق الأمر بقتلهم...» (نجفی، همان منبع).

بالاین حال در رویه معصومین به عنوان یک امر اخلاقی در جنگ می توانیم حتی پابندی به این قاعده را به طور مطلق شاهد باشیم که در ذیل به دو نمونه از آنها اشاره می نماییم.

۱. پس از پیروزی علی (ع) و مسلط شدن لشکریان امام بر فرات لشکریان از وی خواستند تا مقابله به مثل نماید و آب را به روی اهل شام ببندد. اما حضرت قبول نکرد و فرمود: از آب جلوگیری نکنید. من کار نادانها را نمی کنم؛ از آنها می خواهم که به کتاب خدا عمل کنند؛ من به راه راست دعوتشان می کنم، اگر قبول نکردند، باشد جنگ کار آنها را یکسره می کنم (همان منبع، ۱۳۸۶: ۳۵۲). در کربلا نیز همه ما می دانیم که فرزند معاویه آب بر حسین (ع) و یارانش بست.

قضیه از این قرار است که نقل است که در جنگ صفین وقتی معاویه بر فرات مسلط شد گفته: به خدا قسم این نخستین پیروزی است. خداوند من و پدرم را سیراب نکند، اگر این جماعت بنوشند. تمام آنها باید با لب تشنه بمیرند.

عمرو عاص از طایفه همدان رفیقی داشته به معری که شخصی عابد و زاهد بود. به معاویه گفت خیلی عجیب است، حال که زودتر به آب رسیدید و بر آب مسلط شدید، آیا از آب خوردن آنها جلوگیری می کنید؟ اگر آنها به آب دست یافته بودند از شما جلوگیری نمی کردند. کار شما به اینجا رسیده که به آنها آب ندهید؛ بی گمان آنها جای دیگری را به تصرف خود درمی آورند و پاسخ کار شما را می دهند. مگر نمی دانید کسان بی گناه از غلام، کنیز، ضعیف و مزدور در میان آنها هستند؟... (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۳۴۶). در

هنگام جنگ وقتی دو لشکر به هم رسیدند، معاویه زمین صاف و همواری را تصرف کرده و آبگیر فرات هم در درست او بود. معاویه پس از مشورت با اصحابش به ولید بن عقبه گفت تو آب را ببند. عمرو عاص گفت: از آب جلوگیری نکن. این کار شدنی نیست، آنها تشنه نمی مانند؛ ولی برای غیر آن فکر کن و ببین چه بایست کرد. عبدالله سعد گفت: تا شب آب را ببند و و آنها از تشنگی برمی گردند و این فرار حساب می شود و چنین شد که آب را بستند (همان، ۱۳۸۶: ۳۴۹).

«نخست امام (ع) به وسیله صعصعة بن صوحان - از یاران نزدیک امام - به معاویه پیام داد که من دوست ندارم پیش از قطع همه بهانه ها با شما بجنگم ما معتقدیم که نخست دعوت حقایق را روشن کنیم.

لذا آبراه را برای هر دو لشکر باز بگذار. معاویه این پیام را دلیل بر ضعف امام دانست و بر این عمل غیر انسانی خود پافشاری کرده، امام را بر انجام عملی واداشت که عمرو عاص - مشاور مخصوص معاویه - ضمن هشدار به معاویه، آن را پیش بینی کرده بود: «ای معاویه تصور نمی رود که ارتش تو از آب سیراب شوند و علی و یارانش بر تشنگی تحمل آورند!» در پی سخنان امام (ع)، گروهی از سپاهیان امام حمله برده، آبراه فرات را در مدت کوتاهی آزاد کردند.

امام، برخلاف معاویه، آبراه را برای استفاده هر دو سپاه آزاد گذاشت» (جمعی از محققان، ۱۴۲۷: ۸۶). لشکر دشمن (معاویه)، با بستن آب فرات، ارتش اسلام را عملاً به جنگ فراخواند. «قَدْ اسْتَطَعْمُوكُمُ الْقِتَالَ... فَأَقْرُوا عَلَىٰ مَذَكِّهِ وَتَأْخِيرِ مَحَلَّةٍ أَوْ رَوْوَا السُّيُوفَ مِنْ الدِّمَاءِ تَرَوْوَا مِنَ الْمَاءِ».

اکنون شما بر سر دو راهی هستید: یا با ذلت و خواری بر جای خود مانده جنگ نکنید و همچنان تشنه بمانید، و یا شمشیرها را از خون آنان سیراب سازید تا از آب فرات سیراب شوید (همان: ۸۷).

۲. قبلاً نیز در بحث آب اشاره کردیم که در واقعه کربلا وقتی لشکریان حر به کاروان امام حسین (ع) نزدیک شدند، از آنجا که ظهر بود و هوا بسیار داغ، انسان وقتی آثار تشنگی را در لشکریان و اسبان مشاهده نمودند، فرمودند: به تشنگان آب برسانید و دهان اسبان شان را تر کنید، آنها به دستور امام (ع) عمل کردند و به تمام افراد اسبان لشکر حر آب دادند (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

این اقدام انسان دوستانه و نقل دوستانه امام (ع) چه بسا زمینه ساز پیوستن فرمانده لشکر خصم و بسیاری از لشکریان به جمع یاران امام حسین شده باشد. چنانچه به گواهی تاریخ درباره «معری» اتفاق افتاد و آن هنگامی بود که معری معاویه را در جنگ صفین نصیحت نمود، آب را بر روی لشکریان امام علی (ع) نیندود. هنگامی که معاویه به این نصیحت توجه ننمود، معری شبانه خود را به علی (ع) رسانید. موضوع بسیار مهم و قابل تأمل در اینجا ترحم حضرت بر اسبان لشکریان دشمن و سیراب نمودن آنها بود.

۴. بستن آب بر روی غیرنظامیان دشمن

برخلاف بحث قبلی که ضرورت های نظامی اجازه بستن آب بر روی نظامیان دشمن را می دهد، بستن آب بر روی غیرنظامیان دشمن و کسانی که در نبرد حضور ندارند شرعاً جایز نیست. قاعده وزر و نیر نفی اعتدا و لاضرر مستلزم حرمت چنین عملی در خلال جنگ است. برخی از فقها به استناد به رویه حضرت علی (ع) در جنگ صفین بستن آب را جایز نمی دانند^۱ (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۲). جهت دیگر این مطلب می تواند این امر باشد که آب های عمومی و غیرشخصی جزء انفال محسوب می گردد و متعلق به شخص یا گروه خاصی نیست و نباید محدودیتی در استفاده و بهره برداری از آن در زمان مخاصمه در بدو امر ایجاد نمود.

شاهد این امر را می توان در جنگ صفین ملاحظه نمود. علی (ع) بعد از پس گرفتن منبع آب تصرف شده از معاویه و لشکریانش، عمل متقابل انجام ندادند و فرمودند که بگذارید هر دو لشکر از این آب بهره مند شوند و محروم نمودن آنان از آب صحیح نیست. رسول خدا (ص) نیز در توصیه های خود به لشکریان می فرمودند که آب ها را آلوده نسازید و از بستن آب بر روی آنها خودداری نمایید.

۵. حق بر آب اسرای جنگی

بنابر این اصول انسانی در جنگ مستلزم این است که اسرای جنگی دشمن را نباید از آب آشامیدنی سالم محروم نمود. چنانچه در رویه امام حسین (ع) نیز دیدیم که ایشان

۱. و يجوز القتال بسائر أنواعه، و هدم المنازل و الحصون، و رمي المناجيق، و التحريق بالنار، و قطع الأشجار، و إرسال الماء و منعه، و عن علي عليه السلام في صفين لا يحل منع الماء، و يحمل على حالة الاختيار، و إلّا جاز إذا توقف الفتح عليه، و الحصار..

اجازه استفاده تشنگان و حتی اسبان را از آب آشامیدنی سالم را دادند. براساس روایاتی که پیش از این بحث نمودیم (وسائل الشیعه، ج ۱۵: ۵۹)، باید گفت که محروم نمودن اسرا و آوارگان از آب آشامیدنی، اعم از اینکه طرف مقابل مسلمان یا غیرمسلمان باشد، جایز نیست. خداوند در آیه کریمه (بقره آیه ۱۹۰) دستور می دهد با افرادی که با شما می جنگند، بجنگید و از حد تجاوز نکنید. از این آیه می توان استفاده نمود که بستن آب بر روی اسرا و مجروحان و سربازان با مضمون این آیه سازگار نیست (جمعی از محققان، ۱۴۲۸: ۳۵).

۶. حفظ تأسیسات و منابع آبی

همان گونه که دیدیم از منظر حقوق بشردوستانه، حمله به تأسیسات و منابع آبی که برای تداوم حیات غیرنظامیان ضروری است ممنوع شده است. در حقوق اسلام اگرچه استفاده از اسلحه آب یا تخریب منابع آبی طرف مقابل در حال اضطرار و ضرورت مجاز دانسته شده است، اما به نظر می رسد، براساس احکام ثانوی امروزه تخریب چنین منابعی جایز نیست. از این منظر نابود ساختن منابع آبی و سدها و تصفیه خانه ها عقلاً عمل درستی نیست. چه در صورت پیروزی می تواند مورد استفاده، طرف پیروز باشد و در صورت عدم تصرف هم نباید غیرنظامیان و حیات آنها در خطر قرار بگیرد.

مبحث سوم - حیوانات

حیوانات امروزه در نظام های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته اند. در اسلام نیز احکام و قواعد متعددی در زمینه حمایت از حیوانات وجود دارد. در این مبحث سعی خواهیم نمود، موضوع حمایت از حیوانات را در خلال مباحثات مسلحانه بررسی و برخی از احکام و قواعد آن را به صورت تطبیقی در اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی مورد ارزیابی قرار دهیم.

گفتار اول - حقوق بین الملل بشردوستانه

موضوع حمایت از حیوانات در مباحثات مسلحانه را می توان در دو دسته متمایز قرار دارد. نخست آن دسته از حیواناتی که در جریان مباحثه به عنوان ابزار و روش جنگی به کار برده شده و در حکم و جزئی از اموال و ادوات نظامی شمرده می شوند. دسته دوم آن دسته از حیواناتی است که در جریان مباحثه نیستند ولی از آثار، تبعات و

عواقب جنگ نظیر غیرنظامیان و کسانی که در مخاصمه مشارکت ندارند تأثیر می پذیرند. بدیهی است در مورد هریک از اینها از منظر قواعد حقوق بشردوستانه می توان به گونه ای متفاوت و متمایز بحث نمود.

الف) حیوانات به عنوان ابزارها و روش جنگ

در تمامی جنگ ها از گذشته های دور تاکنون حیوانات پا به پای انسان ها در میدان های نبرد حضور داشتند. گاهی به عنوان سلاح استفاده می شدند، گاهی فرایند رزم را تسهیل می نمودند و گاهی نیز خود هدف حمله و کینه توزی دشمنان قرار می گرفتند. از جمله شاخص ترین این حیوانات می توان به اسب، شتر، فیل، سگ، زنبور، عقرب و خفاش اشاره نمود.

۱. اسب

اسب مشهورترین و پرکاربردترین حیوانی است که در طی مخاصمات از آن استفاده می شده است. حتی امروز در برخی از کشورهای پیشرفته نظیر انگلستان و فرانسه در رژه های نظامی به صورت نمادین از اسب استفاده می شود به گواهی تاریخ در گذشته سازمان های نظامی برای پیروزی در جنگ بر «اسب سواری که زره می پوشیدند اتکا می کردند که می توانستند نسبت به سربازان پیاده سریع تر حرکت کرده و ضربات سخت تری را بر دشمن وارد نمایند» (سیدو، ۱۳۸۹: ۴۹).

۲. فیل

فیل ها به دلیل نیرومند بودن در جنگ های گذشته به ویژه در سرزمین هند و آفریقا استفاده می شدند. طرفین درگیر می توانستند با تکیه بر این حیوانات به راحتی به اهداف نظامی خویش دست یابند. فیل ها به عنوان بخش بسیار مهم و تکیه گاه اصلی سپاه در دوره سلاطین دهلی بودند، از این رو مهم ترین کارکرد آنها در جنگ و صحنه نبرد بود. به گونه ای که گفته شده است یک زنجیر فیل در سپاه، به تنهایی به اندازه پانصد سوار تأثیرگذار است (محرابی و معصومی، ۱۳۹۲: ۱۱۱). نعره، بو و هیئت ترسناک فیل ها در میدان جنگ، موجب رم کردن اسبان و در نتیجه به هم خوردن نظم و سامان سپاه دشمن می شد. فیل ها در صحنه های نبرد، وسیله ای مناسب برای حمل و نقل بودند. برای عبور

دادن سربازان و تجهیزات از عرض رودخانه‌ها بهترین و امن‌ترین وسیله فیل‌ها بودند (محرابی و معصومی، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

۳. شتر

از شتر بیشتر در صحراها و مناطق لم یزرع استفاده می‌گردید. شترها به دلیل توانایی بالا و دوام و در شرایط خشکی حیوانات مناسبی برای جنگ در چنین محیط‌هایی بودند. گفته شده است «پارت‌ها و ساسانیان گاه به صورتی زیرکانه شترهای خود را با استفاده از زره‌های قدیمی پوشش می‌داده‌اند و جنگجویان عرب نیز هنگام تاخت و تاز و حمله به قبیله‌های دیگر و یا هنگام فتح خاورمیانه یا شمال آفریقا توسط مسلمانان بر شترها سوار بوده‌اند. نقش شترها در کارزارها با توسعه سلاح‌های گرم در دهه ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ کم‌رنگ‌تر شد (سایت تبیان، ۱۳۹۴). به طور معمول مهم‌ترین بهره‌برداری‌هایی که از حیوانات در خلال جنگ استفاده می‌شد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. استفاده از حیوانات به صورت بمب، مانند بمب عقرب و بمب مار؛^۱
۲. استفاده از حیوانات برای خشی‌سازی مین‌ها و تله‌ها؛
۳. استفاده از حیوانات یا لاشه آنها به عنوان تله انفجاری؛
۴. استفاده از حیواناتی مانند سگ برای جست‌وجو و یافتن ردپای دشمن؛
۵. استفاده از حیوانات برای جاسوسی مانند کبوتر؛
۶. استفاده از حیوانات برای استتار اهداف و مواضع نظامی؛
۷. استفاده از حیوانات برای عملیات فریب؛
۸. استفاده از حیوانات برای جابه‌جایی تسلیحات سبک به‌ویژه در مناطق صعب‌العبور مانند کوهستان‌ها و صحراها و اشاره نمود.

۱. هانیبال یکی از ارتش‌های بسیار بزرگ را داشته است و در آن از حیوانات زیادی نیز استفاده می‌کرده است. در یکی از جنگ‌هایی که در دریا رخ می‌داده است او دستور می‌دهد تا کوزه‌های بزرگ را مملو از مارهای سمی کنند. آن‌ها سپس با نزدیک شدن به کشتی‌های دشمن کوزه‌ها را به سمت آن پرتاب کرده و مارها آزاد می‌شوند. این اسلحه از جمله مرگبارترین سلاح‌های تاریخ است و جان انسان‌های بسیار را گرفته است و بعد از هانیبال نیز استفاده شده است: نقل از: تابناک، «حیواناتی که تبدیل به سلاح شدند»، کد خبر ۳۰۲۶۳۱، ۱۳۹۳/۱۱/۳۱، قابل دسترس در:

تنها تفاوت حیوانات در میدان نبرد این بود که برخلاف اهداف، انگیزه‌ها و کینه‌هایی که جنگ را در میان انسان‌ها شعله‌ور می‌نمود، حیوانات بی‌گناه و بی‌انگیزه خاصی آسیب دیده و کشته می‌شدند و گاهی خود منجر به کشته شدن انسان‌ها یا سایر حیوانات می‌گردیدند. هرچند امروزه استفاده از حیوانات به عنوان ابزار و سلاح جنگی محدود شده و کمتر در میدان‌های نبرد مشاهده می‌شوند. با این حال باید به دو نکته بسیار مهم توجه نمود. نخست آنکه امروزه آثار و عواقب مخاصمات مسلحانه می‌تواند منجر به آسیب به حیوانات نظیر انسان‌ها گردد.^۱ در این خصوص قواعد حقوق بشردوستانه در حمایت از حیوانات بسیار ناکافی و ناکارآمد است.

دیگر اینکه باید توجه نمود، امروزه استفاده از حیوانات در مخاصمات به‌طور کلی منتفی نیست. به این نحو که می‌توان با دستکاری‌های ژنتیکی در حیوانات از این امکان به گونه‌ای مدرن بهره جست. ابرحیوانات و ابرحشره‌ها^۲ یا مواد به دست آمده از اجزای حیوانات، می‌توانند حتی به عنوان یک سلاح مخرب و خطرناک در جنگ‌ها استفاده شوند. امروزه در علوم نظامی معمولاً در بحث «جنگ بیولوژیکی»^۳ یا «جنگ‌افزارهای بیولوژیکی»^۴ به آن پرداخته می‌شود.^۵

در مجموعه قواعد حقوق بشردوستانه قاعده‌ای که به صورت مستقیم از حیوانات در خلال مخاصمات حمایت نموده باشد وجود ندارد. تنها می‌توان به صورت غیرمستقیم اجرای قواعد حقوق بشردوستانه را به نفع حیوانات دانست.^۶ چه آن دسته از حیواناتی

۱. در حقوق اسلام به عنوان یک قاعده کلی، کشتن حیوانات متعلق به دیگری و آزار رساندن به آنها مجاز نیست. حتی در مورد مالک حیوان نیز تکالیف احکامی در خصوص رفتار با حیوانات وجود دارد. در در این خصوص ر.ک: (نائینی، علیرضا، ۱۳۷۸ و مقیمی، ۱۳۸۵، پور محمدی، ۱۳۸۴)
۲. برای نمونه در این خصوص ر.ک: اکرم تقی زاده ساروکلائی، امین تقی زاده ساروکلائی، "تبیین جایگاه حشرات در جنگ‌های بیوتورریسم." ششمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران با محوریت پدافند غیر عامل، ۲۰۱۳.

3. Biological war

4. Biological warfare

۵. در مورد جنگ بیولوژیک و نیز جنگ افزارهای بیولوژیک برای نمونه ر.ک: کرمی، علی، «روش‌های نوین تشخیص عوامل جنگ‌های بیولوژیک»، مجله طب نظامی، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹. کعبه منور، محمد، جنگ افزارهای بیولوژیک، اولین سمینار سراسری طب نظامی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
۶. برای مثال ضمیمه فنی کنوانسیون ضد مین که در راستای ماده ۳ پروتکل ضد مین تصویب شده است، قاعده را در مورد تله‌گذاری بیان می‌نماید که به صورت غیر مستقیم از حیوانات حمایت می‌نماید. براساس بخشی از این ضمیمه نمی‌توان از حیوانات یا لاشه آنها عنوان تله استفاده نمود. هر چند هدف این سند به هیچ وجه حمایت از حیوان نیست، با این حال و وضع این قاعده می‌تواند مانع از استفاده از حیوانات و لاشه آنها در جنگ گردد.

که در فرایند مخاصمه مشارکت داده می شوند و چه آن دسته از حیواناتی که در جریان مخاصمه نبوده ولی موضوع خسارات و جراحات بر جای مانده از جنگ قرار می گیرند؛ هر دو این دسته از حیوانات از منافع محدود نمودن ابزارها، روش های جنگ و نیز حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بهره مند خواهند بود. بدیهی است هر قدر حقوق بشردوستانه بتواند دامنه خسارات جنگ را محدود نماید، یا جنگ را انسانی نماید این امر به معنای حمایت از حیات و سلامتی حیوانات و آسیب و درد کمتر به این موجودات نیز خواهد بود.

ب) حیوانات غیرجنگی

منظور آن دسته از حیوانات و جانورانی هستند که در مخاصمه به عنوان ابزار یا روش و تاکتیک جنگی شرکت ندارند؛ بلکه از آثار زیان بار جنگ آسیب می بینند. قواعد حقوق بشردوستانه در خصوص این قبیل حیوانات وضوح بیشتر دارد. ضمن اینکه در مورد این دسته از حیوانات قواعد زمان صلح نیز جاری است.

از لحاظ حقوقی این قبیل حیوانات را باید در دو دسته متفاوت بررسی نمود. دسته ای از این حیوانات در مالکیت اشخاص بوده و دسته ای دیگر در تملک شخص خاصی نیستند. در مورد دسته نخست قواعد مالکیت صادق بوده و در صورت وارد آمدن خسارت موضوع مسئولیت مدنی خسارت زننده در برابر مالک حیوان قرار می گیرند.

در مورد دسته دوم از حیوانات که در زمره مباحات قرار می گیرند نظیر حیوانات وحشی کوه و صحرا رژیم حقوق عمومی حفاظت از محیط زیست بر آنها حاکم بوده و دولت ها در زمینه حمایت و پیگیری و جبران خسارات وارده بر حیات وحش در خلال مخاصمات مسلحانه تکلیف دارند.

گفتار دوم - حقوق بشردوستانه اسلامی

در حقوق بشردوستانه اسلامی، آیات و روایات، احکام و توصیه های متعددی در زمینه رعایت و احترام به حقوق حیوانات وجود دارد. بخش عمده ای از احکام ناظر بر حمایت از حیوانات هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ باید رعایت شوند. البته برخی دیگر از این قواعد در هنگام جنگ کم رنگ تر می شوند و فقهای اسلامی در این وضعیت مباحث و دیدگاه های مختلفی را بیان نموده اند.

در این گفتار ابتدا سعی خواهیم نمود اهمیت توجه به حمایت از حیوانات را از منظر اسلام بحث نموده و سپس مجموعه‌ای از حقوق حیوانات که هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ لازم‌الرعايه هستند را مورد اشاره و در پایان قواعدی را که از حیوانات در زمان مخاصمه حمایت می‌نمایند را از منظر منابع و حقوق اسلامی بحث خواهیم نمود.

الف) اهمیت توجه به حیوان و حقوق آن

در میان ادیان بزرگ الهی (ادیان ابراهیمی) در دین اسلام حقوق حیوانات چه در سطح توصیه‌های اخلاقی و عرفانی و چه در سطح احکام مربوط به نحوه رفتار به حیوانات همواره مورد توجه قرار گرفته است و حیوانات در کنار انسان‌ها به عنوان موجودات دارای حیات و جان مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این خصوص منابع روایی و حدیثی سرشار از توجه به این قلمرو است.

برای نمونه در بعضی از کتاب‌های مهم فقهی باب ویژه‌ای برای فضیلت آب و غذا دادن به حیوانات، گشوده شده است که از کتب فقهی شیعه حدائق الناضرة و از کتب فقهی عامه صحیح مسلم را می‌توان مثال زد (یوسف بحرانی، حدائق الناضرة، ج ۲۵: ۱۳۹ و نوری، شرح صحیح مسلم، ج ۱۴: ۲۴۱). نفقه چهارپایان جزء واجبات از تکالیف مسلمانان شمرده شده است (یزدی، ۱۳۹۲: ۱۲۱۴). رسول خدا (ص) فرموده‌اند:

«هرکس از شما سفر کرد چون در منزلی فرود آمد نخستین کار او آب و علف دادن به مرکب خود باشد».^۱

در روایت دیگر حضرت فرمودند: «صاحب گربه‌ای را در آتش دیدم که پیش و پس او را می‌گیرند و می‌خورد و او کسی بود که گربه‌ای را زندانی کرده و به آن غذا نمی‌داده و آن را رها هم نمی‌کرده که از حشرات زمین بخورد».^۲

در حمایت از پرنده‌ها آورده‌اند که ابوذر غفاری، فصل از تخم درآمدن پرندگان در کوچه‌ها می‌گشت و هر جا بچه گنجشکی در دست کودکی می‌دید آن را می‌خرید و آزاد می‌کرد (بحارالانوار، ج ۶۱: ۲۷۱).

۱. «من سافر منکم بدابته فلیبدأ حین ینزل بعلفها و سقیها». بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۱۳.

۲. «رأیت فی النار صاحب الهرة تنهشها مقبله مدبرة کانت او ثقیها ولم تکن تطعمها ولا ترسلها تاكل من خشاشه الارض». بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

و نیز نقل شده که حضرت رسول (ص) وارد بستانی شد و شتری پیش آمد و صدا در گلو می‌چرخانید و حضرت دستی بر شتر کشید و شتر آرام شد، سپس حضرت، صاحب آن را احضار کرده و فرمود که این شتر از گرسنگی به من شکایت می‌کند، آیا از خدا نمی‌ترسی که آن را گرسنه نگاه می‌داری (همان: ۲۷۱).

حقوق حیوانات تا جایی مورد تأکید قرار گرفته که چنانچه مالک در دادن نفقه حیوان کوتاهی نماید، حاکم شرع مالک را اجبار می‌نماید و اگر اجبار مؤثر واقع نشود، هر آنچه مصلحت باشد حاکم خود انجام می‌دهد (شرح شرایع الاسلام، همان: ۷۴۹).
در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که ایشان فرموده‌اند که حیوان شش حق بر مالک خود دارد:

۱. بیش از طاقت حیوان بر آن بار نزنند؛
۲. پشت حیوان را جلسه گفت‌وگو قرار ندهد؛
۳. چون از مرکب فرود آید ابتدا آن را علف دهد؛
۴. بر حیوان داغ ننهد؛
۵. بر صورت حیوان نزنند که تسبیح خدا می‌کند؛
۶. چون بر آب بگذرد آن را آب دهد.^۱

از جمله حقوق دیگر حیوان آن است که:

- دوشیدن شیر حیوان به‌طوری‌که به خاطر کمبود علف به حیوان آسیب برسد جایز نیست.
- زود هنگام فحل دادن حیوان (برای تولیدمثل) به‌طوری‌که به بچه آن آسیب برسد جایز نیست (الحداثق الناضره، ج ۲۵: ۱۴۳ و ۱۴۲).
- از کشتن زنبور عسل و مورچه نهی شده است (بحارالانوار، ج ۶۱: ۲۱۰).

همچنین سفر برای صید سه گونه است:

۱. برای تحصیل قوت و غذای خود و خانواده و مهمان؛ جایز؛
۲. جهت سود بردن تجاری از صید؛ جایز؛

۱. «لذا به علی صاحبها سئة حقوق، لا یحملها فوق طاقتها ولا یتخذ ظهیرها مجلساً یتحدّث علیها و یبدأ بعلفها اذا نزل، ولا یسمها ولا یضربها فی وجهها فانها تسبیح و یعرض علیها الماء اذا مرّ به». وسائل الشیعة، ح ۸، باب ۹، حقوق الدابة المندوبه والواجبه، ح ۱.

۳. جهت لهُو و لعب و لذت بردن از شکار حیوانات؛ غیرجایز.

فرض سوم می تواند بسیار راهگشا باشد لذا در مورد آن قدری بیشتر سخن می گوئیم. از امام صادق (ع) پرسیدند: مردی که به قصد صید، بیرون می رود آیا نماز را شکسته بخواند یا تمام؟ فرمودند: تمام بخواند چون سفر و مسیر، حق نبوده است.^۱ از این روایت معلوم می شود که شکسته بودن نماز، مخصوص کسی است که سفر او معصیت نباشد ولی چون صید لهُوی، سفر معصیت است، نماز چنین صیادی تمام است. در روایت دیگر از امام باقر (ع) پرسیده شده است از مردی که همراه باز شکاری و سگ شکاری به شکار می رود و دو سه شب سفر او طول می کشد آیا نمازش را کامل بخواند یا شکسته؟ فرمودند: سفر او سفر لهُوی است و نباید نماز را شکسته بخواند.^۲ اما چرا نماز صیادی که برای تفریح شکار می کند شکسته است؟ آیا به خاطر حرام بودن چنین سفری است؟ برخی از فقها گفته اند که چنین سفری حرام نیست و اتمام نماز به خاطر تعبد و دلیل خاص است.

برخی نیز سفر لهُوی را حرام دانسته اند و به خاطر حرام بودن سفر، نماز را تمام می دانند و نظر مشهور فقها نیز این است که چون کشتن بی جهت حیوانات بی آزار تباه کردن نعمت خدا و در جهت از دست رفتن منافع دیگران است، چنین سفری حرام و نماز در آن سفر هم تمام است (سید ابوالقاسم خویی، مستند العروة، ج ۸: ۱۱۷). در تأیید معصیت و حرام بودن چنین سفری می توان به روایت امام صادق (ع) استناد نمود که فرموده اند:

«کسی که سفر می کند نمازش شکسته است مگر اینکه سفرش برای صید (تفریحی) یا برای معصیت خدا باشد یا پیام رسان کسی باشد که خدا را معصیت می نماید».^۳

قابل ذکر است که حکم اولیه در صید، اباحه است و قرآن کریم به صراحت حکم آن را بیان می نماید که «أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ»؛^۴ «گوشت چهارپایان بر شما حلال است».

۱. سئلت اباعبدالله (علیه السلام) عن الرجل يخرج الى الصيد يقصرا و يتم قال: يتم لانه ليس بمسير حق. وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة المسافرين، باب ۹، ح ۴.

۲. «... قال: انما خرج فی لهُو لا يقصر». همان، باب ۸، ح ۲.

۳. «من سافر فقصر الا ان يكون سفره فی صید او فی معصية الله او رسولا لهن يعصى الله». وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلوٰة المسافرين، باب ح، ح ۳.

۴. سوره مائده: آیه ۱.

و نیز می فرماید: «أَجَلَ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ...»^۱ «شکار دریایی بر شما مجاز و تا وقتی در احرام هستید شکار صحرایی بر شما حرام است».

از این آیه می فهمیم جز در حال احرام هم شکار دریایی و هم شکار صحرایی مباح و جایز است.

و نیز در سفر، اصل بر شکسته بودن نماز است و قرآن کریم می فرماید:

«إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»^۲

وقتی در زمین به سفر می پردازید بر شما حرجی نیست که نماز را شکسته بخوانید».

با وجود این حکم اولیه چنانچه سفر، سفر معصیت و شکار لهوی باشد به خاطر نشان دادن قبح این عمل چنین صیدی حرام و نماز در چنین سفری محکوم به تمام بودن است. از ملاحظه این حکم روشن می شود افرادی که در صدد تخریب محیط زیست و حوش هستند افراد بی درد مخرب و مست قلمداد شده اند.

«يَطْلُبُ الصَّيْدَ يَرِيدُ بِهِ لَهْوَ الدُّنْيَا؛ كَسَى كَسَى بِه دُنْبَالُ لَهْوِ دُنْيَايِي صِيدَ مِي نَمَائِد» (وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلوة المسافر، باب ۱۱، ح ۹).

«لأنه ليس بمصير حق؛ سفر چنین شخصی در مصیر حق نیست» (همان، باب ۹، ح ۴).

«فان الصيد مسیر باطل؛ صید کردن مسیر باطلی است» (همان، ح ۷).

«ان صاحب الصيد يقصر مادام على الجاده فاذا عدل عن الجاده اتم...؛ صیاد مادام که در جاده است نمازش شکسته و زمانی که از جاده منحرف شد نمازش تمام است» (همان، ح ۶).

مرحوم صاحب حدائق مراد از جاده در این روایت را به معنی طریق حق گرفته است و راه شرعی که موافق دستور صاحب شریعت است و وقتی موافق دستور شرع نبود نماز چنین شخصی تمام است (الحدائق الناضرة، ج ۱۱: ۳۸۵).

۱. سوره مائده: آیه ۹۶.

۲. سوره نساء: آیه ۲.

ب) حمایت عام از حیوانات (هم در زمان صلح و هم جنگ)

بخش عمده‌ای از حقوقی که در منابع اسلامی در مورد حمایت از حیوانات ذکر گردیده است به صورت عام، هم در زمان مخاصمه و هم در زمان صلح قابل اعمال هستند. این حقوق طیف متنوعی از حمایت‌ها را دربرمی‌گیرد.

ج) حمایت اختصاصی از حیوانات در زمان جنگ

بخشی از حقوق ناظر به حمایت از حیوانات ناظر به وضعیت مخاصمه است. برای مثال ممنوعیت پی کردن حیوانات برای وضعیت مخاصمه در منابع اسلامی بیان گردیده است. در ادامه برخی از این حقوق را بحث خواهیم نمود.

۱. منع آسیب به حیوانات غیرنظامی

به عنوان قاعده کلی، آثار جنگ باید به اموال و اشخاص نظامی محدود گردد و وارد آوردن خسارات و آسیب به آن دسته از حیواناتی که در زمره اموال غیرنظامی محسوب می‌شوند ممنوع است. خداوند در قرآن کریم در داستان لشکریان حضرت سلیمان و مورچگان به نحو زیبایی این فرض را به تصویر کشیده است.

طی آیه ۱۷ تا ۱۹ سوره نمل بیان گردیده است که لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندگان نزد او جمع شدند آن قدر زیاد بودند که باید توقف کنند تا به هم ملحق شوند. تا به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند درحالی که نمی‌فهمند!

«وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يَوْزَعُونَ. حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادٍ اللَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا اللَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمُكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل، ۱۸).

(سلیمان) از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: پروردگارا! شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام فرما و توفیق مرحمت کن تا عمل صالحی که موجب رضای تو گردد انجام دهم و مرا در زمره بندگان صالحت داخل نما. بنابراین در خلال هر مخاصمه و جنگی علاوه بر انسان‌ها دسته وسیعی از جانوران موجودات زنده نیز از عواقب سو و ناگوار جنگ آسیب می‌پذیرند.

۲. رفتار انسانی با حیوانات در جنگ

این قاعده که پیشتر در حقوق بشردوستانه تحت عنوان شرط مارتنس مورد اشاره قرار گرفت در منابع اسلامی ذیل عنوان رفتار محبت آمیز و انسانی با حیوانات (اعم از حیوانات جنگی یا غیر جنگی) مورد اشاره قرار گرفته است.

حقیقت آن است که حیوانات حتی حیوانات جنگی هیچ کینه توزی نسبت به انسان ها ندارند و درواقع به عنوان ابزار و ادوات جنگی مورد استفاده قرار می گیرند. بنابراین رفتار انسانی با حیوانات از ضرورت های رفتار اسلامی است. این امر هر در رفتار و هم در گفتار معصومین همواره مورد توجه قرار گرفته است.

برای مثال قبلاً در بحث آب اشاره کردیم که در واقعه کربلا وقتی لشکریان حر به کاروان امام حسین (ع) نزدیک شدند، از آنجا که ظهر بود و هوا بسیار داغ، انسان وقتی آثار تشنگی را در لشکریان و اسبان مشاهده نمودند، فرمودند: به تشنگان آب برسانید و دهان اسبان شان را تر کنید، آنها به دستور امام (ع) عمل کردند و به تمام افراد اسبان لشکر حر آب دادند (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

۳. ممنوعیت پی کردن حیوانات (عقر)

یکی از بحث های مهمی که در حقوق بشردوستانه اسلامی در میان فقها مورد بحث است، پی نمودن حیوانات در هنگام محاصره است. این امر به تاریخ جنگ هایی باز می گردد که چه در پیش از اسلام و چه در پس از آن اعراب و گاهی مسلمان از این اقدام به عنوان تاکتیک جنگی استفاده می نمودند.

تاکتیک مزبور در جنگ به این نحو اجرا می شد که برای اینکه بتوان دشمن را زمین گیر کرد یا از کارایی نظامی دشمن کاست، معمولاً چهار دست و پای حیوان دشمن^۱ را با شمشیر یا وسیله دیگر قطع می کردند. این اقدام اصطلاحاً عقر نامیده می شد.

یک مسئله اساسی و اختلافی که در اینجا مطرح است این است که آیا در هر شرایطی عقر در جنگ مجاز است؟ آیا سربازان می توانند حیوان خود یا دیگری را در هر وضعیتی پی نمایند؟ آیا فقط می توان از عقر به عنوان آخرین حربه و چاره جنگی استفاده نمود؟ آیا

۱. تعرقب الدابة أى التعرض لقطع عرقوبها، و العرقوب - بالضم - العصب الغليظ الموتر فوق العقب من الإنسان و من ذوات الأربع عبارة عن الوتر خلف الكعبين بين مفصل الساق و القدم... (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ۱۴۶)

استفاده از این روش در هر وضعیتی حتی بدون ضرورت نظامی مجاز است؟ آیا اقدام به عقر در جنگ نقض اصل تفکیک و تناسب و ضرورت و سایر اصول حقوق بشردوستانه به شمار نمی‌رود؟ در پاسخ به چنین سؤالاتی به‌ویژه از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی بحث‌های بسیار پراکنده‌ای در میان منابع فقهی شده است. باین حال می‌توان به برخی از اصول و قواعد و احکام در این خصوص دست یافت.

در مورد اینکه آیا می‌توان حیوان خود یا دیگری را در جنگ عقر نمود، در برخی از منابع پیامبر گرامی اسلام سربازان را از این اقدام منع نموده است؛ حتی اگر حیوان مانع کارایی نظامی شود. برای مثال «پیامبر گرامی اسلام به سربازان خود فرمان می‌دهد که هرگاه در سرزمین دشمن، چهار پای آنها سرکشی کرده، از ادامه حرکت باز ایستند، می‌توانند او بکشند (ذبح نمایند) اما مجاز نیستند دست و پایش را قطع کنند» (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

«إذا حُرنت علی احدکم دابه، یعنی اذا قامت فی ارض العدو فی سبیل الله - فلیذبحها و لا یعرقها»^۱ (وسائل الشیعه، ح ۵۶۲۴۳).

سؤال دیگری که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که آیا این دستور پیامبر اکرم در جنگ تنها ناظر به فرضی است که امکان و شرایط ذبح حیوان فراهم است؟ یا اگر چنین شرایطی فراهم نبود می‌توان برای افزایش کارایی نظامی حیوان را پی نمود. در این خصوص برخی از فقهای عظام معتقدند که این سخن پیامبر گرامی اسلام تنها ناظر به زمانی است که امکان چنین کاری باشد و سرباز فرصت و شرایط کافی برای ذبح حیوان را داشته باشد. در غیر این صورت اگر شرایط و اوضاع و احوال جنگ به گونه‌ای باشد که امکان کشتن حیوان از طریق شرعی فراهم نباشد می‌توان حیوان را در چنین شرایطی پی نمود (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

در دیدگاه مخالف می‌توان این‌گونه بیان نمود که پیامبر گرامی اسلام با نظر به وضعیت جنگی و اهمیت حمایت از حیوانات و در کنار هم قرار دادن وضعیت جنگی با لزوم حمایت، این فرمان را به سربازان داده است. لذا سربازان در هیچ حال مجاز به پی نمودن حیوان نخواهند بود. چنانچه برخی از فقها این‌گونه نظر داده‌اند (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۴۸۶).

۱. اصل حدیث از این قرار است: مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا حُرِنَتْ عَلَى أَحَدِكُمْ دَابَّتُهُ (فِي أَرْضِ الْعَدُوِّ) فَيَسِيلُ اللَّهُ (فَلْيَذْبَحْهَا وَ لَا يُعْرِقْهَا). (حر عاملی، وسائل الشیعه، ح ۵۶۲۴۳)

درواقع ممنوعیت آزار و اذیت حیوانات (تعذیب) در هر وضعیتی جایز نیست. هرچند برخی این دیدگاه را رد نموده و معتقدند که در شرایط خاص جنگی چنین اقدامی مجاز است. حتی برخی گفته‌اند که جعفر بن ابی طالب در نبرد موه دست به چنین کاری زد (کرکی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۸۷ و نجفی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۸۵-۸۲).

«قال أبو عبد الله (ع) لما كان يوم مؤتة كان جعفر بن أبي طالب على فرس له فلما اتقوا نزل عن فرسه فعربها بالسيف فكان أول من عرقب في الإسلام». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵۶۲۴۴).

در این زمینه دیدگاه‌های دیگری نیز مطرح شده است. برخی از فقها حکم به کراهت پی کردن حیوانات داده‌اند. برخی دیگر در صورتی که افتادن حیوان در دست دشمن را موجب تقویت قوای دشمن بدانند رأی به جواز داده‌اند ولی بااین حال توصیه بر ذبح حیوان به جای پی کردن آن نموده‌اند. برخی در این خصوص و در توجیه این رویکرد این گونه استدلال نموده‌اند که:

«...اللهم ان يري الفارس ذلك صلاحاً كما فعل جعفر بن أبي طالب بموتة. قال بعضهم: هذا يفعله الفارس إذا عرف أنه مغلوب لئلا يتقوى المشركون بها. و إنما قلنا بکراهته لا لمصلحة لانه يؤول إلى هلاكها و نهى رسول الله (ص) عن قتل الحيوان لغير مأکله...» (حلی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۱۳).

برخی دیگر قائل به تفصیل شده و معتقدند این حکم در مورد حیوانات (اسب و شتر) لشکر مسلمین صادق است ولی در مورد لشکر کفار پی کردن حیوانات کراهت نداشته و چه بسا جایز است در غیر این صورت موجب تقویت قوای دشمن می‌شود^۱ (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۸۲). اما به نظر می‌رسد در مورد حیوانات دشمن فقها پی کردن را ممنوع ندانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۷).

برخی دیگر بر این نظر قائلند که هیچ تفاوتی نمی‌کند و حیوان ملک انسان است و از باب سلطه مالکانه‌ای که انسان‌ها بر حیوانات دارند در هر حال پی کردن ایرادی ندارد^۲

۱. محقق کرکی در این خصوص آورده است که «قلنا: حال الحرب مخالف لغيره، و إتلاف الدابة و إضعافها أمر مطلوب، لأن إبقائها بحالها ربما أدی إلى استعانة الكفار بها، و قد فعل ذلك جعفر بن أبي طالب عليه السلام في مؤتة، حيث علم أنه مقتول. و أما دابة الكفار فيجوز أن تعرق، لأنه يفضي إلى إضعافهم. و يجوز إتلاف الدابة بالذكاة على كل حال قطعاً. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۸۷)

۲. و أما عدم التحريم فلأن «الناس مسلطون على أموالهم»

(محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۸۶). این دیدگاه مبتنی بر نگاه صرف مالکانه بر حیوانات استوار است و قطعاً با برخی از توصیه‌های اخلاقی اسلامی و برخی مبانی احکام در خصوص حقوق حیوانات سازگار نیست.

چنانچه محقق کرکی در نقد این دیدگاه به همین استدلال توجه نموده است که چگونه در دین اسلام که ممنوعیت آزار و اذیت حیوانات، لزوم دادن آب و غذا و حرمت بار نهادن، ممنوعیت مقرر گردیده ولی پی کردن را می‌توان مجاز اعلام نمود^۱ (محقق کرکی، همان: ۳۸۶).

برخی دیگر در تقویت این نگاه آورده‌اند که در کتب فقهی عباراتی چون: «لا احترام روح الحيوان»، «إن للحيوان حرمة فی نفسه». به چشم می‌خورد که حیوانات را به دلیل داشتن روح و حرمت داشتن جان و نفس حیوان از سایر اموال جدا می‌نماید. بنابراین آشکار است که این نگاه (نگاه به عنوان مال) مورد قبول نیست و به طریق اولی باید گفت که وقتی در مورد رفتار با حیوانات حرمت‌های متعددی وجود دارد در مورد پی کردن حیوانات نیز حرمت شدیدتر خواهد بود.

۴. ممنوعیت نشانه‌گیری حیوانات

یکی از افعالی که معمولاً نظامیان برای آمادگی در جنگ و افزایش توان رزمی خود در گذشته از آن استفاده می‌نمودند، هدف قرار دادن حیوانات به عنوان نشانه به‌ویژه در تمرین‌های رزمی نظیر شکار و تیزاندازی بود. حتی ممکن است این طریق امروزه نیز کما بیش در میان نظامیان و غیرنظامیان وجود داشته باشد.

در حقوق اسلام این اقدام از آنجاکه موجب آزار و اذیت حیوانات می‌شود ممنوع اعلام گردیده است. هرچند در تعالیم اسلامی بر ورزش تیراندازی تأکید و توصیه زیادی شده است اما به گفته برخی تحلیل‌گران «اگر این ورزش زمینه آزار و اذیت حیوانی را فراهم نماید، نه تنها مطلوب نیست بلکه حرام نیز خواهد بود» (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۱. محقق کرکی در این خصوص آورده است: «...بحرم تعذیب الدابة، و عدم إطعامها و سقیها و تحمیلها فوق الطاقة، فكيف جازت العرقبة؟...» (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۸۶)

همچنین از منظر اسلام «صبر البهائم» ممنوع بوده و نصوص متعددی دلالت بر آن دارد.^۱ منظور از این اقدام این است که «دست و پای حیوانی را بسته و با هدف قرار دادن و تیراندازی به سوی او زمینه مرگ تدریجی اما دردناکش را فراهم نمود» (نظری توکلی: همان؛ مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۷۵).

در روایت است که پیامبر گرامی اسلام این اقدام را در مورد گروهی که مرغ زنده‌ای را نشانه رفته بودند لعن نموده‌اند.^۲ بنابراین اقدام به چنین عملی از سوی نظامیان حتی برای افزایش آمادگی رزمی چون منجر به آزار و اذیت حیوانات می‌گردد از منظر حقوق اسلام ممنوع است.

این حکم به صورت کلی در مورد حیوانات از آنجاکه دارای روح هستند ممنوع اعلام گردیده است. در این خصوص اختلافی میان فقهای امامیه و عامه نیست.^۳

۱. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- «نهی عن المثلثة بالحيوان و عن صبر البهائم» ۲- «نهی عن المصبورة» ۳- «ان رسول الله صلى الله عليه و آله نهى صبر ذی الروح» ۴- «لعن الله من اتخذ شيئا فيه روح غرضا» ۵- «فی الصحيح عن الحلبي عن الصادق عليه السلام: لم يقتل رسول الله صلى الله عليه و آله رجلا صبرا غير عقبه بن أبي معيط، و طعن فی أبي بن خلف فمات بعد ذلك» ۶- «لا تتخذوا شيئا غرضا فيه روح» (میانجی، ۱۴۱۱، ۲۵۲)

۲. مغربی در این خصوص اینگونه گفته است که: «و الصبر الحبس و من حبس شيئا فقد صبره و منه قيل قتل فلان صبرا إذا أمسك على الموت فالمصبورة من البهائم هي المحبوسة كالدجاجة و غيرها من الحيوان أن تربط و توضع فی مكان ثم ترمی حتى تموت...» (مغربی، ۱۳۸۵، ۱۷۵) ایضا علامه مجلسی و محدث نوری نیز تعریف مشابهی را آورده است «الصبر و الحبس و من حبس شيئا فقد صبره و منه قيل قتل فلان صبرا إذا أمسك على الموت فالمصبورة من البهائم هي المختمة كالدجاجة و غيرها من الحيوان تربط و توضع فی مكان ثم ترمی حتى تموت» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶۲، ۳۲۸، محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ۱۵۸)

۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَصَبُوا دَجَاجَةً حَيَّةً وَ هُمْ يَرْمُونَهَا فَقَالَ مَنْ هَؤُلَاءِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ (كوفی، بی تا، صص ۸۳-۸۴)

۴. در متون فقهی اهل سنت نیز این ممنوعیت به طرق دیگری بیان شده است. صبر البهائم بویژه از آنجا که حیوانات ذی روح هستند نهی شده است. برای مثال در صحیح مسلم عین عبارت پیامبر اکرم اینگونه روایت شده است: «حدثنا محمد بن المثنی حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة قال سمعت هشام بن زيد بن أنس بن مالك قال دخلت مع جدي أنس بن مالك دار الحكم بن أيوب فإذا قوم قد نصبوا دجاجة يرمونها قال فقال أنس نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم أن تصبر البهائم وحدشيه زهير بن حرب حدثنا يحيى بن سعيد وعبد الرحمن بن مهدي ح وحدثنی يحيى بن حبيب حدثنا خالد بن الحارث ح وحدثننا أبو كريب حدثنا أبو أسامة كلهم عن شعبة بهذا الإسناد قوله: نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم أن تصبر البهائم (وفی روایة): لا تتخذوا شيئا فيه الروح غرضا (قال العلماء: صبر البهائم: أن تحبس وهي حية لتقتل بالرمي ونحوه، وهو معنى: لا تتخذوا شيئا فيه الروح غرضا، أي لا تتخذوا الحيوان الحي غرضا ترمون إليه، كالغرض من الجلود وغيرها، وهذا النهي للتحريم، ولهذا قال صلى الله عليه وسلم فی رواية ابن عمر التي بعد هذه: (لعن الله من فعل هذا) ولأنه تعذيب للحيوان وإتلاف لنفسه، وتضييع لماليته، وتقويت لذكاته إن كان مذكى، ولمنفعته إن لم يكن مذكى» (صحیح مسلم، ۱۴۱۶، ج ۱۹۵۶ الشوكاني، ۱۴۱۳، ص ۹۸)

دلیل این حرمت را نیز اِتلاف بی‌مورد حیوان و ضایع نمودن^۱ اموال دانسته‌اند که عقلاً جایز نیست.

۵. اسیر کردن حیوانات

در هنگام یا پس از جنگ ممکن است، حیوانات دشمن به عنوان غنیمت جنگی یا هر عنوان دیگری در دست طرف دیگر بیفتند. در این خصوص قواعد عمومی و احکام عمومی ناظر بر حمایت از حیوانات جاری خواهد بود. لذا نظامیان مسلمان حق ندارند حیوانات را از آن جهت که متعلق به دشمن است مورد آزار و اذیت قرار دهند و یا از حقوق اولیه که در متون دینی برای حمایت از حیوانات مقرر است محروم نمایند.

تأمین آب و غذای حیوانات و ممنوعیت حبس و نگهداری آنها در محیط بدون رسیدگی از نظر فقه‌های اسلامی جایز نبوده و حرام اعلام شده است (سیستانی، ۱۴۱۶: ۱۳۶). بنابراین شاید بتوان گفت که حیوانات خودی یا دشمن در جنگ که به عنوان غنیمت در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرند، مشمول حمایت‌های مقرر قرار می‌گیرند. این حیوانات باید از آب و غذای کافی بهره‌مند شوند و در صورت زخمی شدن و بیماری نیازمند تیمار از سوی صاحبان جدید خود هستند و در صورت نیاز به ذبح تمامی حقوق مقرر در متون دینی باید در خصوص آنها نیز رعایت گردد.

۶. ممنوعیت کشتار بیهوده حیوانات

این ممنوعیت هرچند محدود به زمان جنگ نیست، لیکن در زمان جنگ و مخاصمه اهمیت دوچندانی می‌یابد. در زمان مخاصمه سربازان تنها مجازند در حد ضرورت و متناسب با حمله و اهداف مشخص شده خسارت وارد نمایند. این قاعده به حیوانات نیز تسری می‌یابد.

۱. این دلیل را فقه‌های عامه نیز پذیرفته و برای حرمت این عمل ذکر کرده‌اند: «قوله: (لعن من اتخذ شئاً فی الروح غرضاً) (الغرض بفتح الغین المعجمة والراء: وهو المنصوب للرمی، واللعن: دلیل التحريم. قوله: (أن تصیر البهائم) بضم أوله: أي تحبس لترمی حتی تموت، وأصل الصبر: الحبس قال النووی: قال العلماء: صبر البهائم أن تحبس وهي حیة لتقتل بالرمی ونحوه وهو معنی { لا تتخذوا شئاً فی الروح غرضاً } (أي لا تتخذوا الحيوان الحي غرضاً ترمون إليه كالغرض من الجلود وغيرها. وهذا النهی للتحريم، ويدل على ذلك ما ورد من لعن من فعل ذلك كما فی حدیث ابن عمر، ولأن الأصل فی تعذیب الحيوان وإتلاف نفسه وإضاعة المال...) (الشوكاني، ۱۴۱۳، ۹۸)

در حقوق بشردوستانه این حمایت در چهارچوب برخی اصول حقوق بشردوستانه نظیر اصل تفکیک و تناسب و حمایت از اموال غیرنظامی ذکر گردیده است. در حقوق اسلام نیز اقدام بیهوده برای کشتن جانوران عملی غیرعقلایی و حرام محسوب می گردد. در روایت آمده است که حتی نباید گنجشکی را بدون دلیل کشت.^۱

مبحث چهارم - خاک

یکی دیگر از آثار و خسارات ناشی از جنگ تخریب و آلودگی خاک است. هرچند در ظاهر این نوع آلودگی چندان جای بحث ندارد و معمولاً در جنگ ها از عوارض زمین و خاک به عنوان تاکتیک مرسوم جنگی استفاده می شود. لیکن باید توجه نمود که خاک های باارزش و حاصلخیز که منبع مهمی در تأمین نیازهای اولیه انسان هستند امروزه در معرض آسیب و خسارات جدی قرار دارند. گزارش مؤسسه پکس در مابحث قبلی در مورد جنگ داخلی سوریه اشاره شد، حاکی از این است که جنگ داخلی در سوریه منجر به تخریب اراضی کشاورزی و زمین های حاصلخیز این کشور شده و سال ها وقت نیاز است تا مجدداً احیا گردند. در ادامه سعی خواهیم کرد تخریب و آلودگی خاک را از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی و موجود مورد بررسی قرار دهیم.

گفتار اول - حقوق بین الملل بشردوستانه

عنصر خاک نیز از آسیب و خسارت و در خلال مخاصمات مسلحانه و مصون نیست. از جمله مهم ترین آثار جنگ در خاک می توان به موارد زیر اشاره نماییم.

۱. آلودگی خاک و زمین به انواع مین ها و سلاح هایی سبک و سنگین

وجود مین در خاک با توجه به تعریف آلودگی محیط زیست،^۲ نوعی آلودگی فیزیکی خاک محسوب می شود. این مین ها به ویژه در بلندمدت می توانند علاوه بر خطرات

۱. وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا أَتَى اللَّهَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ صُرَاخٌ وَ يَقُولُ يَا رَبِّ سَلِّ هَذَا فِيمَ قَتَلْتَنِي بِغَيْرِ ذَنْحٍ وَ لِيُحْذَرَ أَخَذَكُمْ مِنَ الْمَثَلَةِ وَ لِيُحْدِثَ الشُّفْرَةَ وَ لَا يُعَذَّبَ الْبَهِيمَةُ ... (مغربی، ۱۳۸۵، ۱۷۵)

۲. منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوریکه زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. (ماده ۹ قانون حفاظت ←

بالقوه‌ای که ناشی از انفجار احتمالی بر انسان و محیط زیست طبیعی از خود بر جای گذارند، عاملی برای آلودگی شیمیایی خاک به فلزات سنگین نیز خواهند بود. مین‌ها و سلاح‌های برجای مانده در خاک از جنگ تحمیلی ایران و عراق که بعد از پایان جنگ منجر به ورود خسارات متعددی به اموال، اشخاص و محیط زیست شده است نمونه آشکار آلودگی خاک است (آسترکی و احدی، ۲۰۰۸: ۱۷۵-۱۷۱). این قبیل آلودگی‌ها در مخاصمات داخلی مانند وضعیت سوریه و عراق نیز گزارش شده است.

۲. آلودگی خاک با انواع سلاح‌های میکروبی، شیمیایی، سمی و هسته‌ای

مهم‌ترین خسارت بلندمدت استفاده از سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و سمی تخریب خاک و ایجاد آلودگی در آن است. سلاح هسته‌ای می‌تواند منجر به انتشار آلودگی رادیواکتیو در محیط زیست شود. آلودگی وارد هوا، آب، خاک و نیز گیاهان و جانوران می‌شود. انسان به عنوان مهم‌ترین جزء محیط هم از طریق محیط فیزیکی اطراف و هم از طریق منابع گیاهی و جانوری آلوده در معرض آلودگی رادیواکتیو پخش شده در محیط می‌باشد و تحت تأثیر سمیت شیمیایی و نیز سمیت تشعشعی این مواد قرار می‌گیرد (عزیزی، ۱۳۸۲: ۴۷). سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در صورتی که علیه اهداف نظامی چون منابع آبی یا اراضی کشاورزی به کار برده شوند می‌توانند خسارات زیست محیطی بسیار زیادی بر جای گذارند (بهنامزاده، ۱۳۹۰: ۶۰).

۳. نابودی و تخریب اراضی و خاک‌های مرغوب کشاورزی و زراعی

سلاح‌های جنگی به ویژه از نوع سنگین می‌توانند اراضی و خاک‌های زراعی مرغوب را تخریب نمایند. اهمیت خاک‌های زراعی در مقایسه با سایر خاک‌ها بیشتر است. سال‌های طولانی نیاز است تا خاک مرغوب زراعی و کشاورزی حاصل شود. تغییر کاربری‌های احتمالی اراضی کشاورزی در خلال درگیری می‌تواند منجر به نابودی چنین اراضی شود. وضعیت جنگی و مخاصمه ممکن است بهره‌برداری است خاک‌های کشاورزی را در خلال جنگ ناممکن نماید.

→ بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی (آنگونه که در بخش ۲ ماده ۲ قانون فدرال آلمان حمایت از خاک مقرر گردیده است. منظور از آلودگی خاک عبارت است از خسارت به زمین از طریق آسیب به کارکردهای خاک و تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم مواد و ارگانیزم‌ها و میکرو ارگانیزم‌ها خاک که خطری را برای سلامتی انسانی ایجاد نماید (مشهدی، ۱۳۸۹، ۳۱۶).

۴. تغییر شکل اراضی و خاک‌ها از طریق استفاده از آب و خاک و نوع سلاح و تاکتیک رزم

یکی از روش‌های مرسوم در جنگ‌ها که فرماندهان نظامی از آنها بهره می‌جویند، تغییر شکل زمین و استفاده از عوارض آن به عنوان تاکتیک و روش جنگی است. این اقدام می‌تواند منجر به تغییر شکل اراضی گردیده و اکوسیستم منطقه را به‌ویژه در مناطق حساس زیستی تحت تأثیر خود قرار دهد.

۵. گسترش آلودگی خاک و ریزگردها در بلندمدت به‌ویژه در مناطق خشکی و بیابانی از طریق نابودی زمین

از آثار بلندمدت جنگ به‌ویژه در مناطق دارای آب و هوای خشک و بیابانی، ایجاد آلودگی ریزگردها در بلندمدت است. ریزگرد، ذرات^۱ معلق کوچک، اعم از جامد و مایع است که در هوا یافت می‌شوند. در حقیقت، این نوع از آلودگی هوا شامل هر نوع ماده شناور در هوا می‌شود. این ذرات و مواد شناور، شامل گرد و غبار^۲ و دود و ذرات^۳ قابل رؤیت تا ذرات ریز میکرونی دیگر می‌شوند.

برخی کارشناسان افزایش آلودگی گردوغبار در مناطق غربی و جنوبی کشور ناشی از جنگ تحمیلی، از جمله اثرات نامطلوب ناشی از جنگ تحمیلی بر اراضی جنگلی و تالابی مناطق جنوبی و جنوب شرقی ایران، از جمله خشکاندن تالاب هورالعظیم در خوزستان و نیز قطع درختان نخل توسط عراق در خلال جنگ، دانسته‌اند (مشهدی و فهیمی، ۱۳۹۲: ۱۹۴ و مشهدی، ۱۳۸۸). در هنگام جنگ نیز استفاده از سلاح‌های سنگین می‌تواند آلودگی ریزگردها را ایجاد نماید.

گفتار دوم - حفاظت از خاک از منظر حقوق بشر و دوستانه اسلامی

زمین و خاک در منابع اسلامی بارها مورد اشاره قرار گرفته و به اهمیت آن اشاره شده است. بنابراین براساس قاعده کلی ایجاد فساد و آلودگی در زمین از هر طریقی ممنوع شده است. بنابراین شاید بتوان گفت که محسوس‌ترین عنصر طبیعت که همواره

-
1. Particulates
 2. Dust
 3. Haze

تمامی موجودات با آن در ارتباط هستند زمین است. در آیات فراوانی نسبت به زمین و خاک سخن گفته شده است.

در برخی آیات خداوند زمین را گهواره و محل آرامش آدمیان قرار داده است.^۱ در تفسیر نمونه می نویسد: آری خداوند زمین را گهواره انسان قرار داد درحالی که زمین چندین نوع حرکت دارد، در پرتو قانون جاذبه و قشر عظیم هوایی که آن را از هرسو فراگرفته و عوامل دیگر، چنان آرام است که ساکنان آن احساس کمترین ناراحتی نمی کنند و این نعمت آرامش، پایه اصلی بهره گیری از نعمت های دیگر است، بدیهی است که این عوامل مختلف دست به دست هم نمی دادند هرگز این آرامش وجود نداشت (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱: ۱۷ و ۱۶).

در آیه دیگری بر نقش پر اهمیت زمین که حیات در آن جریان دارد اشاره می نماید و می فرماید: (آیا معبودهای ساختگی بهتر است) یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد و در میان آن، نهادهای آبی جاری و روان ساخت و برای زمین کوه های استوار و پابرجا ایجاد کرد و میان دو دریا مانعی قرار داد که با هم مخلوط نشوند.^۲ از همه مهم تر که به بحث مخاصمه و خاک پیوند می خورد این است که خداوند از فسادانگیزی در زمین نهی نموده و فرموده است:

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است».^۳

ممکن است در بدو امر چنین به نظر برسد که مراد از فساد، فساد اخلاقی است ولی با تأمل در آیات می توان چنین برداشت نمود که هر کار خارج از اعتدالی اعم از فساد اخلاقی یا تخریب خاک و استفاده بی رویه از محیط زیست نیز فساد محسوب می گردد. از منظر اسلامی نعمت خاک موجود در زمین بسیار ارزشمند است و طبعاً تخریب آن عمل ناشایستی است. قرآن کریم می فرماید:

«... سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می روید، سرزمین بدطینت و شوره زار، جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید...».^۴

۱. (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا). (زخرف: ۱۰)

۲. سوره نمل: آیه ۶۱.

۳. «و لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف، ۵۶).

۴. «الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف: ۵۸).

فصل چهارم: تحلیل قواعد و نظام اختصاصی حمایت از محیط‌زیست ... ♦ ۱۹۳

از دیگر آثار جنگ نابودی کشاورزی و مناطق حاصلخیز است. طبیعی است وقتی زمین با فاضلاب‌های مسموم شیمیایی و هسته‌ای آلوده شد، بدل به شوره‌زار می‌گردد که جز گیاه ناچیز از آن نمی‌روید. نبود امنیت منجر به عدم امکان استفاده بهینه از زمین‌های کشاورزی و معمولاً فرار کشاورزان می‌شود.

خاک، محل پوشاندن آلودگی‌های حاصل از کارهای آدمیان است و با موادی که در خود دارد با تبدیل زباله‌ها به کود، پس از مدتی در محل زباله‌دانی‌ها، پارک‌های جنگلی و آباد سر برمی‌آورد (نیک آبتین، ۱۳۷۸: ۳۱۶).

قرآن کریم بر سرسبزی و احیای زمین غایت دارد. و آن را از آیات قدرت خود می‌شمارد.

«و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغ‌های زیبا و سرور انگیز رویانیدیم و شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید آیا معبود دیگری جز خدا هست.»^۱

گرچه منشأ حیات است ولی محل رویش گیاهان و تغذیه حیوانات زمین است و بدون وجود خاک حاصلخیز چرخه طبیعت فلج می‌گردد.

اگر زمین نبود خیلی از قواعد زندگی به هم می‌خورد. زمین مادری مهربان برای انسان‌هاست؛ انسان‌ها را از انواع خوراکی‌ها بهره‌مند می‌نماید و زشتی‌ها و پلیدی‌های آنها را در خود پنهان می‌کند.

رسول خدا (ص) زمین را محل سجده خود می‌داند.

«جعلت الأرض لی مسجداً و طهوراً» (صحیح بخاری، ج ۱: ۹۲).

زمین برای من محل سجده و پاک و پاک‌کننده قرار داده شده است.

یعنی زمین هم خود پاک و محل سجده است و هم اشیای آلوده را پاک می‌کند.

رسول خدا (ص) در روایات دیگری امت خود را به سه ویژگی رد می‌نماید:

«فَضَّلْنَا عَلَى النَّاسِ بَثْلًا، جَعَلَتْ صُفُوفُنَا لَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَ جَعَلَتْ لَنَا الْأَرْضَ كُلَّهَا مَسْجِدًا وَ جَعَلَتْ تَرْتِبَهَا لَنَا طَهُورًا» (صحیح مسلم، ج ۱: ۳۷۱۲).

ما به سه خصوصیت بر دیگران فضیلت داده شده‌ایم: صفوف نمازگزاران ما مانند صفوف ملائکه است، زمین سجده‌گاه ماست، خاک زمین برای ما پاک و پاک‌کننده است.

۱. «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِلَّا هُوَ» (ق: ۱۱ - ۹).

باید گفت که جنگ می تواند برخلاف توصیه ها و تعالیم فوق باشد. برای نمونه در جنگ داخلی سوریه و عراق می توانیم براساس گزارش های منتشره موارد متعددی از تخریب خاک را شاهد باشیم. در سوریه و عراق با گذر نیروهای داعش از مسیرهای غیرمعمول در مانورها و تحرکات نظامی، تار و مار کردن کشاورزان و تعطیلی کشاورزی در مناطق مختلف، ویران کردن شهرها و پالایشگاه ها و صنایع شیمیایی و... آب و خاک و هوا، هرچه آلوده تر و منابع طبیعی هرچه ویران تر می شود (مختاری، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

براساس گزارش مؤسسه پکس که در زمینه تأثیر جنگ بر محیط زیست کشورها تحقیق می کند، «بخش های پهناوری از محیط زیست عراق نابود شده و مواد سمی به کاررفته در مهمات جنگی و ویرانه های ساختمان ها و همین طور انبوه زباله به عمق خاک نفوذ کرده و آب های زیرزمینی این کشور را به شدت آلوده ساخته است». بر اساس این گزارش حداقل ۲۵ سال طول خواهد کشید تا محیط زیست عراق بتواند تا اندازه ای خود را ترمیم کند. و تا آن زمان خاک و آب این کشور غیرقابل استفاده است. این مواد سمی می تواند سلامت انسان را به شدت مورد تهدید قرار دهد (مختاری، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

آلوده نمودن زمین نیز براساس تعالیم اسلامی ممنوع است. رسول خدا (ص) از آلوده کردن زمین چنین نهی می فرماید:

«کره البول علی شطّ نهر جار» (من لا یحضره الفقیه، ج ۳: ۵۵۷).

آلوده کردن سواحل و کناره آب های جاری ممنوع است.

امام سجاد (ع) مواضع زیر را برای کسی که آن اماکن را آلوده نماید، مواضع لعن می شمرد:

(الف) سواحل رودخانه ها؛ (ب) معابر عمومی؛ (ج) ورودی منازل؛ (د) زیر درختان میوه دار (همان: ۲۵-۳۲).

علاوه بر اینکه آلوده نمودن خاک از وجوه سلبی تعالیم اسلامی است. از منظر ایجابی نیز مسلمانان مکلف به حفاظت و احیای خاک های حاصلخیز شده است. برای مثال حکم به احیای اراضی موات شده است که این امر نیز دو جنبه دارد:

✓ جنبه اول: احیای اراضی از ابتدا رها شده و بی مالک که انسان ها تشویق شده اند آن زمین ها را احیا نمایند؛

✓ جنبهٔ دوم: احیای اراضی که مالک دارد و آن را رها کرده است، که در این صورت با شرایطی امر شده بنابر روایاتی، معصومان (ع) در این باره فرموده‌اند:

«أحي بلدك الطيب» (همان: ۵۵۷).

زمین موات محل زندگی‌ات را احیا کن!

«من كانت له أرض فليرزعها» (همان).

هر کسی زمینی دارد، باید آن را بکار و آباد نماید.

کشاورزی کاری بافضیلت شمرده شده است، چنان‌که شخصی خدمت امام صادق (ع) عرض کرد که من شنیده‌ام که کشاورزی کاری مکروه است. امام (ع) ضمن ردّ این سخن فرمودند:

«أزرعوا وأغرسوا فلا والله ما عمل الناس عملاً أحصل وأطيب منه والله ليزرعنّ الزرع واليغرسنّ الغرس بعد خروج الدجال» (تهذیب الاحکام، ج ۷: ۲۳۶).

کشاورزی و درختکاری نمایند که نه به خدا سوگند کاری حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست و رونق کشاورزی و درختکاری پس از خروج دجال است.

بنابر روایت فوق، استحباب کشاورزی و درختکاری فهمیده می‌شود.

چنان‌پیداست این استحباب برای زمان عادی است و گرنه در صورت لزوم این عمل جنبهٔ وجوبی می‌یابد.

بنابر روایت، در زمان ظهور امام زمان (عج) قدر و بهای زمین بیشتر مشخص می‌شود؛ زیرا:

یکم - عقل‌ها کامل‌تر می‌شود و کارهای بیهوده ترک می‌گردد؛

دوم - کشاورزی به دلیل رعایت امنیت کار بهتر ثمر می‌دهد؛

سوم - با کوتاه شدن دست تجاوزگران از محیط‌زیست، زمین با آمادگی بیشتری محصول می‌دهد.

نکته سوم این روایت بیانگر این است که مخاصمه و درگیری می‌تواند زمینه‌ساز تخریب خاک را فراهم نماید.

مبحث پنجم - هوا

گفتار اول - حقوق بین الملل بشردوستانه

از سال های دور در جنگ ها استفاده از گردوغبار آتش زا و گازهای سمی برای مقابله با دشمن استفاده می شد (شون، ۱۳۶۹: ۲). به کارگیری برخی از سلاح ها نظیر سلاح های شیمیایی و میکروبی می توانند آلودگی هوای شدیدی در محیط زیست ایجاد نماید. علاوه بر این آتش سوزی حاصل از استفاده از سلاح های سبک و سنگین می تواند منجر به انتشار آلاینده ها در سطح ملی و افزایش میزان گازهای گلخانه ای در سطح منطقه ای و بین المللی گردد.

در طول جنگ نفت و جنگ تحمیلی آتش زدن چاه های نفت منجر به ایجاد آلودگی هوای گسترده در منطقه دریایی خلیج فارس گردید. همچنین مخاصمه می تواند زمینه ساز گسترش انواع آلودگی هوا در منطقه گردد. برای مثال خشک شدن تالاب حورالعظیم در طول جنگ تحمیلی و قطع درختان نخل توسط عراق معمولاً یکی از زمینه های افزایش میزان آلودگی ریزگردها معرفی می گردد (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

در خلال قواعد حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه نیز قواعد عمومی حاکم بر ممنوعیت ورود خسارات شدید و گسترده و طولانی مدت بر محیط زیست ایجاد آلودگی هوای شدید و گسترده و طولانی مدت را ممنوع می نماید. بنابراین تمامی قواعد پیش گفته می توانند آلودگی هوا را نیز ذیل عنوان تخریب محیط زیست در خلال روش ها و ابزارهای جنگ در آورند. سلاح های آتش زا می توانند آلودگی هوای گسترده ای را ایجاد نمایند. سلاح هسته ای و حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک نظیر پالایشگاه ها می توانند آلودگی هوا ایجاد نماید که به موجب قواعد موجود حقوق بشردوستانه چنین اقداماتی ممنوع یا محدود شده اند.

علاوه بر این در مباحث قبلی دیدیم که یکی از حقوقی که در مورد اسرای جنگی براساس کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو و همچنین کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو در مورد رفتار با اسرا پیش بینی شده بود در مورد شرایط آب و هوایی و حق دسترسی به هوای آزاد برای اسرای جنگی بود. براساس ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۲۹ ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۴۹ اسرا باید از مناطق دارای هوای ناسالم و خطرناک به محل مناسب انتقال یابند و نباید اسرا را در مکان های دارای هوای ناسالم نگهداری نمود.

همچنین محل اسکان اسرا باید از لحاظ هوایی مناسب باشد و دسترسی به هوای آزاد برای آنها وجود داشته باشد (مواد ۲۵ و ۲۸ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۲۹).

گفتار دوم - حقوق بشر در دوستانه اسلامی

در جنگ‌هایی که در گذشته اتفاق می‌افتاد گستره آلودگی هوا چندان زیاد نبود. در متون مربوط نیز بیشتر می‌تواند قواعد آن را در بحث‌های مرتبط با القاء السم و ارسال النار یافت. در واقع آلودگی هوا می‌تواند در نتیجه تخریب محیط زیست در خلال جنگ‌ها حادث شود. با این حال در جنگ‌های حادث شده در جوامع اسلامی به ویژه منطقه خلیج فارس می‌توانیم این قبیل آلودگی را شاهد باشیم. در جنگ نفت آلودگی هوای شدید منطقه خلیج فارس و نیز استفاده از سلاح شیمیایی در حلبچه در جنگ تحمیلی از بارزترین مصادیق آن است. ذیلاً اشاره‌ای خواهیم داشت به اهمیت هوا در اسلام و منابع اسلامی و سپس به تحلیل این موضوع در حقوق جنگ از همین منظر خواهیم پرداخت.

الف) اهمیت هوا و باد از منظر اسلام

هوای پاک و توجه به باد و ارزش آن در طبیعت در آیات و روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. اهمیت شگرف هوا و بادهای گونه‌ای است که در برخی آیات چرخه حیات را وابسته به آن دانسته است. به نظر مفردات راغب، باد و هوا در حرکت است. «الريح معروف و هی فیما قبل الهواء المتحرك» (مفردات راغب: ۳۰۷). اگر هوا حالت وزش به خود بگیرد باد نامیده می‌شود و بخش مهمی از عناصر طبیعی و گونه‌های گیاهی، جریان آب، حرکت ابرها و تلطیف هوا و تلقیح گیاهان، انتقال زباله‌ها به مناطق پست و پوشاندن آنها کار باد است.

۱. آیات قرآن

از منظر قرآن کریم بادهای سفیر رحمت الهی برای نزول باران قلمداد شده است.^۱ بادهای موجب حرکت کشتی‌ها و به وجود آمدن امواج شمرده می‌شوند.^۲ در آیات دیگری بیان شده است که بادهای بارورکننده ابرها و زمین و درختان هستند.^۳

۱. سوره اعراف: آیه ۵۷.

۲. سوره یونس: آیه ۲۲.

۳. سوره کهف: آیه ۴۵.

بدیهی است که جریان باد و هوا که این قدر دارای اهمیت حیاتی است، مادامی که به دست بشر آلوده نگردند و با تخریب محیط زیست غیر قابل استفاده نگردند، این فواید عظیم را به دنبال دارند.^۱

از آنجا که باد، هوای متحرکی است که حالت وزش به خود می گیرد (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر المیزان، ج ۱۰: ۲۴)، هر جا از این دو یاد شود، بیش از یک چیز منظور نیست. این پدیده الهی فواید فراوانی در زندگی انسان دارد. حیات آدمی به اکسیژن حاصل از هواست. قرآن کریم در موارد فراوان از این پدیده طبیعی یاد می نماید، مانند آیه ۱۶۴ سوره بقره که آمده است:

«وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۲

در تغییر مسیر بادهای و ابرهایی که بین زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی برای اندیشمندان وجود دارد.

از منظر آیات الهی باد سفیر الهی شمرده شده است:

«هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ...»^۳

او کسی است که بادهای را بشارت دهنده، پیشاپیش رحمتش (باران) می فرستند... همچنین باد عامل ایجاد موج و حرکت در دریاست:

«هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ»^۴

او کسی است که شما را در دریا و خشکی سیر می دهد، زمانی که در کشتی هستید و این کشتی ها با وزش بادی خوشایند سرنشینان خود را حرکت می دهند. علاوه بر این باد عامل انتقال و اختلاط گیاهان شمرده شده است:

«...كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا»^۵

... مثل آبی که از آسمان فرستادیم تا موجب اختلاط گیاهان و پراکندگی آنان شود...

۱. سوره حجر: آیه ۲۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۶۴.

۳. سوره اعراف، آیه ۵۷.

۴. سوره یونس، آیه ۲۲.

۵. سوره کهف، آیه ۴۵.

بعضی آیات دیگر به نقش تلقیح و باروری باد بین گیاهان و پراکندگی آنان اشاره کرده‌اند:

همچنین بعید نیست که مراد از «سقف محفوظ» که در قرآن کریم از آن سخن گفته می‌شود، لایه ازن باشد که امروزه به علت آلودگی‌های جوی ایجاد شده در زمان صلح و جنگ در معرض کاهش و تخریب قرار دارد.

«وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا»^۱

و برای آسمان سقفی محفوظ قرار دادیم.

همه ما می‌دانیم که لایه ازن نقش‌های مهمی را ایفا می‌نماید: هم زمین را از ورود اشعه‌های مضر آفتاب دور می‌کند هم آن را از شهاب‌سنگ‌های آسمانی دور می‌دارد و هم اشعه ماورای بنفش خورشید را از زمین پس می‌زند.^۲ و هم مانع تبخیر قطرات آب‌های متصاعد به هوا می‌شود و نیز از خروج اکسژن موجود در هوا به خارج از جو زمین جلوگیری می‌کند.

بنابراین باید گفت که از منظر قرآن هوا عاملی حیاتی در زمین محسوب می‌شود و آلوده کردن و دستکاری در مسیر طبیعی آن اعم از اینکه در زمان صلح یا جنگ باشد، متناسب با نظام احسن مقرر در قرآن برای چرخه طبیعت نیست.

۲. روایات

در روایات متعددی نیز به اهمیت و نقش عامل هوا در زندگی جوامع انسانی اشاره شده است. در روایت بسیار مشهور منقول از امام علیه‌السلام زندگی بدون وجود عامل هوای پاک گوارا نیست. براساس این روایت:

«قال الصادق (ع) لا تطيب السكنى الا بثلاث «الهواء الطيب والماء الغزير العذب والارض النخواره» امام صادق (ع) فرمود: محیط‌زیست بدون سه عامل گوارا نیست هوای پاک، آب گوارا، زمین حاصلخیز (بحار الانوار، ج ۷۵، باب ۲۳: ۲۳۳).

۱. سوره انبیاء، آیه ۲۲.

۲. سوره انبیاء، آیه ۲۲.

همچنین امام صادق (ع) در کتاب توحید مفضل درباره اهمیت هوا در زندگی می‌فرمایند:

«و حسبک بهذا النسيم المسمى هواء عبرة و ما فيه من المصالح فإنه حيوۃ هذه الأبدان» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳: ۱۱۹).

ای مفضل از این نسیم که هوا نام گرفته و از سودمندی‌ها و مصلحت‌های نهفته در آن آگاه باش و بدان که همانا حیات بدن‌های موجودات زنده وابسته به آن است. حضرت در روایات دیگری می‌فرمایند:

«الريح او حبست أياماً لفست الأشياء جميعاً و تغیرت» (همان: ۱۵).

اگر این هوا چند روزی حبس شود، همه چیز فاسد و دگرگون می‌شود.

حضرت فواید دیگری برای هوا می‌شمرند، از جمله اینکه:

پیدایش فصول مختلف، بر اثر تغییر در دماست. گرما و سرما باعث دباغی بدن و پایداری آن است. تغییر دما اندک‌اندک است؛ اگر تغییر آنها به صورت ناگهانی باشد، باعث بیماری بدن‌ها می‌شود (توحید مفضل: ۱۳۸).
همچنین در این باره می‌فرمایند:

باد باعث خوش‌بویی اجسام است، باعث انتقال ابرها از جایی به جایی است تا سود آن به مردم برسد، باعث بارور شدن درختان است، حرکت کشتی‌ها و سرد شدن آب و خشک شدن رطوبت و لطافت غذا و زندگی اشیاء از آن است.

ب) هوا و قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی

همان‌گونه‌که در بحث از جنگ‌های جدید اشاره نمودیم، امروزه آلوده کردن هوا در جنگ‌ها از طریق جنگ‌افزارها مختلفی نظیر سلاح‌های شیمیایی و سمی و نیز سلاح‌های آتش‌زا در زمین و خشکی اتفاق می‌افتد، و گاه از سلاح‌هایی در جنگ‌ها استفاده می‌شود که با ایجاد آلودگی هوا خسارات گسترده‌ای بر محیط‌زیست انسانی و طبیعی بر جای می‌گذارد. از منظر قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی نیز می‌توان برخی از ابعاد این مسئله را به شرح ذیل تحلیل نمود.

فصل چهارم: تحلیل قواعد و نظام اختصاصی حمایت از محیط زیست ... ♦ ۲۰۱

۱. ایجاد آلودگی هوا از طریق ریختن سموم شیمیایی منع شده است و همان گونه که در بحث القاء السم اشاره نمودیم برخی از فقها نظر بر کراهت و برخی نظر بر حرمت این عمل داشتند. در روایات وارده هم گفتیم که امیرمؤمنان (ع) در این باره از رسول خدا (ص) نقل می فرماید که:

«نهی رسول الله أن یلقى السم فی بلاد المشرکین» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶: ۶۳). رسول خدا از انداختن سم در سرزمین شرک ورزان نهی فرمود.

۲. بحث دیگری که احکام آن را به تفصیل مورد بررسی قرار دادیم ایجاد آلودگی هوا در اثر استفاده از سلاح های آتش زا است. به نظر می رسد حکم گفته شده در مورد سلاح آتش زا در اینجا نیز صادق باشد. گفتیم که برخی از فقها استفاده از آتش را در جنگ مکروه دانسته و برخی دیگر حرام اعلام نموده اند مگر اینکه فتح جنگ منوط به آن باشد و البته اشاره شد که برخی از فقها نیز نظر بر نهی این اقدام به صورت مطلق داده اند (بنگرید به بحث سلاح های آتش زا در همین مجموعه).

بر آیند

حمایت از محیط‌زیست، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ روزبه‌روز ارزش و اهمیت بیشتری می‌یابد. در این میان قواعد حمایت از محیط‌زیست در حقوق بشردوستانه و اسلام به نظر می‌رسد همگرایی بسیار زیادی دارند. در منابع غنی اسلامی همواره حمایت از محیط‌زیست مورد توجه بوده و در آیات و روایت متعدد و احکامی که در این خصوص وضع شده است به وضوح می‌توان آن را دید. در این پژوهش نیز سعی گردید با تطبیق قواعد این دو حوزه و معرفی تفصیلی آنها جایگاه و اهمیت حفظ محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق محیط‌زیست در اسلام و حقوق بشردوستانه نشان داده شود. در نهایت به عنوان هوده‌های کلی می‌توان موارد ذیل را در این خصوص ذکر نمود:

۱. از عناصر محیط‌زیست می‌توان هم برای اهداف «صلح‌جویانه» و هم برای اهداف «خصمانه» سود جست. در واقع این ویژگی خشی عناصر محیط‌زیست در هنگام درگیری است. برای مثال منابع آبی می‌توانند هم عنوان سلاح استفاده شوند و هم به عنوان منبعی برای تأمین نیازهای اولیه انسان‌ها در خلال جنگ باشند. حقوق بشردوستانه زیست‌محیطی در تلاش است تا بتواند با شکل‌گیری و توسعه برخی از قواعد دولت‌ها را متعهد نماید تا از محیط‌زیست و عناصر آن تنها برای اهداف صلح‌جویانه بهره‌برداری نمایند. در حقوق اسلام نیز همان‌گونه که در مورد اهمیت و جایگاه حفظ محیط‌زیست برای تداوم جوامع انسانی و نگاه اخلاقی، عرفانی و الهیاتی به این مسئله در متون دینی، حقوق بشردوستانه اسلامی انسان‌ها و دولت‌ها را مکلف به رعایت و احترام به حفظ محیط‌زیست در خلال مخاصمات می‌نماید. در این میان ایجاد آسیب و رنج غیرضروری به محیط‌زیست ممنوع شده است. قاعده نفی اعتدا و لایقتل غیرمقاتل شاخص‌ترین این قواعد در حقوق بشردوستانه اسلامی در این زمینه هستند.

۲. یکی از آثار خطرناک وقوع جنگ‌ها نابودی محیط‌زیست است. جنگ‌ها می‌توانند در کوتاه‌مدت و بلندمدت آثار بسیار مخرب بر محیط‌زیست انسانی و طبیعی از خود بر جای گذارند. بنابراین جنگ و مخاصمه همواره با حفاظت از محیط‌زیست ناهمسو است. به‌نظر ما جنگ و درگیری نمی‌تواند برای حفظ محیط‌زیست یا به نفع محیط‌زیست صورت پذیرد. همچنان‌که اصل بیست و چهارم اعلامیه ریو بیان داشت است: «جنگ ذاتاً اثری مخرب و توسعه پایدار دارد». با این توضیح می‌توان دریافت که جنگ و حفظ محیط‌زیست نمی‌توانند در یک جای قرار گیرند.

۳. از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست آثار و پیامدهای یک جنگ تنها محدود به قلمرو سرزمینی مشخصی نیست. آلودگی محیط‌زیست مرزهای قراردادی میان کشورها را نمی‌شناسد. چه بسا تخریب و آلودگی ایجاد شده در یک منطقه جنگی منجر به وقوع خسارت در مناطقی دوردست شده یا باعث انتقال آلودگی مناطقی بسیار دوردست گردد. بنابراین ایراد خسارت به دیگری و به‌ویژه کسانی که در جنگ مشارکت ندارند ممنوع است.

۴. با توجه به اهمیت حفظ محیط‌زیست به‌ویژه در مخاصمات جدید و همچنین مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی وضعیت قواعد موجود حفاظت از محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه چندان کافی و کارآمد نیست. به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد نظام موجود ناتوان از حمایت مطلوب از محیط‌زیست است. این امر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه از نارسایی‌های متعددی رنج می‌برد. مخصوصاً نواقص پروتکل دوم الحاقی در زمینه قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه جای بحث بسیار زیادی دارد. در میان منابع اسلامی نیز هرچند قواعد و نظریات بسیار غنی و مناسبی در این زمینه وجود دارد، لیکن این امر چندان مورد توجه دولت‌های اسلامی نبوده و کارهای بسیار اندکی در معرفی آنها به جوامع و دولت‌های اسلامی صورت گرفته است. در این میان ترویج و معرفی برخی از این منابع و احکام و توصیه‌ها به حفظ محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه در میان جوامع اسلامی می‌تواند نقش بسیار مؤثر و مناسبی در حفظ محیط‌زیست ایفا نماید.

۵. بنابراین باید گفت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه هنوز توسعه مناسب و مطلوبی نیافته است. این قواعد بیشتر در خلال محدودیت‌های حاکم بر ابزارها و روش‌های جنگ تفسیر و اجرا می‌شوند.

- همچنین حمایت از محیط زیست به گونه‌ای غیرمستقیم در چهارچوب حمایت از حمایت از اموال و اشخاص غیرنظامی تفسیر می‌شود. لذا علی‌رغم تلاش‌های بسیار که در زمینه حمایت از محیط زیست و شکل‌گیری قواعد در این زمینه و در سال‌های اخیر انجام شده است، هنوز کاستی‌های بسیاری زیادی در این حوزه مشاهده می‌شود. آشکارترین کاستی را باید در نبود قواعد جامع و مستقیم به‌ویژه در زمینه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی اشاره نمود. در میان منابع اسلامی و تحقیقات انجام شده نیز توجه به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی بویژه آنچه که در عراق و سوریه می‌گذرد و توجه دولت‌های اسلامی درگیر در این قبیل جنگ‌ها بسیار حائز اهمیت است.
۶. انتظار آن است که کشورهای اسلامی تلاش‌های بیشتری را برای شکل‌گیری و توسعه قواعد و احکام شرعی در زمینه حمایت از محیط زیست در خلال مخاصمات به عمل آورند. این وضعیت در حالی خود را نشان می‌دهد که ظرفیت‌های بسیار مناسبی در حقوق اسلام برای شکل‌گیری و توسعه قواعد ناظر بر حمایت از محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه وجود دارد. امری که در این کتاب سعی گردید برخی از ظرفیت‌ها و مسائل آن معرفی گردند.
۷. به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که در آینده حقوق بشردوستانه توسعه می‌یابد توجه و تمرکز به ایجاد و توسعه قواعد و ابزارهایی است که منجر به حفاظت و حمایت مطلوب از محیط زیست در خلال مخاصمات می‌گردد. همچنین توجه به این امر در جوامع اسلامی به‌ویژه خاورمیانه اهمیت دوچندانی خواهد یافت.
۸. باید توجه نمود که امروزه با اهمیت یافتن مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، قواعد حقوق بشردوستانه اندکی در این زمینه وجود دارد. ماده ۳ مشترک همچنین پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به گونه‌ای غیرمستقیم و نارسا محیط زیست را مورد حمایت قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد تنها باید برای پر نمودن چنین نقصی از قواعد عمومی و عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در روابط میان دولت‌ها یاری جست. در حقوق بین‌الملل اسلامی با توجه به عدم تفکیک مخاصمات مسلحانه به داخلی و بین‌المللی، حقوق بشردوستانه و قواعد ناظر بر آن در اسلام می‌توانند نقش مهمی در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی واقع در کشورهای اسلامی عمل نمایند.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آسترکی، پیمان و مریم احدی، «بررسی مشخصات کلیدی کشته‌شدگان توسط انفجار مین‌های فراموش شده طی سال‌های ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۸۵ در استان ایلام»، سالنامه پژوهش علوم سلامت و نظامی، ش ۶، ۲۰۰۸.
۴. ابراهیم نیا، رضا، «اهمیت محیط‌زیست در ایران باستان»، مجله تاریخ‌پژوهی، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۲۲-۱۱۳.
۵. ابوبکر، سراج‌الدین، کتاب تقنین، چاپ لندن، ۱۹۵۲.
۶. آزاد بخت، بیتا، پورهاشمی، سید عباس و دیگران، «حفاظت حقوقی از محیط‌زیست در خلال مخاصمات مسلحانه با تأکید بر جنگ دوم خلیج فارس»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲.
۷. الهامی، داوود، «اخلاق و جنگ؛ اسلام و صلح»، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۹، شماره ۴، تیر ۱۳۷۸.
۸. بختیاری اصل، فربرز، حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۳۷۶.
۹. بری، جان، محیط‌زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، چ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. بنسون، جان، اخلاق محیط‌زیست، مجموعه مقالات و بررسی‌ها، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چ اول، ۱۳۸۲.

۱۱. بونفو، ادواردو، آشتی انسان با طبیعت، مترجم صلاح الدین محلاتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۱۲. بهنام زاده، الهام، «استراتژی ژئوپلیتیکی حملات شیمیایی و موازنه قوا در جنگ ایران و عراق»، نگین ایران، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، ش ۳۸، پاییز ۱۳۹۰.
۱۳. بوتکین، دانیل، شناخت محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲.
۱۴. پارسا، علی رضا، «محیط زیست و حقوق بشر»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، آذر و دی ماه ۱۳۷۷، شماره ۱۳۵-۱۳۶.
۱۵. پورمحمدی، شیما، «گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب»، فصلنامه ندای صادق، ش ۳۹، ۱۳۸۴.
۱۶. پورهاشمی سید عباس، بهاره ارغند، حقوق بین الملل محیط زیست، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۷. تاروی مرادی، احسان و محمد تقی فخرعلی، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، فصلنامه مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۷۱، ۱۳۸۵.
۱۸. تقی زاده ساروکلایی، اکرم، امین تقی زاده ساروکلایی، «تبیین جایگاه حشرات در جنگ های بیوتروریسم»، ششمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران با محوریت پدافند غیرعامل، ۲۰۱۳.
۱۹. جعفری، سید اصغر، «بررسی تطبیقی قواعد حاکم بر ممنوعیت برخی تسلیحات در کنوانسیون های بشردوستانه و اسلام»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی، انتشارات آستان قدس رضوی چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲۰. جعفری، محمد تقی، رساله فقهی، تهران، منشورات کرامت، ۱۴۱۹ ق.
۲۱. جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، جهاد در آینه روایات، دو جلد، انتشارات زمزم هدایت، قم، ایران، اول، ۱۴۲۸.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۲۳. —، مفاتیح الحیاة، نشر اسراء، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۱.
۲۴. حبیبی محمد حسن، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰.
۲۵. حسینی آزاد، سید علی و مهرداد محمدی، حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل، انتشارات پژوهش های حقوقی شهر دانش، چ اول، ۱۳۹۲.

۲۶. حجازی، سید علیرضا، «عصر مهدویت و حقوق محیط‌زیست»، فصلنامه انتظار، ش ۲۴، تابستان ۱۳۸۷.
۲۷. حرب‌زاده، محمود، «مبانی فقهی ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۹۲.
۲۸. حکمتی، فاطمه و علی مشهدی، «آثار سوء اقدامات نظامی آمریکا بر محیط‌زیست عراق و افغانستان»، دومین همایش ملی حفاظت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست، همدان، مرداد ۱۳۹۲.
۲۹. حمیدالله، محمد، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۰. راجرز، آنتونی، پل مالرب، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.
۳۱. رضایی، صالح، «رابطه ضرورت‌های نظامی و اصول بشردوستانه در حقوق مخاصمات مسلحانه؛ توازن یا تحدید»، فصلنامه نگین ایران، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۷.
۳۲. رضوانی کاشانی، علیرضا، فقه محیط‌زیست و بشردوستانه، کار تحقیقی درس بررسی تفصیلی برخی مسائل حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه مفید، ۱۳۹۴.
۳۳. زمانی، سید قاسم، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، نشریه حقوقی شهر دانش، ش ۱، تابستان ۸۱.
۳۴. زکی، ناظر حسین، «حمایت از محیط‌زیست در جنگ‌ها»، فصلنامه فرهنگ جهاد، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۲۷.
۳۵. سایت تبیان، «حیوانات نظامی در طول تاریخ جنگ‌های انسانی» قابل دسترس در: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=934&articleID=468726> (27.11.2016).
۳۶. سلیمانی سیف‌الدین، رضا، حقوق حیوانات در اسلام، انتشارات پرتو ولایت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۷. سیدو، کی اس، داوود علمایی، «تاریخ جنگ»، مجله نگین ایران، ش ۱۸، پاییز ۱۳۸۵.
۳۸. شافع، میرشهیز، «کاربرد سلاح هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۳۹. شاکراردکانی، سید اسماعیل، زمین مادر ماست؛ دستورات زیست‌محیطی در منابع دینی، انتشارات فرهنگ اهل البیت (ع)، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳.

۴۰. شاه، ملکم، حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه علی مشهدی و حسن خسروشاهی، انتشارات خرسندی، چ اول، ۱۳۹۲.
۴۱. شفیع مازندرانی، سید محمد، محیط زیست و طبیعت از منظر قرآن و سنت، انتشارات استاد مطهری، چ اول، ۱۳۸۶.
۴۲. شوون، پل، آلودگی هوا، ترجمه کریم کوشا، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹.
۴۳. صفایی حایری، عباس، تاریخ امیرالمومنین (ع)، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
۴۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ ۳۸، ۱۳۸۸.
۴۵. —، حقوق بین الملل بشردوستانه، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۴۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، نشر مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
۴۷. عزیزی عباس، «آلودگی رادیواکتیو حاصل از حمله هسته‌ای در منابع گیاهی»، مجله طب نظامی، ش ۵، ۱۳۸۲.
۴۸. عظیمی، علی محمد، «فقه حکومتی و محیط زیست»، ماهنامه معرفت، ش ۱۱، ۱۳۹۱.
۴۹. عظیمی شوشتری، عباسعلی، «جستاری کلی در مقررات بشردوستانه در فقه اسلامی»، در مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی، به کوشش غلامرضا جلالی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵۰. —، جنگ و صلح در اسلام، پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۵۱. عظیمی، مریم السادات، «حمایت از حق‌های زیست محیطی در خلال مخاصمات مسلحانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
۵۲. علیدوست، ابوالقاسم، «فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه»، حقوق اسلامی، ش ۳۸، پاییز ۱۳۹۲.
۵۳. فتحی واجارگاه، کوروش، محسن فرمهبینی فراهانی، دانش زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، ۱۳۸۲.
۵۴. فریدمن، بیل، بوم‌شناسی محیط زیست، ترجمه علیرضا کوچکی و محمد حسینی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چ اول، ۱۳۸۰.
۵۵. فقیه حبیبی، علی، «خسارات محیط زیست پس از جنگ ایران و عراق»، رساله دکتری، حقوق محیط زیست، دانشگاه آزادواحدعلوم و تحقیقات، ۱۳۹۲.

۵۶. فلسفی، هدایت‌الله، **صلح جاویدان و حکومت قانون**، انتشارات فرهنگ نشر نو، چ اول، ۱۳۹۰.
۵۷. فهیمی، عزیزاله و علی مشهدی، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست؛ از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوق»، **فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی**، دانشگاه قم، ش ۴۱، پاییز ۸۸.
۵۸. —، **اندیشه‌های حقوق محیط‌زیست**، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵۹. —، «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی»، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**، ش ۱، بهار ۱۳۹۰.
۶۰. فهیمی، عزیزاله، «فلسفه حقوق محیط‌زیست و آثار آن»، **مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی**، ش سوم، ۱۳۸۸.
۶۱. فیروزی، حسین، «حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قفه امامیه»، **مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی**، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۹۲.
۶۲. قربان‌نیا، ناصر، **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، ۱۳۸۷.
۶۳. کاپونترا، دانه آگوستو، **اصول حقوق و مدیریت آب**، ترجمه محسن عبدالهی و اصلی عباسی، انتشارات شهر دانش، چ اول، ۱۳۹۲.
۶۴. کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، **حقوق زیست محیطی بشر**، چ اول، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹.
۶۵. کرمی، علی، «روش‌های نوین تشخیص عوامل جنگ‌های بیولوژیک»، **مجله طب نظامی**، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
۶۶. کلانتری ارسنجانی، علی‌اکبر، «فقه شیعه و حقوق حیوانات»، **فصلنامه فقه**، ۱۳۸۱، شماره ۳۳.
۶۷. کزازی، مجتبی، «معرفی و بررسی مقدماتی کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد»، **مجله حقوقی**، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ش ۱۶، زمستان ۷۲.
۶۸. کعبه منوره محمد، «جنگ‌افزارهای بیولوژیک»، **اولین سمینار سراسری طب نظامی**، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
۶۹. لطفی، عبدالرضا، **نادر اخگری بناب و محمدرضا فقهی**، **تسلیمات کشتار جمعی از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه**، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چ اول، ۱۳۹۱.

۷۰. لطفی، عبدالرضا، نادر اخگری بناب و محمدرضا فقهی، حمایت از محیط‌زیست اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چ اول، ۱۳۸۹.
 ۷۱. محرابی کالی، فردین و محسن معصومی، «فیل در دوره سلاطین دهلی: اهمیت و کارکردها»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۹۲.
 ۷۲. محقق داماد، سید مصطفی، «فلسفه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ دیدگاه اسلامی»، در مجموعه مقالات اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، انتشارات میزان، چ اول، ۱۳۹۲.
 ۷۳. —، فقه محیط‌زیست، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی، ۱۳۹۳:
- Available at < <http://www.cgie.org.ir/fa/news/12402> >
۷۴. مختاری، مهسا، «نظام حقوقی حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی با تأکید بر وضعیت عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۴.
 ۷۵. مشهدی، علی و اسماعیل کشاورز، «تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط‌زیست سالم»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۱.
 ۷۶. مشهدی، علی، «بررسی حقوقی افزایش پدیده ریزگردها در ایران و کشورهای همسایه»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ش ۵، ۱۳۸۸.
 ۷۷. —، «تحول حق بر محیط‌زیست در حقوق عمومی؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه»، پایان‌نامه دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹.
 ۷۸. —، ترمینولوژی حقوق محیط‌زیست، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
 ۷۹. —، حق بر محیط‌زیست سالم، انتشارات میزان، چ اول، ۱۳۹۲.
 ۸۰. مصطفوی، سید کاظم، قواعد فقه ۲؛ پنجاه قاعده فقهی، ترجمه عزیزاله فهیمی، انتشارات میزان، چ اول، ۱۳۹۲.
 ۸۱. مفضل بن عمر، توحید مفضل، ترجمه نجفعلی میرزایی، نشر هجرت، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
 ۸۲. مقیمی، ابوالقاسم، «حقوق حیوانات در فقه اسلامی»، فقه اهل بیت، ش ۴۸، ۱۳۸۵.
 ۸۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تمام جلد‌ها، طهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
 ۸۴. موسوی زنوز، موسی، «نقدی بر حقوق جنگ و صلح در اندیشه هوگو گرسیوس»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ش ۱، بهار ۱۳۹۴.

۸۵. میردیده، عاطفه، حقوق بین الملل حفاظت از جنگل‌ها، انتشارات خرسندی، چ اول، ۱۳۹۴.
۸۶. نائینی، علیرضا، ربانی، محمد، «حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشور، سال هفتم، دانشگاه شاهد، ۱۳۷۸.
۸۷. نگوین کوک دین، پاتریک دیه و آلن پله، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات اطلاعات، چ اول، ج اول، ۱۳۸۲.
۸۸. نیک آبتین، مهناز، سید حسین میرهندی، «منزلت آب و خاک از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط‌زیست، ۱۳۷۸.
۸۹. هدایتی، زهرا، سلاح‌های شیمیایی از منظر تخریب محیط‌زیست و حقوق بشردوستانه، درس بررسی تفصیلی برخی مسائل حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه مفید، ۱۳۹۴.
۹۰. هنکرتز، ژان ماری و دیگران، حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۹۱. یان داربی شر، تحولات سیاسی در فرانسه؛ از ژیسکاردستن تا فرانسوا میتران، ترجمه ناصر موفقیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹.
۹۲. یزدی، ابوالقاسم، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۹۳. یوسف‌وند، محمود، «مبانی به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و حقوق بشردوستانه محیط‌زیست»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، انتشارات آستان قدس رضوی چاپ اول، ۱۳۹۲.
۹۴. —، «ادله فقهی منع به‌کارگیری سلاح هسته‌ای با رویکرد حقوق بشر دوستانه محیط‌زیست»، مجله حقوق اسلامی، ش ۳۸، پاییز ۱۳۹۲.
۹۵. یوسفی‌راد، مرتضی، «مبانی فلسفی حقوق بشردوستانه در اسلام»، در مجموعه مقالات اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، انتشارات میزان، چ اول، ۱۳۹۲.
۹۶. نظری توکلی، سعید، حقوق حیوانات؛ قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام، انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۸۸.

ب) عربی

۹۷. ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، نشر سیدالشهدا، قم، ۱۴۰۵.
۹۸. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان، سوریه، اول، ۱۴۱۲ ه. ق.

۹۹. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، در دو مجلد، تحقیق سید جلال الدین حسینی، دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۷۱ قمری.
۱۰۰. حائری، سید علی بن محمد طباطبائی، ریاض المسائل، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ ه ق
۱۰۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل بيت، ج ۱۵، قم، ۱۴۱۶.
۱۰۲. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه البیئه، مؤسسه الوعي الاسلامی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰.
۱۰۳. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیة، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، قم. ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۰۴. حلی، ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد، (ابن ادریس)، السرائر، نشر جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ه. ق.
۱۰۵. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ ه ق
۱۰۶. _____، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ه ق
۱۰۷. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴ ه ق
۱۰۸. حلی، نجم الدین جعفر، ایضاح مفردات الشرائع، نشر کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ج ۱، ۲۴۴.
۱۰۹. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، موسسه نشر وتنظیم آثار امام خمینی. ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۱۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، ج ۳، ۱۴۰۷ ه. ق.
۱۱۱. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، ج ۴، دارالشروق، ۱۴۱۲، بیروت.
۱۱۲. سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، مکتبه آیت الله سیستانی، قم، ۱۴۱۶.
۱۱۳. شمس الدین، محمد بن شجاع القطان، معالم الدین فی فقه آل یاسین، دو جلدی، موسسه امام صادق(ع)، قم، ۱۴۲۴ ق
۱۱۴. شوشتری، محمد تقی، النجعه فی شرح اللمعہ الدمشقیه، در ۱۱ مجلد، تهران، کتبه الصدوق، ۱۴۰۶. ق.
۱۱۵. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، دارالحديث، چ اول، ۱۴۱۳.
۱۱۶. شهید ثانی، زین الدین ابن علی، مسالک الافهام، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳.
۱۱۷. صدر، سید محمد باقر، بحوث فی شرح العروه الوثقی، جلد سوم و چهارم، مجمع الشهد آیت الله الصدر العلمی. ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۱۸. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه. ق.

١١٩. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ج ٦، بيروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، ١٤٠٨.
١٢٠. طرابلسى، ابن براج، قاضى، عبد العزيز، المذهب (لابن البراج)، جلد يك، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چ اول، ١٤٠٦ (باب جهاد العدو).
١٢١. طوسى، ابوجعفر، نهايه الاحكام، انتشارات قدس محمدى، قم، بى تا.
١٢٢. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، ج ١، بيروت، احياء التراث العربى، بى تا.
١٢٣. عاملى، زين الدين ابن على (شهيد ثانى)، مسالك الافهام، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم بى تا.
١٢٤. عاملى، سيد محمد جواد، مفتاح الكرامه فى شرح القواعد علامه، تحقيق محمد باقر مجلسى، الطبعة الاولى، مؤسسه النشر الاسلامى. ١٤١٩ هـ. ق.
١٢٥. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهيّة فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر)، ١٠ جلد، كتابفروشى داورى، قم، ايران، اول، ١٤١٠ هـ ق
١٢٦. —، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ١٥ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم - ايران، اول، ١٤١٣ هـ ق.
١٢٧. عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين، جامع المقاصد فى شرح القواعد، ١٣ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، دوم، ١٤١٤ هـ ق
١٢٨. عبدالباقى، محمد جواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن كريم، بيروت: دارالاحياء، ١٩٩٠.
١٢٩. عميد الدين بن محمد، كنز الفوائد فى حل مشكلات القواعد، ٣ جلد، دفتر انتشارات اسلامى، قم، ١٤١٦ ق
١٣٠. فخررازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، چاپ سوم، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٢٠ ق.
١٣١. فيض الاسلام، نهج البلاغه، مشهد، ١٣٧٣.
١٣٢. فيض كاشانى، محمد محسن ابن شاه مرتضى؛ الوافى، كتابخانه امام امير المؤمنين على عليه السلام، اصفهان، ١٤٠٦ هـ ق: اول.
١٣٣. قرشى، سيد على اكبر، قاموس قرآن، ٧ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، ششم، ١٤١٢ هـ ق
١٣٤. قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤ ش.
١٣٥. قطايب بن يونس، قاسم العيد، عبدالقادر، آليات القانون الدولى الإنسانى لحماية البيئة أثناء النزاعات المسلحة، الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية، كلية الحقوق و العلوم السياسية، ٢٠١٣.

۱۳۶. کاشانی، فیض، محمد حسن بن شاه مرتضی، النخبه فی الحکمه العلمیه و الاحکام الشریعه، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چ اول، ۱۴۱۸.ق.
۱۳۷. کرکی، علی ابن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۱۳۸. کلینی، محمد و یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ هجری قمری.
۱۳۹. کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات - الأشعثیات، در یک جلد، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران - ایران، اول، بی تا
۱۴۰. مبلغی، احمد، قواعد فقه البیئه، رساله التقریب، ۱۴۳۱.
۱۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، نشر داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۷۵.
۱۴۲. محمد بن احمد الانصاری القرطبی، الجامع الحکام القرآن، مؤسسه التاریخ العربی، ج ۳، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۴۳. محمد بن حسن ابن علی، (شیخ حر عاملی)، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت، ج ۵، باب ۸، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۴۴. مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۳۸۵ ه.ق.
۱۴۵. مکرم بن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۷م.
۱۴۶. ملیجی، احمد عبدالعزیز، «الفساد البیئی برأ، بحرأ و جوأ»، من أبحاث المؤتمر العالمی العاشر للإعجاز العلمی فی القرآن والسنة بترکیا ۱۴۳۲هـ - ۲۰۱۱م.
۱۴۷. موسوی الخوی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، تقریر محمد علی توحیدی، انصاریان، ۷ مجلد، چاپ چهارم. ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۴۸. میانجی، علی احمدی، الأسیر فی الإسلام، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱ ه. ق
۱۴۹. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی مسائل الحل والحرام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، بی تا.
۱۵۰. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴.
۱۵۱. نوح معابره، هارون، البیئه فی ضوء القرآن الکریم، المجله الاردنیه فی دراسات الاسلامیه، مجلد ۱۰، ۱۴۳۵ ه.ق
۱۵۲. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۵۳. نووی، ابو زکریا، شرح النووی علی المسلم، دار الخیر، ۱۴۱۶.

١٥٤. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٢، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت - لبنان، اول، ١٤١٤ ه ق.
١٥٥. وجدانی فخر، قدرت الله، الجواهر الفخرية فی شرح الروضة البهية، ١٦ جلد، انتشارات سماء قلم، قم - ایران، دوم، ١٤٢٦ ه ق

(ج) لاتین

156. Bocquet, Denis / Frioux, Stéphane (2009): L'histoire environnementale comme histoire sociale. In : Revue européenne d'histoire sociale, no. 27., pp. 10-89.
157. Boubakeur, Dalil (2001): L'Islam et l'environnement, G8 Conference, Triest – Italy, 2 March 2001.
158. Bugnion, François (2001) : Droit de Genève et droit de La Haye. In : Revue Internationale de la Croix-Rouge/International Review of the Red Cross vol. 83, no. 844, pp. 901-922.
159. Bugnion, François (2008): Le droit international humanitaire coutumier et les conflits armés non internationaux. Droit international humanitaire coutumier: enjeux et défis contemporains, Bruylant, Bruxelles .
160. Cans, Chantal / Billet, Philippe (2008): Code de l'environnement, 11th edn, Dalloz, Paris .
161. Coursier, Henri (1955): Définition du droit humanitaire. In: Annuaire français de droit international vol. 1, no. 1, pp. 223-227.
162. de Benoist, Alain (1993): La nature et sa « valeur intrinsèque ». Online: https://s3-eu-west-1.amazonaws.com/alaindebnoist/pdf/la_nature_et_sa_valeur_intrinseque.pdf (27.11.2016).
163. Delord, Julien (2008): La recherche écologique à l'épreuve de la philosophie de l'environnement. In : Reveu Labyrinthe-Atelier interdisciplinaire 30, Online: <http://labyrinthe.revues.org/3773> (27.11.2016).
164. Dictionnaire de la langue français (2004), Larrouse.
165. Gourde, Karine (2010): Le droit à un environnement de qualité au Québec: une réponse aux problèmes de pollution diffuse?, Université de Montréal,

- Faculté de droit, Montréal, Online: https://papyrus.bib.umontreal.ca/jspui/bitstream/1866/4794/2/Gourde_Karine_2010_memoire.pdf (27.11.2016).
166. Kiss, Alexandre / Beurier, Jean-Pierre (2004): Droit international de l'environnement, 3rd edn, Pedone, Paris.
 167. Kiss, Alexandre / Shelton Dinah (1997): Manual of European Environmental Law, Cambridge University Press, Cambridge.
 168. Massard-Guilbaud, Geneviève (2009): Histoire sociale de la pollution industrielle, 1789-1914, Ehess éditions, Paris.
 169. Mumtāz, Jamshīd (2001): Le droit international humanitaire applicable aux conflits armés non internationaux, MartinusNijhoff, The Hague/Boston/London 2001.
 170. Nahlik, Stanislaw (1978): Droit «de Genève» et Droit «de La Haye»: Unité ou dualité? In : Annuaire français de droit international, vol 24, no. 1, pp. 9-27.
 171. Naim-Gesbert, Eric (1999): Les dimensions scientifiques du droit de l'environnement, V.U.B. Press et Bruylant, Bruxelles.
 172. Prieur, Michel (2001): Droit de l'environnement, 4th edn, Dalloz, Paris.
 173. Roche, Catherine (2006): Droit de l'environnement, 2nd edn, Gualino Editeur, Paris.
 174. Vité, Sylvain (2009): Typologie des conflits armés en droit international humanitaire: concepts juridiques et réalités. In: Revue Internationale de la Croix-Rouge, vol. 91, no. 873, Online: <https://www.icrc.org/fre/assets/files/other/irrc-873-vite-fre.pdf> (27.11.2016).
 175. Wilkinson, David (2002): Environment and Law, Routledge, New York.
 176. Wyman, Bruce C. / Stevenson, L. Harold (2007): The Facts on File Dictionary of Environmental Science, 3rd edn, Facts On File Inc., New York.

Protection of the Environment in Armed Conflict

**From the Perspective of Islam
and International Humanitarian Law**

A. MSHHADI

Associate Professor, Public law, Qom University

A. FAHIMI

Assistant Professor, Privat law, Qom University

